

فهرست مطالب

تحلیل نقش جمهوری اسلامی ایران در شکست گروه تروریستی داعش بر اساس رهیافت محور مقاومت	۷
اعتبار یابی کتب دین و زندگی دوره دوم متوسطه بر اساس شاخص‌هایی مکتب تربیتی شهید حاج قاسم سلیمانی	۳۱
منابع	۴۷
تبیین سیاست خارجی ترکیه در قبال منازعه حماس - رژیم صهیونیستی (در سال ۲۰۲۳)	۵۱
واکاوی رفتارهای جمعی جماعت داعش بر اساس نظریه آگ برن و نیم‌کوف	۷۳
بازتاب بیداری اسلامی در اشعار مصطفی صادق رافعی	۹۳
الگوی رفتاری جنبش‌های اسلامی شیعیان در عراق معاصر؛ همجواری یا شکاف	۱۱۵

تحلیل نقش جمهوری اسلامی ایران در شکست گروه تروریستی داعش بر اساس رهیافت محور مقاومت

ترجمان، فریبا*
استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

دلیرپور، پرویز*
استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی و تحلیل نقش جمهوری اسلامی ایران در شکست گروه تروریستی داعش است. (هدف) در این پژوهش با بهره‌گیری از روش رهیافت محور و تلفیق آن را با روش کمی به بررسی چگونگی ایفای نقش ایران در شکست گروه تروریستی داعش پرداختیم (روش) در قالب روش مذکور ابتدا به بررسی عوامل موثر در ایفای نقش ایران در ارتباط با شکست داعش پرداختیم، سپس با استفاده از نمونه‌گیری غیر تصادفی ۳۰ مورد از خبرگان دانشگاهی انتخاب و یافته‌های این بررسی در قالب پرسشنامه به آنها ارائه و داده‌های استخراج شده در نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. بررسی و تحلیل داده‌های به دست آمده نشان داد ایران با اتخاذ راهبردهایی چون ائتلاف با دولت‌ها و گروه‌های مختلف سیاسی و مذهبی، ارتباط بیشتر با اقلیم کردستان عراق، بهره‌گیری از نیروهای کارآمد نظامی_ امنیتی عراق و سوریه، ساماندهی نیروهای مردمی و شبه نظامی شیعه توانسته است نقشی کلیدی در مقابله با داعش ایفا نماید از سوی دیگر در چارچوب رهیافت محورمقاومت نیز تهدید هویتی و فیزیکی داعش علیه منافع حیاتی جمهوری اسلامی ایران در تحلیل چرایی رفتار سیاستگذاران جمهوری اسلامی و اقدام و تلاش آنها برای مقابله با این گروه تروریستی نقش موثری داشته است. (یافته‌ها)

کلیدواژه‌ها: جمهوری اسلامی ایران، داعش، محور مقاومت، هویت

دریافت: ۱۴۰۲-۰۶-۱۹

پذیرش: ۱۴۰۲-۰۹-۱۳

* نویسنده مسئول: tarjoman_fariba@pnu.ac.ir

صفحات مقاله: ۰۷-۲۹

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران دارای پیامدهای شگرفی در سطح منطقه و جهان است و از این رهگذر، گفتمان مقاومت نیز به مفهوم مقابله با نظام سلطه و صهیونیسم بین الملل وارد ادبیات علوم سیاسی و بین الملل گردید و تلاش جمهوری اسلامی ایران در مسیر افق راهبردی مقاومت فعال، آوردن مردم منطقه از حاشیه به متن سیاست‌های منطقه‌ای با همکاری دولت‌های همسوی به منظور ایجاد ترتیبات و نظم منطقه‌ای مطلوب بوده است. تا آنجا که، حاشیه امن نظام سلطه که متشکل از صهیونیسم، حکام مستبد و نیروهای تروریستی می‌باشد را به نفع مردمان منطقه دگرگون و سامان بخشیده است (دادرویش، ۱۴۰۰). از این منظر، وجوهات دوگانه سلبی و ایجابی در محور مقاومت وجود دارد. در مرکز بعد سلبی گفتمان مقاومت، سلطه ستیزی قرار دارد. یعنی مهمترین عنصر سلبی گفتمان مقاومت، نفی سلطه و سلطه ستیزی است و دوم، نفی استکبار و استبداد ستیزی است. اما مهمترین وجوه اثباتی و ایجابی گفتمان مقاومت عبارت است از عدالت‌خواهی و حق‌طلبی، اسلام خواهی، صلح طلبی، عزت طلبی و اقتدار، استقلال طلبی، آزادیخواهی، معنویت‌گرایی. در این رابطه، دشمنان محور مقاومت اسلامی هر گروه و کشوری هستند که در ضدیت با محور مقاومت اسلامی موضع گرفته و عمل می‌کند که می‌توان به داعش، القاعده، دیگر گروههای تکفیری، عربستان سعودی و حامیان منطقه‌ای آن، رژیم صهیونیستی اسرائیل، آمریکا اشاره کرد (رنجبرمحمدی و همکاران، ۱۳۹۹: ۹۹)

در نظریه گفتمان مقاومت (اسلامی) فرض بر آن است که گفتمان مدرنیزاسیون، برخی از نیروهای اجتماعی را در جوامع اسلامی به حاشیه رانده یا سرکوب کرده است و همین نیروهای اجتماعی سرکوب شده با تولید دانش و صورت‌بندی معرفت معترض در برابر هژمونی گفتمان غالب مقاومت می‌کنند اسلام سیاسی، روایتی است که این نیروهای اجتماعی سرکوب شده از اسلام به دست می‌دهند که نمود عملیاتی این نظریه در غرب آسیا، محور مقاومت اسلامی محسوب می‌شود (ترابی اقدم و بختیاری، ۱۴۰۱: ۱۳۴). از این منظر، در چهره پسامدرنیستی قدرت که در افکار اندیشمندانی چون فوکو مشهود است، تأکید بر همزیستی قدرت و مقاومت است و قدرت به تنهایی مفهومی ندارد و شرط وجود قدرت، داشتن رابطه مستمر با مبارزه مقاومت و آزادی است (گودرزی طاقانکی، ۱۳۹۹: ۳۰۲)

محور مقاومت، یک ائتلاف ژئوپولیتیک منطقه‌ای و دارای منافع مشترک ملی و ایدئولوژیک می‌باشند (بصیری و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱). در واقع، مجموعه‌ای از واحدهای سیاسی - فضایی و گروه‌های نیابتی است و کشورهای ایران، سوریه، فلسطین و عراق به عنوان کشورهای حوزه مقاومت و حزب‌الله لبنان، حشدالشعبی عراق، فاطمیان افغانستان، زینیون پاکستان، حسینیون آذربایجان و انصارالله یمن به عنوان کشندگان اصلی محور مقاومت به شمار می‌روند (بختیاری و همکاران، ۱۴۰۲: ۶). با این وجود، ایران در مجموعه

امنیتی و فرهنگی محور مقاومت که قائل به تبدیل شدن به بلوک اقتصادی است، بازیگر کانونی تلقی می‌شود. آنچه محور مقاومت خوانده می‌شود، انعکاس هویت برآمده از انقلاب اسلامی ایران در جهان خارج است (ترابی اقدم و بختیاری، ۱۴۰۱: ۱۳۵).

مقاومت از نظر امام خمینی (ره) و نظام اسلامی که اکنون پرچمدار آن مقام معظم رهبری هستند، دارای مبانی دینی، قرآنی و اسلامی است. در واقع رفتن به سمت مقاومت، امتثال امر الهی است. بدین منظور که براساس دستور الهی باید به سمت مقاومت حرکت کرد؛ چراکه همه ادیان آسمانی و تمام پیامبران، یک پیام واحد برای بشر دارند و آن این است که انسانها باید خدا را بندگی کرده و از طاغوت اجتناب کنند (قاسمی، ۱۳۹۷: ۱۶-۱۷). تا آنجا که، هدف غایی مقاومت، استقلال و برپایی نظام اسلامی با تکیه بر جهان بینی دینی بوده که هسته مرکزی مقاومت انقلاب اسلامی است. مقاومت از نظر اسلام امری دائمی است و برای رسیدن به هدف باید صبر و استقامت کرد تا به آن دست یافت. در نتیجه مقاومت اسلامی در برابر ظلم تجاوز و اشغالگری دین سلطه استکبار و متحدان آنها شکل گرفته و هدفش حفظ حقوق دفع ثم، رفع اشغال، حفظ استقلال، جلوگیری از سلطه و حفظ دارانی ها مطابق آموزه‌ها و احکام دین می‌باشد (باقری نژاد و قاسمی، ۱۴۰۰: ۱۱۶)

چنین می‌نماید که یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سمت‌گیری و عمل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در برابر داعش، حفظ و تقویت جبهه مقاومت بوده است. از این رو، سیاست خارجی جمهوری اسلامی را می‌بایست در قالب ارزش‌ها، اعتقادات و پیشینه تاریخی با کشورهای محور مقاومت و در قالب هویت اسلامی مورد واکاوی قرار داد. لذا جمهوری اسلامی ایران با درک تهدیدات احصا شده، راهبردهایی را برای مقابله و شکست گروه تروریستی داعش ترسیم کرده است.

پیشینه تحقیق

تاکنون پژوهش‌هایی که بتوانند کیفیت تصمیم‌گیری جمهوری اسلامی ایران را با محوریت مقاومت بر علیه داعش مورد بررسی قرار دهند، وجود ندارد. اما می‌توان به مقالاتی اشاره داشت از منظرهای متفاوت نسبت به محور مقاومت و مسئله فلسطین پرداخته‌اند که در ذیل به آنها اشاره خواهد شد.

مطالعات فارسی

رنجبرمحمدی و همکاران (۱۳۹۹)؛ در مقاله‌ای با عنوان «مؤلفه‌های قدرت هوشمند آیت‌الله خامنه‌ای در قبال دشمنان محور مقاومت اسلامی»، اعتقاد دارند که یکی از عرصه‌های راهبردی سیاست خارجی جمهوری اسلامی، تقویت و افزایش نقش و تأثیر محور مقاومت اسلامی در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است. اتخاذ چنین سیاستی باعث ایجاد لطمه به منافع برخی از واحدهای سیاسی شده که با سیاست‌های جمهوری اسلامی در عرصه سیاست خارجی دشمنی دارند و در این میان، آیت‌الله خامنه‌ای در جایگاه تعیین‌کننده

راهبرد سیاست خارجی نظام، نسبت به نحوه مواجهه با دشمنان محور مقاومت اسلامی محسوب می‌شوند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که آیت‌الله خامنه‌ای براساس الگوی قدرت هوشمند، از مهارت‌های سبک رهبری تراکنشی و الهام‌بخش در مقابله با دشمنان محور مقاومت اسلامی بهره گرفته است. به طوری که ایشان، هر دو بعد قدرت نرم و سخت را در اتخاذ راهبردها و سیاست‌ها نسبت به دشمنان محور مقاومت اسلامی مدنظر قرار داده‌اند و هم‌زمانی استفاده از مؤلفه‌های نرم و سخت قدرت در سیاست‌های راهبردی آیت‌الله خامنه‌ای، به موفقیت و افزایش قدرت این محور انجامیده است.

قاسمی (۱۳۹۷)؛ در پژوهشی با عنوان «ژئوپلیتیک محور مقاومت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران براساس گفتمان انقلاب اسلامی» معتقد بود، گفتمان انقلاب اسلامی ایران، اثری انکارناپذیر بر دیگر مناطق دنیا و نیز جنبش‌های اسلامی داشته است و «ژئوپلیتیک محور مقاومت» پس از پیروزی انقلاب اسلامی با تعریف گفتمان جدید در مقابل اهداف و برنامه‌های غرب، ایالات متحده و استکبار جهانی با نقش محوری و رهبری ایران تعریف می‌شود. در مقاله حاضر، اثبات این فرضیه از طریق تحلیل گفتمان به مثابه روش و تحلیل نظری استفاده شده است و در پی نشان دادن تأثیر انقلاب اسلامی بر قوت و گسترش محور مقاومت در منطقه برای رهایی از استکبار بوده است. به طوری که، اثبات نقش و تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی و اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) بر نهضت‌های اسلامی در ترسیم آینده محور مقاومت از نتایجی است که این مقاله بدان دست یافته است.

مطالعات خارجی

اوده^۱ (2022)؛ در مقاله‌ای با عنوان «محور مقاومت و امپریالیسم در غرب آسیا» معتقد بود که محور مقاومت در مرکز مبارزه فلسطینیان برای آزادی در برابر شهرک نشینان استعماری (صهیونیستی) است. در این ژئوپولیتیک، فلسطین، رهبری مبارزه با امپریالیسم در غرب آسیا را بر عهده دارد که می‌تواند تأثیرات منطقه‌ای و جهانی به خود گیرد. در این رابطه، غرب آسیا (و شمال آفریقا) منطقه‌ای است که همواره رقابت و خصومت بین بازیگران دولتی و غیردولتی منطقه‌ای و جهانی وجود دارد و با توجه به پیوند ارگانیک میان آمریکا و رژیم صهیونیستی، نوع کنشگری فلسطین می‌تواند هژمونی گری آمریکا را با چالش مواجه کند. به طوری که، جنبش آزادیبخش فلسطین می‌تواند با تنظیم روابط تاکتیکی و راهبردی خود، برای حفظ اتحاد جهانی در مخالفت با هژمونی ایالات متحده اقدام کند. موضوعی که سبب افزایش فشار بر فلسطین از طریق دسیسه‌های شهرک نشین- استعماری رژیم صهیونیستی گردیده است.

^۱ Aoudé.

بیوک^۱ (2020)؛ در مقاله‌ای تحت عنوان «بحرین و محور مقاومت: پیامدهای ژئوپلیتیکی برای ایران» اعتقاد داشت که در اواخر سال ۲۰۱۰ و اوایل سال ۲۰۱۱، کشورهای اسلامی عرب در خاورمیانه و شمال آفریقا دستخوش تحولاتی شدند که از دید ناظران جهانی غیرقابل پیش بینی و تکان دهنده بودند. در این رابطه، بحرین شاهد اعتراضات مردمی علیه حکومت آل خلیفه بود که به مثابه آغاز ژئوپلیتیک مقاومت تلقی شده اس. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که قرار گرفتن در خط انتقال انرژی و نزدیکی به منابع انرژی، موقعیت جزیره و ارزش استراتژیک این کشور، پنجمین ناوگان آمریکایی مستقر در خلیج فارس و همسایگی آن با عربستان، عواقب منفی برای ایران داشته است.

تفاوتی که مقاله پیش‌رو با پژوهش‌های فوق دارد، در این است که محور مقاومت اصل اساسی در نظام تصمیم‌گیری جمهوری اسلامی ایران در عرصه سیاست خارجی محسوب می‌شود و بر این اساس، جهت دفع دشمن و تقویت محور مقاومت، راهبردهایی را به منظور شکست گروه تروریستی داعش ترسیم کرده است که تا پیش از این به آن پرداخته نشده است.

۳- فهم تهدیدات داعش بر علیه جمهوری اسلامی ایران

داعش به عنوان بخشی از القاعده در عراق در پاسخ به حمله ایالات متحده در سال ۲۰۰۳، با هدف ایجاد دولت اسلامی سنی تأسیس شد. در واقع، دخالت نظامی آمریکا در عراق زمینه‌ساز ایجاد شرایط برای ظهور داعش بوده است (نایر^۲، ۲۰۱۶: ۵۶). با توجه به این موضوع و خصلت فراسرزمینی و فرامرزی وجوهای ارزشی و باورهای اصلی تشکیل دهنده هویت جمهوری اسلامی ایران، این ویژگی‌ها نیز می‌توانند مورد تهدید مستقیم از خارج از مرزهای ایران واقع شوند. نوع نگاه و اقدامات گروه تروریستی داعش سبب گردید تا وضعیت منطقه خاورمیانه به سمتی سوق پیدا کند که از منظر جمهوری اسلامی ایران، تهدیدی بر علیه ارزشهای اصلی و متعاقب آن هویت و امنیت ملی تلقی شده است. به طور کل، ظهور و گسترش داعش، چالش‌های هویتی و ارزشی مهمی را علیه منافع ملی جمهوری اسلامی ایران وارد کرد که در ذیل اشاره می‌شود:

۳-۱- نگاه ضد شیعی داعش نسبت به شیعیان و جمهوری اسلامی ایران

یکی از الزامات هویتی جمهوری اسلامی ایران، آموزه‌های اسلامی- شیعی برگرفته از هویت ملی ایرانیان، صبغه تاریخی و انقلاب اسلامی است. با حمله داعش به عراق موجی از فرقه‌گرایی و تفرقه شکل گرفت. به نظر می‌رسد، بر اساس نظام اعتقادی داعش، هدف اصلی شیعیان هستند که عموماً در ایران و عراق حضور دارند (رشید^۳، ۲۰۱۴). در این میان،

1. Biuck

2. Nair

3. Rashid

سردمداران داعش شیعیان را مورد حمله قرار می‌دادند. به طوری که ابوبکر بغدادی، شیعیان را مرتد اعلام کرد و به مشارکت در جهاد علیه آنها تأکید می‌کرد: «من درخواست خودم را از همه جوانان و مردان مسلمان در سراسر جهان مطرح می‌کنم و از آنها می‌خواهم تا به سمت ما هجرت کنند و پایه‌های دولت اسلام را تحکیم بخشند و در جهاد بر ضد رافضی‌های صنفی، شیعیان مجوسی مشارکت کنند (آدمی و نیکنام، ۱۳۹۵: ۱۳).

از نظر داعش جمهوری اسلامی ایران مرکز اصلی و محوری شیعه محسوب می‌شود که می‌بایست به دلیل مخالف با ایدئولوژی داعش مورد هدف قرار گیرد. چرا که با توجه به حوزه‌های تأثیرگذاری ایران بر منطقه، اجرای احکام اسلامی را نامشروع جلوه می‌دهد. بدین‌سان، تخریب و هجوم به اماکن مقدس و ارزش‌های شیعی در عراق، زمینه مناسبی را می‌توانست به منظور هدف قرار دادن ایران فراهم کند. لاجرم، گروه تروریستی داعش درصدد بود تا از طریق ایجاد درگیری در مرزهای ایران سناریوها و اهداف خود را عملیاتی نماید (نجات، ۱۳۹۴: ۱۰۶). از این منظر، مهم‌ترین خطری که داعش می‌توانست ایجاد کند، اینکه بتواند با تبلیغات سوء خود، نفرت سنی‌های ساکن در ایران را بر ضد شیعیان پدید آورد و موجبات بی‌ثباتی داخلی را فراهم آورد. وجود دیدگاه‌های ضد شیعی- ایرانی در گروه تروریستی داعش و تهدیدات آنها نسبت به جمهوری اسلامی ایران مبین نیت تهاجمی داعش است. به طوری که استدلال می‌شود، گروه تروریستی داعش با افزایش قدرت و توان تهاجمی‌اش، تلاش می‌کرد تا به گسترش نفوذ و قدرت خود و حمله به مرزهای ایران بپردازد (موسوی دهموردی، ۱۳۹۵: ۶۳). در این زمینه، انگیزه و تلاش رهبران داعش برای انجام عملیات‌های تروریستی در ایران از اعلامیه‌های صادرشده از طرف آنها قابل فهم است. مهم‌ترین اقدام در این زمینه در آذر ماه ۱۳۹۴ حادث گشت که چهار عروسک بمب‌گذاری شده توسط زائران کربلا به ایران وارد شد که با آگاهی دستگاه‌های امنیتی این توطئه شناسایی و خنثی شد. در خرداد ۱۳۹۶ نیز، در حملات تروریستی داعش به ساختمان مجلس شورای اسلامی و حرم امام خمینی (ره) در تهران، ۱۷ نفر شهید شدند و ۵ مهاجم نیز کشته و حدود ۵۲ نفر نیز زخمی شدند (ذوالفقاری و عمرانی، ۱۳۹۶: ۱۸۰).

۳-۲- غفلت از هدف اصلی محور مقاومت

مطابق با رهیافت محور مقاومت، هنجارها نقش بسیاری در درک منافع کشورها دارد. یکی از هنجارهای مؤثر در تکوین سیاست خارجی ج.ا. اسلامی تفوق ارزش عدالت اسلامی است. به طوری که عدالت جویی همراه با صدور انقلاب یکی از ارزش‌های فرهنگ اسلامی است که نمود آن را می‌توان به مثابه ارزش در سیاست خارجی ج.ا. ایران مشاهده نمود. بازتاب این ارزش در حمایت از مسلمانان جهان یا حمایت از جنبش‌های عدالت‌طلب و آزادی بخش مانند حزب الله لبنان و نهضت آزادی بخش فلسطین تداعی گردید که در تضاد آشکار با رژیم جنایتکار (صهیونیستی) اسرائیل قرار گرفت. علاوه بر این، با توجه به قاعده نفی سبیل به مثابه ارزشی که در شکل‌گیری هویت اسلامی نقش دارد، ج.ا. ایران، اسرائیل را

همواره عامل سلطه ارزش‌های غربی و استعمارگرایانه تلقی می‌کند. بدین‌سان، این ارزش‌ها سبب‌گردید تا همواره روابط دوجانبه میان ج.ا.ایران و اسرائیل متخاصم‌گردد (آقایی و رسولی، ۱۳۸۸: ۱۲). ج.ا.ایران همواره تلاش کرد تا با کشورهای دوست و همپیمانانش مانند عراق و سوریه در هموار کردن مسیر دفاع از مردم مظلوم فلسطین گام بردارد.

حال آنکه حمله داعش به عراق باعث ناکامی و ناتوانی دولت عراق شده بود. این جریان نه تنها باعث توجه این کشور به مسئله فلسطین نگردیده بود، بلکه برای جمهوری اسلامی نیز پیامدهای بسیار مهمی داشته است و در نتیجه، مانع عمده‌ای در راه محور مقاومت بود. در این صورت، یکی از اهداف اسرائیل که جابه‌جایی اولویت‌ها در سیاست خارجی ایران نسبت به مسئله فلسطین است، محقق شد. به طوری که، پیوستگی جغرافیایی عراق با سوریه و تسری ناکامی دولت‌ها در هر دو کشور، می‌توانست دو حلقه مهم جبهه مقاومت را در مقابل اسرائیل تضعیف کند (ذوالفقاری و عمرانی، ۱۳۹۶: ۱۸۳). به طور کل، هدف آمریکا متحدانش در پدیداری منازعه میان گروه‌های رادیکال و دولت‌های سوریه و عراق، از بین بردن و کنترل قدرت ایران و متحدان منطقه‌ای آن و ایجاد جنگ داخلی در کشورهای ائتلاف مقاومت به منظور حمایت از اسرائیل بوده است (نجات، ۱۳۹۴: ۱۰۶). در این زمینه، با توجه به حمایت‌های لجستیکی و نظامی ائتلاف مقاومت در کشورهای همسو، به منظور مقابله با گروه تروریستی داعش، این موضوع می‌توانست باعث مغفول ماندن و تمرکز بر تهدید رژیم صهیونیستی گردد. لذا می‌توان استدلال نمود که اولاً گروه تروریستی داعش نقش اسرائیل را در تضعیف محور مقاومت بازی می‌کرد. ثانیاً، راهبردها و عملکرد داعش سبب‌گردید تا اولویت مبارزه کشورهای اسلامی با رژیم اسرائیل به سمت حفظ امت اسلامی تغییر یابد.

محور مقاومت با مرکزیت جمهوری اسلامی ایران، دو شاخص و ویژگی مهم دارد: مقاومت در مقابل نظام سلطه و مقاومت در مقابل خوی تجاوز و اشغالگری رژیم صهیونیستی. این دو شاخص مهم که از ارکان گفتمان انقلاب اسلامی هستند، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، زمینه ایجاد جبهه گسترده‌ای از ملت‌های مسلمان منطقه در قالب محور مقاومت را فراهم کردند. با توجه به تقابل داعش با محور مقاومت در قالب اقدامات نظامی و امنیتی در سوریه و عراق و آشوب آفرینی در لبنان و تهدید مداوم ایران، این موضوع تهدیدی علیه منافع ملی ایران محسوب می‌شود (زارعان، ۱۳۹۳: ۸۴). از منظر محور مقاومت و با توجه به گزاره‌های هویتی و هنجاری، سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ایران در راستای حمایت از ملت‌های مظلوم و جنبش‌های مقاومت می‌باشد. بدین‌سان، پیوستگی و قرار داشتن سوریه و عراق در حلقه مقاومت، اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیکی آن‌ها را برای رسیدن به اهدافی همچون قرارداد رژیم صهیونیستی در یک تنگنای ژئواستراتژیک و گسترش حوزه قدرت حلقه مقاومت دو چندان کرده بود. لذا تحولات سوریه و عراق به طور مستقیمی بر منافع جمهوری اسلامی ایران تاثیرگذار است.

۳-۳- استفاده ابزاری قدرت های غربی و هم‌پیمانان عربی از داعش بر علیه

جمهوری اسلامی ایران

یکی از مهم‌ترین علل تسریع‌کننده در ظهور و افزایش توان داعش را می‌توان اقدامات پشت پرده بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از جمله آمریکا، عربستان سعودی، قطر، ترکیه با هدف مقابله با محور مقاومت و جمهوری اسلامی ایران دانست. از این رو، به نظر می‌رسد که داعش به مثابه ابزاری جهت مقابله با نفوذ روزافزون ایران در منطقه محسوب می‌شود.

در این زمینه، سیاست آمریکا در بحران کشورهای عراق و سوریه ارتباط مستقیم با اسرائیل دارد. به طوری که هدف این است که دشمنان همسایه اسرائیل یعنی حزب الله لبنان و حماس فلسطین را از حمایت اساسی ایران محروم کنند. از این رو، داعش صرفاً ابزاری برای ترور نیست که آمریکا برای سرنگونی دولت سوریه به کار برد؛ بلکه اهرمی برای فشار آوردن به جمهوری اسلامی ایران نیز استفاده گردید (چنگو^۱، ۲۰۱۹). تا آنجا که می‌توان استدلال کرد که از اهداف ژئوپلیتیک آمریکا در حمایت از گروه تروریستی داعش، شکستن حلقه مقاومتی است که توسط ایران بنیان نهاده شد تا امنیت رژیم صهیونیستی را تأمین نماید (افشردی و علمدار، ۱۳۹۶: ۱۲۷). ترکیه نیز از جمله کشورهایی بود که از تروریست‌های داعش حمایت می‌کرد. به طوری که مسیر همواری را برای تروریست‌ها جهت ورود به داخل سوریه فراهم کرد و آنها را از طریق ناتو استخدام و آموزش می‌داد (چوسودووسکی^۲، ۲۰۱۸). در واقع، در بحران سوریه ترکیه یکی از کشورهایی بود که درصدد افزایش فشار بر ایران و آسیب‌پذیری آن، سرنگون کردن دولت سوریه برای محدود کردن نفوذ ایران برآمد (بصیری و سالدورگر، ۱۳۹۶: ۵۵۸). بدین سان، سیاست ترکیه در بحران سوریه مبتنی بر شکست بشار اسد بود. سیاستی که از طریق ایجاد منطقه پرواز ممنوع، به تروریست‌های داعش کمک می‌کرد (پیرزادا^۳، ۲۰۱۵: ۱۳). از این رو، به نظر می‌رسد، حمایت همه‌جانبه ترکیه در ابتدای ظهور داعش، استفاده ابزاری از این گروه برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران بوده است.

عربستان سعودی نیز به عنوان رقیب منطقه‌ای ایران، نقش مهمی در حمایت از داعش از طریق جنگ ضد شیعه در عراق و سوریه بازی می‌کرد. در بحران عراق، عربستان با حمایت‌های مالی خود سبب گردید تا داعش شمال عراق را تحت تصرف خود قرار دهد (آیجالا^۴، ۲۰۱۶: ۹). با تحلیل سیاست‌های عربستان در قبال بحران سوریه نیز اینگونه مستفاد می‌شود که یکی از اهداف عربستان تحت فشار قرار دادن سوریه به دلیل حمایت از

1. Chengu
2. Chossudovsky
3. Peerzada
4. Äijälä

حزب الله و تعامل با ایران بوده است (بیات و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۳۳). قطر نیز به عنوان کشوری مطرح می‌شود که برای حفظ توازن قدرت ضد ایران در خلیج فارس تلاش می‌کند. تا آنجا که تحرکات قطر در قبال بحران‌های اخیر در سوریه و عراق، با هدف کاهش نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران بوده است. در این راستا، قطر با اتخاذ سیاستی مشابه ریاض با هدف حذف اسد از معادلات سیاسی سوریه به حمایت‌های مالی، تسلیحاتی و رسانهای از گروه تروریستی داعش پرداخت تا با تضعیف محور مقاومت اسلامی، موازنه منطقه‌ای را با ایران متعادل کند (درج و التیامی‌نیا، ۱۳۹۷: ۴۶-۴۷).

به طور کل، حتی اگر بپذیریم که میان ائتلاف آمریکا با گروه تروریستی داعش جنگ و درگیری وجود دارد، اما همه آنها در یک هدف، یعنی مقابله با نفوذ و قدرت ایران در عراق و سوریه به دلیل هویت انقلابی و ارزشی که جنبه ضد هژمونیک دارد، اتفاق نظر دارند. در واقع وجود تفکر ضد ایرانی در میان آمریکا، عربستان، ترکیه و سایر کشورهای عربی نشان از خصومت این کشورها از حضور و نفوذ ایران در عراق و سوریه است.

۳-۴ - تضعیف عراق و سوریه به عنوان هم‌پیمانان جمهوری اسلامی ایران

نفوذ و گسترش داعش در سوریه بزرگ‌ترین خطر امنیتی ملی برای ایران در چند دهه اخیر بوده است. اهمیت بقای حکومت بشار اسد برای حفظ هرچه بهتر این ارتباط از اهمیت فراوانی برای جمهوری اسلامی ایران برخوردار است. تا آنجا که، مناطقی که داعش تصرف کرده بود، عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران با محور مقاومت را هدف قرار داده است (ذوالفقاری و عمرانی، ۱۳۹۶: ۱۸۳). همچنین، پیوندهای مذهبی بین ایران و عراق نقش مهمی در امنیت ملی ایران دارند. مقامات امنیتی ایران به واسطه ارتباط شیعیان عراق با ایران، همواره در جهت جلوگیری از حمله‌های نظامی آمریکا تلاش کرده‌اند (نادر^۱، ۲۰۱۵: ۳). در این زمینه، خط قرمز برای منافع ملی کشور ایران، حفظ تمامیت ارضی کشور عراق به دلیل همجواری جغرافیایی و شیعه‌گرایی، حفاظت از اماکن مقدس و غیره است. ج.ا. ایران در اولین اقدام، به ارسال کمک به مردم عراق قبل از هر کشوری نمود (سنایی و کاویانپور، ۱۳۹۵: ۱۵۶-۱۵۷).

از منظر محور مقاومت، اهمیت عراق و سوریه برای ج.ا. ایران از چند جهت قابل تحلیل است. اول اینکه هویت شیعی عراق و اسقرار مقدسات امامان معصوم، سبب گردید تا جمهوری اسلامی ایران نگاه تاریخی، ارزشی و هویتی نسبت به آن داشته باشد. دوم اینکه، سوریه نیز به مثابه پل ارتباطی ایران و محور مقاومت برای آزادی فلسطین محسوب می‌شود. به طوری که، روابط حسنه سوریه با جمهوری اسلامی ایران در راه‌اندازی و تقویت جبهه

1. Nader

مقاومت بسیار حائز اهمیت است. از این رو، تهدیدات گروه تروریستی داعش علیه سوریه و عراق به مثابه تهدید علیه منافع ملی جمهوری اسلامی ایران تلقی شده است.

۴- راهبردها و اقدامات جمهوری اسلامی ایران در شکست داعش

وقوع بحران در کشورهای سوریه و عراق را می‌توان یکی از مهمترین تهدیدات هویتی و ارزشی در محیط بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران قلمداد کرد که ادامه و گسترش آن، تبعات و چالش‌های گسترده‌ای مانند رشد افراطگرایی دینی و تروریسم، تهدید ژئوپلیتیک شیعه، بی‌ثباتی و نامنی فراگیر برای نظم و امنیت منطقه پدید آورد. چالش‌هایی که برآمده از نوع نگاه گروه تروریستی داعش نسبت اسلام و رویکردهای افراطی آن برمی‌گردد. به نظر می‌رسد، چنانچه هر نوع هویتی داعیه اسلامی دارد و در تضاد هویت مورد نظر ایران تلقی شود، در هر نقطه‌ای از جهان به معنای تهدید هویتی و امنیتی ایران به حساب می‌آید. با این وجود، چنانچه این تهدید هویتی و ارزشی در مجاورت مرزهای جغرافیایی ایران وجود داشته باشد، یقیناً تهدیدی وجودی و با اهمیت به حساب می‌آید. همچنان که بسط هویت اسلامی شیعی و انقلابی جمهوری اسلامی ایران در مناطق مجاور ایران، به معنای منافع امنیتی حائز اهمیت ایران تلقی می‌گردد (بیات و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۳۱).

بدین‌سان و از منظر محور مقاومت، اتخاذ راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در شکست داعش از یک سو بر اساس تهدید علیه منافع ملی و از سوی دیگر، منبعث از هنجارها و ارزش‌های فرهنگی و تاریخی در قالب هویت اسلامی با دو کشور عراق و سوریه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در واقع مهمترین عامل در ارزیابی نقش ایران در شکست داعش را می‌بایست، تهدیدات این گروه تروریستی بر هویت اسلامی در عراق و پل ارتباطی سوریه با محور مقاومت قلمداد کرد. اشتراکات هویتی و ارزشی جمهوری اسلامی ایران با این دو کشور در چارچوب گفتمان اسلامی و حفظ محور مقاومت، سبب گردید تا تصویری از این دو کشور در نگاه جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشورهای دوست تداعی و بر ساخته شوند. بدین‌سان، منافع جمهوری اسلامی ایران که برگرفته از هویت ارزشی و انقلابی آن است، ایجاب می‌کرد که به تمهید راهبردهایی در ارتباط با شکست داعش اندیشه کند که در ذیل به آنها اشاره می‌شود:

۴-۱- ائتلاف با دولت‌ها و گروه‌های مختلف سیاسی و مذهبی

جمهوری اسلامی ایران همواره درصدد بوده است تا به منظور ایفای نقش ائتلاف سازی میان گروه‌های مختلف شیعه، اعم از سنی و کرد و یک وضعیت برد- برد با توجه به ساخت قدرت در دولت مرکزی تلاش نماید. این موضوع مبین این قضیه است که جمهوری اسلامی ایران با توجه به نفوذ و قدرت راهبردی خود می‌توانست نقش یک کشور ائتلاف‌ساز را ایجاد نماید. این ویژگی سبب شد تا ایران بتواند روابط اریبل و بغداد را از حالت تهاجمی

خارج کند، به گروه‌های مختلف شیعی انگیزه دهد تا در ائتلاف سیاسی‌شان باقی بمانند و میان گروه‌های سنی غیر افراطی با سایر گروه‌ها ارتباط برقرار کند. به عبارتی دیگر، در صورت عدم توانمندی ایران به عنوان یک بازیگر ائتلاف ساز، این انتقال قدرت سیاسی در عراق به آسانی محقق نمی‌شد (نجات، ۱۳۹۴: ۱۱۳). در این زمینه، عدم پشتیبانی از دولت نوری مالکی و کمک به روی کار آمدن حکومت مرکزی مقتدر شیعی که مورد توافق عراقی‌ها باشد (سنایی و کاویانپور، ۱۳۹۵: ۱۵۸)، جزئی از سیاست ایران برای حفظ نفوذ در عراق بوده است (نادر^۱، ۲۰۱۵: ۵).

در این راستا، حاکمان برخی از کشورهای منطقه مانند عربستان، اردن، ترکیه و امارات تمایل به سرنگونی دولت سوریه به رهبری بشار اسد بودند. با این وجود، به دلیل روی کار آمدن بشار اسد از طریق انتخابات و نگرش یکسان نسبت به تحولات منطقه، مسئولان ایران همواره به منظور حمایت از مردم و دولت سوریه سیاست‌ها و اقدامات دیپلماتیک اتخاذ نمودند. بدین سان، جمهوری اسلامی ایران تلاش نمود تا از طریق اجلاس بین‌المللی در ایران در جهت مخالفت با حضور مخالفان سوری و ایجاد ثبات در سوریه گام بردارد، موضوعی که موجبات تضعیف گروه‌های تروریستی داعش در سوریه را فراهم آورد (اسماعیلزاده امامقلی و احمدی فشارکی، ۱۳۹۵: ۱۳۳). بدین سان، مناطقی که در سوریه توسط داعش اشغال شده بود، آزاد گردید و وضعیت بگونه‌ای پیش رفت که دولت سوریه به نسبت از حالت بحرانی فاصله گیرد. پس از این ناکامی‌ها، داعش به اقدامات وحشتناکی بر علیه مردم سوریه روی آورد که باعث شد تا جهانیان نسبت به تروریسم بودن این گروه اذعان کنند. موضوعی که سبب گردید تا دنیا بر علیه تروریسم داعش ائتلاف سازی نماید و در این زمینه از جمهوری اسلامی ایران نیز خواسته شد تا بر علیه داعش به این ائتلاف ملحق شود و با آنها همکاری کند. از این منظر حمایت ایران از سوریه در نزد افکار عمومی جهان مورد تأیید واقع شد (نجات، ۱۳۹۴: ۱۱۲).

بر اساس قانون اساسی، جمهوری اسلامی ایران در روابط با کشورهای همسو و به طور خاص عراق و سوریه، علاوه بر حمایت‌های غیر مستقیم و تبلیغاتی، مبادرت به اعزام نیروی سپاه قدس در این دو کشور نموده است. موضوعی که به دلیل خشونت‌های گسترده داعش سبب گردید تا جمهوری اسلامی ایران در سیاست‌های اعلامی خود اعلام نماید و به عرصه‌ای برای اقدامات مسئولانه و افتخار آفرین برای مردم و مسئولان تبدیل شود (سنایی و کاویانپور، ۱۳۹۵: ۱۵۷). به طوری که، سوریه و عراق از منظر ایران، به عنوان متحدی استراتژیک قلمداد می‌شود. این مهم با توجه به ارزش‌ها و هویت جمهوری اسلامی ایران که خود را حامی اصلی جبهه مقاومت در منطقه تلقی می‌کند، عراق را به دلیل حضور شیعیان و مجاورت جغرافیایی و سوریه را خط مقدم مبارزه با صهیونیسم اسرائیل تلقی می‌نماید از این

1. Nader

رو، رفتار ایران در جهت صیانت از نظام‌های سیاسی عراق و سوریه تحت رهبری بشار اسد، به‌واسطه تصویری از «خود» و «دیگری» قابل توجیه است.

۴-۲- ارتباط بیشتر با اقلیم کردستان عراق در جهت جلوگیری از پیشروی داعش در عراق

داعش در بدو ورود به عراق، نفوذ خود را در اقلیم کردستان عراق تسریع بخشید. با توجه به پیشروی در عراق، گروه تروریستی داعش حملات زیادی را عملیاتی کردند که سبب گردید تا کردهای عراق از منطقه راهبردی اربیل به عقب رانده شوند (آل- اخبار، ۲۰۱۴). در واقع، نیروهای امنیتی عراق و پیشمرگه‌ها دچار ضعف‌های جدی در ارتش شده بودند. تا آنجا که به نظر می‌رسید، توانایی بازپس‌گیری و آزادکردن سرزمینشان بدون حمایت گسترده خارجی نباشند.

پس از پیشروی‌های گروه تروریستی داعش به سوی کردستان، تقاضای کمک از دولت‌های خارجی در دستور کار مقامات اقلیم قرار گرفت. در این زمینه استقرار نیروهای مسلح ایرانی توانست از روند پیشرفت داعش جلوگیری کند. در واقع، علاوه بر کمک‌های نظامی، پشتیبانی اطلاعاتی و انسان دوستانه در دستور کار قرار گرفت. با این وجود، کشورهای غربی و متحدانش هرگونه کمک را با پیش‌شرط تغییراتی در دولت عراق می‌دانستند (مسعودنیا و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۳). به طور کل، احزاب شیعه عراق در دولت مرکزی به دنبال این بودند که ایران از طریق استراتژی نظامی، پشتیبانی فنی، اسلحه و مشاوران زمینی از آنها حمایت کنند (نادر^۲، ۲۰۱۵: ۶).

اقدامات اثربخش ایران موجب گردید که تمام مسئولین عراق و حتی مخالفین جمهوری اسلامی ایران در عراق نیز به تأثیر اقدامات ایران در پیشگیری از سقوط کامل دولت بغداد و اشغال کامل عراق اعتراف نمودند و بارها از ایران تقدیر کردند. بنا بر اظهارات رئیس منطقه کردستان عراق- مسعود بارزانی- ایران اولین کشوری بود که در کمک به کردها از طریق ارسال تجهیزات عمل کرد (اسفندیاری و طبابایی^۳، ۲۰۱۵: ۷). موضوعی که از یک سو، نمایانگر موفقیت جمهوری اسلامی ایران در ترسیم راهبرد دفاعی علیه داعش بوده است و از سوی دیگر، اقتدار نظامی و سیاسی ایران در آسیای غربی و به ویژه کشورهای غربی و منطقه‌ای که در رقابت شدیدی با ایران قرار داشتند، تقویت و ثابت شود.

۴-۳- بهره‌گیری از نیروهای کارآمد نظامی- امنیتی در عراق و سوریه

1. Al-Akhbar
2. Nader
3. Esfandiary and Tabatabai

یکی از راهبردهایی که جمهوری اسلامی ایران در مبارزه با گروه تروریستی داعش در پیش گرفت، استفاده از نیروهای امنیتی- نظامی در عراق و سوریه است. آنچه که سبب گردید تا جمهوری اسلامی ایران فعالیت‌های نظامی مستشاری خود را در سوریه و عراق تسریع نماید، حمایت از گروه‌های مقاومت منطقه و مبارزه با گروه تروریستی داعش است (خسروی و زارعی، ۱۳۹۸: ۱۲۰). در این راستا، تقویت نیروهای امنیتی عراق با عناصر نظامی ایرانی در دستور کار قرار گرفت (کاگان^۱، ۲۰۱۴: ۶). سردار شهید قاسم سلیمانی - فرمانده سپاه قدس- عراقی‌ها را در خاک ایران آموزش می‌داد و برخی از پیشرفته‌ترین سلاح‌های مورد استفاده شبه نظامیان شیعه را در اختیار آنها قرار می‌داد (نادر^۲، ۲۰۱۶: ۱۱).

دولت سوریه در سال ۲۰۱۳ نیز با کمک نظامیان ایرانی، حزب الله لبنان و گروه‌های عراقی شیعه که از نظر نیروی انسانی و تجهیزات به آنها وابسته بود، به صحنه مبارزه با داعش بازگشت. در این زمینه بشار اسد، پشتیبانی و کمک‌های قابل توجهی از ایران دریافت می‌کرد (کاگان^۳، ۲۰۱۴: ۱۴-۱۵). در این راستا، در سپتامبر سال ۲۰۱۵ به درخواست دولت اسد، حملات هوایی روسیه بر علیه گروه‌های شورشی و جهادی مخالف نظام سوریه، از جمله جبهه النصره و داعش آغاز شد (شمیه و سزنس^۴، ۲۰۱۵: ۳۷۴) و با حمایت ایران در نزدیکی شهر حلب هماهنگی بیشتری برای شکست داعش فراهم گردید. تا آنجا که در گزارش‌ها آمده است که در فروردین ۱۳۹۵، سفر قاسم سلیمانی به مسکو به مثابه هماهنگی دو طرف جهت طرح عملیاتی مشترک در سوریه بوده است (نیاکویی و قنادی، ۱۳۹۶: ۲۴۴). در واقع، کارشناسان نظامی ایران و به‌ویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در زمینه‌های لجستیکی، مشاوره و نظامی به ارتش سوریه تلاش زیادی کردند.

بدین سان استدلال می‌شود، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران متأثر از بینش هویت اسلامی، خصلت ارزشی- اعتقادی، فرا سرزمینی یافته است. این ویژگی‌های هویتی با توجه به تأکید اسلام در مقوله‌های امنیت و دفاع، باعث شد تا پشتیبانی لجستیکی و نظامی ایران در کشورهای عراق و سوریه قابل توجه شود و مشروعیت پیدا کند (بیات و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۳۷). از این رو، رفتار سیاست خارجی ایران در قبال نفوذ و گسترش داعش در عراق و سوریه را می‌توان در چارچوب رهیافت محور مقاومت تجزیه و تحلیل کرد. در این راستا، مسائلی چون پیوستگی ارزشی و جغرافیایی عراق با سوریه و حمایت از محور مقاومت؛ حمایت سوریه در طول دوران هشت سال دفاع مقدس، حمایت دائمی از جنبش‌های اسلامی و رهایی‌بخش همچون حزب الله لبنان و حماس، سیاست تقابل‌گرایانه در

1. Kagan
2. Nader
3. Kagan
4. Shamieh and Szenes

قبال رژیم صهیونیستی و حمایت از آرمان قدس سبب گردیده است تا سوریه و عراق به عنوان کشوری شناخته شوند که رابطه دوستانه‌ای با ایران دارند و از همین رو، ایران نیز با توجه به گزاره‌های هویتی و ارزشی خود به دفاع از مردم و نظام سوریه و عراق در برابر داعش پرداخته است و تلاش دارد تا با حمایت خود از این دولت‌ها به تداوم خط مقاومت و سازش‌ناپذیری در منطقه کمک نماید.

۴-۴ - سامان‌دهی نیروهای مردمی و شبه نظامی شیعه برای مقابله با داعش

جمهوری اسلامی ایران علاوه بر کمک‌های مستشاری، نیروهای مردمی در قالب سازمان‌های شبه نظامی بسیج را نیز حمایت می‌کرد. در این زمینه، فتوای آیت الله العظمی سیستانی مسیر سازماندهی مردم را فراهم‌تر کرد (پورحسن، ۱۳۹۶: ۹۱). بر اساس فتوای این مرجع عالیقدر شیعه «الحشد الشعبی»، نیروهای مردمی متولد شد در واقع، نقش مستقیم مرجعیت در ایجاد بسیج مردمی علیه تهدید جریان‌های سلفی - تکفیری، مرحله جدیدی در هدایت و رهبری جامعه عراق در مبارزه با داعش رقم زد (تورج و الله کرم، ۱۳۹۷: ۴۳ و ۵۴). الحشد الشعبی با الگوبرداری و در امتداد خطوط نیروهای بسیج مردمی در ایران (طرفی، ۲۰۲۰)، به دلیل روابط بسیار نزدیک با جمهوری اسلامی ایران، یکی از قدرتمندترین و تأثیرگذارترین نیروهایی است که در صحنه نظامی و امنیتی عراق نقش تأثیرگذاری را در مقابله با داعش ایفا می‌کنند (فلباب-برون^۱، ۲۰۱۹: ۲). و به تعبیری می‌توان گفت که این سازمان رکن اصلی نظامی-امنیتی جمهوری اسلامی در عراق، به‌خصوص در مقابله با داعش محسوب می‌شود. در واقع، یکی از هنجارهایی که هویت امنیتی و ضدتروریستی را تقویت می‌کند، گفتمان اسلامی است. الحشد الشعبی با الهام از تعالیم اسلام، جهاد با متجاوزان را به عنوان ارزش تلقی می‌کند. بر این اساس گروه‌های مردمی در مبارزه با داعش و گروه‌های تهدیدکننده، جهاد را به هنجاری تبدیل کردند که عمومیت یافتن آن در سطح مردمی به‌عنوان محرکی برای دیگر افراد عمل کرد (گوهری مقدم و عرب، ۱۳۹۷: ۱۵۶).

شبه نظامیان ارتش سوریه نیز با حمایت ایران، به پیشرفت‌هایی در حلب و تصرف بخش‌هایی از منطقه غرب رود فرات دست یافتند که جنگجویان برای دفاع از خود به آنجا پناه برده بودند. بدین‌سان ایران با اتخاذ سیاست مناسب و هوشمندانه و نیز پشتیبانی همه‌جانبه از دولت سوریه، موجبات شکست گروه‌های تروریستی داعش را فراهم آورد (اسماعیلزاده امامقلی و احمدی فشارکی، ۱۳۹۵: ۱۳۳). به طوری که جمهوری اسلامی ایران همواره در صدد سازمان‌دهی گروه‌های شبه نظامی علیه داعش بوده‌اند (سعیدی و لهراسبی، ۱۳۹۷: ۲). سردار شهید قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس در ارتباط مداوم با این گروه‌ها بوده و ضمن هماهنگی کمک‌ها، سیاست‌های تهران را به آنها ابلاغ می‌کند. در این زمینه، حمایت و

1. Felbab-Brown

تجهیز نیروهای مردمی و شبه‌نظامیان در عراق و سوریه جهت مبارزه با داعش مورد تأکید قرار گرفت. موضوعی که سبب گردید تا کارآمدن بودن تدابیر جمهوری اسلامی ایران برای ارتباط با بدنه جامعه عراقی و کلیه گرایش‌ها در اقوام و عشایر در مقایسه با غرب برای همگان اثبات شود. همچنین، از آغاز بحران در سوریه، سردار شهید سلیمانی سفرهای دوره‌ای به دمشق را آغاز کرد و شخصاً در عرصه مبارزه و حمایت از بشار اسد حضور داشت و توانست بیشتر شهرها و استانهای سوریه که سالها در دست مخالفان بود را آزاد کند.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال عراق به عنوان یک کشور دوست، برگرفته از اشتراک هویتی و ارزشی است. موضوعی که باعث گردید تا حفظ قلمرو سرزمینی عراق جزء لاینفک منافع ملی ایران به حساب آید. در این راستا، با گسترش قلمرو و حوزه نفوذ تروریستها در عراق، سیاست ایران با تغییر تاکتیک از حمایت‌های غیر مستقیم و با تکیه بر پشتیبانی تسلیحاتی و اطلاعاتی به حضور نظامی مستقیم از طریق ارسال نظامیان، به ویژه سپاه قدس به فرماندهی سردار شهید «قاسم سلیمانی» روی آورد (بیات و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۱۶). تا آنجا که، یکی از اقدامات سردار شهید سلیمانی با توجه به نفوذ وی بر عراق، استفاده از فضای هوایی عراق برای انتقال تجهیزات به سوریه بوده است. همچنین، گروهی از شبه نظامیان عراقی، رهبران امنیتی عراق و افسران سپاه پاسداران ایران، کارگروهی در بغداد به سرپرستی سلیمانی تشکیل دادند که مأموریت آن حمایت از دولت عراق بود (آورینت نت، ۲۰۲۰). در این راستا، مقام معظم رهبری فرمودند: «خود آمریکایی‌ها و حتی خود داعشی‌ها به خوبی می‌دانند حرکتی که در عراق، کمر داعش را شکست، اقدام آمریکا نبود، بلکه اقدام نیروهای مردمی و ارتش عراق بود که مبارزه با داعش را به خوبی فرا گرفته بودند و ضربات جدی به آن وارد کردند» (بیانات رهبری، ۱۳۹۳/۶/۲۴).

از منظر محور مقاومت، هویت جمهوری اسلامی ایران ایجاب می‌کرد تا در دفاع از مسلمانان و به‌خصوص شیعیان عمل نماید. بر این اساس، حمایت از عراق و سوریه، در راستای حفظ محور مقاومت و بر اساس هویت جمهوری اسلامی ایران بوده است. همچنین، محور مقاومت به رهبری جمهوری اسلامی ایران، نقش کلیدی در حمایت از نیروهای منطقه‌ای بر علیه داعش و شکست و زوال یافتن آن بازی کرد. بنابراین، پشتیبانی و حمایت‌های ایران از دولت و شبه نظامیان کشورهای سوریه، می‌بایست بر اساس ارزشهای امنیتی اسلامی قابل درک باشد که در مجموع به مثابه بخشی از هویت ایران محسوب می‌شوند.

۵- تجزیه و تحلیل یافته‌ها

سؤال اصلی پژوهش عبارت بود از «عوامل تأثیرگذار در راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در شکست داعش چه بوده است؟». به منظور پاسخگویی به این پرسش ۴ گویه احصا گردید که نتایج آن به شرح جدول ذیل می‌باشد:

آمار توصیفی خصوصیات خبرگان دانشگاهی

سوابق کاری / فراوانی / درصد			تحصیلات / فراوانی / درصد			میانگین سن	جنسیت / فراوانی / درصد		
۲۳	۲۶.۶۷	هیأت علمی دانشگاه	۲۸	۹۳.۳۳	دکتری	۴۵	۲۴	۸۰	مرد
۷	۲۳.۳۳	پژوهشگر	۲	۶.۶۷	کارشناسی ارشد	۳۳	۶	۲۰	زن

عوامل تأثیرگذار در راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در شکست داعش

میانگین (درصد)	دیدگاه نمونه آماری نیت به گویبها					ردیف	گویبهای پرسشنامه عوامل تأثیرگذار در راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در شکست داعش
	درجههای ارزیابی						
	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد		
۳۵/۶	۰	۰	۱	۵	۲۴	فراوانی	نگاه ضد شیعی داعش نسبت به شیعیان و جمهوری اسلامی ایران
	۰	۰	۳/۳	۱۶/۶	۸۰	درصد	
۲۲/۳	۱	۱	۵	۸	۱۵	فراوانی	غفلت از هدف اصلی محور مقاومت
	۳/۳	۳/۳	۱۶/۶	۲۶/۶	۵۰	درصد	
۱۸/۶	۰	۱	۲	۱۷	۱۰	فراوانی	استفاده ابزاری قدرتهای غربی و همپیمانان عربی از داعش بر علیه جمهوری اسلامی ایران
	۰	۳/۳	۶/۶	۵۶/۶	۳۳/۳	درصد	
۲۲/۳	۰	۱	۱	۱۶	۱۲	فراوانی	تضعیف عراق و سوریه به عنوان همپیمانان جمهوری اسلامی ایران
	۰	۳/۳	۳/۳	۵۳/۳	۴۰	درصد	

در تحلیل کلی این ۴ گویه به عنوان عوامل تأثیرگذار در راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در شکست داعش، یافته‌ها نشان می‌دهد که مؤثر بودن نگاه ضد شیعی داعش نسبت به شیعیان و جمهوری اسلامی ایران با ۳۵/۶ درصد بیشترین اثرگذاری را در اتخاذ راهبردهای جمهوری اسلامی بر علیه داعش داشته و مورد قبول بیشتر خبرگان واقع شده است. پس از آن، غفلت از هدف اصلی محور مقاومت با ۲۳/۳، تضعیف عراق و سوریه به عنوان هم‌پیمانان جمهوری اسلامی ایران با ۲۲/۳ درصد، غفلت از هدف اصلی محور مقاومت با استفاده ابزاری قدرت‌های غربی و هم‌پیمانان عربی از داعش بر علیه جمهوری اسلامی ایران با ۱۸/۶ در درجه‌های بعدی اثرگذاری قرار دارند.

سؤال فرعی تحقیق عبارت بود از: «راهبردهای مؤثر جمهوری اسلامی ایران در شکست گروه تروریستی داعش چگونه قابل ارزیابی است؟». برای پاسخ به این سؤال ۴ گویه احصا شد که نتایج آماری آن به شرح جدول ذیل می‌باشد.

راهبردهای مؤثر جمهوری اسلامی ایران در شکست گروه تروریستی داعش

میانگین (درصد)	دیدگاه نمونه آماری نیت به گویهها					ردیف	گویههای پرسشنامه راهبردهای مؤثر جمهوری اسلامی ایران در شکست گروه تروریستی داعش
	درجههای ارزیابی						
	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد		
۳۵/۶	۰	۰	۰	۵	۲۵	۱	اتلاف با دولتها و گروههای مخ کبری و مذهبی
	۰	۰	۰	۱۶/۶	۸۳/۳		
۹/۳	۱	۲	۱۰	۸	۹	۲	ارتباط بیشتر با اقلیم کردستان عراق در جهت جلوگیری از پیشروی داعش در عراق
	۳/۳	۶/۶	۳۳/۳	۲۶/۶	۳۰		
۲۸/۶	۰	۰	۱	۷	۲۲	۳	بهره‌گیری از ریه‌های کارآمد نظامی- امریعی در عراق و سوریه
	۰	۰	۳/۳	۲۳/۳	۷۳/۳		
۲۶/۳	۰	۰	۰	۹	۲۱	۴	ساماندهی نیروهای مردمی و شبه نظامی شریعه برای مقابله با داعش
	۰	۰	۰	۳۰	۷۰		

در تحلیل کلی این ۴ گویه به عنوان راهبردهای مؤثر جمهوری اسلامی ایران در شکست گروه تروریستی داعش، یافته‌ها نشان می‌دهد که ائتلاف با دولت‌ها و گروه‌های مختلف سیاسی و مذهبی ۳۵/۶ درصد بیشترین میزان اثرگذاری را بر اتخاذ راهبردهای مؤثر جمهوری اسلامی ایران در شکست گروه تروریستی داعش داشته و مورد اجماع خبرگان واقع شده است. پس از آن، بهره‌گیری از نیروهای کارآمد نظامی-امنیتی در عراق و سوریه با ۲۸/۶ درصد، سامان‌دهی نیروهای مردمی و شبه نظامی شیعه با ۲۶/۳ درصد و ارتباط بیشتر با اقلیم کردستان عراق در جهت جلوگیری از پیشروی داعش در عراق ۹/۳ درصد در رده‌های بعدی اثرگذاری قرار دارند.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش شد تا به نقش جمهوری اسلامی ایران در شکست گروه تروریستی داعش پرداخته شود. گروهی که ساخته و پرداخته غرب و در رأس آن آمریکا به منظور ضربه زدن بر محور مقاومت بوده است. در واقع، ایالات متحده به عنوان شاخص‌ترین دشمن انقلاب اسلامی با ناامن کردن منطقه از طریق ایجاد داعش و ایجاد حوادث اخیر در سوریه، به بدنبال اتحاد ائتلاف و استفاده نیابتی از کشورهای محافظه کار عرب در منطقه بود، تا از این طریق اول بازدارندگی و توازن قدرت در مقابل انقلاب اسلامی را بوجود آورد. دوم؛ جایگاه و نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه را تضعیف کنند. سوم؛ اختلافات و تنش‌های فرقه‌ای قومی و مذهبی در منطقه را تشدید کند که این حاصل ظهور گفتمان افراطی، تروریستی تکفیری و سلفی‌گری در منطقه و شکل‌گیری منازعات گفتمانی در منطقه است. از این رو، رفتار و نوع رویکرد جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با عراق و سوریه، با توجه به حافظه تاریخی ارزش‌ها و هنجارها و در چارچوب هویت اسلامی مورد مذاقه و بررسی قرار گرفت. تهدیدات امنیتی داعش سبب گردید جمهوری اسلامی ایران به حمایت از عراق و سوریه و سیاست‌گذاری در مبارزه و ریشه‌کنی داعش پردازد. تا آنجا که می‌توان استدلال کرد، ایجاد جنگ‌های نیابتی با بهره‌گیری از تروریست‌هایی همچون گروه تکفیری داعش از دیگر نقشه‌های آمریکاییها برای رقم زدن تحولات جدید بود که با رویکرد انقلابی ایران و شکل‌گیری انسجام بین کشورهای منطقه، داعش نتوانست به طور مؤثری برای آمریکا نقش آفرینی کند که در نهایت با ایستادگی محور مقاومت نابود شد.

تجزیه و تحلیل رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در جهت شکست گروه تروریستی داعش در چارچوب محور مقاومت از چند جهت دارای اهمیت به‌سزایی است. اول اینکه ایران با توجه به تصویر «خود» به مثابه ام‌القرای جهان اسلام در صدد اعمال نفوذ افزون‌تر در سراسر جهان اسلام دارد. بدین سان تلاش می‌کند تا با گردآوری و حفظ متحدان راهبردی و قدرتمندی مانند سوریه و عراق به عنوان عمق استراتژیک خود به این مهم دست یابد. در این راستا مجموعه عواملی چون تاریخ، جغرافیا، سیاست، مذهب، رقابت‌های

منطقه‌ای و حفظ محور مقاومت سبب گردیدند تا سوریه و عراق به مانند عمق راهبردی و استراتژیک برای ایران تلقی شوند. از این رو، تصویرسازی ایران از سوریه و عراق، این کشورها را به عنوان دوست بر ساخته که هویت و ارزشهای یکسانی با جمهوری اسلامی ایران دارد. دوم و بر همین اساس، با شروع ناآرامی‌های داخلی سوریه و دخالت بازیگران و قدرت‌های غربی و منطقه‌ای در این کشور، خطر تغییر حکومت در سوریه و از بین رفتن این متحد استراتژیک ایران پدیدار گشت. چالشی که از سوی جمهوری اسلامی ایران به عنوان تهدیدی مستقیم علیه منافع ملی و منطقه‌ای خود تلقی شده است. بدین سان، این کشور با همه امکانات و ابزارهایش درصدد حفظ وضع موجود در سوریه بوده است. از این منظر، می‌توان استدلال کرد که جمهوری اسلامی ایران درصدد است تا به رقم محدودیت‌ها و تحریم‌های ظالمانه اقتصادی، با خلق هنجارهای سیاسی و مذهبی در منطقه خاورمیانه، به عنوان بازیگر فعال و قدرتمند مطرح باشد. این بازیگری نمود خود را در تقویت و حفظ محور مقاومت، ترویج و تثبیت صدور انقلاب اسلامی و مبارزه با گروه تروریستی داعش نشان داده است.

با این وجود، اگرچه به نظر می‌رسد گروه تروریستی داعش در در عراق و سوریه با شکست مواجه شدند. اما به دلایلی نظیر نفوذ در نقاط مختلف جهان و گسترش نیروهای خود با توجه به اعلام وفاداری گروه‌های افراطی دیگر و هدایت حملات در سراسر جهان، قوی‌ترین تهدید تروریستی برای امنیت جهانی محسوب می‌شود. با توجه به اینکه تعداد کثیری از اعضای داعش را کشورهای غربی شکل می‌دادند؛ به نظر می‌رسد چشم انداز شکست نهایی پروژه «خلافت» داعش، به سرازیر شدن اعضای این گروه تروریستی به کشورهای خود و اقدامات تروریستی مصداق پیدا می‌کند که مجالی دیگر را جهت بحث می‌طلبد. با این حال، با توجه ریشه‌های تکفیری و هویتی داعش که در تقابل با جمهوری اسلامی ایران قرار دارد؛ ضروری می‌نماید که جمهوری اسلامی ایران در جهت تقویت مبانی نرم افزاری و فرهنگی با توجه به عدم ریشه کنی داعش در جهان گام بردارد.

منابع

- اسماعیل زاده امامقلی، یاسر، و حسنعلی، احمدی- فشارکی (۱۳۹۵). داعش و امنیت ایران با تکیه بر مکتب کپنهاگ. پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۱۸ (۴۸)، ۱۴۱-۱۲۳.
<https://doi.org/10.22054/qps.2016.6800>
- افشردی، محمدحسین، و علمدار، اسماعیل (۱۳۹۶). بررسی و تحلیل علایق ژئوپلیتیک بازیگران خارجی موثر در بحران ژئوپلیتیک سوریه. پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، ۲ (۴)، ۱۴۳-۱۱۷.
<https://doi.org/10.22067/pg.v2i8.73278>
- افشون، تورج، و الله کرم، عبدالحسین (۱۳۹۷). مقایسه رویکرد امنیتی آمریکا و حشد شعبی در عراق؛ عملکرد و چشم انداز. مطالعات روابط بین‌الملل، شماره ۴۲، ۷۱-۴۱.
<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1386798>

آوریت، نت (۲۰۲۰). رجل ایران الأخطر. تعرف إلى قاسم سلیمانی وأبرز المهمات التي نفذها في سوريا. بازیابی شده از:

https://orient-news.net/ar/news_show/175751/0

آقایی، داوود، و رسولی، الهام (۱۳۸۸). سازه-انگاری و سیاست خارجی جمهوری ایلامی ایران در قبال اسرائیل. فصلنامه سیاست، ۳۹(۱)، ۱۶-۱. بازیابی شده از: https://jpq.ut.ac.ir/article_20142.html

باقری نژاد، سیداصغر، و قاسمی، بهزاد (۱۴۰۰). نقش تفکر انقلاب اسلامی و محور مقاومت در قبال سوریه بر اساس نظریه استفان والت، نشریه علمی مدیریت و پژوهشهای دفاعی. (۹۱)، ۱۲۹-۱۲۳. بازیابی شده در: https://mdr.ihu.ac.ir/article_206648.html

بختیاری، هوشنگ (۱۴۰۲). بررسی ابعاد و زمینه های اتحاد راهبردی کشورها و جنبش های محور مقاومت، فصلنامه جغرافیا. (۷)، ۱۸-۱. <https://dor.net/dor/20.1001.1.27833739.1402.21.76.1.2>

بصیری، محمد علی، و سالدورگر، الهه (۱۳۹۶). بررسی علل و عوامل شکل‌گیری داعش، فصلنامه سیاست. (۴۷)، ۵۷۰-۵۵۳. <https://doi.org/10.22059/JPQ.2017.62852>

بصیری، محمد علی، و مجیدی نژاد، سید علی (۱۳۹۶). واکاوی تهدیدات امنیتی داعش بر محور مقاومت و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، مطالعات انقلاب اسلامی. شماره ۴۸. بازیابی شده از: <http://enghelab.maaref.ac.ir/article>

بیات، محسن، طاهری، ابراهیم، و ذولفقاری، مهدی (۱۳۹۷). تبیین رابطه هویت اسلامی و سیاست امنیتی ایران در عراق و سوریه با روش تحلیل اسنادی، پژوهش‌های راهبردی سیاست. (۲۴)، ۲۴۳-۲۱۵. <https://doi.org/10.22054/qps.2018.17627.1541>

بیانات رهبری (۱۳۹۳). رهبر انقلاب بیمارستان را ترک کردند، بازیابی شده در:

<http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=27551>

پورحسن، ناصر (۱۳۹۶). تکوین عمق راهبردی هوشمند جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه، فصلنامه علوم سیاسی، ۲۰(۷۹)، ۱۰۲-۷۵. <https://doi.org/10.22054/qps.2018.17627.1541>

ترابی اقدم، محمود، و بختیاری، تهمینه (۱۴۰۱). محور مقاومت اسلامی در گفتمان رسانه‌های شبکه خبری سی ان ان، یورونیوز، بی بی سی، پژوهشنامه رسانه بین الملل، ۱۰، ۱۲۹-۱۶۴. <https://doi.org/10.22034/imrl.2023.399361.1175>

خسروی، عبدالصمد، و زارعی، غفار (۱۳۹۸). جایگاه داعش در امنیتی شدن سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و اعضای شورای همکاری خلیج فارس در خاورمیانه، پژوهشهای سیاسی جهان اسلام. ۹ (۲)، ۱۰۷-۱۲۹. بازیابی شده از:

<https://sid.ir/paper/241711/fa>، ۱۳۹۸

دادرویش، رضا (۱۴۰۰). مقاومت و محور مقامات: نظریه و عمل. تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.

درج، حمید، و التیام-ی-نیا، رضا (۱۳۹۷). تحلیل دیپلماسی قطر در قبال بحران سوریه با تأکید بر روابط سیاسی قطر و عربستان سعودی، مطالعات سیاسی جهان اسلام.

۷ (۳)، ۲۳-۵۴. بازیابی شده از: <https://psiw.journals.ikiu.ac.ir>

ذوالفقاری، مهدی، و عمرانی، ابودر (۱۳۹۶). تأثیر ظهور داعش بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، ۷ (۲)، ۱۹۵-۱۶۹. بازیابی شده از:

<http://priw.ir> > browse

رنجبرمحمدی، مصطفی، غفاری هشتچین، زاهد، و عیوضی، محمد رحیم (۱۳۹۹). مؤلفه‌های قدرت هوشمند آیت‌الله خامنه‌ای در قبال دشمنان محور مقاومت اسلامی، پژوهشنامه انقلاب اسلامی. ۳۵، ۱۵۱-۱۷۱.

<https://doi.org/10.22084/RJIR.2020.22066.3116>

زارعان، احمد (۱۳۹۳). زمینه‌های ظهور و گسترش داعش در محیط امنیتی غرب آسیا، آفاق امنیت. ۲۳، ۶۷-۹۶. بازیابی شده از:

<https://www.ensani.ir/fa/article/56833>

سعیدی، مجید، و لهراسبی، امیر (۱۳۹۷). مشروعیت یا عدم مشروعیت حضور نیروهای خارجی در سوریه در پرتو اصول حقوق بین الملل (با تأکید بر حضور نظامی جمهوری اسلامی ایران)، چهارمین کنفرانس بین-المللی پژوهش-های مدیریت و علوم انسانی در ایران. بازیابی شده از:

<https://sid.ir/paper/899233/fa>

سنایی، اردشیر، و کاویانپور، مونا (۱۳۹۵). ظهور داعش و تاثیر آن بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، مطالعات روابط بین الملل، شماره ۳۴، ۱۶۸-۱۴۵. بازیابی شده از:

<https://sid.ir/paper/247551/fa>

شیرودی، مرتضی (۱۳۹۴). مدل راهبردی (swot) در تحلیل بحران رفتار سیاسی داعش، جمهوری اسلامی ایران و راه‌های برون رفت آن، پژوهش-های سیاست اسلامی، ۳ (۸)، ۸۱-۱۰۶. بازیابی شده از:

<https://ensani.ir/fa/article>

طرفی، هادی (۲۰۲۰). من هو قاسم سلیمانی... مهندس التهجير في العراق وسوريا؟، قابل بازیابی در:

<https://www.independentarabia.com/node/83556>

- قاسمی، بهزاد (۱۳۹۷)، ژئوپلیتیک محور مقاومت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران براساس گفتمان انقلاب اسلامی، آفاق امنیت، شماره ۳۸. <https://doi.org/20.1001.1.25381857.1397.11.38.1.6>
- گودرزی طاقانکی، یدالله (۱۳۹۹). مبانی نظری مقاومت اسلامی با نگاهی بر انترناسیونالیسم اسلامی، فصلنامه راهبرد، شماره ۹۹، ۳۳۲-۲۹۹. <https://doi.org/20.1001.1.10283102.1400.30.2.4.1>
- گوهری مقدم، ابوذر و عرب، محمدرضا (۱۳۹۷). جایگاه الحشد الشعبی در امنیت ملی عراق و نحوه بازنمایی رسانه-های غربی- سعودی از آن، پژوهشنامه رسانه بین-الملل. ۳(۳)، ۱۵۳-۱۷۸. بازیابی شده از: <http://ensani.ir/fa/article/40577>
- مسعودنیا، حسین، ابراهیمی، علی، و رضازاده، مجتبی. (۱۳۹۶). اقلیم کردستان عراق و جمهوری اسلامی ایران در عصر وابستگی متقابل؛ فرصت ها و چالش ها. تحقیقات سیاسی و بین المللی، ۹(۳۳)، ۳۳-۶۲. <https://sid.ir/paper/367107/fa>. SID.
- موسوی دهموردی، محمد، غفوری، مجتبی، و ملکوتیان، مصطفی (۱۳۹۵)، تبیین سیاست راهبردی جمهوری اسلامی ایران در قبال سوریه، مطالعات انقلاب اسلامی، ۴۷، ۴۹-۶۸. بازیابی شده از: <https://ensani.ir/fa/article/395340>
- Adl-Tabatabai, S (2016). Hillary Clinton Admits ISIS Was Created By U.S. Government, Retrieved. Available: <http://yournewswire.com/hillary-clinton-admits-isis-was-created-by-u-s-government/>.
- Äijälä, A (2016). HOW IS ISIS FUNDED? Islamic State in Iraq and Syria. TALLINN UNIVERSITY OF TECHNOLOGY. Available: <https://digikogu.taltech.ee/et/item>
- Al-Akhbar (2014). Iraq's Kurdistan seeks to strengthen relationship with Iran, Available: <http://english.al-akhbar.com/node/22923>
- Aoudé, I (2022). The Axis Of Resistance And Imperialism In West Asia, Arab Studies Quarterly . 44, No 3_4.
- Biuck, M (2020). Bahrain and Axis of Resistance: Geopolitical Implications for Iran. Iranian Review of Foreign Affairs, 11. (۱)
- Brüggemann, U.(2016). Attack on the West: What is the strategy of ISIL?, Security Policy Working Paper, 21.
- Chengu, Ga (2019). America Created Al-Qaeda and the ISIS Terror Group, Global Research. available: <https://www.globalresearch.ca/america-created-al-qaeda-and-the-isis-terror-group/5402881>
- Chossudovsky, M (2018). Twenty-six Things About the Islamic State (ISIS-ISIL-Daesh) that Obama (and Trump) Do Not Want You to Know About.

available: <https://www.globalresearch.ca/twenty-six-things-about-the-islamic-state-isil-that-obama-does-not-want-you-to-know-about/5414735>

Cockburn, P(2014). Iraq crisis: How Saudi Arabia helped Isis take over the north of the country, Independent. available: <http://www.independent.co.uk/voices/comment/iraq-crisishow-saudi-arabia-helped-isis-take-over-the-north-of-the-country-9602312.html>

Felbab-Brown, V(2019). Pitfalls of the paramilitary paradigm: The Iraqi state, geopolitics, and Al-Hashd al-Shaabi, Foreign Policy at brookings.

available:<https://www.brookings.edu/articles/pitfalls-of-the-paramilitary-paradigm-the-iraqi-state-geopolitics-and-al-hashd-al-shaabi/>

Global Terrorism Index (2017). Measuring and understanding the impact of terrorism.Institute for Economics and Peace. available: <https://www.economicsandpeace.org/reports/>

Nader, A(2015), Iran's Role in Iraq: Room for Cooperation?,Perspective. available: <https://www.rand.org/pubs/perspectives/PE151.html>

Peerzada, T. (2015). U.S.-Turkey Relationship and Syrian Crisis, ALTERNATIVES,Vol. 14.(۴)

Rashid, A.(2014). ISIS: What the US Doesn't Understand. The New York Review of Books, available: <https://www.nybooks.com/daily/2014/12/02/isis-what-us-doesnt-understand/>

Shamieh, L., & Szenes., Z. (2015).The Rise of Islamic State of Iraq and Syria (ISIS), AARMS, Vol. 14, No. 4.

Warrick, J.,& d Mekhennet., S. (2016). Isis quietly braces itself for the collapse of the 'caliphate', Retrieved from: <http://www.independent.co.uk/news/world/middle-east/isis-islamic-state-caliphate-terrorism-daesh-territory-decline-a7134166.html>

Watling, J(2016). The Shia Militias of Iraq, the atlantic. available: <https://www.theatlantic.com/international/archive/2016/12/shia-militias-iraq-isis/510938/>

اعتباریابی کتب دین و زندگی دوره دوم متوسطه بر اساس شاخص‌هایی مکتب تربیتی شهید حاج قاسم سلیمانی

- روینا، جواد*
 کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران
- بحرینی زاده، آناهیتا
 استادیار گروه علوم تربیتی روانشناسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران
- اندیشمند، ویدا
 استادیار گروه علوم تربیتی روانشناسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران
- سلطانی، امان‌الله
 استادیار گروه علوم تربیتی روانشناسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی و اعتبارسنجی کتب دین و زندگی دوره دوم متوسطه بر اساس شاخص‌هایی مکتب تربیتی شهید حاج قاسم سلیمانی بود. (هدف) در این پژوهش بر مبنای روش تحلیل محتوای کمی، هر سه حوزه متن کتاب، تصاویر و تمرین‌های کتاب‌های دین و زندگی دوره متوسطه (۵ کتاب) مورد بررسی قرار گرفت و روایی و پایایی شاخص‌های مکتب تربیتی شهید سلیمانی به تأیید خبرگان رسید. (روش) تعاریف عملیاتی مؤلفه‌های فعال، غیرفعال و خشی در اختیار تعدادی از ارزیاب‌کننده‌های آموزشی در استان کرمان (۲۰ نفر) قرار داده شد و از آن‌ها خواسته شد تا مؤلفه‌های پژوهش در قالب مکتب شهید سلیمانی را در کتاب‌های درسی کتب دین و زندگی متوسطه بررسی نمایند. در انتها، جدول مقادیر فراوانی هر یک از مؤلفه‌های به دست آمد و درصد موافقت بین ارزیاب‌کننده‌ها مشخص گردید. بررسی نتایج تحلیل نشان می‌دهد که مؤلفه صبر کلید امور دارای بالاترین سطح ضریب اهمیت (۰/۸۷۸) در بین مؤلفه‌های موردبررسی هستند و پس‌از آن مؤلفه‌های وفاق و انسجام (۰/۸۱۲)، پرهیز از ناامیدی و ترس (۰/۷۹۵) قرار می‌گیرد. علاوه بر این، مؤلفه‌های ایثارگری و شهادت‌طلبی (۰/۳۴۵)، آزمون الهی (۰/۲۸۴)، پابندی به ادب و متانت و احترام در برخورد (۰/۱۸۹) و انصاف و عدل (۰/۱۰۶) دارای کمترین سطح ضریب اهمیت در بین مؤلفه‌های موردبررسی هستند. در راستای نتایج پژوهش حاضر، الگوسازی از مکتب مهم و شایسته حاج قاسم سلیمانی می‌تواند زمینه بهبود ویژگی‌های انقلابی و فرهنگ ایرانی- اسلامی را در دانش‌آموزان توسعه دهد. (یافته‌ها)

کلیدواژه‌ها: کتاب دین و زندگی، مقطع متوسطه، تحلیل محتوا، مکتب تربیتی شهید

قاسم سلیمانی

دریافت: ۱۴۰۲-۰۵-۱۲

* نویسنده مسئول: rohina_j@yahoo.com

پذیرش: ۱۴۰۲-۰۶-۲۷

صفحات مقاله: ۳۱-۴۹

مقدمه

یادگیری در دوران کودکی از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است. زیرا این امر بر ساخت شخصیت فرد هم از نظر علمی و هم از نظر کیفی تأثیر دارد به طوری که این دوره و یادگیری‌های آن مقدمه‌ای برای دستیابی به ظرفیت‌های بعدی خواهد بود. بنابراین هرگونه تعلل در تدوین و تألیف منابع یادگیری این دوره و آموزش‌های خاص آن، پیامدهای سوء و شاید دائمی به همراه خواهد داشت (موحدی، ۱۳۸۹). در این میان برای تغییر و تعدیل رفتار فراگیران، نقش اساسی بر عهده آموزش و پرورش است، نظام آموزش و پرورش ایران متمرکز و برنامه، کتاب و معلم، محورهای اساسی آموزش و یادگیری‌اند و با توجه به آن‌که در بسیاری از موارد، کتاب درسی تنها رسانه آموزشی است که در اختیار معلم قرار دارد و فرآیند تدریس و یادگیری تنها با اتکا به محتوای برنامه درسی، انواع ارزشیابی‌های تحصیلی، آزمون‌ها و گزینش‌های متعدد بر مبنای محتوای کتاب‌های درسی صورت می‌پذیرد، کتاب به‌منزله برنامه آموزشی جای تتبع فراوان دارد (دهقانی، ۱۳۸۳).

کتاب‌های درسی، یکی از مهم‌ترین منابع یادگیری در نظام‌های آموزشی هستند و مواد اصلی برنامه درسی مدارس را تشکیل می‌دهند. پژوهش پیرامون تحلیل کتاب‌های درسی نیز تلاش ارزنده‌ای است، زیرا معلمان و دانش‌آموزان زیادی از آن بهره می‌برند و این مطالعات در طراحی فرصت‌های مناسب برای یادگیری دانش‌آموزان تأثیرگذار است؛ همچنین مطالعه و بررسی کتاب‌های درسی می‌تواند ارتباط بین برخی از مشکلات یادگیری دانش‌آموزان با برنامه درسی را آشکار نماید و کمک کند که مفاهیم برنامه درسی به شکل مناسبی در کتاب‌های درسی گنجانده شوند (دهقان و حسن‌خانی، ۱۳۹۲). تدوین، اصلاح و تغییر کتب درسی از نیازهای مبرم نظام آموزشی هر کشوری است که از این طریق بتوان به تدوین و طرح محتوای کتب جدیدی دست یافت و دانش‌آموزان را با سیر پیشرفت جهانی و کشوری، همگام ساخت و نیز به اصلاح و تغییر محتوایی کتب دست اقدام می‌شود تا از این طریق مطابق نیاز فراگیران، موضوع درسی و جامعه حرکت کنند (آشتون، ۲۰۱۲). در ایران نیز یکی از مهم‌ترین نقش‌ها را در برنامه درسی نظام آموزش و پرورش ایفا می‌نماید. به‌عبارت‌دیگر، در ایران بیشتر فعالیت‌های آموزشی در چارچوب کتاب درسی صورت می‌گیرد و بیشترین فعالیت‌ها و تجربه‌های آموزشی دانش‌آموز و معلم بر محور آن سازماندهی می‌شود (عریضی و عابدی، ۱۳۸۲) در اغلب نظام‌های آموزشی نیز کتاب درسی وسیله اصلی تعلیم و تربیت است و معلم و دانش‌آموزان در فعالیت‌های یاددهی یادگیری به کتاب تکیه و وابستگی دارند. هرچه محتوای کتاب‌های درسی در فراهم کردن بستر مناسب برای پرورش عقلانیت پربارتر باشد، از سویی، به آفرینش انسان‌هایی توانا، نوزاد و نوآور کمک شایانی خواهد کرد و از سوی دیگر به حفظ استقلال، رشد و شکوفایی جامعه کمک مؤثری می‌کند. نظام آموزش و پرورش ایران متمرکز و برنامه، کتاب و معلم، محورهای اساسی آموزش و

یادگیری‌اند و با توجه به آن‌که در بسیاری از موارد، کتاب درسی تنها رسانه آموزشی است که در اختیار معلم قرار دارد و فرآیند تدریس و یادگیری تنها با اتکا به محتوای برنامه درسی، انواع ارزشیابی‌های تحصیلی، آزمون‌ها و گزینش‌های متعدد بر مبنای محتوای کتاب‌های درسی صورت می‌پذیرد، کتاب به‌منزله برنامه آموزشی جای بررسی فراوان دارد (شفیعی نژاد، ۱۳۸۹).

یکی از کتاب‌های مهم در مدارس کشور، کتاب هدیه‌های آسمانی می‌باشد تا از طریق آن مفاهیم اخلاقی، انسانی و اسلامی به دانش آموزان آموزش داده شود و برای دستیابی به این مهم، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی، گروه تعلیمات دینی و قرآن، مبادرت به تدوین کتاب «هدیه‌های آسمان» و «کتاب کار» آن کرده است (سهیلی و همکاران، ۱۳۹۶). در این راستا یکی از مسائل اساسی زندگی انسان، مسئله تعلیم و تربیت دینی است و همچنان بر استفاده از نظام رسمی آموزش و پرورش برای آموزش اهداف والای تربیت دینی تأکید می‌شود اما هدف از آموزش معارف دینی صرفاً انتقال دانش نیست بلکه در کنار این مسئله (انتقال دانش) رشد باور و اعتقاد دانش آموزان هم مراد است (رضایی، ۱۳۸۵). البته، شورای عالی آموزش و پرورش انتظار دارد که دانش آموزان هر مقطع تحصیلی در پایان آن مقطع، به اهداف مصوب برسند؛ اما رفتارهای دانش‌آموختگان هر مقطع نشانگر این است که بخش عمده‌ای از اهداف در حوزه مسائل اخلاقی و فرهنگی تحقق پیدا نکرده است. چرا که آنچه غالباً در مدارس از کتاب‌های درسی به ویژه درس دینی انتظار می‌رود، در همان سطوح اولیه یعنی دانستن و حفظ کردن متوقف می‌شود و به سطوح عمیق‌تر یعنی فهمیدن، به کار بستن و ارزشیابی ارتقا نمی‌یابد. چه بسا در آموزش‌های دینی انبوهی از مطالب صرفاً نظری به دانش آموزان ارائه می‌شود، درحالی‌که اگر تربیت دینی بتواند از نظر محتوا، اجرا و روش‌ها با نیازهای جدید کودکان منطبق شود، گام مؤثری برای جذب نسل جوان به دین و دینداری برداشته خواهد شد (شفیعی نژاد، ۱۳۸۹).

همان‌گونه که اشاره شد آموزش دینی ناظر به انتقال معارف دینی است و نتیجه آن استقرار یک نظام معرفتی در ذهن کسی است که برنامه درسی تربیت دینی برای او شکل گرفته است. برنامه درسی، اهدافی را برای انواع تربیت فراهم ساخته و خطوط راهنما را برای دستیابی به آن فراهم می‌سازد (زارع عبداللهی، ۱۳۹۵). با این حال علمای تعلیم و تربیت بر این باورند که میزان اعتقاد به دین و ثبات و قوام آن در بزرگ‌سالی، به میزان کارآمدی آموزش‌های دینی در دوران کودکی بستگی دارد. اعتقاد به این موضوع، این انتظار را به وجود می‌آورد که نسل نو جامعه اسلامی ما از اعتقادات راسخ‌تری برخوردار باشند، اما شواهد مبین افزایش درجه آسیب‌پذیری دینی و مذهبی در نسل جوان جامعه است (زایرپور تمبکی، ۱۳۹۵). به نظر می‌رسد که عدم ارائه الگوی مناسب و ملموس در این حوزه و پرداختن صرف به مسائل انتزاعی باعث کاهش اثربخشی این کتاب شده است و لذا تلاش در جهت معرفی الگوهای مناسب و شایسته برای دانش آموزان در زمان انتقال مفاهیم درسی

می‌تواند زمینه بهبود فرایند انتقال مفاهیم و درک آن را فراهم آورد. در این راستا و از جمله الگوهای شایسته و قابل احترام، سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی است. مجموع سال‌ها مجاهدت خالصانه و رفتارهای فرهنگی و سیاسی شهید سپهبد قاسم سلیمانی آن قدر بزرگ و عظیم بوده که این روزها به حق باید از آن به عنوان مکتب انسانی نام برد و به تبیین آن پرداخت. در این میان یکی از ابعاد مهم رفتاری سپهبد سلیمانی سیره اخلاقی این شهید بزرگوار است. نحوه رفتار و تعامل سردار سلیمانی با افراد و اخلاق فردی و عاطفی سردار سلیمانی از جمله خصوصیات ملموس و غیرقابل انکار است. اخلاق کریمانه همراه با محبت و مهربانی ایشان با افراد مختلف اعم از سیاسی و غیرسیاسی مسئله‌ای متواتر در بیان نوع خلق و خوی ایشان است.

در عین حال او در جنگ‌ها علاوه بر هدایت مقاطع مختلف عملیاتی، از طریق استقرار در قرارگاه‌ها، در نهایت شجاعت و بی‌باکی در خلوت مقدم حضور می‌یافت. او عاری از هرگونه ترسی در مواجهه با دشمنان در معرکه‌ها و میادین نبرد بود. او این جملات امیر مؤمنان حضرت علی (ع) را با همه وجود دنبال می‌نمود که فرمود: (تَرمَلُ الجبال ولا تزل، عض علی ناجذک، اعرالله جمجمتک، ارم ببصرک اقصی القوم و غض بصرک واعلم ان النصر من عندالله سبحانه) اگر کوه‌ها متزلزل شود تو تکان مخور، دندان‌هایت را به هم بفشار و جمجمه خود را به خدا عاریت ده، قدم‌هایت را بر زمین می‌خکوب کن و نگاهت به آخر لشکر دشمنان باشد، چشمت را فرومگیر (مرعوب نفرات و تجهیزات دشمن مشو) و بدان که نصرت و پیروزی از سوی خداوند سبحان است. همانا که سردار سلیمانی این چنین بود. او در میانه میدان نبرد حضور می‌یافت و شجاعانه می‌جنگید. این چنین حضوری نتیجه‌ای بس مؤثر داشت و باعث می‌گردید که انگیزه و توان تحرک نیروی رزم مضاعف گردد. فرماندهی و رشادت بی‌نظیر او موجب گردید که پس از دریافت چند نشان فتح، برای اولین بار نشان ذوالفقار را که بالاترین نشان نظامی کشور است از سوی فرماندهی معظم کل قوا دریافت نماید. حجازی و همکاران (۱۴۰۰) نیز در پژوهشی با عنوان تطبیق نظریه کاربزماتیک وبر با شخصیت شهید سید اسدالله مدنی و شهید قاسم سلیمانی اظهار کردند که این شهیدان معتقد به باورهای مذهبی، انقلابی و ملزم به رعایت امر ولی فقیه زمان خویش بودند و با تمام وجود در خدمت انقلاب حضور داشتند و به یک مکتب برای انقلاب اسلامی تبدیل شدند. هم‌چنین آن‌ها جایگاه غیرقابل وصفی در میان طرفداران و پیروان خویش یافتند. هیچ‌کدام در صدد گسترش عقیده‌ای منسوخ در جامعه نبودند. هم‌چنین عدم حضور آن‌ها منجر به سقوط حکومت نگردید، بلکه باعث تثبیت هرچه بیشتر آن شد. خانی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان بازشناسی مؤلفه‌های مکتب شهید سلیمانی مبتنی بر بیانات امام خامنه‌ای مد ظله‌العالی به انجام رساندند. این پژوهشگران ویژگی‌های شهید، اقدامات شهید، برکات این شهادت عظیم، وظیفه مردم، ایام الله و نهاد انسانی نیروی قدس را به عنوان مؤلفه‌های مکتب شهید سلیمانی در نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی معرفی کردند. زارعی و همکاران

(۱۳۹۹) نیز بیان می‌دارند که مفهوم ولایت به‌عنوان جنبه بارز انسانی حاکم بر اعمال سردار، تعامل او با نخبگان و مردم عامی را چنان سمت و سو داده است که وی، کار کردن برای مردم را وسیله قرب الی الله می‌داند. او دارای نگرش مثبت به دیگران بوده و از این رو شناخت و احترام به شخصیت دیگران را در سرلوحه تعاملات خود داشته است. درک موقعیت فرد مخاطب خارجی و داخلی و ارزش اندیشه مخاطب، جهت ارتقای هم‌درکی با ایشان از خصیصه‌های برجسته او و نهایتاً مکتب منسوب به اوست. این مقاله نشان می‌کند که سه جریان ارتباطی مهم در تشریح جنبه‌های انسانی مکتب شهید سلیمانی قابل مشاهده است: جریان تعاملات اجتماعی (در تعامل بین انسان ذی‌حق و انسان صاحب کرامت)، جریان عبودیت (در تعامل بین انسان ذی‌حق و انسان به مثابه خلیفه‌الله) و جریان هدایت (در تعامل بین وجه خلیفه‌الهی انسان و وجه صاحب کرامت بودن او).

با این حال و به طور کلی، بهره‌گیری از اوصاف و صفات سپهبد قاسم سلیمانی برای تربیت اخلاقی و آموزش مفاهیم انسانی و دینی می‌تواند هم به شناخت بیشتر دانش‌آموزان از این فرد بزرگ و مکتب زنده او کمک کند و هم باعث شود تا دانش‌آموزان مفاهیم درسی در حوزه دین و اخلاق را در الگویی شایسته و قابل لمس تبیین و درک کنند. لذا با توجه به لزوم ایجاد تغییرات کاربردی در مناسب در کتب دین و زندگی و همچون لزوم معرفی و بهره‌گیری شایسته مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی برای دانش‌آموزان، هدف از انجام این پژوهش پاسخ به این سؤال است که اعتبار یابی کتب دین و زندگی دوره دوم متوسطه بر اساس شاخص‌هایی مکتب تربیتی شهید حاج قاسم سلیمانی چگونه می‌باشد؟

پیشینه پژوهش

جهانگرد و همکاران (۱۴۰۲) پژوهشی با عنوان تعیین اهداف آموزشی برنامه درسی بر مبنای مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی در درس مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی به انجام رساندند. یافته‌ها نشان داد که در بعد اعتقادی؛ شاخص صبر و تحمل با میانگین ۴/۹۵ رتبه اول، در بعد عقلانی؛ شاخص اعتقاد به خدا با میانگین و ضریب تغییرات (۰/۳۸ و ۴/۶۳) رتبه اول، در بعد شخصیتی، جهت‌گیری خدامحور با میانگین و ضریب تغییرات (۴/۳۸ و ۰/۳۷)، در بعد اخلاقی؛ احترام به خانواده شهدا با میانگین و ضریب تغییرات (۴/۰۹ و ۰/۳۶)، در بعد اجتماعی؛ توجه به حلال و حرام با میانگین و ضریب تغییرات (۳/۷۹ و ۲/۰۷) و در بعد مدیریت؛ اصلاح روش‌های غلط با میانگین و ضریب تغییرات (۳/۶۶ و ۲/۰۵) قرار دارند. ابروش و همکاران (۱۴۰۲) پژوهشی با عنوان تبیین مؤلفه‌های مدیریت میان‌فرهنگی سردار شهید حاج قاسم سلیمانی به انجام رساندند. حاصل این پژوهش و تحلیل، چند مؤلفه است که عبارتند از: همسوسازی راهبردی، کشف و به‌کارگیری ظرفیت‌ها، التزام به ارزش‌های جهادی، مقبولیت فراگیر، ایجاد جذابیت و توجه به عوامل فرهنگ‌مندی، نگاه راهبردی، تأکید بر سرمایه‌های انسانی، حضور در میدان و شبکه‌سازی. سالاری راد و

همکاران (۱۴۰۱) پژوهشی با عنوان شاخص‌ترین اوصاف شهید سردار حاج قاسم سلیمانی بر مبنای آیات قرآن کریم به انجام رساندند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سردار شهید حاج قاسم سلیمانی از ویژگی‌های فراوانی برخوردار بود که شاخص‌ترین آنها اخلاص، تقوا، ولایت‌پذیری، شجاعت، تدبیر، صبر و دفاع از ستم‌دیده و مبارزه با ستمکار بود. این شاخص‌ها انگیزه‌ای شد تا ایشان یک شخصیت ممتاز در جهان اسلام باشد. ایشان از روی داشتن چنین اوصافی، نمونه برجسته‌ای از تربیت‌شدگان مکتب قرآن بود که زحمات و خدمات بی‌آلایش وی به اسلام، اندوخته ارزشمندی در دیوان عدل الهی است. خان محمدی و همکاران (۱۴۰۱) پژوهشی با عنوان فرایند شکل‌گیری انسان الگو در فرهنگ رضوی: مثالواره شهید قاسم سلیمانی به انجام رساندند. نگارنده با تحلیل متون به‌جای مانده از امام رضا (ع) و با بهره‌گیری از مفاهیم تولیدشده از سوی نشانه‌شناسان، از قبیل اصل «جان‌نشینی» و «هم‌نشینی» تلاش کرده، به یک سازه مفهومی دست یابد و فرایند مکتب‌سازی در فرهنگ رضوی را نظریه‌پردازی کند. نتایج حاصل از تحلیل متن نشان‌دهنده فرایند پنج مرحله‌ای است که تنها افراد ارتقا یافته به مرحله پایانی، با ملازمت به اقتضائات آن، شایستگی الگو شدن دارند و می‌توان آن‌ها را به‌عنوان مکتب و اسوه در نظر گرفت. افراد دارای حسن «سمت»، حسن «هدی»، «تماوت در گفتار» و «تخاضع در کردار» اگر بتوانند در مرحله اقتصادی از «اقتحام»، در مرحله اجتماعی از «شوهاء»، در مرحله فرهنگی از «افساد» و در مرحله سیاسی از «عشواء» پرهیز کنند، به مرحله پنجم وارد می‌شوند. سردار قاسم سلیمانی، به دلیل داشتن مؤلفه‌های چهارگانه و ارتقا به رتبه نهایی، به‌ویژه شهادت در راه خدا، مثال‌واره مرحله پنجم است که مقام معظم رهبری ایشان را در عصر حاضر به عنوان «مکتب» معرفی کردند. نوروزی و همکاران (۱۴۰۱) پژوهشی با عنوان فهم جوهره ارتباطات انسانی - الهی در سبک فرماندهی سپهبد شهید قاسم سلیمانی به انجام رساندند. این مقاله درصدد است تا با تکیه بر روش‌شناسی تحلیل مضمون به کشف ایده‌های سپهبد قاسم سلیمانی از طریق بیانات بزرگان جبهه مقاومت اقدام نماید. روش گردآوری اطلاعات مصاحبه با افراد قرین سپهبد سلیمانی در جبهه مقاومت است. ۱۸ نفر از افراد قرین مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند یا از مصاحبه‌های منتشر شده از ایشان در رسانه‌ها استفاده گردید. نتایج با تکیه بر روش‌شناسی تحلیل مضمون انعکاسی مورد تحلیل قرار گرفت. چهار الگوی ارتباطی سردار مطابق نتایج عبارتند از الگوی فردی - انسانی، فردی - الهی، اجتماعی - انسانی و اجتماعی - الهی که از آنها برای توسعه دیپلماسی انسانی - الهی بهره برده است. اسلامی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان جایگاه قرآن در رفتار و عملکرد سردار شهید قاسم سلیمانی به انجام رساندند. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد، حرکت و عملکرد شهید سلیمانی پیوسته در راستای قرآن و دستورالعمل‌های قرآنی بوده است. این امر با توجه به وصیت‌نامه و خطابه‌های ایشان به شکل واضح‌تری نمود یافته است. همچنین شهید سلیمانی نگران آسیب دیدن قرآن و مهاجوریت آن با توجه به آیات قرآن بوده است. طلایی و همکاران (۱۴۰۱) پژوهشی با

عنوان تبیین و توسعه مؤلفه‌های حرفه‌ای معلم با تأکید بر اندیشه و سبک زندگی شهید قاسم سلیمانی به انجام رساندند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد زندگی شهید سلیمانی به‌عنوان مصداقی از عینیت بخشیدن به توسعه و رشد حرفه‌ای معلم می‌تواند برای نسل جوان دانشگاهی بویژه دانشجویان معلمان به‌عنوان معلمان آینده کشور، الگوساز باشد. ضمناً ویژگی‌های اخلاص، تواضع، اهتمام به مطالعه و مربیگری نیز جهت تعالی مؤلفه‌های فعلی، قابل‌ارائه و تأمل است. باقری و همکاران (۱۴۰۰) پژوهشی با عنوان انقلاب اسلامی و مکتب‌سازی: نمونه موردی مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی به انجام رساندند. برای انجام پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی (اسنادی) استفاده گردید. یافته‌های پژوهش مکتب شهید سلیمانی را ادامه مکتب امام خمینی (رحمه الله علیه) معرفی نموده و آن را دارای خصوصیات زیر می‌داند: شهادت طلبی، شجاعت و شهامت، اخلاص و دینداری، آینده‌نگری، تکلیف‌گرایی، اخلاق مداری، خدمت‌رسانی به محرومان، دشمن‌شناسی و تمرکز بر هدف. یافته‌ها نشان می‌دهد تداوم انقلاب اسلامی مستلزم توجه بیشتر به بحث مکتب‌سازی و ترویج و گسترش مکتب امام خمینی (رحمه الله علیه) و شهید سلیمانی است. خانی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان بازشناسی مؤلفه‌های مکتب شهید سلیمانی مبتنی بر بیانات امام خامنه‌ای مد‌ظله العالی به انجام رساندند. این پژوهشگران ویژگی‌های شهید، اقدامات شهید، برکات این شهادت عظیم، وظیفه مردم، ایام الله و نهاد انسانی نیروی قدس را به‌عنوان مؤلفه‌های مکتب شهید سلیمانی در نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی معرفی کردند.

با این حال یادگیری در دوران کودکی از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است. زیرا این امر بر ساخت شخصیت فرد هم از نظر علمی و هم از نظر کیفی تأثیر دارد و این دوره و یادگیری‌های آن مقدمه‌ای برای دستیابی به ظرفیت‌های بعدی خواهد بود. بنابراین هرگونه تعلل در تدوین و تألیف منابع یادگیری این دوره و آموزش‌های خاص آن، پیامدهای سوء و شاید دائمی به همراه خواهد داشت. در این میان برای تغییر و تعدیل رفتار فراگیران، نقش اساسی بر عهده آموزش و پرورش است، نظام آموزش و پرورش ایران متمرکز و برنامه، کتاب و معلم، محورهای اساسی آموزش و یادگیری‌اند و با توجه به آن که در بسیاری از موارد، کتاب درسی تنها رسانه آموزشی است که در اختیار معلم قرار دارد و فرآیند تدریس و یادگیری تنها با اتکا به محتوای برنامه درسی، انواع ارزشیابی‌های تحصیلی، آزمون‌ها و گزینش‌های متعدد بر مبنای محتوای کتاب‌های درسی صورت می‌پذیرد، کتاب به منزله برنامه آموزشی جای‌تبع فراوان دارد. از سویی دستیابی به اهداف دینی جامعه که به صورت اهداف آموزشی منعکس می‌شوند، آرمان هر نظام آموزشی است. اگر برنامه درسی و محتوای کتاب‌های مربوط، هماهنگ و هم‌سو با اهداف کلی و جزئی نظام نباشد، نمی‌توان نسبت به تحقق هدف‌های مورد انتظار آمیدی داشت. موفقیت یک نظام آموزشی در گرو هماهنگی اجزای متشکله با یکدیگر و هم‌سویی اجزا در جهت تحقق هدف‌ها و تناسب آن با ویژگی‌های خاص مخاطبان آموزشی است.

روش‌شناسی

در این مطالعه، محتوای کتاب‌های درسی کتب دین و زندگی متوسطه که شامل متن کتاب، تصاویر و تمرین‌ها می‌باشد، بر مبنای تکنیک تحلیل محتوی از منظر فعال بودن یا غیرفعال بودن با استفاده از روش ویلیام رومی مورد تحلیل قرار گرفته است. مؤلفه‌های مورد ارزیابی، برگرفته از مبانی نظری و مصاحبه با خبرگان مرتبط با موضوع پژوهش بود. سپس در بخش دوم بر اساس روش تجزیه و تحلیل تحلیل محتوی در آغاز، مقادیر فراوانی مؤلفه‌ها و سطح ضرایب (Ej)، هر سه حوزه (متن کتاب، تصاویر و تمرین‌ها) مشخص شده و سپس سطح اطلاعات مؤلفه‌ها برای هر یک از شاخص‌های فعال، غیرفعال و خنثی مشخص گردیده است. برای این کار (Wj)، اهمیت آن‌ها در آغاز، مقادیر فراوانی مؤلفه‌ها مشخص شده، سپس در مرحله اول محاسبات تحلیل محتوی با فرمول معین، مقادیر فراوانی مشخص شده ارزیابی و تحلیل می‌شود. در مرحله دوم سطح اطلاعات مؤلفه‌ها ارزیابی و تحلیل شده و در مرحله آخر سطح ضرایب اهمیت هر یک از مؤلفه‌ها ارزیابی و تحلیل می‌شود. هر مؤلفه‌ای که دارای سطح اطلاعات بالاتری باشد از درجه اهمیت بالاتری برخوردار است. کتاب‌های هدیه دوره متوسطه (۵ سطح) در مجموع دارای بیش از ۴۵۰ صفحه و بخش‌هایی شامل متن کتاب، تصویر و تمرین می‌باشد.

در این مطالعه کتاب‌های دین و زندگی دوره متوسطه (پنج کتاب) به‌عنوان نمونه انتخاب شده است، یعنی جهت سنجش تحقیق و به منظور رسیدن به برآیند قطعی و قابل استناد، محتوای کتاب‌های هدیه دوره متوسطه مطرح شده در کتاب کدگذاری شده و مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

به منظور سنجش روایی پژوهش حاضر جهت انتخاب مؤلفه‌ها (شاخص‌ها) از مؤلفه‌های تکنیک تحلیل محتوی استفاده شده است، زیرا این مؤلفه‌ها مورد تأیید صاحب‌نظران، مؤلفین کتاب‌ها و اساتید در مدارس و برنامه درسی ملی می‌باشند. برای مشخص شدن پایایی پژوهش حاضر از فرمول هول سستی استفاده شده است. در این پژوهش بخش محتوای کتاب‌های درسی کتب دین و زندگی متوسطه چاپ ۱۳۹۹ به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب و سپس به همراه تعاریف عملیاتی مؤلفه‌های فعال، غیرفعال و خنثی در اختیار تعدادی نفر از ارزیاب‌کننده‌های آموزشی در استان کرمان (خبرگان پژوهش ۲۰ نفر)) قرار داده شد و از آن‌ها خواسته شد تا مؤلفه‌های پژوهش در قالب مکتب شهید سلیمانی را در کتاب‌های درسی کتب دین و زندگی متوسطه را بررسی نمایند. در انتها با استفاده از داده‌های استخراج شده، جدول مقادیر فراوانی هر یک از مؤلفه‌های به دست آمده را مشخص و درصد موافقت بین ارزیاب‌کننده‌ها را مشخص نمود.

یافته‌های پژوهش

مؤلفه‌های مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی در محتوای کتاب دین و زندگی کتاب دین و زندگی (۱) - پایه دهم (رشته ادبیات و علوم انسانی، تجربی و ریاضی)

جدول ۱. نتایج آمار توصیفی مؤلفه‌های مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی در محتوای کتاب دین و زندگی کتاب دین و زندگی (۱) - پایه دهم (رشته ادبیات و علوم انسانی، تجربی و ریاضی)

پاسخگو	متن			تعرین		
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
پرهیز از ناامیدی و ترس	۰	۰	۲۰	۱۱/۲۴	۱۲	۱۴/۴۶
اتکا و توکل به خداوند	۰	۰	۹	۵/۰۶	۶	۷/۲۳
مالکیت مطلق خداوند	۰	۰	۱۳	۷/۳۰	۴	۴/۸۲
به ادب و متانت و احترام در برخورد	۰	۰	۰	۰	۰	۰
وفاداری بر قول و پیمان	۰	۰	۵	۳	۲/۴۱	۲/۴۱
ش به بخشش مادی و معنوی	۳	۱۵/۷۹	۴	۲/۲۶	۰	۰
به خدا، غیب و معنویات دینی	۳	۱۵/۷۹	۱۰	۵/۲۶	۳	۳/۶۱
وفاق و انسجام	۷	۳۶/۸۴	۲۶	۱۴/۶۱	۵	۶/۰۲
صبر کلید امور	۲	۱۰/۵۳	۳۹	۲۲	۴۱	۴۹/۴۰
آزمون الهی	۰	۰	۱	۰/۵۶	۰	۰
کارهای نیک و اعمال شایسته	۰	۰	۶	۳/۳۷	۱	۱/۲۰
حکیم پیوندهای اجتماعی	۰	۰	۱	۰/۵۶	۲	۲/۴۱
یک توأم با مهربانی و رحمت	۳	۱۵/۷۹	۳۸	۲۱/۴۰	۳	۳/۶۱
انصاف و عدل	۱	۵/۲۶	۶	۳/۳۷	۴	۴/۸۳
جمع	۱۹	۱۰۰	۱۷۸	۱۰۰	۸۳	۱۰۰

جدول ۲. داده‌های به‌نجار شده مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی در کتاب دین و زندگی (۱) - پایه دهم (رشته ادبیات و علوم انسانی، تجربی و ریاضی) بر اساس فراوانی

پاسخگو	متن	تکرار
پرهیز از ناامیدی و ترس	۰.۵۵	۰.۳۴
اتکا و توکل به خداوند	۰.۳۰	۰.۲۱
مالکیت مطلق خداوند	۰.۳۷	۰.۱۱
پایبندی به ادب و متانت و احترام در برخورد	۰	۰
وفاداری بر قول و پیمان	۰.۱۸	۰.۰۸
گرایش به بخشش مادی و معنوی	۰.۱۱	۰
ایمان به خدا، غیب و معنویات دینی	۰.۳۲	۰.۱۱
وفاق و انسجام	۰.۷۱	۰.۱۸
صبر کلید امور	۰.۹۷	۱.۲۲
آزمون الهی	۰.۰۳	۰
انجام کارهای نیک و اعمال شایسته	۰.۲۱	۰.۰۳
تحکیم پیوندهای اجتماعی	۰.۰۳	۰.۰۸
رفتار نیک توأم با مهربانی و رحمت	۰.۹۹	۰.۱۱
انصاف و عدل	۰.۲۱	۰.۱۵

جدول ۳. بار اطلاعاتی و ضریب اهمیت مؤلفه‌های مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی در کتاب دین و زندگی (۱) - پایه دهم (رشته ادبیات و علوم انسانی، تجربی و ریاضی)

پاسخگو	بار اطلاعاتی (Ej)	ضریب اهمیت (Wj)
پرهیز از ناامیدی و ترس	۰.۷۶۳	۰.۱۷۸
اتکا و توکل به خداوند	۰.۵۵۲	۰.۱۵۱
مالکیت مطلق خداوند	۰.۴۸۷	۰.۱۲۹
پایبندی به ادب و متانت و احترام در برخورد	۰	۰
وفاداری بر قول و پیمان	۰.۴۳۵	۰.۱۱۷
گرایش به بخشش مادی و معنوی	۰.۳۹۲	۰.۹۵
ایمان به خدا، غیب و معنویات دینی	۰.۵۴۷	۰.۱۳۳
وفاق و انسجام	۰.۹۸۴	۰.۲۷۲
صبر کلید امور	۰.۹۹۹	۰.۲۸۶
آزمون الهی	۰.۲۰۶	۰.۰۳۹
انجام کارهای نیک و اعمال شایسته	۰.۴۹۵	۰.۱۰۲
تحکیم پیوندهای اجتماعی	۰.۴۲۴	۰.۹۲
رفتار نیک توأم با مهربانی و رحمت	۰.۹۷۷	۰.۲۷۳
انصاف و عدل	۰.۵۵۲	۰.۱۳۷

بررسی نتایج تحلیل در تحلیل محتوی نشان می‌دهد که مؤلفه صبر کلید امور دارای بالاترین سطح ضریب اهمیت در بین مؤلفه‌های موردبررسی هستند و پس از آن مؤلفه‌های وفاق و انسجام و پرهیز از ناامیدی و ترس قرار می‌گیرد. همچنین نشان داده شده است که مؤلفه‌های ایثارگری و شهادت‌طلبی، آزمون الهی، پایبندی به ادب و متانت و احترام در برخورد و انصاف و عدل دارای کمترین سطح ضریب اهمیت در بین مؤلفه‌های موردبررسی هستند.

مؤلفه‌های مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی در محتوای کتاب دین و زندگی کتاب دین و زندگی (۲) - پایه یازدهم (رشته ادبیات و علوم انسانی، تجربی و ریاضی)
جدول ۴. نتایج آمار توصیفی مؤلفه‌های مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی در محتوای کتاب دین و زندگی کتاب دین و زندگی (۲) - پایه یازدهم (رشته ادبیات و علوم انسانی، تجربی و ریاضی)

پاسخگو	متن		تمرین	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
پرهیز از ناامیدی و ترس	۰	۴۰	۲۲/۳۵	۲۱
اتکا و توکل به خداوند	۰	۲۱	۱۱/۷۳	۶
مالکیت مطلق خداوند	۰	۲	۱/۱۲	۰
بندی به ادب و متانت و احترام در برخورد	۰	۰	۰	۰
وفاداری بر قول و پیمان	۰	۷	۳/۹۱	۰
ایش به بخشش مادی و معنوی	۳	۴۲/۸۵	۱/۶۸	۱
بمان به خدا، غیب و معنویات دینی	۴	۵۷/۱۵	۵/۰۲	۲
وفاق و انسجام	۰	۱۸	۱۰/۰۶	۵
صبر کلید امور	۰	۵۲	۲۹/۰۵	۷۶
آزمون الهی	۰	۰	۰	۰
انجام کارهای نیک و اعمال شایسته	۰	۹	۵/۰۲	۱
تحکیم پیوندهای اجتماعی	۰	۳	۱/۶۸	۰
رفتار نیک توأم با مهربانی و رحمت	۰	۱۴	۷/۸۲	۳
انصاف و عدل	۰	۱	۰/۵۶	۰
جمع	۷	۱۷۹	۱۰۰	۱۱۵

جدول ۵. داده‌های بهنجار شده مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی در کتاب‌های هدیه دوره کتاب دین و زندگی (۲) - پایه یازدهم (رشته ادبیات و علوم انسانی، تجربی و ریاضی) بر اساس فراوانی

پاسخگو	متن	تمرین
پرهیز از ناامیدی و ترس	۰	۱.۲۵
اتکا و توکل به خداوند	۰	۰.۶۷
مالکیت مطلق خداوند	۰	۰.۰۸
پابندی به ادب و متانت و احترام در برخورد	۰	۰
وفاداری بر قول و پیمان	۰	۰.۲۴
گرایش به بخشش مادی و معنوی	۰.۱۱	۰.۱۱
ایمان به خدا، غیب و معنویات دینی	۰.۱۵	۰.۳۰
وفاق و انسجام	۰	۰.۵۷
صبر کلید امور	۰	۴.۳۶
۱.۴۵	۰	۰
آزمون الهی	۰	۰
انجام کارهای نیک و اعمال شایسته	۰	۰.۳۰
تحکیم پیوندهای اجتماعی	۰	۰.۱۱
رفتار نیک توأم با مهربانی و رحمت	۰	۰.۴۴
انصاف و عدل	۰	۰.۰۳

جدول ۶. بار اطلاعاتی و ضریب اهمیت مؤلفه‌های مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی در کتاب دین و زندگی (۲) - پایه یازدهم (رشته ادبیات و علوم انسانی، تجربی و ریاضی)

پاسخگو	بار اطلاعاتی (E _j)	ضریب اهمیت (W _j)
پرهیز از ناامیدی و ترس	۰.۸۹۴	۰.۱۹۴
اتکا و توکل به خداوند	۰.۹۲۵	۰.۲۱۶
مالکیت مطلق خداوند	۰.۲۰۶	۰.۳۹
پابندی به ادب و متانت و احترام در برخورد	۰	۰
وفاداری بر قول و پیمان	۰.۴۳۳	۰.۱۰۲
گرایش به بخشش مادی و معنوی	۰.۴۷۸	۰.۱۱۷
ایمان به خدا، غیب و معنویات دینی	۰.۸۳۸	۰.۱۸۶
وفاق و انسجام	۰.۸۴۵	۰.۱۹۲
صبر کلید امور	۱.۰۰	۰.۳۷۲
۰	۰	۰
آزمون الهی	۰	۰
انجام کارهای نیک و اعمال شایسته	۰.۶۲۷	۰.۱۷۵
تحکیم پیوندهای اجتماعی	۰.۳۹۱	۰.۱۱۱
رفتار نیک توأم با مهربانی و رحمت	۰.۴۰۸	۰.۱۱۷
انصاف و عدل	۰.۴۳۹	۰.۱۲۳

بررسی نتایج تحلیل در تحلیل محتوی نشان می‌دهد که مؤلفه صبر کلید امور دارای بالاترین سطح ضریب اهمیت در بین مؤلفه‌های موردبررسی هستند و پس از آن مؤلفه‌های پرهیز از ناامیدی و ترس و رفتار نیک توأم با مهربانی و رحمت قرار می‌گیرد. همچنین نشان داده شده است که نتایج تحلیل در تحلیل محتوی نشان می‌دهد که مؤلفه‌های ایثارگری و شهادت‌طلبی، آزمون الهی، پایبندی به ادب و متانت و احترام در برخورد و اتکا و توکل به خداوند دارای کمترین سطح ضریب اهمیت در بین مؤلفه‌های موردبررسی هستند

مؤلفه‌های مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی در محتوای کتاب دین و زندگی (۳) - پایه دوازدهم (رشته ادبیات و علوم انسانی، تجربی و ریاضی)

جدول ۷. نتایج آمار توصیفی مؤلفه‌های مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی در محتوای کتاب دین و زندگی (۳) - پایه دوازدهم (رشته ادبیات و علوم انسانی، تجربی و ریاضی)

پاسخگو	متن		تمرین	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
پرهیز از ناامیدی و ترس	۰	۰	۲۸/۹۲	۲۰
اتکا و توکل به خداوند	۰	۰	۰	۰
مالکیت مطلق خداوند	۰	۰	۰	۰
ی به ادب و متانت و احترام در برخورد	۰	۰	۰	۰
وفاداری بر قول و پیمان	۰	۱	۱/۲۱	۰
پیش به بخشش مادی و معنوی	۱۹/۰۵	۳	۳/۶۱	۱
به خدا، غیب و معنویات دینی	۹/۵۲	۶	۷/۲۳	۰
وفاق و انسجام	۱۹/۰۵	۷	۸/۴۳	۱
صبر کلید امور	۱۴/۲۸	۲۸	۳۳/۷۳	۳۲
آزمون الهی	۰	۰	۰	۰
کارهای نیک و اعمال شایسته	۰	۰	۰	۰
تحکیم پیوندهای اجتماعی	۰	۰	۰	۰
نیک توأم با مهربانی و رحمت	۳۸/۱	۱۴	۱۶/۸۷	۴
انصاف و عدل	۰	۰	۰	۰
جمع	۲۱	۱۰۰	۸۳	۵۸

جدول ۸. داده‌های بهنجار شده مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی در کتاب دین و زندگی (۳) - پایه دوازدهم (رشته ادبیات و علوم انسانی، تجربی و ریاضی) بر اساس فراوانی

باسخگو	متن	تمرین
پرهیز از ناامیدی و ترس	۰.۵۶	۰.۳۹
اتکا و توکل به خداوند	۰.۳۴	۰
مالکیت مطلق خداوند	۰.۳۹	۰
پابندی به ادب و متانت و احترام در برخورد	۰.۶۷	۰
وفاداری بر قول و پیمان	۰.۷۸	۰.۰۳
گرایش به بخشش مادی و معنوی	۰.۱۶	۰.۱۱
ایمان به خدا، غیب و معنویات دینی	۰.۰۹	۰.۱۹
وفاق و انسجام	۰.۱۶	۰.۰۳
صبر کلید امور	۰.۱۱	۰.۷۹
آزمون الهی	۰.۲۴	۰
انجام کارهای نیک و اعمال شایسته	۰.۸۵	۰
تحکیم پیوندهای اجتماعی	۰.۶۸	۰
رفتار نیک توأم با مهربانی و رحمت	۰.۷۵	۰.۳۲
انصاف و عدل	۰.۸۴	۰

جدول ۹. بار اطلاعاتی و ضریب اهمیت مؤلفه‌های مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی در کتاب دین و زندگی (۳) - پایه دوازدهم (رشته ادبیات و علوم انسانی، تجربی و ریاضی)

باسخگو	بار اطلاعاتی (Ej)	ضریب اهمیت (Wj)
پرهیز از ناامیدی و ترس	۰.۴۴۱	۰.۱۱۵
اتکا و توکل به خداوند	۰.۶۸	۰.۲۴۶
مالکیت مطلق خداوند	۰.۶۷	۰.۱۶
پابندی به ادب و متانت و احترام در برخورد	۰.۴۶	۰.۲۴۴
وفاداری بر قول و پیمان	۰.۳۲۲	۰.۸۷۳
گرایش به بخشش مادی و معنوی	۰.۴۲۶	۰.۱۰۷
ایمان به خدا، غیب و معنویات دینی	۰.۶۲۴	۰.۱۳۳
وفاق و انسجام	۰.۶۸۷	۰.۱۴۱
صبر کلید امور	۰.۹۲۲	۰.۲۱۶
آزمون الهی	۰.۸۹	۰.۳۲
انجام کارهای نیک و اعمال شایسته	۰.۵۶۷	۰.۲۵۳
تحکیم پیوندهای اجتماعی	۰.۷۵	۰.۳۴۳
رفتار نیک توأم با مهربانی و رحمت	۰.۸۱۵	۰.۱۵۹
انصاف و عدل	۰.۳۶۶	۰.۵۷۳

بررسی نتایج تحلیل در تحلیل محتوی نشان می‌دهد که مؤلفه صبر کلید امور دارای بالاترین سطح ضریب اهمیت در بین مؤلفه‌های موردبررسی هستند و پس از آن مؤلفه‌های رفتار نیک توأم با مهربانی و رحمت قرار می‌گیرد. همچنین نشان داده شده است که نتایج تحلیل در تحلیل محتوی نشان می‌دهد که مؤلفه‌های ایثارگری و شهادت‌طلبی، آزمون الهی، انصاف و عدل و تحکیم پیوندهای اجتماعی؛ مالکیت مطلق خداوند، پایبندی به ادب و متانت و احترام در برخورد، اتکا و توکل به خداوند و انصاف و عدل دارای کمترین سطح ضریب اهمیت در بین مؤلفه‌های موردبررسی هستند

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر، اعتباریابی کتب دین و زندگی دوره دوم متوسطه بر اساس شاخص‌هایی مکتب تربیتی شهید حاج قاسم سلیمانی بود که بررسی نتایج تحلیل در تحلیل محتوی نشان می‌دهد که مؤلفه صبر کلید امور دارای بالاترین سطح ضریب اهمیت در بین مؤلفه‌های موردبررسی هستند و پس از آن مؤلفه‌های وفاق و انسجام و پرهیز از ناامیدی و ترس قرار می‌گیرد. همچنین نشان داده شده است که مؤلفه‌های ایثارگری و شهادت‌طلبی، آزمون الهی، پایبندی به ادب و متانت و احترام در برخورد و انصاف و عدل دارای کمترین سطح ضریب اهمیت در بین مؤلفه‌های مورد بررسی هستند.

با این حال زندگی مطلوب برای مسلمانان، حیات طیبه است و لازمه دستیابی به حیات طیبه ایمان و اعمال صالحی است که موجب دوری از سلطه پذیری است. هدف غایی نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران دستیابی به مرتبه‌ای از آمادگی برای تحقق حیات طیبه در همه ابعاد است (سند مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰) و جهت‌گیری همه اقدامات نظام برنامه ریزی درسی آموزش و پرورش به منظور تحقق این هدف غایی است. دستیابی دانش‌آموزان به حیات طیبه، جایگاه ویژه‌ای در نظام آموزش و پرورش دارد. از آنجایی که لازمه دستیابی به حیات طیبه دروی از سلطه‌پذیری و سلطه‌گری است، باید برای دانش‌آموزان تبیین شود که جهت دستیابی به مراتبی از حیات طیبه، دوری از سلطه‌پذیری ضروری و مورد تاکید دین مبین اسلام است و لازمه دوری از سلطه‌پذیری، اتخاذ رویکرد مقاومتی است. در مکتب شهید سلیمانی بحث سلطه ستیزی از ویژگی‌های خاص ایشان است. لذا توجه شایسته نظام برنامه ریزی درسی به مکتب شهید سلیمانی و تبیین اهمیت و ضرورت دوری از سلطه‌پذیری و اتخاذ رویکرد مقاومتی، متضمن دستیابی دانش‌آموزان به هدف غایی نظام آموزش و پرورش است. بر این اساس، در برنامه درسی دین و زندگی دوری از نظام سلطه و سلطه‌پذیری مورد تاکید می‌باشد. مکتب شهید سلیمانی نظام فکری و دکترین شهید حاج قاسم سلیمانی است که ناشی از باور و اعتقادات و نوع نگاه ایشان به خدا، مقام ولایت و انسانیت بود که قوام و استحکامش بر پایه اصولی است که از متن اسلام و مکتب امام خمینی (ره)، گرفته شده است و رنگ و بوی عملکردهای ایشان نیز از همان اصول برمی‌خیزد و مشروعیت عملکرد او را تأیید می‌کند. از این رو طرح شیوه و سبک عملکرد حاج

قاسم سلیمانی در قالب یک مکتب باعث دوام و استحکام ساختی و ساختاری آن شده و امکان تئوری پردازی و طراحی دوره‌های توانمندسازی و شکل دهی چارچوب‌های تربیتی را میسر می‌سازد. باید مکتب شهید سلیمانی که ترکیبی از اخلاق، انقلابی‌گری و عمل‌گرایی است را به صورت خاص در همه ابعاد و حوزه‌ها تشریح و در رفتار جوانان نهادینه شود در همین راستا باید الگوهای رفتاری، مدیریتی، اخلاقی و تربیتی او در کتاب‌های درسی دانش آموزان به نسل جوان معرفی شود و آیندگان این سرزمین بدانند ایران دارای چه اسطوره‌هایی است.

مکتب حاج قاسم از منش و رفتار سرداری می‌گوید که نمونه یک انسان مؤمن عاشق است، سرداری که خالصانه عاشق شهادت و ولایت بود، خود را سرباز ولایت می‌دانست و تمام زندگی‌اش را وقف خدا و خدمت به مردم کرده بود. نتیجه آنکه، شهید سپهبد قاسم سلیمانی امروز فقط یک فرمانده نیست که یک اسطوره بزرگ است؛ اسطوره مقاومت در برابر ظلم و ظالم، اسوه اخلاص و کار بی منت برای خدا، سرمشق تلاش، ساده زیستی، شجاعت، مجاهدت و خدمتگزاری به مردم و قهرمان مبارزه در راه آرمان، بی آنکه از غیر خدا ترسی داشته باشد. با این حال تربیت دانش آموزان و آینده سازان انقلاب اسلامی برای اینکه بتوانند در آینده نزدیک مجاهدانه در مسیر تحقق اهداف گام دوم انقلاب اسلامی و در تمدن سازی به وظایف خود عمل کنند، اهمیت والایی دارد. مدیران آینده جامعه باید از اکنون تربیت شوند تا بتوانند به عنوان مدیران جهادی تمدن ساز نقش آفرینی کنند. لازمه گرایش به تمدن نوین اسلامی، نشر نظری و عملی مکتب اسلام است. بر اساس فرامین مقام معظم رهبری (مدظله العالی) شهید حاج قاسم سلیمانی را به چشم یک مکتب، یک راه، یک مدرسه درس آموز نگاه کنیم. برای تمدن سازی اسلامی باید مدیرانی تربیت شوند که در عرصه‌های مختلف شغلی مبتنی بر مکتب شهید سلیمانی عمل کنند.

با توجه به اهمیت تأثیر عمل مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی و نقش برجسته آن در افزایش انگیزه یادگیری و تأکید بر اجرای این اهداف و عناصر کتاب‌های درسی کتب دین و زندگی پیشنهادهایی ارائه می‌شود: محتوای برنامه درسی تهیه شده، کاملاً طبق رویکردهای تعالی مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی در مرحله طراحی برنامه درسی کتاب‌های کتب دین و زندگی باشد تا محتوا بیشترین انطباق را با شایستگی‌های آموزشی و یادگیری داشته باشد. در تدوین کتاب‌های کتب دین و زندگی به حفظ تعادل در شایستگی‌های پایه انگیزشی، کار تیمی و خلاقیت توجه بیشتر به عمل آید تا رفتار فراگیران به طور مناسب پرورش یابد. پیشنهاد می‌شود تا دانش و آگاهی طراحان کتب دین و زندگی از مکتب حاج قاسم سلیمانی ارتقاء یابد تا زمینه توجه بیشتر آنها به این مکتب در طراحی کتب دین و زندگی فراهم شود. پیشنهاد می‌شود از سایر مقوله‌های روان‌شناختی در زمینه تحلیل محتوای دروس کتب دین و زندگی دوره متوسطه استفاده شود. پیشنهاد می‌شود از مقوله‌های مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی در زمینه تحلیل محتوای سایر دروس دوره متوسطه استفاده شود. همچنین پیشنهاد می‌گردد که

در کلاس‌های پیش از خدمت و در حین خدمت برای معلمین، به آگاه ساختن همه جانبه آنان از مکتب شهید سلیمانی تلاش گردد، تا به مکتب شهید سلیمانی به خوبی پی ببرند. پیشنهاد می‌گردد جهت تغییر در ساختار فکری و نگرشی مسئولان و تصمیم‌گیرندگان و طراحان کتب درسی، اقدامات فرهنگی و تربیتی برای آشنایی آنها با مکتب شهید سلیمانی برگزار گردد. پیشنهاد می‌گردد با بازنگری در کتب درسی، مباحث و مفاهیمی که در عنصر هدف و محتوای پیشنهادی مطرح شد، در محتوای کتب درسی ارائه گردد. در پایان شایان ذکر است که پژوهش حاضر در کتب دین و زندگی دوره دوم متوسطه صورت گرفته و قابل تعمیم به سایر دروس و مقاطع نمی‌باشد.

منابع

- اباذری، عبدالرحیم (۲۰۱۹). بررسی شخصیت شهید قاسم سلیمانی و نقش او در بازسازی عتبات عالیات. فرهنگ زیارت، ۴۱(۱۰)، ۲۹-۵۰.
- ابروش، رضا؛ و شاهرخی مرتضی (۱۴۰۱). تبیین مؤلفه‌های مدیریت میان‌فرهنگی سردار شهید حاج قاسم سلیمانی. فصلنامه علمی مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۹(۷۰)، ۷-۳۰.
- امینی، ابراهیم (۱۳۸۴). اسلام و تعلیم و تربیت، قم، بوستان کتاب.
- امینی، سید جواد؛ خلیلی باصری، محسن؛ محمدی، سید محمود (۲۰۲۰). تبیین منظومه (اعتقادی/ رفتاری) سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی به‌عنوان حکمران اسلامی. فصلنامه تخصصی حکمرانی متعالی، ۱(۱)؛ ۱۲۹-۱۶۰.
- باقری دولت آبادی، علی (۱۴۰۰). انقلاب اسلامی و مکتب‌سازی: نمونه موردی مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی. فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس، ۷(۴)؛ ۲۷-۵۰.
- بیات، حجت‌الله (۱۳۹۰). مبانی ضرورت تبلیغ دین از رسانه‌های نوین، در جمعی از نویسندگان. مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی دین و رسانه «رسانه دینی، دین رسانه‌ای، قم، اداره کل پژوهش‌های اسلامی صداوسیما.
- تاج‌الدین، مرضیه؛ و مهرنوش بازارگادی (۱۳۸۸). مؤلفه‌ها و شاخص‌های تربیتی از دیدگاه قرآن کریم. سایت راسخون، کتابخانه دیجیتال تبیان، تابستان و پاییز.
- تولایی. (۲۰۲۱). تبیین مبانی نظام ولایی در مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی. سلسله همایش‌های بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی، دومین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب، ۱-۱.
- جهانگرد، زینب؛ منظری توکلی، علیرضا؛ منظری توکلی، حمدالله؛ و کامیابی میترا (۱۴۰۲). تعیین اهداف آموزشی برنامه درسی بر مبنای مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی در

درس مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی. سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، ۷ (۳)، ۷۸-۸۴.

حجازی، سید محمد کاظم؛ و باقری تلواژگانی، پیمان. (۱۴۰۰). تطبیق نظریه کاریزماتیک وبر با شخصیت شهید سید اسدالله مدنی و شهید قاسم سلیمانی. شباهت‌ها و تفاوت‌ها، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۱۱ (۳۹).

حسینی مجد، سید محمدطاها؛ و شوردرزی، عرفان (۱۳۹۸). بایسته‌های تولیدات رسانه‌ای در راستای تبیین شخصیت حاج قاسم سلیمانی. مطالعات دینی رسانه، ۱ (۴)، ۶۸-۲۶.

خان محمدی، کریم (۱۴۰۱). فرایند شکل‌گیری انسان الگو در فرهنگ رضوی: مثالواره شهید قاسم سلیمانی. فرهنگ رضوی، ۱۰ (۴۰)، ۳-۶۳.

خدادادی، کامران (۱۴۰۰). تبیین نقش مکتب حاج قاسم بر رفتار اخلاقی کارکنان فرماندهی انتظامی استان کردستان. فصلنامه دانش انتظامی کردستان، ۱۲ (۴۵)، ۱۱۰-۱۲۳.

دهقان، هادی؛ و حسن خانی، عباس (۱۳۹۲). تحلیل محتوای کتاب ریاضی پایه هفتم بر مبنای طبقه‌بندی حیطه شناختی اندرسون. دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان.

ذو علم، علی (۱۳۸۰). شاخص‌های تربیت دینی از نگاه قرآن کریم، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

رجبی، طاهره؛ و رضا علی نوروزی (۱۳۹۴). ماهیت «مبارزه» و قلمروهای تربیتی آن در آموزه‌های اسلامی. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال بیست و سوم، دوره جدید، شماره ۲۷، تابستان ۱۳۹۴، ۷۷-۹۴.

رجبی، طاهره؛ و رضاعلی نوروزی (۱۳۹۴). تأملی بر جهاد و موقعیت‌های تربیتی آن از منظر قرآن، اسلام و پژوهش‌های تربیتی. سال هفتم، شماره ۱۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، ۱۰۳-۱۲۶.

رجبی، طاهره. (۱۳۹۷). بررسی مکتب تربیتی مبتنی بر جهاد در زمینه سازی تمدن نوین اسلامی، مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۱، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۷، ص ۳۰-۴۹.


رضایی، محسن (۱۳۹۹). مقدمه‌ای بر ابعاد مکتب شهید سلیمانی. به ویراستاری روح اله تولایی، ۲۳ تیر.

زارع عبداللهی، مهدیه؛ زارع بیدکی، نرگس؛ و زارع ارنانی، محدثه (۱۳۹۵). تحلیل کمی محتوای کتب هدیه‌های آسمانی، فارسی خوانداری و مطالعات اجتماعی از منظر اهداف اخلاقی مصوب دوره ابتدایی. اولین کنفرانس بین‌المللی نوآوری و تحقیق در علوم تربیتی، مدیریت و روانشناسی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی.

- زارعی، سعدالله (۱۳۹۹). گفتار پژوهی: جنبه‌های انسانی مکتب شهید سلیمانی. ۲۸ مرداد.
- زایرپور تمبکی، سمیه (۱۳۹۵). تحلیل محتوای کتاب هدیه‌های آسمانی پایه سوم ابتدایی. مجله مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، ۱۴ (۲).
- سالاری راد، معصومه (۱۴۰۱). شاخص‌ترین اوصاف شهید سردار حاج قاسم سلیمانی بر مبنای آیات قرآن کریم. دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات فرهنگی اجتماعی حوزه، ۶ (۱۲): ۲۷-۴۶.
- سعادت‌نژاد، اسماعیل (۱۳۹۹). گفتار پژوهی شاخص‌های فرهنگی در مکتب شهید سلیمانی. ۷ مهر.
- سهیلی، مهلا؛ ابوترابی، مهناز؛ افراسیابی، سمیه و امیریکی، فاطمه (۱۳۹۶). تحلیل محتوای کتب هدیه‌های آسمانی دوره ابتدایی بر مبنای کلیشه‌های جنسیتی. اولین کنفرانس بین‌المللی علوم اجتماعی، تربیتی علوم انسانی و روانشناسی، تهران، شرکت بین‌المللی کوشا.
- شفیعی نژاد، محیوبه (۱۳۸۹). تحلیل محتوای کتاب‌های دین و زندگی دوره متوسطه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهشکده تعلیم و تربیت استان کرمان.
- شیرازی، علی (۱۳۹۹). گفتار پژوهی: سبک زندگی اسلامی در مکتب شهید سلیمانی. ۱۴ مهر.
- طلائی، حمیده؛ جلیلی، حمیده؛ ملاحسینی، فاطمه؛ و قاسمی، سیدعلیرضا. (۱۴۰۱). تبیین و توسعه مؤلفه‌های حرفه‌ای معلم با تأکید بر اندیشه و سبک زندگی شهید قاسم سلیمانی. توسعه حرفه‌ای معلم، ۷ (۴): ۱۳-۳۷.
- کارگری، غفور (۱۳۹۹). گفتار پژوهی: مدیریت سرمایه انسانی در مکتب شهید سلیمانی. ۲۹ مهر.
- مؤمنی، سیدعلی؛ و عباسی شوازی، علی (۱۴۰۰). تبیین ابعاد و مؤلفه‌های مکتب ساز شخصیت شهید حاج قاسم سلیمانی به‌عنوان یک قهرمان و تطبیق آن با الگوی تربیت دینی و انقلابی دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی امین. نشریه علمی پژوهش‌های دانش انتظامی دانشگاه علوم انتظامی امین، در حال انتشار.
- نوروزی، خلیل؛ رنجبر، هادی؛ اسعدی، محمد؛ و آماده. حسین (۱۴۰۱). فهم جوهره ارتباطات انسانی - الهی در سبک فرماندهی سپهبد شهید قاسم سلیمانی. مطالعات راهبردی بسیج، ۲۵ (۹۴): ۳۹-۷۳.

Ashton, E. (2012). Religions Education in the early years, London: Routledge

تبیین سیاست خارجی ترکیه در قبال منازعه حماس - رژیم صهیونیستی (در سال ۲۰۲۳)

کریمی فرد، حسین  دانشیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

چکیده

شبه نظامیان حماس در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ در پاسخ به بیش از هفت دهه اشغال‌گری و تحمل آسیب‌ها و دردهای فراوان به رژیم صهیونیستی حمله کردند. این رژیم در پاسخ، با زیرپا گذاشتن تمام قواعد حقوق بشر دوستانه و حمله به غیرنظامیان، مدارس و بیمارستان‌ها، چندین هزار زن و کودک را کشت و باعث آواره شدن غیرنظامیان شد. کشورهای مختلف از جمله ترکیه به منازعه حماس_ رژیم صهیونیستی واکنش نشان دادند. نگارنده در این مقاله در صدد بررسی سیاست خارجی این کشور در قبال این منازعه می‌باشد. بنابراین سؤال مقاله عبارتست از: ترکیه چه سیاستی در قبال منازعه حماس و رژیم صهیونیستی ۲۰۲۳ اتخاذ نمود؟ (مسئله) پژوهش حاضر با کاربرد عملگرایی و با روش کیفی از نوع توصیفی و تحلیلی انجام شده است. (روش) فرضیه مقاله عبارتست از: سیاست خارجی ترکیه در قبال منازعه حماس و رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۲۳ بر رویکرد عملگرایی و کنش سیاسی منفعت‌جویانه مبتناء یافته است. بدین صورت از یک طرف خواهان تداوم روابط با رژیم صهیونیستی در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی است و از سوی دیگر با اتخاذ سیاست اعلانی و لفاظی‌های حمایت‌گرایانه از فلسطین در صدد کسب محبوبیت و رهبری جهان اسلام می‌باشد. لفاظی‌های اردوغان جهت دستیابی به آرزوهای هژمونیک در جهان اسلام، افزایش قدرت چانه‌زنی با غرب به خصوص آمریکا و استتار سیاست‌های عملی ترکیه از جمله مسائل اقتصادی، امنیتی و سیاسی با رژیم صهیونیستی می‌باشد. (یافته‌ها)

کلیدواژه‌ها: حماس، رژیم صهیونیستی، ترکیه، سیاست خارجی، اردوغان

دریافت: ۱۴۰۲-۱۰-۱۰

پذیرش: ۱۴۰۲-۱۱-۱۷

* نویسنده مسئول: hkarimifard@yahoo.com

صفحات مقاله: ۵۱-۷۱

بیان مسئله

حمله غیرمنتظره و غافلگیرکننده حماس در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ و واکنش نامتناسب رژیم صهیونیستی برای مبارزه با این گروه در غزه، تبدیل به بحران جدی در خاورمیانه شده است. در حمله حماس، افسانه ارتش و اطلاعات شکست ناپذیر رژیم صهیونیستی شکسته شد، تلاش‌های دولت آمریکا برای تنظیم مجدد نظم منطقه‌ای از طریق تسهیل عادی سازی اعراب و رژیم صهیونیستی مختل شد، کشورهای عربی نگران گسترش درگیری‌های منطقه‌ای و افزایش خشم عمومی علیه سیاست رژیم صهیونیستی در قبال سرزمین‌های اشغالی شدند و بسیاری از کشورها از حمایت بی چون و چرای ایالات متحده و اتحادیه اروپا از رژیم صهیونیستی سرخورده شدند.

شبه‌نظامیان حماس با شکستن موانع دفاعی رژیم صهیونیستی به اشغال چندین دهه فلسطین و رفتار تحقیرآمیز رژیم صهیونیستی واکنش نشان دادند. این یک حمله نمادین در پنجاهمین سالگرد جنگ یوم کیپور بود که رژیم صهیونیستی را با وجود تدابیر دفاعی پیشرفته غافلگیر کرد. این یک، شوک برای ملت و دولت رژیم صهیونیستی بود و احساس دیرینه آسیب ناپذیری آن را خدشه دار کرد. واکنش دولت نتانیاهو بی سابقه و بی رحمانه بود. نیروی هوایی رژیم صهیونیستی بمباران غزه را آغاز کرد و انبوهی از آوار بر جای گذاشت. این حملات به مثابه زمین لرزه‌ای ویرانگر مناطق شهری را لرزاند. بیش از یک میلیون غیرنظامی مجبور به ترک خانه‌های خود شدند و وضعیت به سرعت به یک بحران انسانی تبدیل شد.

ترکیه و رژیم صهیونیستی به عنوان دو کنشگر غیر عرب در منطقه، مدت‌هاست که شیفته یکدیگر بوده‌اند و در بیشتر روابط ۷۴ ساله، دوست یکدیگر محسوب شده‌اند. از سوی دیگر رابطه ترکیه و رژیم صهیونیستی از متغیر بحران فلسطین متأثر بوده است. ترکیه از یک سو در صدد حمایت از فلسطین بوده و از سوی دیگر در تلاش برای عادی سازی روابط خود با رژیم صهیونیستی در جهت نائل شدن به منافع ملی‌اش بوده است.

دولت ترکیه ۷ اکتبر و پیامدهای آن را مقطعی حساس برای خاورمیانه دانست. در ابتدای این بحران، دولت ترکیه تلفات غیرنظامیان را بدون نام بردن حماس محکوم کرد. سپس این کشور به طور فزاینده‌ای موضعی انتقادی در قبال سیاست رژیم صهیونیستی در قبال غزه اتخاذ کرد. رویکرد اردوغان به بحران غزه دارای سه مرحله بود. در ابتدا حمایت لفاظی و بشردوستانه در پیش گرفت در این مرحله آنکارا رویکرد محتاطانه‌ای در قبال جنگ در پیش گرفته است. سپس با اعزام هاکن فیدان وزیر امور خارجه برای یافتن زمینه مشترک با دیگر بازیگران منطقه اقدام نمود. و در مرحله سوم؛ اردوغان بعد از ۲۵ اکتبر از مرزهای سیاست لفاظی حزب عدالت و توسعه عبور کرد و رژیم صهیونیستی را سرزنش کرد و سطحی از

همدردی با حماس را ابراز کرد که در طول سه هفته اول جنگ نسبت به آن بی توجه بود. در این مرحله بود که اردوغان سازمان حماس را سازمانی آزادبخش نامید.

این مقاله شامل چارچوب مفهومی عملگرایی، ادبیات پژوهشی، بررسی سیاست خارجی ترکیه در قبال رژیم صهیونیستی، تحلیل روابط ترکیه و فلسطین و مؤلفه‌های سیاست خارجی اردوغان در قبال بحران غزه و نتیجه‌گیری می‌باشد. سؤال این مقاله عبارتست از: ترکیه چه سیاستی در قبال منازعه حماس و رژیم صهیونیستی ۲۰۲۳ اتخاذ نمود؟ فرضیه این پژوهش که تلاش می‌شود با متدولوژی توصیفی و تحلیلی اثبات شود عبارتست از: سیاست خارجی ترکیه در قبال منازعه حماس و رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۲۳ بر رویکرد عملگرایی و کنش سیاسی منفعت‌جویانه ابتناء یافته است. بدین صورت از یک طرف خواهان تداوم روابط با رژیم صهیونیستی در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی است و از سوی دیگر با اتخاذ سیاست اعلانی و لفاظی‌های حمایت‌گرایانه از فلسطین در صدد کسب محبوبیت و رهبری جهان اسلام می‌باشد.

چارچوب مفهومی پراگماتیسم

عملگرایی^۱ در طول قرن بیستم در روابط بین‌الملل به طور کلی و سیاست خارجی به طور خاص، تا حد زیادی نادیده گرفته شده است. هر چند پراگماتیسم به طور گسترده به عنوان یکی از معدود نظریه‌های اجتماعی «آمریکایی» تلقی می‌شود اما در پژوهش‌های روابط بین‌الملل نقش حاشیه‌ای داشته است.

پراگماتیسم آمریکایی به طور گسترده به عنوان اولین مشارکت اصلی در فلسفه غرب که از آمریکای شمالی سرچشمه می‌گیرد در نظر گرفته می‌شود. چارلز سندرز پیرس (۱۸۳۹-۱۹۱۴)، ویلیام جیمز (۱۸۴۲-۱۹۱۰)، جان دیویی (۱۸۵۹-۱۹۵۲)، و جورج هربرت مید (۱۸۶۳-۱۹۳۱) معمولاً به عنوان نویسندگان کلیدی نسخه کلاسیک آن ذکر می‌شوند و ریچارد رورتی (۱۹۳۱-۲۰۰۷) نیز به عنوان "نئوپراگماتیسم" شناخته می‌شود. در این مقاله پراگماتیسم را به عنوان نظریه‌ای درباره اندیشه و عمل انسانی تلقی می‌شود که از جدایی دوگانه و گمراه‌کننده بین نظریه‌های دانش که «معرفت‌شناسی» نیز نامیده می‌شود، و عمل فراتر می‌رود. برای عملگرایان، دانش عمل است و مبتنی بر تجربه است. آن‌ها همه مبانی دانش یا ادعاهای حقیقت را به جز عمل و تجربه رد می‌کنند. دانستن عمل است و کیفیت دانش در پیامدهای آن نهفته است. (Franke_ Hellmann, 2017:3) - دانش مفید دانشی است که بتواند مشکل را حل نماید. به عبارتی دانش باید مطلوبیت و سودمندی داشته باشد.

¹ Pragmatism

پراگماتیسم روشی پیچیده از تفکر درباره دانش، هستی و امور اجتماعی_سیاسی است. چند گزاره کلیدی پراگماتیسم را می‌توان به شکل ذیل ذکر نمود: اولاً، عمل‌گرایان کلاسیک به این ایده اهمیت می‌دهند که تجربه در میانه چیزها شروع و پایان می‌یابد، نه از یک موقعیت اولیه (مثلاً وضعیت طبیعت جان لاک یا توماس هابز) یا خاتمه یافتن به یک پایان ثابت و نهایی. ثانیاً تجربه انسانی، صرفاً یک رویداد تماشاگر مانند موضوع درک (شناخت) ذات منحصر به فرد اشیاء نیست بلکه تجربه، مجموعه‌ای از تعاملات یا تعاملات فعال بین یک موجود زنده و محیط آن است. برای دیویی، این تعامل شامل سازگاری، انطباق و رشد انسان است. انسان‌ها با استفاده از ابزارهای مختلف (ابزارها، تکنیک‌ها، روش‌ها، رویکردها) شرایط محیط خود را - خواه از طریق بررسی مشکلات یا درگیر شدن در کنش سیاسی- دستکاری می‌کنند و به نوبه خود، نگرش‌ها و عادات خود را تغییر می‌دهند. سوم، پراگماتیست‌های کلاسیک تلاش می‌کنند بر دوآلیسم‌ها یا تضادهای مفهومی ریشه‌دار مثل دوگانه فرد و جامعه، ابزارها و اهداف و نظریه و عمل غلبه کنند. تلقی این دوگانگی‌ها به‌عنوان ویژگی‌های ثابت واقعیت می‌تواند مانع از جست‌وجوی مؤثر شود زیرا آنها به‌طور تصنعی محدوده‌ای را مشخص کنند که محققان نمی‌توانند احتمالات را فراتر از جایگزین‌های دوگانه تصور کنند. (Ralston, 2011)

پراگماتیسم در زمینه سیاست خارجی حاکی از بی‌ثباتی هنجاری است که تضمین می‌کند قوانین و اقدامات، سیالیت را در انگیزه‌ها و اجراهای اساسی خود حفظ می‌کنند. این نگران‌کننده است زیرا می‌تواند سخنان دوگانه، استانداردهای دوگانه، فریبکاری و دستکاری را به عنوان خط مقدم حمله به ارزش‌های اصلی انسانی ایجاد کند. «سیاست ما در قبال یک کشور معین بر اساس ملاحظات مختلفی از جمله نگرانی‌های امنیتی، مسائل اقتصادی، و الزامات حقوق بشر شکل می‌گیرد. دشوارترین وظیفه دولت ایجاد تعادل مناسب بین این الزامات است. بنابراین از مطالب فوق روشن می‌شود که هیچ ارزش انسانی خاصی که در پیگیری و اعمال سیاست خارجی ایالات متحده نقش اساسی داشته باشد وجود ندارد. (Ehimiyen, 2020: 4) به گفته هانس مورگنتا، «دولت حق ندارد اجازه دهد که نارضایتی اخلاقی در مورد نقض آزادی، مانع از اقدام سیاسی موفق شود». از دیدگاه این اندیشمند روابط بین الملل «احتیاط برترین فضیلت در سیاست است» (Morgenthau, 1973: p. 10)

ادبیات پژوهشی

در مورد سیاست خارجی ترکیه مقالات و کتب مختلف و متعددی نوشته شده است همچنین در مورد سیاست این کشور در قبال رژیم صهیونیستی پژوهش‌های مختلف صورت گرفته است اما در مورد «سیاست خارجی ترکیه در قبال منازعه حماس_ رژیم صهیونیستی ۲۰۲۳» به سبب جدید بودن موضوع به ندرت کتاب و مقالات نوشته شده است. در ذیل به

مهمترین مواردی که می‌توانند بیشترین قرابت‌ها را با موضوع حاضر داشته باشند اشاره می‌شود:

- دانفورث^۱ در مقاله «ایدئولوژی و عملگرایی در سیاست خارجی ترکیه: از آتاتورک تا حزب عدالت و توسعه»^۲ بر این نظر است که پراگماتیسم را می‌توان یکی از دال‌های شناور در گفتمان نوعثمانی‌گرایی حزب عدالت و توسعه دانست. رهبران ترکیه در تدوین رویکردهای خود در قبال اروپا و خاورمیانه به ندرت تحت تأثیر ایدئولوژی‌هایی قرار گرفته‌اند که سیاست داخلی آنها را تعیین می‌کنند. (Nicholas, Danforth, 2008:83)

- بزرگمهری (۱۳۹۹) در مقاله «روابط ترکیه و رژیم صهیونیستی؛ همگرایی یا واگرایی (۲۰۰۰-۲۰۱۹)» معتقد است که با توجه به نظریه مجموعه امنیتی و با تاکید بر پایداری قرارداد نظامی بین دو بازیگر از سال ۱۹۹۶ تا کنون، می‌توان گفت که رابطه بین رژیم صهیونیستی و ترکیه بیشتر جنبه امنیتی دارد. از دیدگاه نویسنده ترکیه و رژیم صهیونیستی سیاست همکاری خود را ادامه داده اما گاهی هر دوطرف برای همسویی طرف مقابل به اهرم فشار و اجبار متوسل می‌شوند. تفاوت این مقاله با متن حاضر در مقطع زمانی، چارچوب نظری و ماهیت موضوع می‌باشد.

- قیمی (۱۳۹۹) در مقاله «بررسی پیامدهای اقتصادی_ فرهنگی روابط ترکیه و رژیم صهیونیستی بر منطقه خاورمیانه» معتقد است که رژیم صهیونیستی با هدف توسعه و گسترش رشد اقتصادی در برابر کشورهای عربی، ایجاد هژمونی اقتصادی و تلاش برای صادرات گاز به اروپا، منزوی ساختن ایران در منطقه، اقدام به گسترش روابط با ترکیه نمود. از سویی دیگر، رژیم صهیونیستی تلاش نمود تا از طریق رابطه با ترکیه، شوک ناشی از تغییرات فرهنگی را در منطقه خاورمیانه کاهش دهد. این مقاله نیز از حیث موضوع مطالعه و چارچوب نظری با متن حاضر تفاوت دارد. با توجه به مطالب فوق در این متن تلاش می‌شود با تاکید بر سیاست خارجی ترکیه در قبال منازعه حماس رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۲۳ با تاکید بر رویکرد پراگماتیسم مورد تحلیل و تبیین قرار گیرد.

- بزرگمهری (۲۰۲۰) در مقاله «سیاست خارجی ترکیه و مسئله فلسطین: دیدگاه ایران (۲۰۰۲-۲۰۲۰)» بر این نظر است که مقامات ترکیه سعی کرده‌اند به عنوان میانجی در مناقشه فلسطین و رژیم صهیونیستی نقش بازی کنند و از طریق ابتکارات مختلف سیاسی و اقتصادی از توافق صلح بین دو طرف حمایت کنند. با این حال، پس از جنگ غزه در سال ۲۰۰۸، موضع سیاست خارجی دولت ترکیه در قبال رژیم صهیونیستی، حداقل به طور رسمی، شروع به تغییر کرد. اما این تنش سیاسی تأثیر چندانی بر دیگر زمینه‌های فعلی همکاری بین

¹ Danforth

² - Ideology and pragmatism in turkishforeign policy:from atatürk to the AKP

آنکارا و تل آویو نداشت. مقطع زمانی و چارچوب نظری این مقاله تفاوت بارز با این متن می‌باشد.

- گونتیخو_ باربوسا (۲۰۲۰) در مقاله «پراگماتیسم اردوغان و حزب عدالت و توسعه در ترکیه: اسلام و نوعثمانی» معتقدند که گفتمان نوعثمانی گرایی به عنوان ابزار، پشتوانه‌ای برای تغییر شکل هویت ملی ترکیه و نفوذ بیشتر در خاورمیانه فراهم می‌آورد. چنین رویه‌ای نمایانگر یک هدف عملگرایانه برای جلب حمایت از طیف‌های مختلف سیاسی برای حفظ موقعیت خود در قدرت می‌باشد.

- اخوان کاظمی (۱۴۰۱) در مقاله «تحلیل مبانی پایدار روابط راهبردی ترکیه و رژیم اشغالگر قدس در منطقه جنوب غربی آسیا (۲۰۲۲-۲۰۰۲)»^۱ بر این نظر است که با وجود رابطه نسبتاً متعادل ترکیه و رژیم اشغالگر قدس در گذشته، اما با حاکمیت احزاب ایدئولوژیک محور با اعتقادات متضاد طرفین؛ یعنی حزب عدالت و توسعه در ترکیه و احزابی مانند لیکود در رژیم اشغالگر قدس، این رابطه برخلاف انتظارات، کماکان حفظ و حتی در مواقعی مستحکم‌تر شده است. تفاوت پژوهش حاضر با مقاله فوق در مقطع زمانی مورد بحث و تمرکز بر منازعه رژیم صهیونیستی_ حماس در سال ۲۰۲۳ می‌باشد.

روش‌شناسی

در این مقاله تلاش می‌شود با استفاده از روش تحلیلی و تبیینی به بررسی داده‌های جمع آوری شده از طریق فیش برداری و منابع اینترنتی در مورد سیاست خارجی ترکیه در قبال منازعه حماس_ رژیم صهیونیستی پردازد. روش تحلیل در این مقاله کیفی می‌باشد. مقطع زمانی مدنظر نیز ۲۰۲۳ می‌باشد.

سیاست خارجی ترکیه در قبال رژیم صهیونیستی

ترکیه و رژیم صهیونیستی کنشگرانی هستند که دارای روابط و پیشینه تاریخی سیاسی و دیپلماتیک هستند. یهودیان در دوران امپراطوری عثمانی از امنیت و امتیازاتی برخوردار بودند. زمانی که یهودیان موفق به اشغال سرزمین فلسطین و تشکیل دولت رژیم صهیونیستی شدند، به عنوان یک بازیگر پیرامونی که در محاصره کشورهای عربی با اکثریت مسلمان قرار گرفتند متوجه شدند باید با کشورهای غیر از اعراب رابطه دیپلماتیک برقرار کنند بنابراین ترکیه را به عنوان متحد سیاسی انتخاب کردند. زیرا با نیازهای سیاسی، امنیتی و اقتصادی آنها مطابقت داشت. (Salsabila, 2022:152) از سوی دیگر ترکیه درصدد تاثیرگذاری بر

¹ Turkish Foreign Policy and Palestinian Issue: an Iranian Perspective (۲۰۰۲-۲۰۲۰)

سیاستگذاری خارجی امریکا در خاورمیانه از طریق لابی آپیک می‌باشد. «لابی صهیونیستی که در ایالات متحده امریکا وجود دارد از تمام لابی‌های قومیتی این کشور قوی‌تر است هر هنگام که این لابی به نفع ما عمل کرده است، منافع ترکیه در ایالات متحده کاملاً در برابر بدخواهانش حفظ شده است. (حمیدی_قاسمی، ۱۳۹۴: ۶۵)

ترکیه اولین کشور مسلمانی بود که در سال ۱۹۴۹ رژیم صهیونیستی را به رسمیت شناخت. با وجود روابط نزدیک اقتصادی، دیپلماتیک و دفاعی آن با رژیم صهیونیستی، لحظات تقابلی قبل از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه وجود داشت. به عنوان مثال، بولنت اجویت، نخست وزیر ترکیه در سال ۲۰۰۲ رژیم صهیونیستی را به «به رسمیت نشناختن قطعنامه‌های سازمان ملل» و «ارتکاب نسل‌کشی» متهم کرد و ایالات متحده را به دلیل انفعال خود در خطر «رادیکالیسم اسلامی» و «تقابل شرق و غرب» سرزنش کرد. در طول دهه‌های آغازین جنگ سرد، علیرغم روابط اغلب پرتنش با جهان عرب، رابطه ترکیه و رژیم صهیونیستی در خاورمیانه، نه تنها از نظر سیاسی، بلکه از نظر اقتصادی و نظامی حفظ شد. اما این پیوند پس از جنگ شش روزه، با حمایت آنکارا از قطعنامه ۲۴۲ و پذیرش دفتر ساف در قلمرو خود در سال ۱۹۷۹، شروع به زوال کرد. پیروزی حزب عدالت و توسعه در انتخابات زودهنگام سال ۲۰۰۲، باعث شد که این صف بندی برای چندین سال دیگر حفظ شود. (Marcou, 2023)

حزب عدالت و توسعه تنها چند ماه پس از تشدید انتقاد اجویت از رژیم صهیونیستی به قدرت رسید. حزب عدالت و توسعه محصول جنبش ناسیونالیست اسلام‌گرای ترکیه است که با شور و اشتیاق، فلسطین را به عنوان پرونده‌ای مهم در سیاست خارجی ترکیه می‌دید. اردوغان برای ترکیه در مساله فلسطین در سه «نقش» کنشگری نمود:

- مروج دموکراسی: حماس بیشترین کرسی‌ها را در انتخابات پارلمانی فلسطین در سال ۲۰۰۶ به دست آورد که گروه چهارجانبه خاورمیانه آن را «آزاد، عادلانه و امن» می‌دانست. در حالی که ایالات متحده و اتحادیه اروپا به رسمیت شناختن پیروزی حماس را مشروط به «کنار گذاشتن خشونت و ترور، پذیرش حق وجود رژیم صهیونیستی و خلع سلاح حماس» می‌دانستند، آنکارا این لحظه را یک فرصت برای معرفی خود به عنوان مروج دموکراسی در جهان اسلام می‌دانست.

- بازیگر صلح ساز و میانجی: یکی از ستون‌های اصلی سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه، تلاش برای ایفای نقش کنشگر «صلح‌طلب در پیرامون نظام بین‌الملل» می‌باشد. در همین چارچوب بود که ترکیه تلاش کرد در طول جنگ غزه بین دسامبر ۲۰۰۸ و ژانویه ۲۰۰۹ " ادعای میانجی‌گری داشته باشد، هرچند نتیجه مشخصی نداشت.

- حامی حقوق فلسطینیان: حفاظت از حقوق فلسطین برای حزب عدالت و توسعه بخشی از تلاش آن برای دفاع از منافع مسلمانان در سراسر جهان می‌باشد اردوغان این لفاظی

را ترویج کرده است که رهایی مسلمانان از سلطه فرهنگی و سیاسی غرب به لطف او آغاز شده و می‌تواند به جاهای دیگر گسترش یابد. او در سال ۲۰۲۰، پس از تبدیل ایا صوفیه به مسجد، آن را به عنوان "منادی آزادی مسجد الاقصی" توصیف کرد. (Adar, 2023)

روابط سیاسی و اقتصادی ترکیه با دولت فلسطین

ترکیه دارای تاریخ مشترک چند قرنی با مردم فلسطین است و پیوندهای فرهنگی و اجتماعی نزدیکی با آنها دارد. ترکیه در سال ۱۹۷۵ با سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) روابط رسمی برقرار کرد و یکی از اولین کشورهای بود که دولت فلسطین را که در ۱۵ نوامبر ۱۹۸۸ در تبعید تأسیس شده بود به رسمیت شناخت. (Cafiero, 2023)

علاوه بر این «ترکیه روابط خود را با تشکیلات خودگردان فلسطین که در سال ۱۹۹۶ در چارچوب توافقنامه‌های اسلو-۱ (۱۹۹۳) و اسلو-۲ (۱۹۹۵) تأسیس شد، تحکیم بخشید. همچنین ترکیه از تلاش‌های کشور فلسطین برای به رسمیت شناخته شدن به عنوان یک کشور در مجامع بین‌المللی حمایت کرد. در این زمینه، ترکیه در سال ۲۰۱۱ از تلاش دولت فلسطین برای عضویت در یونسکو حمایت کرد. همچنین از ارتقاء وضعیت فلسطین به "کشور ناظر" در سازمان ملل در ۲۹ نوامبر ۲۰۱۲ حمایت نمود.» (Almuedo, 2011)

مجموع کمک‌هایی که از سال ۱۹۹۵ به طور مستقیم از دولت به دولت یا به طور غیرمستقیم از طریق سازمان‌های بین‌المللی به فلسطین ارائه شده است، بیش از ۳۰۰ میلیون دلار آمریکا است. این رقم شامل کمک‌های ترکیه به صورت کالا یا پول نقد به فلسطین در طیف وسیعی از زمینه‌ها از جمله توسعه، بهداشت، آموزش، امور مالی عمومی، نهادسازی، امنیت، گردشگری و همچنین کشاورزی است. در راستای نقش فزاینده ترکیه در فلسطین، آژانس بین‌المللی همکاری و توسعه ترکیه در ماه مه ۲۰۰۵ شعبه‌ای را در رام‌الله افتتاح کرد تا از هماهنگی موثرتر و کمک‌های توسعه ترکیه اطمینان حاصل کند. علاوه بر این ترکیه از طریق آژانس امداد و کار سازمان ملل متحد به آوارگان فلسطینی کمک می‌کند. (Marcou, 2023)

ترکیه معتقد است که روند صلح تنها در صورتی می‌تواند موفقیت‌آمیز باشد که با بعد اقتصادی تکمیل شود. در این راستا، زندگی روزمره فلسطینی‌ها باید بهبود یابد و زیرساخت‌های اجتماعی-اقتصادی پایدار برای یک کشور آینده فلسطین ایجاد شود. این یک مأموریت اخلاقی و بشردوستانه برای کل جامعه بین‌المللی است. در این چارچوب، ترکیه در دسامبر ۲۰۰۳ یک برنامه اقدام جامع اقتصادی و اجتماعی برای فلسطین اعلام کرد.

یکی دیگر از ابتکارات ترکیه، مجمع آنکارا (مجمع آنکارا برای همکاری اقتصادی بین فلسطین، رژیم صهیونیستی و ترکیه) است. این مجمع توسط رؤسای اتاق‌های بازرگانی

ترکیه، رژیم صهیونیستی و فلسطین افتتاح شد. اولین نشست مجمع آنکارا به میزبانی اتحادیه اتاق‌ها و بورس‌های کالای ترکیه در ۲۷ آوریل ۲۰۰۵ برگزار شد. از آنجایی که مجمع، اعتماد متقابل را در میان طرفین تقویت کرد، پروژه‌هایی را با هدف بازسازی/تأسیس صنایع آغاز کرد. اولین پروژه از این قبیل، بازسازی منطقه صنعتی در نوار غزه بود. ترکیه از تلاش‌های دولت فلسطین برای اصلاحات حمایت می‌کند. در این زمینه، کارشناسان ترک در روند اصلاح قانون اساسی و اداری شرکت کردند. علاوه بر این، وزارت امور خارجه ترکیه از سال ۲۰۰۴ برنامه آموزشی ویژه‌ای را ارائه داد که در چارچوب آن تعدادی از دیپلمات‌های جوان فلسطینی فرصت آموزش حرفه‌ای پیدا کردند. روابط تجاری و اقتصادی بین ترکیه و دولت فلسطین از زمان امضای توافقنامه تجارت آزاد در سال ۲۰۰۴ به طور پیوسته تقویت شده است. ترکیه از حل و فصل مناقشه رژیم صهیونیستی و فلسطین بر اساس قطعنامه‌های ۲۴۲، ۳۳۸، ۱۳۹۷ و ۱۵۱۵ شورای امنیت سازمان ملل، اصل زمین برای صلح، ابتکار صلح عربی و نقشه راه که دو کشور را تضمین می‌کند، حمایت می‌کند. ترکیه آشتی ملی را تشویق می‌کند و همچنین از جامعه بین‌المللی می‌خواهد که نگرش سازنده‌ای اتخاذ کند که به جای جدایی و انزوا بر توافق ملی متمرکز باشد. (Ministry of Foreign Affairs of the Republic of Türkiye, 2023)

مؤلفه‌های سیاست عملگرایانه ترکیه در قبال بحران غزه ۲۰۲۳

حزب عدالت و توسعه تلاش می‌کند تا میان سیاست منطقه‌ای و رابطه با غرب تعادل برقرار نماید و با اتخاذ یک رویکرد عملگرایانه علاوه بر بسط نفوذ خود در منطقه در قالب هویت اسلامی، روابط خوبی را با کشورهای غربی برقرار سازد. (محمدی و جمال پور، ۱۳۹۹، ص. ۴۷) اعتقاد اردوغان به مشروعیت حماس به عنوان یک بازیگر فعال فلسطینی است که نتیجه طبیعی وابستگی ایدئولوژیک او به اخوان المسلمین است. از دیدگاه اردوغان حماس بخشی از روند سیاسی است و سیاست خارجی ترکیه را به سمت این ایده سوق داده است. حماس از زمان پیروزی در انتخابات فلسطین در سال ۲۰۰۶ در ترکیه حضور داشته و هیئت‌هایی را به آنجا اعزام کرده است. برای دولت، نبرد ایدئولوژیک مدتهاست که به نفع حماس حل شده است. در حالی که ترکیه با فتح و حماس سر و کار دارد و در مقطعی میزبان محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین و اسماعیل هنیه، رهبر حماس بوده است، تشکیلات خودگردان به عنوان یک نهاد ناکارآمد تلقی می‌کند. از این نظر، ترکیه موقعیت حماس را در جهان اسلام ارتقا داده و مشروعیت بخشیده است. (Aydıntaşbaş, 2023A)

الف: سیاست لفاظی محتاطانه و محافظه‌کارانه

این سیاست از ابتدای حمله حماس یعنی ۷ اکتبر تا حمله بیمارستان الاهلی اجرا شد. در ابتدا بحران «رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور ترکیه به بحران غزه ۲۰۲۳ واکنش نشان داد. وی همه طرف‌ها را به خویشتن داری دعوت کرد و از آنها خواست از اقدامات عجولانه و تکانشی خودداری کنند. پس از آن، او آشکارا از حملات نظامی رژیم صهیونیستی به غزه انتقاد کرد و چشم‌اندازی برای راه‌حلی پایدار بیان کرد. اردوغان تاکید کرد که راه مناسب حل و فصل به تشکیل کشور فلسطین، پایبندی به مرزهای ۱۹۶۷ با پایتختی بیت المقدس شرقی و حفظ تمامیت ارضی می‌باشد». (Yeşiltaş, 2023)

پس از شروع درگیری، آنکارا سیاست محتاطانه در پیش گرفت و خواستار آتش بس فوری شد. رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور ترکیه فعالانه به دنبال راه حل دیپلماتیک با استفاده از دیپلماسی تلفنی و اعزام هاکان فیدان وزیر امور خارجه به پایتخت‌های منطقه بود. پیام آنکارا واضح بود؛ بر راه‌حل دو کشوری تاکید کرد و جامعه بین‌المللی پس از آتش بس و تبادل گروگان‌ها بین طرفین، باید روی چارچوب سیاسی کار کند. موضع آنکارا منعکس کننده سیاست خارجی سنتی ترکیه در قبال مسئله فلسطین است که برای چندین دهه آن را حفظ کرده است. در این مرحله مقامات حزب عدالت و توسعه، با رئیس جمهور اردوغان، مراقب بودند که از حمله به رژیم صهیونیستی و نخست وزیر بنیامین نتانیاهاو اجتناب کنند. رئیس جمهور اردوغان با نزدیک شدن ناوهای هواپیمابر به شرق مدیترانه، آشکارا حضور فزاینده ارتش آمریکا در منطقه را زیر سؤال برد و خواستار اجازه ارسال کمک‌های بشردوستانه از طریق مرز رفح شد.

فیدان، وزیر امور خارجه ترکیه، نیز مثل اردوغان سیاست اعلانی نسبت به بحران غزه در پیش گرفت. وی ۲۰ اکتبر گفت که جو بایدن، رئیس جمهور آمریکا تخریب غزه را نادیده گرفته است. او همچنین از زمان آغاز جنگ، چندین سفر پرمخاطب در منطقه انجام داده است و به دنبال همکاری برای درخواست آتش بس، آزادی گروگان‌ها و هماهنگی کمک‌های بشردوستانه بوده است. وی پس از نشست منطقه‌ای در تهران بیانیه مشترکی با همتایان روسی و ایرانی خود صادر کرد. وی همچنین در جلسات اتحادیه عرب و سازمان همکاری اسلامی درباره بحران که به ترتیب در عربستان سعودی و مصر برگزار شد، شرکت کرد. فیدان سفری دو روزه به قاهره داشت و با همتای خود سامح شکر دیدار کرد. اندکی پس از آن، کمک‌های بشردوستانه ترکیه از طریق مصر به غزه رسید. فیدان همچنین با آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه ایالات متحده در مورد تلاش برای ارائه کمک‌های بشردوستانه به غزه و فشار برای کاهش تنش منطقه‌ای مشورت کرد. (Outzen, 2023)

ب: سیاست لفاظی شدید و فقدان سیاست اعمالی مؤثر

حمله رژیم صهیونیستی به بیمارستان الاهلی فلسطین نقطه عطفی در سیاست خارجی ترکیه در قبال بحران غزه تلقی می‌شود. سیاست ترکیه بعد از این حمله دچار تغییراتی شد. نگرش آنکارا به تدریج پس از حادثه بیمارستان الاهلی در ۱۷ اکتبر تغییر کرد. حمله راکتی

جان ده‌ها غیرنظامی را گرفت و درست مانند سایر کشورهای مسلمان، هزاران تظاهرکننده در خیابان‌ها تجمع کردند. در این مرحله اردوغان، از حماس حمایت کرده و انتقادات خود را از رفتار رژیم صهیونیستی مضاعف کرد. از دیدگاه او «حماس یک سازمان تروریستی نیست، یک گروه آزادیبخش است، «مجاهدین» که برای حفاظت از سرزمین و مردم خود نبردی را به راه انداخته‌اند. عاملان کشتار و ویرانی‌هایی که در غزه رخ می‌دهد، کسانی هستند که از رژیم صهیونیستی حمایت نامحدودی می‌کنند.» (Episkopos, 2023)

وقایع ۱۷ اکتبر احساسات عمومی را به عنوان واکنشی به تشدید بحران انسانی در نوار غزه برجسته کرد. با این حال، مقامات دولت ترکیه به دیپلماسی فعال برای جلوگیری از گسترش احتمالی درگیری با حفظ یک موضع بی طرف ادامه دادند. هاکان فیدان وزیر امور خارجه در اجلاس سران فلسطین در قاهره در ۲۱ اکتبر شرکت کرد و مکانیسم تضمین منطقه‌ای جدید را پیشنهاد کرد. این مکانیسم از روند صلح بر اساس راه حل دو کشوری مطابق با مرزهای ۱۹۶۷ پشتیبانی می‌کند.

اردوغان در این مرحله، رژیم صهیونیستی جنایت جنگی مرتکب شده است وی همچنین غرب را متهم کرد که عامل اصلی وضعیت کنونی غزه است. گفتمان جدید اردوغان منعکس کننده یک تغییر آشکار در موضع حزب عدالت و توسعه است. جای تعجب نیست که الی کوهن، وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی، با به اشتراک گذاشتن پستی از حساب X خود، گفت: «با توجه به اظهارات مقامات ترکیه، دستور بازگشت نمایندگان دیپلماتیک به آنجا را به منظور ارزیابی مجدد روابط با ترکیه صادر کرد.» (Ozertem, 2023)

حمله زمینی رژیم صهیونیستی به غزه و بحران انسانی، انتقاد ترکیه از دولت رژیم صهیونیستی را تشدید کرد. اردوغان نتانیاهاو را "قصاب غزه" خواند، رژیم صهیونیستی را "دولت تروریست" خواند و نتانیاهاو را به تحریک یهودستیزی در سراسر جهان متهم کرد. او رژیم صهیونیستی را متهم کرد که به جای یک کشور مانند یک باند عمل می‌کند اردوغان همچنین ابراز امیدواری کرد که کشورش به نوعی نقش ضامن را داشته باشد و این جنگ به جنگ مذهبی تبدیل نشود. (Isbasaran, 2023)

عده‌ای معتقدند که سیاست لفاظی اردوغان در راستای تحکیم موقعیت او می‌باشد. «اردوغان، که از زمان پیروزی سخت در انتخابات ریاست جمهوری ترکیه، موقعیت سیاسی متزلزلی داشته بنابراین تلاش می‌کند تا بتواند موضعی آشکارا به نفع حماس گرفته تا وضعیت خود را بهبود ببخشد.» (Episkopos, 2023)

اظهارات رئیس جمهور ترکیه بعید است که باعث ایجاد یک بحران جدید در منطقه شود. اما این اظهارات ممکن است اقدام در مورد خرید جنگنده F-16 ترکیه از آمریکا را به تعویق بیندازد. اینکه آشتی با رژیم صهیونیستی به عقب برگردد یا به طور کامل خنثی شود به

این بستگی دارد که اظهارات اردوغان بعد از حمله زمینی اسرائیل به غزه و حوادث بیمارستان الاهلی به روایت رسمی غالب آنکارا تبدیل شود.

ج: گزینه‌های دیپلماسی ترکیه در قبال بحران غزه

به نظر می‌رسد روابط ترکیه و رژیم صهیونیستی را باید به قبل و بعد از عملیات طوفان الاقصی (۷ اکتبر ۲۰۲۳) تقسیم کرد. به عبارتی طوفان الاقصی نقطه عطفی در روابط آنها محسوب می‌شود. «چندین ملاحظات حیاتی باید در زمینه عادی سازی ترکیه-رژیم صهیونیستی در نظر گرفته شوند: اول، هر تلاشی در آینده برای عادی سازی ترکیه-رژیم صهیونیستی نیاز به ترسیم مسیر جدیدی بعد از عملیات ۷ اکتبر ۲۰۲۳ دارد. نزد دو بازیگر در طول تاریخ، انتظارات برای عادی سازی به طور قابل توجهی بالا بود. عواملی که به طور سنتی روند عادی سازی را هدایت می‌کردند، مانند منافع مرتبط با انرژی و سایر نگرانی‌های ژئوپلیتیکی، دیگر به خودی خود برای پیشبرد این روند کافی نیستند. دوم، اذعان به این نکته ضروری است که روابط ترکیه و رژیم صهیونیستی هرگز منعکس کننده روابط اتحاد مانند بین ایالات متحده و رژیم صهیونیستی نبوده است. دوران روابط نزدیک بین دو ملت که اغلب در دهه ۱۹۹۰ از آن به عنوان "عصر طلایی" یاد می‌شد، بعید به نظر می‌رسد که دوباره احیا شود. (Tuygan, 2023)

رویکرد عمل‌گرایانه به سیاست خارجی، که سنگ بنای روابط ترکیه و رژیم صهیونیستی بوده است، محدودیت‌های ذاتی خود را دارد. طبق رویکرد عمل‌گرایی کنشگر روابط خود را در حداکثر سطح حفظ می‌کنند. با این حال مسئله فلسطین از لحاظ تاریخی مانع بزرگی برای تعمیق روابط بین بوده است در نهایت، واضح است که احساسات عمومی ترکیه به نفع آرمان فلسطین به جای عادی سازی با رژیم صهیونیستی است.

با توجه به این پویایی‌های پیچیده، ترکیه نقشی فعال در منطقه برای کاهش بحران و تضمین آتش بس ایفا می‌کند. تشدید بحران می‌تواند به تعلیق روند عادی سازی بین ترکیه و رژیم صهیونیستی منجر شود. علاوه بر این، اقدامات بی رحمانه رژیم صهیونیستی در غزه می‌تواند در طرح‌های عادی سازی سیاست خارجی ترکیه بازتاب داشته باشد. (Yeşiltaş, 2023)

به نظر می‌رسد ترکیه در جنگ کنونی با سه راه عملی احتمالی روبرو است. اولین گزینه کاهش تنش با رژیم صهیونیستی است. با این وجود، این رویکرد ممکن است با مقاومت قابل توجهی از سوی مردم بسیج شده مواجه شود که به شدت با این عملیات مخالف هستند و خواستار توقف فوری آن هستند. گزینه دوم حفظ کانال‌های ارتباطی باز با حماس است، اقدامی که می‌تواند پیامدهای نامطلوبی بر روابط ترکیه با رژیم صهیونیستی و ایالات متحده در آینده داشته باشد. و ممکن است به افزایش تنش با رژیم صهیونیستی و تشدید بیشتر اختلافات جاری با ایالات متحده منجر شود. گزینه سوم شامل مشارکت در تلاش‌های

منطقه‌ای و بین‌المللی برای تضمین آتش‌بس است. چنین پیامدهایی می‌تواند نه تنها بر روابط بین آنکارا و تل‌آویو بلکه بر منافع و اقدامات ترکیه در جبهه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی تأثیر منفی بگذارد. بسیاری از قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، از جمله ترکیه، پیامدهای بالقوه این جنگ را تأثیر مستقیم بر الگوهای تعاملات و اتحادیهایی می‌دانند که منطقه خاورمیانه در مرحله آتی شاهد آن خواهد بود. (Saeed, 2023)

د: رویکرد اردوغان به آرمان فلسطین (با تأکید بر نقش حماس)

همبستگی با آرمان فلسطین بخشی جدایی‌ناپذیر از پلتفرم سیاسی حزب عدالت و توسعه از روزهای اولیه آن بوده است. اردوغان در طول دو دهه زمامداری خود موفق شده است تا تشکیلات ترکیه و احتمالاً جامعه آن را در راستای دیدگاه خود در مورد لزوم اولویت دادن به جغرافیای عثمانی در سیاست خارجی ترکیه به حرکت درآورد. نخبگان محافظه‌کار حزب عدالت و توسعه مانند اردوغان، به بحث «شکاف تمدنی» کشیده شده‌اند و مسئله فلسطین را هم به‌عنوان یک دستور تاریخی و هم به‌عنوان پله‌ای برای نفوذ ترکیه در خاورمیانه می‌بینند.

از ابتدای به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه افزایش نفوذ در جهان اسلام به خصوص جهان عرب می‌باشد. موضع‌گیری و لفاظی‌های اردوغان در قبال فلسطین می‌تواند ترکیه را به این هدف برساند. هرچند اردوغان در سال ۲۰۰۵، از رژیم صهیونیستی دیدن کرد و با آریل شارون، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی دیدار کرد رهبران بین‌المللی از رژیم صهیونیستی در آن زمان به دلیل انتفاضه دوم که در سال ۲۰۰۰ آغاز شد، نادر بود. روابط ترکیه و رژیم صهیونیستی رو به بهبود بود و نیویورک تایمز حتی از ترکیه به‌عنوان "مهم‌ترین دوست رژیم صهیونیستی در جهان اسلام" یاد کرد. اما اردوغان متوجه شد فلسطین می‌تواند او را به آرزوهایش در جهت برتری ترکیه در دنیای اسلام برساند. یکی از عواملی که روابط رژیم صهیونیستی و ترکیه را تغییر داد، پیروزی حماس در انتخابات ۲۰۰۶ فلسطین بود. رژیم صهیونیستی به سفر خالد مشعل رهبر حماس به ترکیه اعتراض کرد. در طول دوره تصدی اردوغان، ترکیه فعالانه از حماس حمایت کرده و از این سازمان به لحاظ دیپلماتیک، لجستیکی و مالی حمایت کرده است. (Outzen, 2023)

اردوغان حماس را به‌عنوان یک بازیگر قانونی فلسطینی در راستای دیدگاه‌های جنبش گسترده‌تر اخوان‌المسلمین می‌داند. آنکارا پس از پیروزی حماس در انتخابات غزه در سال ۲۰۰۶، رهبر حماس خالد مشعل را برای یک دیدار رسمی به مقر حزب عدالت و توسعه دعوت کرد. از آن زمان، ترکیه از مشارکت حماس در روند صلح خاورمیانه حمایت کرده است. برای اردوغان، حماس مشکل نمایندگی یا مشروعیت ندارد. در حالی که آنکارا خط ارتباطی با محمود عباس و تشکیلات خودگردان فلسطین در کرانه باختری را باز نگه داشته است، موقعیت حماس را در ارتباط دیپلماتیک خود به خودگردان خود ارتقا داده است. اردوغان بارها تأکید کرده است که حماس از قدرت مردمی برخوردار است، زیرا در

انتخابات غزه در سال ۲۰۰۶ پیروز شده بود. حماس همچنین برخی از روابط اقتصادی و سیاسی را در ترکیه توسعه داده است. هرچند که توسط نهادهای امنیتی ترکیه کنترل شده است. از طرف دیگر در سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲، آنکارا عادی سازی با رژیم صهیونیستی را دنبال کرد و در حال حاضر به طور عملگرایانه درصدد حفظ روابط تجاری با رژیم صهیونیستی می‌باشد.

افکار عمومی ترکیه عمدتاً انتقاد از رژیم صهیونیستی، را منعکس می‌کند و ایالات متحده را به دلیل حمایت صریح از کارزار نظامی دولت نتانیاهو در غزه سرزنش می‌کند. فضای اطلاعاتی ترکیه به دلیل پوشش تقریباً مداوم رسانه‌ای از وحشتی که فلسطینی‌ها در غزه با آن روبرو هستند، پر شده است. اردوغان توانسته است افکار عمومی ترکیه را در جهت محوریت فلسطینی‌ها و جاه طلبی‌های جهانی ترکیه و مشروعیت بخشیدن به آن شکل دهد. بر اساس تحقیقات جدید متروپول، یکی از آژانس‌های نظرسنجی معتبر ترکیه، تنها ۳۰ درصد از مردم، حماس را سازمان تروریستی و ۵۵ درصد آن را مثل اردوغان سازمان آزادیبخش می‌دانند. (Aydıntaşbaş, 2023)

ه: دیپلماسی دولت اردوغان جهت مدیریت بحران غزه ۲۰۲۳

یکی از اقدامات دیپلماتیک دولت اردوغان در قبال بحران غزه، تعامل با دیگر رهبران جهان است. برای این منظور، وی دیپلماسی تلفنی فشرده‌ای را انجام داده و تاکنون با ۱۸ رئیس دولت گفتگو کرده است. وی در هر گفتگو بر اهمیت فوق‌العاده اعلام آتش‌بس بشردوستانه، ایجاد یک کریدور بشردوستانه و ضرورت اقدام رژیم صهیونیستی بر اساس قوانین و هنجارهای بین‌المللی تاکید می‌کند.

عملگرایی یکی از دال‌های شناور در گفتمان نوع‌ثمنانی گرایی حزب عدالت و توسعه می‌باشد. رهبران ترکیه در تدوین رویکردهای خود در قبال اروپا و خاورمیانه کمتر تحت تأثیر ایدئولوژی و بیشتر به شکل عملگرایانه اقدام می‌کنند. (نادری، ۱۴۰۲: ۱۳۲) هاکان فیدان، وزیر امور خارجه نقشی محوری در سیاست عملگرایانه خاورمیانه‌ای ترکیه دارد. هدف اصلی فیدان تسریع در توقف عملیات نظامی رژیم صهیونیستی از طریق استفاده مؤثر از دیپلماسی منطقه‌ای است. ترکیه تلاش‌های اساسی را برای مهار اقدامات تهاجمی رژیم صهیونیستی و جستجوی راه‌حلی عملگرایانه جهت برقراری آتش‌بس واقعی انجام می‌دهد. این رویکرد دیپلماتیک شامل تعامل با مصر، لبنان، عربستان سعودی، اردن، امارات متحده عربی، قطر، پاکستان و ایران است. نکته قابل توجه اینکه گفتمان فیدان در این گفتگوهای دیپلماتیک با واقع‌گرایی و وضوح آن در مورد مسئله فلسطین مشخص می‌شود. از دیدگاه فیدان امنیت همه جانبه رژیم صهیونیستی بدون پرداختن به آرمان دیرینه فلسطین محقق نمی‌شود. با توجه به این واقعیت‌ها، فیدان تاکید می‌کند که نیاز فوری منطقه، ایجاد کشور فلسطین، بازگشت به مرزهای ۱۹۶۷ و در عین حال تضمین تمامیت ارضی و تعیین قدس شرقی به عنوان پایتخت آن است. این رویکرد با موضع رسمی ترکیه در مورد مناقشه فلسطین و رژیم صهیونیستی

منطبق است و با چارچوب شناخته شده تعیین شده توسط حقوق بین الملل هماهنگ است. (Yeşiltaş, 2023)

تلاش‌های میانجی‌گری ترکیه نقشی اساسی در چشم‌انداز دیپلماتیک این کشور دارد. یکی از اهداف دولت ترکیه که با تضمین آزادی شهروندان رژیم صهیونیستی و خارجی که در حال حاضر در اسارت حماس هستند، می‌باشد. کانال‌های مذاکره ترکیه با حماس و تجربیات گذشته، این کشور را به عنوان یک میانجی در این زمینه معرفی می‌کند. بعد دیگری که فیدان برجسته می‌کند نقش ترکیه در پایان منازعه در راستای ایجاد و تضمین آتش بس و شرکت ترکیه در بازسازی غزه می‌باشد.

دیپلماسی ترکیه در قبال رویارویی‌های نظامی بین رژیم صهیونیستی و حماس به تدریج تکامل یافته است و می‌توان در موارد زیر به آن پرداخت:

۱- تلاش در جهت جلوگیری از تشدید تنش: از دیدگاه دولت ترکیه، اقدامات رژیم صهیونیستی تنش‌ها در منطقه را کاهش نمی‌دهد، بلکه کشورهای همسایه را تحریک می‌کند. ادامه تشدید تنش نظامی در نوار غزه می‌تواند شبه‌نظامیان مورد حمایت ایران را با هدف قرار دادن اماکن و منافع رژیم صهیونیستی درگیر کند و در نتیجه هزینه‌های عملیات نظامی تل‌آویو در منطقه را افزایش خواهد داد. اردوغان در ۲۸ اکتبر ۲۰۲۳ از رژیم صهیونیستی خواست فوراً عملیات خود را متوقف کند و در توییتی در "X" تاکید کرد که رژیم صهیونیستی باید به این وضعیت آشوب پایان دهد و حملات خود را متوقف کند.

۲- حمایت افکار عمومی ترکیه از دیپلماسی اردوغان: مقامات ترکیه، اقداماتی را برای جلب نظر مردم ترکیه علیه عملیات نظامی رژیم صهیونیستی در نوار غزه انجام دادند. به طور قابل توجهی، انجمن‌ها و سازمان‌های مدنی مختلف تظاهرات متعددی را در حمایت از غزه در استان‌های مختلف ترکیه برگزار کردند. علاوه بر این، "حزب عدالت و توسعه" تظاهراتی را در ۲۸ اکتبر با حضور رهبران حزب و شخصیت‌های برجسته ترتیب داد تا صریحاً با عملیات جاری مخالفت کند.

۳- توقف همکاری در بخش انرژی: گزارش‌ها نشان می‌دهد که ترکیه تصمیم گرفته است پروژه‌های انرژی برنامه ریزی شده با رژیم صهیونیستی را متوقف کند. این تصمیم زمانی آشکار شد که سفر برنامه ریزی شده آلپ ارسلان بایراکتار وزیر انرژی ترکیه به تل‌آویو لغو شد. این سفر به منظور تقویت همکاری‌های انرژی بین دو بازیگر به ویژه با توجه به تقاضای روزافزون جهانی برای منابع انرژی از منطقه پیش بینی شده بود.

۴- عدم همسویی اردوغان با سیاست خارجی اتحادیه اروپا: از دیدگاه ترکیه، مواضع اتحادیه اروپا در قبال جنگ غزه و جنگ اوکراین نشان از دوگانگی رفتار این سازمان دارد. از دیدگاه دولت ترکیه، «اتحادیه اروپا در این مقطع تاریخی در مکان اشتباهی قرار گرفته است سیاست‌های مبتنی بر ارزش‌های جهانی، قوانین بین‌المللی و اصول بشردوستانه نه

تنها در اوکراین یا منطقه دیگری از اروپا بلکه باید در تمام مناطق جهان از جمله خاورمیانه به صورت یکسان اجرا شود.» (France, 2023)

۵- نقد سیاست‌های غرب در قبال بحران غزه: دولت ترکیه نقد جدی به نظم جهانی به رهبری آمریکا دارد. نخبگان حاکم ترکیه بر این باورند که «غرب فاقد تفکر استراتژیک است. غرب در مواجهه با مسائل مختلف از جمله روابط با چین، مهاجرت و تروریسم و تغییر گرانش اقتصادی از غرب به شرق به طور فزاینده‌ای از سایر نقاط جهان بیگانه شده است.» برای آنکارا، حمایت بی چون و چرای دولت بایدن از رژیم صهیونیستی این باور را تأیید می‌کند. اکثر بازیگران سیاسی ترکیه صرف نظر از وابستگی ایدئولوژیک خود، تمایل دارند درگیری اخیر در غزه را بین غرب (به رهبری ایالات متحده) و شرق ببینند. گروه‌ها و نهادهای و اشخاص مختلف از دولت خواسته‌اند تا با کشورهای جنوب جهانی متحد شود تا ائتلاف آمریکا و رژیم صهیونیستی را متوقف کند. فیدان در نشست اضطراری سازمان همکاری اسلامی در ۱۸ اکتبر، از کشورهای مسلمان خواست تا با اعتماد به نفس روایت سلطه‌جویانه‌ای که بر آنها تحمیل شده است را به چالش بکشند. (Adar, 2023) اردوغان به طور فزاینده‌ای درگیری در خاورمیانه را با اصطلاحات تمدنی توصیف می‌کند، درگیری بین «صلیبیون و هلال» و از روایتی استفاده می‌کند که نئو عثمانی‌گرایی و همبستگی اسلامی را با هم ترکیب می‌کند. آنکارا این توانایی را دارد که انتقادات خود از رژیم صهیونیستی و ایالات متحده را در جنوب جهانی تشدید کند و فشارهای داخلی بر رهبران عرب را برای اتخاذ موضع سخت‌تر در قبال رژیم صهیونیستی افزایش دهد. (Aydıntaşbaş, 2023B) این انتقادات به ویژه در زمینه اختلافات جاری میان ترکیه و برخی از این قدرت‌ها بر سر موضوعات مختلف، از جمله حمایت آمریکا از شبه‌نظامیان کرد در شمال سوریه و فشار آمریکا بر ترکیه برای کاهش همکاری‌های نظامی با روسیه، مشهود است. (Saed, 2023)

و: دیپلماسی اقتصادی ترکیه با رژیم صهیونیستی

رژیم صهیونیستی شریک تجاری مهم و بازار مهمی برای فولاد، اتومبیل، جواهرات و پوشاک ترکیه است. بر اساس پایگاه داده تجارت بین‌الملل سازمان ملل، صادرات ترکیه به رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۲۲، ۷/۰۳ میلیارد دلار (۶/۵ میلیارد یورو) بود (Budak, 2023). علیرغم انتقادهای مداوم اردوغان از رژیم صهیونیستی، او همچنان متهم است که همچنان با رژیم صهیونیستی تجارت می‌کند. متین جهان، روزنامه نگار ترک در تبعید مدعی شد که یک کشتی متعلق به شرکت بوراک اردوغان پسر اردوغان در حال ارسال محموله به رژیم صهیونیستی است. رژیم صهیونیستی برای نفت به منابع خارجی وابسته است و جهان ادعا می‌کند که نفتکش‌های ترکیه نفت را به رژیم صهیونیستی می‌رسانند. این امر نشان می‌دهد که نشان می‌دهد تجارت با رژیم صهیونیستی ادامه دارد. همچنین احزاب مختلف مخالف، از جمله حزب چپ‌گرای کارگران ترکیه و حزب اسلام‌گرای سعادت (سعادت) از

تجارت ترکیه با رژیم صهیونیستی انتقاد کردند. ارکان باش، رهبر این حزب مدعی شد که لباس‌های حرارتی برای ارتش رژیم صهیونیستی از بنادر ترکیه حمل می‌شود. تمل کارام الله اوغلو، رهبر سعادت گفت: "دولت نباید تجمع برگزار کند، باید اقدام کند. در حالی که آنها (آمریکایی‌ها) هواپیماها و کشتی‌های خود را می‌فرستند، آیا شما فقط درود می‌فرستید؟ این حزب همچنین تصویری با این شعار منتشر کرد: تجارت با رژیم صهیونیستی یعنی خیانت به فلسطین!" (Isbasaran, 2023) ماهیت منعطف سیاست خارجی اردوغان، بر اساس ملاحظات سیاسی داخلی، بر چالش‌های حفظ تعادل ظریف بین استفاده از لفاظی‌های طرفدار فلسطین و حفظ روابط اقتصادی با رژیم صهیونیستی تاکید می‌کند.

در حالی که لفاظی‌های اردوغان نگرانی‌هایی را نسبت به اعزام یکجانبه نیروهای ترکیه به غزه ایجاد کرده است، اما بعید است که او این کار را انجام دهد. با این حال، اگر یک نیروی مورد تأیید سازمان ملل متحد ایجاد شود، اردوغان می‌تواند نقشی برای ارتش ترکیه در حفاظت از غیرنظامیان فلسطینی ایفا کند. ترکیه سابقه کار در عملیات‌های حفظ صلح و نظامی چند ملیتی و ناتو مانند افغانستان و بوسنی و هرزگوین را دارد. (Daloglu, 2023) حفظ دیپلماسی اقتصادی با رژیم صهیونیستی یکی از نقدهای وارد شده به سیاست خارجی دولت اردوغان می‌باشد. منتقدین این امر را یکی از مولفه‌های منفعت طلبانه و سودگرایانه اردوغان نسبت به مساله فلسطین می‌دانند.

نتیجه گیری

واکنش ترکیه به حمله حماس به رژیم صهیونیستی و انتقام‌جویی وحشیانه رژیم صهیونیستی؛ که با حمایت صریح و بی‌قید و شرط آمریکا همراه بود و منجر به ویرانی‌های گسترده و تلفات جانی در غزه شد، محدودیت‌هایی را بر سیاست خارجی ترکیه ایجاد نمود. سیاست اردوغان در قبال منازعه حماس و رژیم صهیونیستی، از ترس پیامدهای اقتصادی و کاهش اعتبار آنکارا نزد غرب، به لفاظی محدود شده است. سیاست پراگماتیستی اردوغان به مدت دوده برای نفوذ در جهان اسلام و گسترش نقش ترکیه در خاورمیانه هم باعث بی‌اعتمادی همسایگان و کشورهای اسلامی و هم بی‌اعتمادی غرب به ترکیه شده است. این امر باعث شکنندگی روابط ترکیه با رژیم صهیونیستی، حماس و ایالات متحده و کشورهای اسلامی شده است.

روابط تجاری ترکیه با رژیم صهیونیستی علیرغم فراز و نشیب‌های روابط دوجانبه، همواره قوی باقی مانده است. لفاظی‌های اردوغان لزوماً با اقدامات رسمی او که درها را به روی رژیم صهیونیستی باز می‌کند، مطابقت ندارد. در حالی که اردوغان سفیر ترکیه در رژیم صهیونیستی را برای رایزنی فراخواند و به طور موقت برنامه‌های همکاری و اکتشاف انرژی مشترک با رژیم صهیونیستی در شرق دریای مدیترانه را متوقف کرده است. اما اردوغان قطع

کامل ارتباط ممکن نمی‌داند. با توجه به مشکلات اقتصادی ترکیه، لغو یکجانبه روابط با رژیم صهیونیستی برای اردوغان دشوار خواهد بود.

هدف نهایی اردوغان، حضور و تاثیرگذاری در حل و فصل بعد از جنگ و بازیگری کلیدی در میانجیگری و روند بازسازی غزه است. او ترکیه را در موقعیت منحصر به فردی برای ایفای چنین نقشی می‌بیند. اردوغان به تجربه دریافته است که اعتراض به حمایت از فلسطینی‌ها به دلیل نبود روابط کاری مثبت با قاهره و بیت‌المقدس هیچ کششی ندارد و در نتیجه رویکرد کشورش را با دقت تعدیل می‌کند. رئیس‌جمهور ترکیه خواستار بازگشت به مذاکرات دو کشوری به عنوان راه صلح برای رژیم صهیونیستی و فلسطینی‌ها شده است. اینکه آنکارا بتواند اعتبار کافی نزد رژیم صهیونیستی‌ها و فلسطینی‌ها برای ایفای چنین نقشی را حفظ کند، بستگی به این دارد که آیا اظهارات ۲۵ اکتبر لفاظی برای مصرف داخلی بود یا تصمیمی برای توقف فاصله گرفتن از حماس.

نکته پایانی مربوط به تأثیر اقدامات رژیم صهیونیستی در غزه بر روند عادی سازی بین ترکیه و رژیم صهیونیستی است که قبل از شروع جنگ شتاب بیشتری گرفته بود. اردوغان موضع متعادلی در این مورد دارد و هدف اصلی ترکیه حل و فصل بحران است. با این حال، با عمیق‌تر شدن بحران و تشدید اقدامات تهاجمی رژیم صهیونیستی، چشم‌انداز عادی سازی می‌تواند یک بار دیگر به حالت تعلیق درآید. بنابراین، روند عادی سازی بین ترکیه و رژیم صهیونیستی در حال حاضر در معرض آزمون سختی قرار گرفته است و این امر به شرایط در حال تحول منطقه پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ بستگی دارد.

منابع

- اخوان کاظمی، مسعود (۱۴۰۱). «تحلیل مبانی پایدار روابط راهبردی ترکیه و رژیم اشغالگر قدس در منطقه جنوب غرب آسیا (۲۰۲۲-۲۰۰۲)». فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۱۱(۳)، ۲۵-۵۱. <https://doi.org/10.30479/psiw.2023.17245.3111.51>
- بزرگمهری، مجید (۱۳۹۹). «روابط ترکیه و رژیم صهیونیستی در دو دهه اخیر (۲۰۰۰-۲۰۱۹)». همگرایی یا واگرایی»، فصلنامه روابط بین الملل، ۱۳(۴)، ۴۰-۹. <https://doi.org/DOR:20.1001.1.24234974.1399.13.4.1.7>
- ۳۳- حمیدی، سمیه؛ قاسمی، زینب، (۱۳۹۴). «راهبرد امنیتی منطقه‌ای قدرت‌های منطقه‌ای ایران، ترکیه و اسرائیل در قبال بحران سوریه (۲۰۱۴-۲۰۱۱)». فصلنامه بیداری اسلامی، ۴(۷)، ۶۱-۷۸. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.23225645.1394.4.7.3.3>
- قیمی، فاطمه (۱۳۹۹). «بررسی پیامدهای اقتصادی-فرهنگی روابط ترکیه و رژیم صهیونیستی بر منطقه خاورمیانه از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۷»، فصلنامه علوم سیاسی، ۱۶(۵۱)، ۱۲۹-۱۵۳. بازیابی شده از: https://psq.karaj.iau.ir/article_672924.html

محمدی، سید محمد؛ جمال پور، میکائیل (۱۳۹۹). «چشم انداز اسلام سیاسی در ترکیه و تأثیر آن بر تحولات منطقه»، فصلنامه بیداری اسلامی، ۹(۱۸)، ۶۴-۴۱. بازیابی شده از: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.23225645>، ۱۳۹۹/۹/۲/۲/۷.

نادری، مهدی؛ پیرانی، شهره؛ ساداتی، سیده مهرانه (۱۴۰۲). «نوعثمانی گری به مثابه جریان معارض مقاومت اسلامی: مطالعه موردی داعش»، فصلنامه بیداری اسلامی، ۱۲(۲)، ۱۱۷-۱۵۲. بازیابی شده از: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.23225645.1402.12.2.6.2>

Adar, Sinem (2023). «Turkey's Response to the War in Gaza», [online] Available: <https://warontherocks.com/2023/11/turkeys-response-to-the-war-in-gaza/>. Last accessed 14 January 2024.

Aydıntaşbaş, Asli (2023A). « Understanding Turkey's response to the Israel-Gaza crisis», [online] Available: <https://www.brookings.edu/articles/understanding-turkeys-response-to-the-israel-gaza-crisis/>. Last accessed 14 January 2024.

Aydıntaşbaş, Asli (2023B). «The sultan's ghost: Erdoğan and the Israeli-Palestinian conflict», [Online] Available: <https://www.brookings.edu/articles/the-sultans-ghost-erdogan-and-the-israeli-palestinian-conflict/>. Last accessed 10th January 2024

Almuedo, Ana (2011). «New Turkish Foreign Policy towards the Middle East: Neither so New, Nor so Turkish», [Online] Available: <https://www.euromesco.net/publication/new-turkish-foreign-policy-towards-the-middle-east-neither-so-new-nor-so-turkish/>.last accssed 9th February 2024.

Budak, Celal (2023) ». Turkey has a long history with Gaza«, [Online] Available: <https://www.theneweuropean.co.uk/turkey-has-a-long-history-with-gaza/>.last accessed 23th December 2023

Bozorgmehri, Majid (2020). «Turkish Foreign Policy and Palestinian Issue: an Iranian Perspective (2002-2020)«, Iranian Review of Foreign Affairs, 11(31), 169-196. https://irfajournal.csr.ir/article_130800.html

Cafiero, Giorgio (2023). «Will Turkey-Israel ties reach breaking point amid Gaza war?«, [Online] Available: <https://www.newarab.com/analysis/will-turkey-israel-ties-reach-breaking-point-amid-gaza-war>.Last accessed 8 th February 2024.

Danforth, Nicholas (2008). «Ideology and pragmatism in Turkish foreign policy: from atatürk to the AKP«, Turkish Policy Quarterly, Volume7, Number3, pp.83-95. [Online] Available: <http://turkishpolicy.com/files/articlepdf/ideology-and-pragmatism-in->

turkish-foreign-policy-from-aturk-to-the-akp-fall-2008-en.pdf. Last accessed 28th January 2024.

Episkopos Mark (2023). »Is Erdogan's stance on Hamas pragmatic or foolish? « [Online] Available: <https://responsiblestatecraft.org/erdogan-hamas/>. Last accessed 28 th January 2024.

Daloglu, Tulin (2023). »Erdogan's rhetoric on the conflict in Gaza puts much more than the Israel-Turkey relationship at risk«, [Online] Available: <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/turkeysource/erdogans-rhetoric-on-the-conflict-in-gaza-puts-much-more-than-the-israel-turkey-relationship-at-risk/>. Last accessed 8th February 2024.

Ehimiyen Prince, Harrison (2020). »America's Pragmatic Orientation in Foreign Policy and Some Models of International Relations«, FUWukari Journal of Politics & Dev. (FUWJPD).4(1).29-39. [Online] Available: <https://www.fuwjpd.com.ng/single-article/americas-pragmatic-orientation-in-foreign-policy-and-some-models-of-international-relations>. Last accessed 15th December 2023.

France 24(2023). »Turkey's Gaza fury deepens splits with EU«. [Online] Available: <https://www.france24.com/en/live-news/20231109-turkey-s-gaza-fury-deepens-splits-with-eu>. Last accessed 7th February 2024.

Franke, Ulrich_ Hellmann, Gunther (2017). »American Pragmatism in Foreign Policy Analysis«, [Online] Available: <https://oxfordre.com/politics/display/10.1093/acrefore/9780190228637.001.0001/acrefore-9780190228637-e-356;jsessionid=21827A275060C1903BF44E366BB67F66>. Last accessed 20th January 2024.

Karam, Saeed (2023). »Turkish Diplomacy and the Gaza Conflict«, [online] Available: <https://arabwall.com/en/turkish-diplomacy-and-the-gaza-conflict/>. Last accessed 2th February 2024.

21 -Isbasaran, Volkan (2023). »Erdogan's foreign policy Israel-Hamas balancing act«, [online] Available: <https://euobserver.com/opinion/157802>. Last accessed 8 th January 2024.

Gontijo, Lorenzo C.B., Barbosa, Roberson, S. (2020). »Erdogan's pragmatism and the ascension of AKP in Turkey: Islam and neoOttomanism«, Digest of Middle East Studies, 29 , (1) 1-16 . <https://doi.org/10.1111/dome.12205>.

Marcou, Jean (2023), «War in Gaza: Erdoğan's shift from Cautiousness to Offensive». [Online] Available: <https://cfri-irak.com/en/article/a-modifier-2023-11-06>. Last accessed 25th January 2024.

Ministry of Foreign Affairs of the Republic of Türkiye, (2023). « Türkiye's Political Relations with the State of Palestine». [Online] Available: https://www.mfa.gov.tr/turkiye_s-political-relations-with-the-palestinian-national-authority.en.mfa. Last accessed 10th January 2024.

Morgenthau, Hans. (1973). "Politics among Nations: The Struggle for Power and Peace", (5th Ed.). New York: Alfred A Knopf.

Ozertem, Hasan Selim (2023). « Israel-Hamas Conflict: Shifting Discourses in Turkish Foreign Policy and Its Geopolitical Implications. « [Online] Available: <https://valdaiclub.com/a/highlights/israel-hamas-conflict-shifting-discourses-Turkey/>. Last accessed 4th February 2024.

Outzen, Rich (2023). «Erdogan leans on Israel, pushes for post-war role in Gaza». [Online] Available: <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/menasource/erdogan-gaza-hamas-turkey-israel/>. Last accessed 24th January 2024.

Tuygan, Ali (2023). «Ankara's Roller-coaster Foreign Policy». [Online] Available: <https://edam.org.tr/en/blog/ankara-s-roller-coaster-foreign-policy>. Last accessed 18th January 2024.

Ralston, Shane J (2011). « Pragmatism in International Relations Theory and Research. « [Online] Available: http://www.scielo.org.co/scielo.php?script=sci_arttext&pid=S1692-88572011000100004. Last accessed 22th January 2024.

Salsabila, Hawa (2022). «Turkey's Efforts to Normalize Diplomatic Relations with Israel after Withdrawal of Ambassadors both of the Two Countries in 2018», *Global Political Studies*, 6(2).151-168. DOI: <https://doi.org/10.34010/gpsjournal.v6i2.7404>

Yeşiltaş, Murat (2023). «Can Türkiye's diplomatic efforts bring Israel to a halt? «. [Online] Available: <https://www.setav.org/en/can-turkiyes-diplomatic-efforts-bring-israel-to-a-halt/>. Last accessed 5th February 2024

واکاوی رفتارهای جمعی جماعت داعش بر اساس نظریه آگ برن و نیم کوف

محمدی فر، نجات[✉] | استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران
رنجبر، محمدرضا[✉] | استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران ایران

چکیده

رفتارهای جمعی یکی از پدیده‌های اجتماعی است که گروه‌های اجتماعی نوظهور از طریق آن نظام‌های سیاسی را به چالش طلبیده است. داعش از جمله این گروه‌های تروریستی است که رفتار آن‌ها در این چارچوب قابل بررسی می‌باشد. این گروه اسیر تبلیغات و آگاهی کاذب رهبرانی شده‌اند که ترویج‌دهنده رفتارهای جمعی خشونت‌آمیز مانند ترور، وحشت، هراس، جنون و شایعه با بهره گرفتن از وسایل ارتباطی جدید مانند ماهواره، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی هستند. بر این اساس، هدف اصلی این پژوهش واکاوی رفتارهای جمعی جماعت داعش بر اساس نظریه آگ برن و نیم کوف است (مسئله). روش تحقیق در این مقاله توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات از طریق بررسی کتب، مقالات و منابع اینترنتی انجام شده است (روش). نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد داعش از طریق رفتارهای جمعی خشونت‌آمیز مانند سر بریدن، به صلیب کشیدن، زنده به گور کردن، آتش زدن اسرا، اعدام‌های دسته‌جمعی، فروش دختران و زنان به عنوان بردگان جنسی، تیرباران و گردن زدن اقلیت‌های قومی-مذهبی و روزنامه‌نگاران خارجی، تخریب آثار باستانی و مکان‌های مقدس و شایعه‌پراکنی به عنوان یک ابزار جنگ نرم به افزایش اضطراب، نگرانی و رعب و وحشت در جوامع دامن زده است و از این طریق نظام‌های سیاسی را به چالش کشیده است (یافته‌ها).

کلیدواژه‌ها: رفتارهای جمعی، هراس اجتماعی، جنون اجتماعی، شایعه اجتماعی،

داعش

مقدمه

رفتار جمعی یکی از پدیده‌های اجتماعی است که از دیرباز گروه‌های اجتماعی نوظهور از طریق آن نظام‌های سیاسی را به چالش طلبیده است. رفتار جمعی به اقدامات یا رفتارهایی اشاره دارد که توسط گروهی از افراد نشان داده می‌شود و به شیوه‌ای هماهنگ به سوی یک هدف یا اهداف مشترک عمل می‌کنند. این نوع رفتار می‌تواند خود به خودی یا برنامه‌ریزی شده باشد و اغلب شامل حس همبستگی میان اعضای گروه باشد. رفتار جمعی می‌تواند شکل‌های مختلفی مانند شورش‌ها، اعتراضات، اعتصابات، خشونت‌های جمعی و دیگر انواع جنبش‌های اجتماعی را به خود بگیرد. این رفتار با اعتقادات، ارزش‌ها و احساسات مشترک که اعضای گروه را به هم متصل می‌کند، هدایت می‌شود. در دهه‌های اخیر، بسیاری از متفکران حوزه جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی (مانند اسملسر^۱، لوبون^۲، ترنر و کیلیان^۳، فروید^۴، آگ‌برن و نیم‌کوف^۵ و غیره) تلاش کرده‌اند چرایی و چگونگی بروز این نوع رفتارها را در شکل‌گیری جماعت‌های مختلف مانند گروه‌های تروریستی، جمعیت‌های آشوبگر، فرقه‌های مذهبی، فرقه‌های انحرافی، قیام‌های انقلابی، جنبش‌های اجتماعی و غیره مورد بررسی و واکاوی قرار دهند.

از دیدگاه آن‌ها نابرابری‌های اقتصادی و احساس محرومیت نسبی، سرکوب سیاسی، تفاوت‌های فرهنگی در ارزش‌ها، باورها و سنت‌ها، افراط‌گرایی مذهبی، بیگانگی اجتماعی یا فقدان احساس تعلق، عوامل روانشناختی مانند افسردگی، اضطراب و اختلالات شخصیتی، نفوذ رسانه‌ها، ناراحتی‌های طولانی مدت یا رویدادهای تاریخی حل نشده و عوامل محیطی مانند شرایط نامطلوب زندگی، کمبود منابع و فقر نیز از جمله عواملی هستند که باعث بروز رفتارهای خشونت‌آمیز از سوی گروه‌ها می‌شود.

بررسی رفتارهای جمعی خشونت‌آمیز و نمایشی جماعت تروریستی داعش منعکس‌کننده مختصات ذکر شده است. به این معنا که این جماعت اسیر تبلیغات و آگاهی کاذب رهبرانی شده‌اند که ترویج‌دهنده رفتارهای جمعی مانند خشونت، ترور، وحشت، هراس، جنون و شایعه با بهره گرفتن از وسایل ارتباطی جدید مانند ماهواره، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی هستند. تبلیغات داعش، پر از تصاویر مخوف، وحشتناک و تکان‌دهنده برای مخاطبان جهانی بود که به‌عنوان ابزاری برای جذب افراد از سراسر جهان برای پیوستن به صفوف خود عمل کرد. موفقیت‌های داعش نه تنها نشان‌دهنده مهارت‌های سازمانی و

¹ Smelser

² Le bon

³ Turner & Killian

⁴ Freud

⁵ Agburn & Nimkoff

نظامی رهبران آن است، بلکه همچنین نشان‌دهنده بهره‌برداری زیرکانه آن‌ها از رفتارهای جمعی خشونت‌آمیز و نمایشی جهت به چالش کشاندن نظام‌های سیاسی موجود است. تحقیر، توهین و بی‌حرمتی مسلمانان توسط غرب در سراسر جهان، رنج آن‌ها در عراق، افغانستان، فلسطین یا بوسنی و ... باعث ایجاد انگیزه در جوانانی شد تا احساس عزت‌نفس و معنای خود را بازگردانند. می‌توان استدلال کرد که تمامی این اقدامات در قالب رفتارهای جمعی خشونت‌آمیز و نمایشی تحقق پیدا کرد. به طور کلی، رفتارهای جمعی داعش شامل اقدامات خشونت‌آمیز و وحشیانه، از جمله قتل عام، اعدام‌ها، تحریف دین اسلام و همچنین خرابکاری تاریخ و فرهنگ مناطقی که تحت کنترل آن‌ها قرار می‌گیرند، است. آن‌ها برای جلب توجه جهانی و افزایش جذابیت خود، برنامه‌های پرخطر و تروریستی را در طول سال‌ها برنامه‌ریزی کرده‌اند. اگرچه داعش در سال‌های اخیر به‌طور قابل‌توجهی ضعیف شده است، اما بررسی رفتارهای جمعی آن‌ها همچنان اهمیت دارد. این امر می‌تواند به شکل بهتری درک علل شکل‌گیری و پیشرفت گروه‌های تروریستی را فراهم کند. بر این اساس پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی درصدد پاسخگویی به این سؤال بود که چگونه می‌توان رفتارهای جمعی جماعت داعش را بر اساس نظریه آگ‌برن و نیم‌کوف تبیین نمود؟

شکل‌گیری و پیدایش داعش

ریشه‌های شکل‌گیری داعش به عراق به عنوان زادگاه داعش و القاعده در عراق (AQI) که توسط افراط‌گرای اردنی ابومصعب الزرقاوی که عموماً به‌عنوان بنیان‌گذار این سازمان شناخته می‌شود، گره خورده است. در واقع، تاریخ سیاه عراق، چه در دوران صدام حسین و چه در مرحله پس از مداخله آمریکا، زمانی که ساختار اجتماعی این کشور به دلیل نارضایتی‌های اجتماعی-اقتصادی و امنیتی، سوءمدیریت، جنگ، خشونت و درگیری‌های فرقه‌ای از هم پاشیده شد، به شکل‌گیری داعش کمک کرد و در ادامه هرج‌ومرج و جنگ داخلی در کشور همسایه یعنی سوریه و حمایت‌های مالی و تسلیحاتی برخی از کشورهای منطقه، شرایط لازم برای گسترش این گروه را آماده کرد؛ بنابراین عراق و سوریه زمینه‌های محلی اولیه را برای ظهور داعش فراهم کردند. رقابت‌های ژئوپلیتیکی بین کشورهای منطقه و کاهش نفوذ غرب در خاورمیانه نیز به عنوان پس‌زمینه‌ها یا محرک‌های مهم، ظهور داعش را تسهیل کرد.

فعالیت ابومصعب الزرقاوی به عنوان یک جهادگر مشتاق در سال ۱۹۸۹ زمانی که برای پیوستن به مجاهدین مبارز علیه ارتش سرخ به افغانستان رفت، آغاز شد. زرقاوی در آنجا یک شبکه اجتماعی از افراط‌گرایان همفکر که مشتاق از سرگیری مبارزه علیه دشمنان شناخته شده اسلام واقعی بودند، ایجاد کرد. او در سال ۱۹۹۲ به اردن بازگشت و در آنجا با معلم معنوی خود ابومحمد المقدیسی همکاری کرد. در سال ۱۹۹۴، قبل از اینکه زرقاوی و مقدیسی موفق به اجرای یک طرح تروریستی شوند، هر دو به خاطر در اختیار داشتن اسلحه و

مواد منفجره دستگیر شدند. زرقاوی در زمانی که در زندان به سر می‌برد، فعالانه در حال جذب افراد به یک گروه مبارز جدید بود که در حال تشکیل آن بود و به سرعت به خاطر کاریزما و رهبری‌اش مورد احترام دیگر زندانیان قرار گرفت (Warrick, 2015). در سال ۱۹۹۹ زرقاوی با عفو عمومی ملک عبدالله پادشاه اردن از زندان آزاد شد و به دلیل تماس‌ها و مهارت‌های سازمانی، جماعت التوحید و الجهاد (JTWJ) را در سال ۱۹۹۹ تأسیس کرد. در سال ۲۰۰۳، گروه زرقاوی در مخالفت با حمله آمریکا به عراق فعال شد و سپس در سال ۲۰۰۴ با القاعده که در آن زمان توسط اسامه بن لادن رهبری می‌شد، متحد شد. در آن مقطع، گروه زرقاوی خود را شاخه‌ای از القاعده می‌دانست که در منطقه بین رودخانه‌های فرات و دجله در عراق مستقر بود (Tobing & Indradjaja, 2019: 105). از این زمان، القاعده عراق (AQI) یک کمپین تبلیغاتی پیچیده ایجاد کرد، متن، تصاویر و ویدئوهایی را که برای پخش آنلاین مناسب بود و به شکلی نرم تولید می‌شد، انتقال می‌داد و حملات را از زوایای مختلف ضبط می‌کرد. اگرچه این گروه بر عراق متمرکز بود، اما فعالیت‌هایی فراتر از آن داشت (Fearon & Laitin, 2003: 12).

جدول ۱: تاریخچه نام‌های داعش

نام گروه	تاریخ استفاده
جماعت التوحید و الجهاد (JTWJ)	۱۹۹۹-۲۰۰۴
القاعده در سرزمین دو رود (که بیشتر با نام القاعده در عراق یا AQI شناخته می‌شود)	۲۰۰۴-۲۰۰۶
مجلس شورای المجاهدین (MSM)	۲۰۰۶
دولت اسلامی عراق (ISI)	۲۰۰۶-۲۰۱۳
دولت اسلامی عراق و شام ^۱ (ISIS)	۲۰۱۳ تاکنون

مأخذ: (Zelin, 2014: 1)

استراتژی زرقاوی کشاندن آمریکا به یک جنگ تمام‌عیار و طولانی مدت بود که به وجهه این کشور به‌عنوان یک ابرقدرت لطمه می‌زد. برای این منظور، او برنامه‌ریزی کرد تا با مارپیچی از خشونت‌های فرقه‌ای بین سنی‌ها و شیعیان، آن‌ها را تحریک کند. زرقاوی از شیعیان متنفر بود و آن‌ها را خائن و کافر می‌دانست. وی پیش‌بینی کرد که استفاده از خشونت

¹ Islamic State of Iraq and the Levant

در مقیاس گسترده، ترس را در این دشمنان ایجاد می‌کند و در عین حال پیروان نهضت جهادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. با گذشت چهار ماه از آغاز حمله آمریکا، شبکه زرقاوی حملاتی را به مقر سازمان ملل، سفارت اردن در بغداد و مسجد امام علی (ع) در نجف ترتیب داد. علاوه بر این حملات، زرقاوی به طور قابل توجهی به گسترش خشونت‌های روزمره در سراسر عراق کمک کرد. موج سربریدن گروگان‌ها، حملات انتحاری و بمب‌گذاری کامیون‌ها در عراق هرج و مرج ایجاد کرد و سیگنال روشنی به جهادگرایان سراسر جهان ارسال کرد که عراق کانون جدید مبارزه جهادی و مکانی برای پیوستن به مبارزه است (Warrick, 2015).

در ژوئن ۲۰۰۶، زرقاوی در یک حمله هوایی توسط آمریکا کشته شد. اندکی پس از مرگ زرقاوی، ابو ایوب المصری با نام مستعار ابو حمزه المهاجر رهبری القاعده را بر عهده گرفت و نام سازمان را دوباره به نام دولت اسلامی عراق (ISI) تغییر داد. اندکی قبل از این بازه زمانی، ابوبکر البغدادی در یک بازداشتگاه آمریکایی در عراق (فوریه ۲۰۰۴ تا دسامبر ۲۰۰۴) در کنار بسیاری دیگر از سنی‌های ناراضی و اعضای سابق بعثی که به دنبال راه‌هایی برای احیای مجدد قدرت سیاسی بودند، دستگیر و بازداشت شد. این بازداشتگاه‌ها به محل پرورش ناخواسته رادیکالیزه شدن و هماهنگی تروریست‌ها در آینده تبدیل شدند. در بحث عواملی که دولت اسلامی عراق را قادر به بازگشت و وحشتناک خود کرد، تقریباً همه به نقش رادیکالیزه‌کننده بازداشتگاه‌های عراقی سازمان‌دهی شده توسط ایالات متحده مانند کمپ بوکا اشاره می‌کنند (Warrick, 2015). امکاناتی که رادیکال‌های مذهبی سنی آزادانه با اعضای حزب بعث صدام در تعامل بودند، شعله رادیکالیسم سنی را زنده نگه داشت و زندان‌ها را به اردوگاه‌های امن آموزش و استخدام برای دولت اسلامی عراق تبدیل کرد. همان‌طور که بعدها یکی از رهبران داعش گفت: اگر زندان آمریکایی در عراق نبود، اکنون داعش وجود نداشت، بوکا یک کارخانه بود، همه ما و ایدئولوژی ما را ساخت (Chulov, 2014). کمپ بوکا در سال ۲۰۰۹ بسته شد، اما تماس‌ها و شبکه‌های ایجاد شده در آن فعال باقی ماندند. به گفته منابع اطلاعاتی، اکثریت رهبران داعش در مقطعی در کمپ بوکا (McCoy, 2014) زندانی بودند. هنگامی که در ۱۸ آوریل ۲۰۱۰، دو رهبر ارشد دولت اسلامی عراق، ابو ایوب المصری و ابو عمر البغدادی در حملات ایالات متحده کشته شدند، ابوبکر البغدادی، یکی از فارغ‌التحصیلان کمپ بوکا، به عنوان رهبر جدید ظاهر شد. با وجود اینکه او فاقد تجربه نظامی بود، انتخاب او برای رهبری دولت اسلامی عراق توسط سمیر الخلیفاوی - رئیس بخش نظامی دولت اسلامی عراق - تشویق و حمایت شد (Warrick, 2015).

خروج آمریکا از عراق، بحران سوریه، تغییر میدان فعالیت داعش از عراق به سوریه و نزدیکی دیدگاه‌های آمریکا، اسرائیل و عربستان سعودی در خصوص دولت بشار اسد، فصل مشترکی در روابط این گروه تروریستی با این کشورها گشود (مرادی حقیقی و ملکوتیان، ۱۳۹۸: ۱۳). در واقع یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری داعش در سوریه وجود ناامنی و

برهم زدن نظم در این کشور بود و این فضای ناامن منجر به رشد گروه‌های تروریستی با کمک کشورهای غربی، عربستان، ترکیه و قطر به رهبری آمریکا با هدف سرنگونی دولت بشار اسد شد. عربستان به دو دلیل از داعش حمایت کرد: اول ایجاد بحران در عراق و تضعیف دولت شیعه. سعودی‌ها بر این باورند که سنی‌های عراق در حاشیه قدرت قرار دارند و باید به آن‌ها قدرت داده شود تا جایگاه قبلی خود را بازیابند. حمایت مالی، نظامی و رسانه‌ای عربستان از داعش در عراق در این راستا انجام شده است. دلیل دوم به تلاش‌های سعودی‌ها برای سرنگونی نظام سوریه باز می‌گردد. ریاض حضور دمشق در محور مقاومت و روابط استراتژیک با ایران را پیروزی رقیب منطقه‌ای خود می‌داند. بنابراین از سال ۲۰۱۲ از گروه‌های سلفی - جهادی فعال در سوریه به‌ویژه گروه‌های همسو با آن حمایت کرد (بابایی و شاه‌محمدی، ۱۴۰۱: ۱۶۴-۱۶۳).

این دو رویداد به دولت اسلامی عراق اجازه داد تا بیشتر از احساس محرومیت سنی‌ها استفاده کند. در سال ۲۰۱۱، بغدادی شاخه القاعده، جبهه النصره را به سوریه فرستاد تا به تحکیم و بسیج قدرت سنی در این منطقه کمک کند. تنش بین بغدادی و رهبری النصره اما بعدها باعث درگیری‌های سیاسی جدی در این گروه شد. در سال ۲۰۱۳، بغدادی تغییر نام رسمی دولت اسلامی عراق (ISI) به دولت اسلامی عراق و سوریه/ دولت اسلامی عراق و شام (داعش) را اعلام کرد و در سال ۲۰۱۴ تأسیس رسمی خلافت را اعلام کرد. این اعلامیه همراه با موفقیت‌های اولیه نظامی در موصل و رقه باعث شد هزاران جنگجوی خارجی به منطقه بپیوندند تا به صفوف داعش بپیوندند.

پیشینه پژوهش

بهمنش (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «بررسی زمینه‌های جامعه‌شناختی شکل‌گیری و قدرت‌یابی گروه سلفی - تکفیری داعش در عراق (۲۰۱۴-۲۰۰۳)» به دنبال پاسخگویی به این سؤال بود که از منظر جامعه‌شناختی چگونه می‌توان شکل‌گیری و قدرت‌یابی جریان سلفی - تکفیری در عراق بخصوص داعش را تبیین نمود؟ نویسنده جهت پاسخگویی به این پرسش از نظریه «رفتار جمعی اسلمسر»، بهره گرفته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد ابهامات، محرومیت‌ها و سوءظن‌های شکل‌گرفته میان اعراب اهل سنت در پی اشغال عراق به‌عنوان مهم‌ترین مصداق فشار ساختاری، از جدی‌ترین عوامل جامعه‌شناختی دخیل در شکل‌گیری و قدرت‌گیری داعش محسوب می‌شود. عراقچی و جوزانی‌کهن (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «بهره‌برداری داعش از فضای مجازی» نشان دادند که درهم تنیدگی تروریسم با فضای مجازی موجب شکل‌گیری تروریسم پسامدرن شده است؛ به گونه‌ای که گروه تروریستی داعش به‌عنوان مظهر هویت مقاومت‌گری غیراصیل تلاش می‌کند با استفاده از امکانات فضای مجازی، در جهت غالب ساختن دیدگاه‌های منحرفانه خود اقدام نماید؛ که با توجه به رو به افول بودن توان جذب‌کنندگی داعش برای جلب نیرو به سرزمین عراق و

سوریه، این گروه کوشش می‌کند از راهبردهای رسانه‌ای خود در جهت گسترش هراس در سایر مناطق به‌جای عضوگیری برای گسترش سرزمینی در پیرامون خود استفاده نماید. حقیقتیان و مرادی (۱۳۹۳) در پژوهشی نشان دادند که رابطه معناداری بین ابعاد مختلف از خودبیگانگی و رفتارهای جمعی جوانان وجود دارد. جان‌بزرگی (۱۳۹۰) در پژوهشی به دنبال شناسایی عواملی که موجب بروز رفتارهای جمعی به‌ویژه رفتارهای تخریبی می‌شود، بود. یافته‌های وی حکایت از این دارد که هنگامی که جمعی تشکیل می‌شود واکنش‌های هیجانی از فردی به فرد دیگر سرایت می‌کند و این مسئله تا جایی پیش می‌رود که هویت و خویش‌داری فرد از بین می‌رود. همچنین نتایج نشان می‌دهد که بین احساس ناکامی، احساس گمنامی، پرخاشگری نهفته، نگرش ضداجتماعی افراد و آمادگی آنان برای انجام رفتارهای تخریبی، همبستگی معنی‌داری وجود دارد. مرادی و سعیدی‌پور (۱۳۸۹) در پژوهشی نشان دادند که محرومیت نسبی می‌تواند به عنوان یک عامل کلیدی در ایجاد و شکل دهی رفتارهای جمعی در میان جوانان مؤثر باشد. دا کاستا^۱ و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهش خود دریافتند که مشارکت در رفتار جمعی و جنبش‌های اجتماعی با محرومیت نسبی عاطفی، هویت و کارآمدی جمعی و همچنین عوامل ایدئولوژیک مانند تعهد اخلاقی و تهدید ادراک‌شده برای ارزش‌های اخلاقی و مخالفت با باورهای توجیه سیستمی تبیین می‌شود. اویندل^۲ و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی نشان دادند که انگیزه‌هایی مانند جستجوی معنا، حفظ سنت و هنجارهای اجتماعی، نیاز به امنیت، مبارزه برای تغییر جامعه به‌سوی بهتر شدن به‌ویژه در زمینه مذهبی و ایدئولوژیک در بروز رفتارهای جمعی نقش دارند. از دیدگاه اولسون (۱۹۷۱) انگیزه‌های مادی مانند دستیابی به پول و ثروت و همچنین انگیزه قدرت و نفوذ ممکن است در رفتار جمعی نقش داشته باشد.

بررسی مطالعات انجام‌شده بیانگر آن است که هر چند در زمینه موضوع پژوهش حاضر و رفتارهای جمعی به صورت عام و پراکنده تحقیقاتی صورت گرفته است اما هیچ‌کدام به طور خاص به بررسی رفتارهای جمعی جماعت داعش نپرداخته‌اند؛ بنابراین پژوهش حاضر ضمن پر کردن خلأ تحقیقاتی در این زمینه در تلاش است تا به واکاوی رفتارهای جمعی نمایشی جماعت داعش بر اساس نظریه آگ‌برن و نیم‌کوف بپردازد.

چارچوب مفهومی و نظری

از سپیده‌دم قرن بیستم، مجموعه‌ای از محققین و نظریه‌پردازان کوشیدند تا تجربه انسان در گرهمایی‌های اجتماعی را درک و تبیین کنند (Freud, 1975; Le Bon, 2002). از آن زمان، کار آن‌ها الهام‌بخش خطوط قابل‌توجهی از تحقیقات از جمله در ایجاد حس

¹ da Costa

² Oyanedel

علاقه و هویت‌های مشترک بود (Whitehouse et al., 2019; Henrich, 2020). در میان این مجموعه از تحقیقات، کار اندیش‌مندان و محققانی مانند پارک، اسملسر، دورکیم^۱، آگ برن و نیم‌کوف تلاش برای تحلیل روانی-اجتماعی رفتار انسان‌ها در سطوح مختلف بود. یکی از این رفتارها، رفتار جمعی است که واضع آن جامعه‌شناس آمریکایی رابرت پارک بود که آن را این‌گونه تعریف می‌کند «رفتار افراد تحت تأثیر یک انگیزه مشترک و جمعی، یک تکانه و به عبارت دیگر نتیجه تعامل اجتماعی است» (کوزر، ۱۳۷۳: ۴۷۶). از دیدگاه پارک جماعت‌هایی که ناآرامی را دامن می‌زنند، صرفاً جماعتی از مردم نیستند که تصادفاً به گردهمایی برانگیخته شده باشند بلکه توده‌های ره‌اشده‌ای هستند که پیوندهای وفاداری شان به سامان پیشین گسسته شده است. با این همه فرقه‌های مذهبی و جنبش‌های اجتماعی از بطن همین هیجان‌های جماعتی پدید می‌آیند و کنش‌های زودگذر و حساب‌نشده آن‌ها به سازمان‌های پایدارتر و استوارتر می‌انجامند. رهبران گروه‌های اجتماعی نوظهور، بر رفتار جمعی بدون ساختار جماعت پیشین نظارت اجتماعی تحمیل می‌کنند و بدین‌سان، آن‌ها را به یک جمع منظم تبدیل می‌نمایند زمانی که جماعت نااندیشنده به عامه مردم بازاندیشنده تبدیل می‌شود، هستی‌های اجتماعی تازه‌ای پدیدار می‌شوند که اگر شرایط مساعد باشند، بافت رسوم موجود را به گونه موفقیت‌آمیزی از هم می‌گسلند و راه را برای یک توافق تازه و شاخص یک سامان اجتماعی نوین هموار می‌سازد (راجرز، ۱۳۸۷: ۳۷۲). اسملسر رفتارهای جمعی را مجموعه‌ای از رویدادها یا اقداماتی می‌داند که از تعامل افراد و گروه‌ها در پاسخ به یک موقعیت یا محرک مشترک پدید می‌آیند. این رفتار معمولاً برنامه‌ریزی نشده، غیرنهادینه و غیرهنجاری است، به این معنی که از قوانین یا قراردادهای رفتاری تعیین‌شده پیروی نمی‌کند (Smelser, 1963). وی اضافه می‌کند که رفتارهای جمعی، منعکس‌کننده بحران‌ها و مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی گسترده‌تر جوامع است. از دیدگاه دورکیم اولین تأثیر رفتارهای جمعی این است که افراد را به همدیگر نزدیک، روابط بین آن‌ها را چند برابر و آن‌ها را با یکدیگر صمیمی‌تر می‌کند. با این واقعیت که محتوای آگاهی آن‌ها را تغییر می‌دهد (Durkheim, 1912). از دیدگاه آگ برن و نیم‌کوف (۱۳۸۱) جنبه‌ای از رفتار گروهی که جنبه عاطفی شدید دارد و بر واکنش‌های دورانی یا کنش‌های متقابل دورانی استوار است، رفتار جمعی خوانده می‌شود. از دیدگاه آن‌ها، واکنش‌های دورانی یا کنش‌های متقابل دورانی واکنش‌هایی هستند که بر اثر تحریک‌هایی در فردی پدید می‌آیند و سپس محرک افراد دیگر می‌شوند و واکنش‌هایی در آنان به وجود می‌آورند و آنگاه واکنش‌های این افراد در شخص نخستین مؤثر می‌افتند و واکنش‌های شدیدتری در او برمی‌انگیزند و پس از آن، واکنش‌های شدید نخستین در افراد دیگر تأثیر می‌کنند و به واکنش‌های شدیدتری می‌انجامند و به این طریق همواره بر شدت واکنش‌های متجانس اشخاص می‌افزاید. در این

¹ Park, Smelser, Durkheim

صورت باید گفت که کنش‌های متقابل دورانی به واگیری اجتماعی منجر می‌شود، به این معنی که بر اثر این کنش‌ها، اعضای گروه به سرعت و با شدتی دم‌افزون، رفتار یکدیگر را فرا می‌گیرند و بر نوعی تجانس دست می‌یابند. بر این اساس، آگ‌برن و نیم‌کوف رفتار جمعی را چنین تعریف می‌کنند: رفتاری است عاطفی که بر اثر وضع یا حادثه‌ای از شخص یا اشخاصی سر می‌زند و بر اثر واگیری اجتماعی به دیگران منتقل می‌شود و در نتیجه رفتار کمابیش متجانسی به وجود می‌آورد (آگ‌برن و نیم‌کوف، ۱۳۸۱: ۱۷۲-۱۷۱). رفتارهای جمعی با ماهیت زودگذر، برون‌سازمانی و نوظهور مشخص شده‌اند (da Costa et al., 2023: 3) و غیرقابل پیش‌بینی، گذرا، سیال، پراکنده، پیچیده و کنترل نشده هستند (Aguirre & Quarantelli, 1983: 195) و اغلب به طور همزمان در سراسر یک منطقه گسترده رخ می‌دهد (Tilly, 1968) و در بسیاری از موارد، کل جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند (Lang & Lang, 1961; Killian, 1973).

از دیدگاه آگ‌برن و نیم‌کوف رفتارهای جمعی انواع بسیاری دارند که می‌توانند در یک جامعه رخ دهند. یکی از این موارد رفتار جمعی نمایشی است که مُد اجتماعی، هوس اجتماعی، جنون اجتماعی، شایعه اجتماعی، شیدایی اجتماعی و هراس اجتماعی را شامل می‌شوند (آگ‌برن و نیم‌کوف، ۱۳۸۱: ۱۷۳). استدلال می‌شود که مردم تمایل دارند فردیت و قضاوت اخلاقی خود را در جمع تسلیم کنند و تسلیم قدرت هیپنوتیزمی رهبرانی شوند که رفتار جمعی را آن‌طور که دوست دارند شکل دهند (Crossman, 2020: 4). رفتار جمعی نمایشی با الگوهای بدون ساختار، خودانگیخته، عاطفی و پیش‌بینی‌ناپذیر مشخص می‌شود. هرگونه محرک آنی، پیش‌بینی‌نشده و ناپایداری می‌تواند انسان‌ها را به واکنش‌های رفتار جمعی تحریک کند. حضور در چنین جمع‌هایی باعث می‌شود تا افراد نسبت به اعمال خود کمتر احساس مسئولیت کنند (کوئن، ۱۳۹۷: ۱۷۳).

آگ‌برن و نیم‌کوف در کتاب خود «زمینه جامعه‌شناسی» به تعریف انواع رفتارهای جمعی می‌پردازند. از دیدگاه آن‌ها، رفتار جمعی مکرری که به قدر رسم اجتماعی تثبیت نشده باشد مُد اجتماعی^۱ نام می‌گیرد. مُد اجتماعی پُرشور و زودگذر را هوس اجتماعی^۲ می‌نامند. هوس اجتماعی شدیدی که همواره شخص را وسوسه کند، جنون اجتماعی^۳ خوانده می‌شود. جنون اجتماعی صورگوناگونی دارد از جنون جدول حل کردن برخی از روزنامه‌خوان‌ها تا جنون سخت‌گیری دینی برخی از گروه‌های اجتماعی. هوس اجتماعی پُردوامی که با عواطف عمیقی آمیخته باشد شیدایی اجتماعی^۴ نام دارد. نمونه آن رفتار متجددانی است که محض

¹ Social fashion

² Social fad

³ Social craze

⁴ Social manias

یک امر نوظهور خوشایند، خواب و خوراک را بر خود حرام می‌کنند. رفتار جمعی وحشت‌آلود و بی‌هدفی که بر اثر احساس خطر پدید آید، هراس اجتماعی^۱ نامیده می‌شود. هراس اجتماعی تمام ذهن را به‌سرعت فرا می‌گیرد و فرد را به تلاش‌های بیهوده و دیوانه‌وار برمی‌انگیزد (آگ‌برن و نیم‌کوف، ۱۳۸۱: ۱۷۴-۱۷۳).

از دیدگاه آگ‌برن و نیم‌کوف، جمع^۲ گروهی از افراد انسانی است که دستخوش رفتار جمعی باشند. چون جمع زاده^۳ رفتار جمعی است. جمع انواع مختلفی دارد که مهم‌ترین آن جماعت^۳ است. جماعت گروه متجانس کم‌دوامی است که به اقتضای وضع یا حادثه‌ای خود به‌خود به وجود می‌آیند و بر اثر کنش‌های متقابل دورانی یا واگیری اجتماعی، دارای رفتاری مشترک می‌شوند. جماعت در افراد سبب ایجاد سه تغییر مهم می‌شود: (۱) در هم شکستن فردیت: استغراق شخص در جماعت چنان او را از خود بی‌خود می‌کند که موقتاً از مقتضیات خصوصی خود غافل و به‌اصطلاح دچار بی‌فردیتی^۴ می‌شود. (۲) کنش خودبه‌خودی: شخص بی‌فردیت بی‌اختیار موافق مصالح جماعت رفتار می‌کند و حتی ندانسته پا بر بسیاری از هنجارهای اجتماعی می‌گذارد. (۳) احساس ایمنی: شخص بر اثر شکستن مرزهای فردیت و استغراق در جماعت، خود را دارای قدرتی عظیم می‌پندارد، اعتماد به‌نفس فوق‌العاده می‌یابد و عمیقاً احساس ایمنی می‌کند (آگ‌برن و نیم‌کوف، ۱۳۸۱: ۱۷۹).

آگ‌برن و نیم‌کوف، سه عامل مهم را در حفظ جماعت و تحکیم تجانس آن مؤثر می‌دانند: (۱) تمکین به رهبران: دوام و تجانس جماعت مستلزم تمکین اعضای جماعت به پشاهندگان یا رهبران جماعت است. (۲) وسعت جماعت: هر چه تعداد اعضای جماعت بیشتر باشد، سلسله روابطی که هر یک از اعضا را به دیگران پیوند می‌دهد دامنه‌دارتر و پیچیده‌تر خواهد شد و بر بستگی عاطفی اشخاص و تجانس جمع خواهد افزود. (۳) نظم: هر چه نظم خودبه‌خودی جماعت بیشتر باشد، فردیت‌ها با سهولت بیشتری در جمع مستهلک می‌شوند. از این رو رهبران جماعت‌ها می‌کوشند که رفتاری منظم و موزون در جماعت‌ها به وجود آورند و برای این منظور از شعارهای یکنواخت سود می‌جویند (آگ‌برن و نیم‌کوف، ۱۳۸۱: ۱۸۰).

شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

-
- 1 Social panic
 - 2 Collective
 - 3 Crowd
 - 4 De-individualism



جماعت داعش و رفتارهای جمعی نمایشی و خشونت‌آمیز

بر اساس نظریه آگبرن و نیم‌کوف می‌توان رفتارهای جمعی نمایشی و خشونت‌آمیز جماعت داعش را در رابطه با واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی تفسیر کرد. رفتارهای جمعی این گروه نشان می‌دهد اعضای این گروه دچار نوعی بی‌هویتی و عدم فردیت شده و با تبعیت کورکورانه از رهبران و ایدئولوژی‌های ساختگی و دروغین مذهبی و سیاسی تلاش می‌کنند احساس تعلق و هویت مذهبی خود را در جماعت و ناکجاآبادی دنبال کنند که ترور، خشونت، اعدام، بردگی و ترس و هراس از ویژگی‌های ذاتی آن است. در رفتار جمعی نمایشی جماعت داعش، عناصر رهبری این گروه سعی می‌کنند به وسیله آمیختن حقیقت با دروغ، نمودها را به صورتی جلوه دهند که باعث تمکین مردم به خواسته‌های آن‌ها شوند. آن‌ها از تلقین‌پذیری اعضا سود می‌برند و نیات خود را به آن‌ها تحمیل می‌کنند حتی گاهی مقاومت روانی مردم را کاملاً در هم می‌شکنند و به اصطلاح دست به شستشوی مغزی اعضای خود می‌زنند. بدین وسیله با تأثیرگذاری فردبه‌فرد، کنترل بیشتری بر رفتار افراد داشته و آن‌ها را در جهت اهداف خود هدایت می‌کنند. همچنین، در نظریه آگبرن و نیم‌کوف بیان می‌شود که فرد در جماعت تا حدی با قوانین و اعتقادات گروه هماهنگی پیدا می‌کند و منافع فردی خود را فدای تمایلات گروهی می‌کند. اعضای داعش، همگی به دنبال تحقق اهداف گروه هستند و آماده هرگونه فداکاری و تنفر از دشمنان خود هستند. در ادامه به برخی از رفتارهای جمعی نمایشی جماعت داعش بر اساس نظریه آگبرن و نیم‌کوف که در شکل ۱ به آن‌ها اشاره شده است پرداخته می‌شود:

هراس اجتماعی: از دیدگاه آگبرن و نیم‌کوف هراس اجتماعی، رفتار جمعی

وحشت‌آلود و بی‌هدفی است که بر اثر احساس خطر پدید آید و فرد را به تلاش‌های بهبوده و دیوانه‌وار برمی‌انگیزد. در اینجا هراس اجتماعی به معنای افزایش اضطراب، ترس، نگرانی و رعب و وحشت در جامعه نسبت به فعالیت‌ها و تهدیدات گروه داعش است. این گروه، عملیات تروریستی و جنایت‌های وحشتناکی را در عراق و سوریه انجام داده و با استفاده از آپ‌های رسانه‌های اجتماعی همچون فیس‌بوک، اینستاگرام، واتس‌آپ، پالتاک^۱، کیک^۲،

¹ PalTalk

² Kik

وایر، جاست پیست‌ایت^۱ و تامبلر^۲، اقدام به اشتراک‌گذاری فایل‌های خود می‌کردند (Klausen, 2014: 1-2) که منجر به انتشار فزاینده هراس و نگرانی در بین افراد جوامع شده است. شبکه تروریستی دولت اسلامی عراق و شام (داعش)، از طریق پوشش رسانه‌ای حملات مرگبار و همچنین انتشار استراتژیک فیلم‌های اعدام و سایر مواد تبلیغاتی خشونت‌آمیز خود، نوعی نگرانی ایجاد کرد (Kovács, 2015; Kraidy, 2017; Chouliaraki & Kissas, 2018; Friis, 2018) که مک‌کرو یونگ و مورتسنس^۳ (۲۰۲۱) از آن به عنوان «منظره ترس^۴» یاد می‌کنند. داعش با تهدید و ایجاد رعب و وحشت و هراس در مسیر بزرگنمایی خود و تضعیف روحیه دشمن گام برمی‌دارد. تصویرسازی از صحنه‌های اعدام دسته‌جمعی، گردن زدن و سوزاندن و انتشار گسترده این تصاویر و فیلم‌ها در فضای مجازی، آن‌ها را به یک تهدید جهانی تبدیل کرد. داعش در مناطق تحت اشغال خود کسانیه را که گناهکار و مجرم می‌خواند در ملاعام و حتی مقابل چشم کودکان مجازات می‌کرد تا از این طریق باعث ایجاد هراس اجتماعی شده و جرأت هر گونه مخالفت، اعتراض و ایستادگی را از مردم بگیرد (شریفی و شاهینی، ۱۳۹۵: ۲۵۷).

می‌توان توسل جماعت داعش به خشونت و ایجاد هراس اجتماعی را بر اساس نظریه ناکامی - خشونت نیز مورد واکاوی قرار داد. بر اساس این نظریه وقتی افرادی از دست یافتن به هدف ناکام می‌مانند دست به پرخاشگری و خشونت می‌زنند. به عقیده دالارد^۵ «ناکامی همواره منجر به خشونت و خشونت همواره نتیجه ناکامی است» (آرنسون، ۱۴۰۱: ۲۸۹). از زمان پیدایش داعش در سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۶ این گروه از دستیابی به اهداف مورد نظر خود در سوریه و عراق ناکام مانده و خصوصاً با برگزاری انتخابات در سوریه و انتخاب مجدد بشار اسد و تحکیم پایه‌های دولت او داعش دست خود را خالی دید و این بار خون‌بارتر و هجومی‌تر به داخل عراق سرازیر شدند و با به‌کارگیری مکانیسم دفاعی «جابجایی» خشم و کینه خود را بر سر دولت و مردم عراق خالی کردند. رفتارهای گروه تروریستی داعش در عراق نشان می‌دهد که ناتوانی و ناکامی در به دست گرفتن حکومت سوریه را از طریق ناامن کردن عراق و کشتار فردی و گروهی اقلیت‌های مذهبی و قومی و به نمایش در آوردن خشونت و هراس در رسانه‌ها جبران کردند (نوریخس، ۱۳۹۴).

¹ JustPaste.it

² Tumblr

³ McCrow-Young & Mortensen

⁴ spectacle of fear

⁵ Dollard

جنون و شیدایی اجتماعی: جنون اجتماعی که از آن به شیفتگی و شیدایی نیز تعبیر می‌شود، به الگوی رفتار غیرمتعارفی که تعداد نسبتاً کمی از مردم در یک دورهٔ بسیار کوتاه از خود نشان می‌دهند، اطلاق می‌شود (کوئن، ۱۳۹۷: ۲۵۳)؛ به عبارت دیگر، جنون اجتماعی نوعی از رفتار جمعی و غیرسنتی است که در آن، رفتار به‌روشنی تعریف نشده و در چارچوب فرهنگ و هنجارهای اجتماعی صورت نمی‌گیرد (عضدانلو، ۱۳۸۴: ۳۲۹). در چنین وضعیتی وقتی افراد در یک جمع توده‌وار گرد هم می‌آیند و به گونه‌ای عمل می‌کنند که نارضایتی خاص و مشترکی را بروز می‌دهند (ترنر، ۱۳۷۸: ۳۶۲). از دیدگاه آگ‌برن و نیم‌کوف ذوب شدن فرد در گروه چنان او را از خود بی‌خود می‌کند که موقتاً از مقتضیات خصوصی خود غافل و به اصطلاح دچار بی‌فردیتی می‌شود. در چنین حالتی شخص بی‌فردیت بی‌اختیار موافق مصالح جماعت رفتار می‌کند و حتی ندانسته یا بر بسیاری از هنجارهای اجتماعی می‌گذارد (آگ‌برن و نیم‌کوف، ۱۳۸۱: ۱۷۹). بر اساس نظریه خودشیفتگی فروید فرد خودشیفته اساساً خود را در جهان مهم می‌داند و جایگاهی بلندمرتبه برای خود قائل است و از دیگران انتظار دارد مدام او را مورد تعریف و تمجید قرار دهند اما وقتی از طرف دیگران مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد اعتماد به نفس خود را از دست می‌دهد در نتیجه به سمت رفتارهای جنون‌آمیز و پرخاشگرانه حرکت می‌کند. بر طبق این تحلیل می‌توان استدلال کرد افراد عضو داعش در یک بن‌بست روان‌شناختی زندگی می‌کرده‌اند و برای به دست آوردن اعتماد به نفس از دست‌رفته خود با هویت داعش ظاهر شده‌اند تا در سایه این قدرت موهوم کسب روحیه و اعتبار کنند. این شکست نارسیستی واکنشی خشم‌آلود به همراه دارد و اعتماد به نفس خود را در تخریب اعتماد به نفس دیگران می‌بیند (نوریخس، ۱۳۹۴).

دولت اسلامی عراق و شام (داعش) به صورت اساسی یک موقعیت «سلبی» در تاریخ معاصر و نظام بین‌المللی است و رفتارهای جنون‌آمیز آن نیز در این چارچوب قابل تحلیل و بررسی خواهد بود. به لحاظ روان‌شناختی کنش سیاسی و انسان اجتماعی در دو زمان متفاوت به جنون می‌رسند؛ اول زمانی است که آنان به این نتیجه می‌رسند که انباشت قدرت در دستانشان به آنان حق تعیین تکلیف برای بقیه می‌دهد و دوم زمانی که نهایت یأس و سرخوردگی بخش محروم و محذوف را به این نقطه می‌رساند که دیگر جایی برای بازی مهره آنان در صفحه شطرنج کنونی باقی نمانده است. تقابل همین «جنون قدرت» و «جنون یأس»، یک میدان بازی و موقعیت آنارشیک را آرایش می‌دهد که در یکی تکلیف ایجابی از نظم موجود را تحمیل می‌کند و در دیگری نفی و کنش سلبی را موجب می‌شود. در چنین موقعیت و وضعیتی باید پذیرفت که جنون داعشی حدودمرزی نمی‌شناسد (زارعی قنوتی، ۱۳۹۳). سر بریدن، به صلیب کشیدن، زنده به گور کردن، سخت‌گیری دینی، آتش زدن اسرا (Brookes, 2015) اعدام‌های دسته‌جمعی، فروش دختران و زنان به عنوان بردگان جنسی، تیرباران و گردن زدن تبلیغاتی اقلیت‌های قومی- مذهبی و روزنامه‌نگاران خارجی و همچنین تخریب آثار باستانی و مکان‌های مقدس تمامی مذاهب و فرق دینی به اصطلاح غیرخودی که

به صورت گسترده توسط این گروه انجام شده و ویدیوهای تبلیغی این صحنه‌ها توسط آنان به وفور در فضای مجازی انتشار می‌یابد (زارعی قناتی، ۱۳۹۳)، بازتاب جنون و خوی وحشی‌گیری داعش است. داعش از طریق اعمال خشونت‌آمیز خود تلاش می‌کرد قدرت و نفوذی را به دست آورد تا دولت‌ها را وادار به تغییر سیاست‌ها کند و آن‌هایی را که می‌خواهد بر آن‌ها تسلط داشته باشد، تحت سلطه خود درآورد. بر این اساس می‌توان استدلال کرد که جماعت داعش دچار جنون اجتماعی است به این معنا که اهداف خاصی را دنبال می‌کند و برای رسیدن به این اهداف به خشونت، تروریسم و خرابکاری متوسل می‌شود. داعش خون‌آشامی، خشونت و زورگویی را به عنوان راهکارهای اصلی برای تحقق اهداف خود در نظر گرفته است. آن‌ها تلاش می‌کنند تا مردم را از طریق ایجاد وحشت و هراس در کنترل خود قرار دهند و تبدیل به جامعه‌ای متشنج و خشونت‌آمیز کنند.

شایعه اجتماعی: شایعه اجتماعی به هر گونه انتشار اخبار غیرقابل اثبات و بی‌اساس که به سرعت در جامعه منتشر می‌شود و اکثراً از طریق رسانه‌های اجتماعی گسترش می‌یابد گفته می‌شود. این شایعات معمولاً با هدف ایجاد ترس، ناراحتی و راه‌اندازی اغراق‌آمیز از خبرهای رسمی می‌تواند منتشر شود. اینترنت مکان نسبتاً نامحدودی را فراهم می‌کند که تروریست‌ها می‌توانند از طریق تعداد به ظاهر نامحدود وب‌سایت‌ها و پلت‌فرم‌های رسانه‌های اجتماعی، شایعات را ایجاد کرده و منتشر کنند و فضای خود را به گونه‌ای تنظیم کنند که هزاران نیروی جدید بالقوه را برای پیوستن به سازمانشان و پیشبرد اهدافشان هدف قرار دهند. داعش، جهت شایعه‌پراکنی و بزرگنمایی و تحریف واقعیت، پیشرفته‌ترین تبلیغات را از نظر تکنولوژیک تولید می‌کند. آن‌ها از طریق ابزارهای دیجیتالی پیچیده، این ایده را ترویج کردند که داعش با موفقیت یک خلافت ایجاد کرده و هزاران عضو جدید را برای پیوستن به این سازمان تروریستی استخدام کرده است. فیلم‌های داعش که از چند دقیقه تا چند ساعت طول می‌کشد، از ترفندهای تولیدی به سبک هالیوود و جلوه‌های ویژه استفاده می‌کنند تا تروریست‌های داعش را قهرمان نشان دهند و نبرد برای داعش را شبیه به بازی در یک بازی ویدیویی واقعی به تصویر می‌کشند. این تصاویر خشونت‌آمیز و وحشتناک در کنار تصاویر و پست‌هایی ارسال می‌شود که در آن دیدارهای عاشقانه، هیجان‌انگیز و ثروتی که جوانان داعش از آن لذت می‌برند، توصیف می‌کنند. تبلیغات داعش با ترکیبی از هولناک و سوسه‌انگیز، عمداً جوانان جوان را از طریق رسانه‌های اجتماعی هدف قرار می‌دهد، زندگی در قلمرو داعش را پر زرق و برق و آرمان شهر و اعضای آن را قهرمانانه و خواستی به تصویر می‌کشد. چنین تبلیغاتی نمی‌تواند واقعیت‌های خشن زندگی در داعش یا جنایات داعش را فاش کند (Lieberman, 2017: 95).

به طور کلی، کاربرد شایعه‌ها توسط داعش به عنوان یک ابزار جنگ نرم برای ایجاد ترس و وحشت در بین جامعه هدف، بزرگنمایی، تضعیف روحیه دشمن، تحریک تنش‌های اجتماعی و فرقه‌ای و ایجاد تقسیمات محلی مورد استفاده قرار گرفت. برای مثال، این گروه

با شایعه‌پراکنی درباره حوادث واقعی یا وقایع و نقشه‌های داعش در هدف‌گیری نیروهای امنیتی و جنگنده‌های بین‌المللی، باعث ایجاد ترس و نگرانی در میان مردم و جامعه بین‌المللی شد. این ترس و نگرانی ممکن است به نفع داعش و رسیدن به اهداف تروریستی و سیاسی آن باشد، زیرا تقسیمات اجتماعی و نگرانی از توانایی‌ها و کارآیی نیروهای امنیتی می‌تواند منجر به کاهش حمایت مردم از دولتی شود که در برابر داعش و گروه‌های تروریستی دیگر مبارزه می‌کند.

همچنین در مناطق اشغال شده به دلیل دسترسی محدود به رسانه‌ها و تبلیغات گسترده تروریست‌ها، فضای شایعه مهیا می‌شود. در خارج از این مناطق و کشورهای دیگر هم به دلیل تهدیدات متعدد و تبلیغات هراس‌آور و خشونت‌بار داعش، شایعه‌گسترش می‌یابد. حتی گاهی رسانه‌های کشورهای خود در چارچوب اهداف داعش به این شایعات دامن می‌زدند. برای مثال بعد از حمله داعش به پاریس در ۱۳ نوامبر ۲۰۱۵، شایعات مربوط به حملات داعش به کشورهای مختلف افزایش یافت و در بسیاری از مناطق پلیس در حالت آماده‌باش قرار گرفت. داعش نیز در این مدت برای بزرگنمایی خود مدام ویدئوهای تهدیدآمیز، تولید و منتشر کرد و ترس کشورهای را ترس کافران از نابودی و هراس از مواجهه با مؤمنین معرفی می‌کرد. با توجه به اینکه رسانه‌های اجتماعی کانال اصلی تبلیغات داعش هستند، این رسانه‌ها نیز خود بستر مناسبی برای تولید و گسترش شایعه فراهم می‌کنند (شریفی و شاهینی، ۱۳۹۵: ۲۵۵).

هوس اجتماعی: داعش یک حضور اجتماعی قوی دارد که نقش تعیین‌کننده‌ای در جذب شبه‌نظامیان و حامیان به این سازمان دارد. داعش جوانان و افرادی را از فرهنگ‌های به حاشیه رانده‌شده تحت تأثیر بی‌ثباتی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هدف قرار می‌دهد. آن‌ها از رسانه‌های اجتماعی به‌طور گسترده برای ترویج برداشت تحریف‌شده خود از اسلام و اهداف افراطی خود استفاده می‌کنند. استراتژی‌های اجتماعی داعش بر استفاده از فعالیت‌های اجتماعی برای جذب اعضای جدید، تقویت پایبندی به سازمان و تقویت وفاداری گروه متکی است. این گروه با تبلیغ و رواج خدمات اجتماعی اساسی مانند مراقبت‌های بهداشتی، آموزشی و سرپناهی در جستجوی میزان مشخصی از حمایت و وفاداری جوامع آسیب‌دیده دست می‌یابد. با این حال، این هوس اجتماعی داعش اغلب مبتنی بر دستکاری آن‌ها در مذهب و فرهنگ است و جامعه‌ای خیالی را فراهم می‌کند که در آن آن‌ها زندگی مطلوبی را برای حامیان خود داشته باشند. آن‌ها ایده تعلق خانواده و گروهی را ترویج می‌کنند و تجربه تعلق و فداکاری را به جامعه خود ارائه می‌دهند که آن‌ها را به اعضای مؤثر سازمان تبدیل می‌کند.

به طور کلی هوس اجتماعی گروه داعش را می‌توان از چندین جنبه مورد بررسی قرار داد: الف) فرصت‌کار: گروه داعش به عنوان یک گروه تروریستی جهانی، به افرادی که از نارضایتی اقتصادی و بیکاری رنج می‌برند، فرصت کار و درآمدی مطلوب ارائه می‌کند. برخی

از افراد به عنوان نیروهای حمایتی و مبارزان در گروه داعش می‌پیوندند تا مشکلات اقتصادی خود را حل کنند. ب) محبوبیت قدرت: گروه داعش با سختگیری و خشونت خود در جذب تعداد زیادی از جوانان از طریق پیام‌های تبلیغاتی بوده است. قدرت و سرزمین‌های تحت کنترل آن برای افرادی که تشنه قدرت و شهرت هستند، جذابیت دارد. ج) ایدئولوژی مذهبی: ایدئولوژی مذهبی داعش، از طریق شیوه‌های تبلیغاتی و برخی عوامل فرهنگی و اجتماعی، به افرادی که در جستجوی عمق و معنا در زندگی خود هستند، می‌پردازد. نیاز به اعتقادات مذهبی قوی و انگیزه‌های دینی می‌تواند برخی را به داعش جذب کند. در کل، هوس اجتماعی گروه داعش به سبب ترکیبی از فرصت‌های اقتصادی، قدرت، اعتقادات دینی و اختلالات اجتماعی و فرهنگی در منطقه‌های مختلف جذابیت دارد. همه این عوامل با هم ترکیب شده‌اند تا با ارائهٔ یک آرمان ایدئولوژیک، به مردم امید بدهند و آن‌ها را برای پیوستن به داعش دعوت کنند.

شورش و غوغا: از دیدگاه آگبرن و نیم‌کوف، شورش‌ها و غوغاها در کنار شیفتگی‌ها، شوریدگی‌ها و وحشت‌زدگی‌ها نمونه‌های دیگری از رفتارهای جمعی به شمار می‌آیند. هواداران داعش، به آشکارترین و روشن‌ترین شکلی رفتار جمعی خشونت‌آمیز را به نمایش گذاشتند. آن‌ها بر اثر غلیان احساسات و هیجان‌های دسته‌جمعی هر چیزی را سر راه خود نابود ساختند و به جان و مال مردم و آثار تاریخی و باستانی خسارت‌های سنگینی وارد کردند. معمولاً این‌گونه شورش‌ها با جمعیت کوچکی آغاز می‌شوند ولی به تدریج نیروهای تازه‌ای به آن می‌پیوندند و در لحظات اوج آن‌ها جمعیت عظیمی بسیج شده و به صفوف شورشی‌ها ملحق می‌شوند. جماعت‌هایی مانند داعش معمولاً تحت تأثیر تلقین‌ها و القانات رهبران خودساخته خود قرار می‌گیرند و از فرامین آن‌ها بی‌چون‌وچرا اطاعت می‌کنند و به پیامدهای ناخوشایند و زیان‌ها و خسارت‌های مالی و حتی جانی این فرمان‌ها نمی‌اندیشند.

نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش واکاوی رفتارهای جمعی جماعت داعش بر اساس نظریه آگبرن و نیم‌کوف بود. رفتارهای جمعی به رفتارهایی اطلاق می‌شود که در شبکه‌های اجتماعی، تجمعات عمومی و گروه‌های بزرگ انسانی به‌طور مشترک نشان داده می‌شوند. این رفتارها معمولاً توسعه یافته‌اند و از طریق تأثیرپذیری اجتماعی و شباهت رفتارهای فردی به هم رساندگی شده‌اند. نظریه رفتار جمعی برای توضیح رفتارها و عملکرد افراد در محیط‌های گروهی و جمعی استفاده می‌شود. این نظریه به بررسی عواملی مانند اعتقادات، ارزش‌ها، نظرات و انگیزه‌های فردی در تشکیل رفتار گروهی می‌پردازد. واکاوی رفتارهای جمعی جماعت داعش بر اساس نظریه آگبرن و نیم‌کوف بیانگر آن است که این گروه در راستای اهداف خود و به چالش کشیدن نظام‌های سیاسی به انواع رفتارهای جمعی نمایشی و

خشونت‌آمیز مانند هراس اجتماعی، جنون و شیدایی اجتماعی، شایعه‌سازی، هوس اجتماعی و شورش و غوغا روی آورده است.

هر چند رفتارهای جمعی داعش به عنوان یک گروه تروریستی و تکفیری قابل توجیه نیست و از هرج و مرج بالایی برخوردار است با این حال، داعش به‌عنوان یک سازمان تروریستی عملکرد خشونت‌آمیزی داشته است که شامل ارتکاب جنایات علیه بشریت، نابودی تمدن‌ها و ارزش‌ها، استبداد و ستم علیه زنان و کودکان، اجبار به دین و ایجاد بحران‌های امنیتی جهانی بوده است. اعمال داعش نشان می‌دهد که آن‌ها به سطحی بالاتر از خشونت و بی‌رحمی نسبت به غیرمسلمانان و حتی برخی از مسلمانان متدین به‌ویژه شیعیان دست زده‌اند. به طور کلی، داعش عملکردی بسیار نمایشی داشت که هدف آن ترس و وحشت از طریق نشان دادن قدرت خود و کاربردهای وحشتناک خشونت است. به عنوان یک سازمان تروریستی، داعش برای جذب نیرو از اخبار جعلی و ویدیوهای تروریستی استفاده می‌کرد که در رسانه‌های اجتماعی منتشر می‌شد. شاید این رفتارها به‌عنوان یک راه برای جلب توجه و آگاهی از وجود خود و مبارزه با دشمنانشان در نظر گرفته شده باشد. با این حال، باید توجه داشت که نمایش این‌گونه رفتارها علاوه بر آسیب رساندن به هدف تمامیت جغرافیایی، نابودی جان انسان‌ها و از بین بردن تاریخچه و فرهنگ نیز، اثرات منفی اساسی روی جامعه‌های عادی داشته است. از طرفی، نمایش رفتارهای شوم داعش می‌تواند به عنوان ابزاری برای ترویج افکار تروریستی و مذهبی شناخته شود و بدین ترتیب، برخی از عناصر جوان و آسیب‌پذیر می‌توانند قربانی این فرصت‌های تبلیغاتی شوند.

منابع

- آرنسون، الیوت (۱۴۰۱). روانشناسی اجتماعی، ترجمه حسین شکرکن. تهران: رشد
- آگ‌برن، ویلیام فیلدینگ؛ نیم‌کوف، مایرفرانسیس (۱۳۸۱). زمینه جامعه‌شناسی، ترجمه امیرحسین آریان‌پور، تهران: گستره
- بابائی، محمود؛ شاه محمدی، پریسا (۱۴۰۱). رویکرد سیاست خارجی عربستان سعودی در حمایت از گروه‌های تکفیری-جهادی (مطالعه موردی بحران سوریه). فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی. ۱۱(۱)، ۱۴۹-۱۷۳.
- بهمنش، حسین (۱۳۹۷). بررسی زمینه‌های جامعه‌شناختی شکل‌گیری و قدرت‌یابی گروه سلفی - تکفیری داعش در عراق (۲۰۱۴-۲۰۰۳). فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی. ۷(۱۴)، ۶۱-۸۳.
- ترنر، جانانا اچ. (۱۳۷۸). مفاهیم و کاربردهای جامعه‌شناسی، ترجمه محمد فولادی و محمدعزیز بختیاری. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

جان بزرگی، ابراهیم (۱۳۹۰). عوامل روان‌شناختی مؤثر بر بروز رفتارهای تخریبی جمعی (مورد کاوی تماشاگران فوتبال). فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، ۲(۲۷)، ۱۴۴-۱۲۱.

حقیقتیان، منصور؛ مرادی، گلمراد (۱۳۹۳). اثر از خودبیگانگی در ایجاد و شکل‌گیری رفتارهای اعتراضی جمعی (مورد مطالعه: جوانان شهر کرمانشاه). علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۱(۱)، ۱۵۵-۱۷۹.

راجرز، اورت میچل (۱۳۸۷). تاریخ تحلیلی علم ارتباطات. ترجمه غلام‌رضا آذری، تهران: فرهنگ معاصر

زارعی قنواتی، اردشیر (۱۳۹۳). سرمایه‌گذاری «داعش» بر جنون خشونت‌طلبی. روزنامه مشرق، شماره ۲۱۱۱

شریفی، سیدمهدی؛ شاهینی، زینب (۱۳۹۵). بررسی ابزارها، تاکتیک‌ها و رویکردهای رسانه‌ای گروه تروریستی داعش. پژوهشنامه رسانه بین‌الملل، ۱(۱)، ۲۳۹-۲۶۳.

عضدانلو، حمید (۱۳۸۴). آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی. تهران: نی. کوزر، لوئیس (۱۳۷۳). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی

کوئن، بروس (۱۳۹۷). درآمدی به جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی. تهران: توتیا.

مرادی حقیقی، فائزه؛ ملکوتیان، مصطفی (۱۳۹۸). نقش آمریکا در شکل‌گیری گروه تکفیری دولت اسلامی عراق و شام (داعش). فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، ۸(۲)، ۷-۳۶.

مرادی، گلمراد؛ سعیدی پور، بهمن (۱۳۸۹). بررسی نقش محرومیت نسبی در ایجاد رفتار جمعی جوانان شهر کرمانشاه براساس نظریه تعامل گرائی بلومر. علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، ۷(۲)، ۱۶۳-۱۹۱.

نوربخش، علیرضا (۱۳۹۶). ریشه‌های روانشناختی ظهور پدیده داعش. بر گرفته از سایت: <https://public-psychology.ir/1396/03/9729/>

Aguirre, B. E., & Quarantelli, E. L. (1983). Methodological, ideological, and conceptual-theoretical criticisms of the field of collective behavior: A critical evaluation and implications for future study. *Sociological Focus*, 16(3), 195-216.

Brookes, P. (2015). There is a method to ISIS madness. Retrieved from. <https://www.heritage.org/terrorism/commentary/theres-method-isis-madness>

Chouliaraki, L. & Kissas, A. (2018) the communication of horrorism: A typology of ISIS online death videos. *Critical Studies in Media Communication* 35(1): 24–39.

Chulov, M. (2014, December 11). ISIS: The inside story. *The Guardian*. Retrieved from. <http://www.theguardian.com/world/2014/dec/11-sp-isis-the-inside-story>

Da Costa, S., Páez, D., Martí-González, M., Díaz, V., & Bouchat, P. (2023). Social movements and collective behavior: an integration of meta-analysis and systematic review of social psychology studies. *Frontiers in Psychology*, 14, 1096877.

Durkheim, É. (1912). *The Elementary Forms of Religious Life* (J. D. Swan transl.). *Georges Allen & Unwin Ltd.*

Fearon, J. D., & Laitin, D. D. (2003). Ethnicity, insurgency, and civil war. *American political science review*, 97(1), 75-90.

Freud, S. (1975). *Group psychology and the analysis of the ego*. WW Norton & Company.

Friis, S. M. (2018). 'Behead burn, crucify, and crush': Theorizing the Islamic State's public displays of violence. *European Journal of International Relations*, 24(2), 243-267.

Henrich, J. (2020). *The Weirdest People in the World*. New York, NY: Penguin Books.

Jasko, K., Kruglanski, A. W., Hassan, A. S. R. B., & Gunaratna, R. (2021). ISIS: Its History, Ideology, and Psychology 53. *Handbook of Contemporary Islam and Muslim Lives*, 1089.

Killian Lewis, M. (1973). Social Movements: A review of the field. *Handbook of Modern Sociology*, 426-455.

Klausen, J. (2015). Tweeting the Jihad: Social media networks of Western foreign fighters in Syria and Iraq. *Studies in Conflict & Terrorism*, 38(1), 1-22.

Kovács, A. (2015). The "New Jihadists" and the Visual Turn from al-Qa'ida to ISIL. *ISIS/Da'ish. BiztPol Affairs*, 2(3), 47-70.

Kraidy, M. M. (2017). The projectilic image: Islamic State's digital visual warfare and global networked affect. *Media, Culture & Society*, 39(8), 1194-1209.

Lang, K. and G. E. Lang. (1961). *Collective Dynamics*. New York: Thomas Y. Crowell

Le Bon, G. (2002). *The Crowd: A Study of the Popular Mind* by Gustave Le Bon. Available online at: https://www.files.ethz.ch/isn/125518/1414_LeBon.pdf

Lieberman, A. V. (2017). Terrorism, the internet, and propaganda: A deadly combination. *J. Nat'l Sec. L. & Pol'y*, 9, 95.

McCoy, T. (2014). How the Islamic State evolved in an American prison. *The Washington Post*. Retrieved from <https://www.washingtonpost.com/news/morning-mix/wp/2014/11/04/how-an-american-prison-helped-ignite-the-islamic-state/>

McCrow-Young, A., & Mortensen, M. (2021). Countering spectacles of fear: Anonymous' meme 'war'against ISIS. *European Journal of Cultural Studies*, 24(4), 832-849.

Oyanedel, JC. Espinosa, A. Çakal, H and Paez, D. (2023). Editorial: Socio-psychological perspectives on collective behavior and social movements. *Front. Psychol.* 14:1-3.

Smelser, N, J. (1963). *Theory of Collective Behavior*. Routledge

Tilly, C. (1968). *Methods for the study of collective violence*. New York: Praeger.

Tobing, F. B., & Indradjaja, E. (2019). Islamic State in Iraq and Syria (ISIS) and its impact in Indonesia. *Global: Jurnal Politik Internasional*, 21(1), 101-125.

Warrick, J. (2015). *Black flags: The rise of ISIS*. New York: Doubleday.

Whitehouse, H., François, P., Savage, P. E., Currie, T. E., Feeney, K. C., Cioni, E., & Turchin, P. (2019). RETRACTED ARTICLE: Complex societies precede moralizing gods throughout world history. *Nature*, 568(7751), 226-229.

Zelin, A. Y. (2014). The war between ISIS and al-Qaeda for supremacy of the global jihadist movement. *The Washington Institute for Near East Policy*, 20(1), 1-11.

بازتاب بیداری اسلامی در اشعار مصطفی صادق رافعی

قادری، قادر¹⁾ | استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

چکیده

بیداری اسلامی به مجموعه تحولات فکری، اجتماعی و سیاسی جوامع اسلامی در جهت بازگشت به حاکمیت قرآن و ارزش‌های اسلامی در زندگی سیاسی و اجتماعی و ساخت تمدن اسلامی اطلاق می‌شود. موج بیداری اسلامی در اثر حرکت مصلحان بزرگ دینی ابتدا در مصر شکل گرفت، سپس در سایر کشورهای عربی و اسلامی گسترش یافت و امروزه تأثیرات آن در سطح بین‌المللی مشاهده می‌شود. مصطفی صادق رافعی، شاعر و نویسنده متعهد مصری است که همگام با آغاز بیداری اسلامی در مصر، با پرداختن به مسائل مهمی چون: تهذیب و تربیت جوانان، ضرورت آگاهی بخشی امت مسلمان، مقاومت و مبارزه در برابر استعمارگران، تبدیل به نماد بیداری اسلامی شد. بیشتر قصاید رافعی در حوزه بیداری اسلامی و در قالب طرح مباحث گوناگونی مانند: انتخاب اسلام به‌عنوان ایدئولوژی مبارزه، تلاش برای دستیابی به حکومت اسلامی، تأثیر اسلام بر حیات سیاسی جنبش‌های اسلامی، عشق به وطن، شکایت از ستم حکمرانان، مخالفت با سلطه‌گران و دعوت به آگاهی بخشی است. (مسئله) این پژوهش که با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شده (روش) به این نتیجه رسیده است که شاعر برای گسترش و پویایی جنبش بیداری اسلامی و نهادینه کردن آن به‌عنوان یک عامل تأثیرگذار برای مقابله با استعمارگران و رفتارهای هنجارشکنانه آنان، از مؤلفه‌های مختلف بیداری اسلامی از جمله مباحثی چون تهذیب و تربیت نسل جوان، اعتماد به نفس و ایمان به خدا، تأکید بر جدیت و پشتکار، وجوب دانش‌افزایی و خدمت به وطن، تأکید بر عمل‌گرایی، تلاش برای بیداری جامعه به‌ویژه زنان، یادآوری مجد و عظمت گذشته، توکل به خدا و امید به پیروزی، تعقل و بصیرت و دوراندیشی استفاده می‌کند و طرح چنین اندیشه‌هایی را برای مقابله با استعمارگران ضروری می‌داند. شاعر با پرداختن به این موضوعات که ریشه در دین دارند، تعهد دینی و دین سیاسی خود را به جامعه اسلامی و بیداری آن نشان می‌دهد. (یافته‌ها).

کلیدواژه‌ها: شعر معاصر عرب، مصر، بیداری اسلامی، مصطفی صادق رافعی

دریافت: ۱۴۰۲-۰۱-۰۸

پذیرش: ۱۴۰۲-۱۱-۲۴

* نویسنده مسئول: abu_foad_ir@yahoo.com

صفحات مقاله: ۹۳-۱۱۵

مقدمه

بیداری اسلامی به معنی تحولات فکری و اجتماعی دو سیده اخیر مسلمانان در پرتو پابندی به مبانی دین اسلام است. عامل اصلی بیداری اسلامی، مواجهه مسلمانان با تمدن جدید غربی و پی بردن آنان به عمق عقب ماندگی خود در برخی امور است. در واقع این پدیده، واکنش اندیشمندان جوامع مسلمان در برخورد با فرهنگ غربی است. به همین جهت، متفکران اسلامی درصدد بازسازی فکری و فرهنگی جامعه خود برآمدند. نخستین خاستگاه بیداری اسلامی در جهان عرب، سرزمین مصر است که به دلایلی از جمله حمله ناپلئون به این کشور، زودتر از مناطق دیگر روند بیداری در آن آغاز شد. این امر سبب شده است تا این کشور از کانون‌های نظریه‌پردازی در عرصه بیداری اسلامی محسوب شود. از این روی، اندیشمندان اصلاح طلب فراوانی در مصر ظهور کردند و شاید بتوان رفاعه طهطاوی را نخستین اصلاح طلبی دانست که در جهان عرب برای سازگار کردن اسلام با تمدن غرب کوشید. طهطاوی که در زمان محمدعلی پاشا برای تحصیل به اروپا فرستاده شده بود، تمدن غرب را از نزدیک شناخت و با افکار "جان لاک" و "منتسکیو" آشنا شد. او در نخستین برخورد با فرهنگ اروپا تلاش کرد اسلام را با تمدن جدید سازگار کند. طهطاوی اسلام را نه تنها مانع جذب تمدن غربی نمی‌دید، بلکه تمدن اروپا را منتج از تمدن اسلامی می‌دانست. (سید، ۱۹۹۷: ۸۷/۱) از این رو، اندیشه‌های نوخواهانه‌اش را به آیات قرآن و احادیث پیامبر (ص) مستند می‌کرد. (رجایی، ۱۳۸۱: ۲۶/۱) افراد دیگری نیز چون محمد رشید رضا و سید جمال‌الدین در بیداری اسلامی مصر نقش چشم‌گیری داشتند.

نقطه عطف بیداری اسلامی در مصر، تأسیس جنبش "اخوان المسلمین" توسط «امام حسن البناء» در سال ۱۹۲۸ است. وی در واکنش به دوری جهان اسلام از آموزه‌های اسلامی و رشد اندیشه غرب‌گرایی در میان مسلمانان، این جنبش را آغاز کرد. تأسیس مراکزی برای تربیت جوانان و گسترش آموزه‌های اسلامی از جمله اقدامات ایشان بود. او توانست شعبه‌های اخوان المسلمین را از چهار شعبه در سال ۱۹۲۹ به هزار شعبه در سال ۱۹۴۸ برساند. (اسماعیلی، ۱۳۹۸: ۱۰) مبنای فکری اخوان المسلمین بر سه اصل استوار است: اسلام، نظامی جامع و متکامل است و شامل همه ابعاد زندگی می‌شود؛ اسلام از دل دو منبع برآمده و بر آن‌ها مبتنی است: قرآن و سنت نبوی؛ اسلام قابل انطباق با همه زمان‌ها و مکان‌هاست. (البیومی غانم، ۲۰۱۳: ۲۴۳) این جنبش، محصول اوضاع سیاسی پس از سال ۱۹۱۹ و رویکرد «ارتداد و نیست‌انگاری» ای بود که سراسر جهان اسلام را فراگرفته بود. این رویکرد که با گرایش‌های سکولار و لیبرال در محیط‌های دانشگاهی نفوذ کرده بود، چیزی نمانده بود که مصر را در خود فروبرد.

اقدامات اخوان پس از شکست اعراب از اسرائیل، موجب انحلال جنبش و ترور حسن البنا به دست عوامل حکومت شد. چندی بعد، اخوان المسلمین، تجدید سازمان یافت و

«حسن هضیبی» به رهبری آن رسید. در جریان انقلاب ۱۹۵۲ مصر که در آن «افسران آزاد» به رهبری جمال عبدالناصر، رژیم سلطنتی را برچیدند، اخوان المسلمین و افسران آزاد به همکاری پرداختند؛ اما پس از انقلاب، اخوان راه خود را از افسران آزاد جدا کرد. سرانجام این جدایی و اختلاف، دستگیری شماری از رهبران جنبش و پراکنده شدن آنان در زمان حکومت عبدالناصر و اعدام سید قطب، رهبر و نظریه‌پرداز اصلی اخوان و دو تن از یارانش بود. دامنه تأثیر سیاسی و فکری اخوان المسلمین از مرزهای مصر فراتر رفت و این نهضت در دیگر کشورهای عربی و اسلامی، بازتاب فکری و تشکیلاتی داشت. (عنایت، ۱۳۸۴: ۱۵۳/۱-۱۵۱)

نهضت ادبی معاصر نیز تأثیر فراوانی بر جریان بیداری اسلامی گذاشت و اندیشه‌های شعرا اهمیت بسزایی در شکل‌گیری آن داشت. "رافعی" به‌عنوان شاعری مسلمان و اندیشمندی متفکر، در قبال حوادث پیرامون خویش، احساس مسئولیت نمود، تعهد وی در قبال مسئله فلسطین، نمونه‌ای از این حس مسؤولیت است. از این رو، پژوهش حاضر درصدد است تا نظرات وی را در فرایند بیداری اسلامی واکاوی و مصادیق بیداری اسلامی را در شعر وی بررسی کند. از آنجا که رافعی از نزدیک شاهد حرکت‌های بیدارگرایانه اخوان المسلمین بوده، به‌خوبی توانسته است جلوه‌های آن را به تصویر بکشد و روحیه آگاهی‌بخش را به مردم سرزمینش القاء کند و راه برون‌رفت از مشکلات را متذکر شود و خون تازه‌ای در رگ‌های امت اسلامی تزریق نماید.

۱. سؤالات و فرضیه‌ها

در این تحقیق تلاش می‌گردد به سؤالات زیر پاسخ داده شود:

- نقش مصطفی صادق رافعی در عرصه بیداری و مبارزات سیاسی مردم مصر چیست؟
- مهم‌ترین ابعاد بیداری اسلامی در شعر شاعر کدام است؟
- از دیدگاه رافعی، عزت‌نفس و کرامت طبع و آینده درخشان امت اسلامی چه ارتباطی با یکدیگر دارند و در اشعار وی، کدام‌یک از مؤلفه‌های بیداری اسلامی از بسامد بیشتری برخوردار است؟

▪ رافعی، در عرصه تحولات مصر، با سلاح شعر، راهبری مردم را به عهده گرفت و شعله‌های امید را در روح هم‌وطنان خود برافروخت و با استمداد از اندیشه‌های بیدارگرایانه، نقش برجسته‌ای را در ایجاد روحیه مقاومت و همبستگی در میان ملت مصر و امت اسلامی ایفا نمود.

▪ از مهم‌ترین مضامین بیداری در شعر رافعی، دارا بودن روحیه آزادگی، اهتمام به تربیت نسل جوان، تقویت روحیه خودباوری و ایمان به خدا، تأکید بر جدیت و پشتکار، دانش‌افزایی و خدمت به هم‌وطن، تلاش برای بیداری جامعه به‌ویژه زنان و نسل جوان است که به اشکال گوناگونی در شعر او جلوه‌گری می‌کند.

▪ رافعی معتقد است که عزت و کرامت و آینده درخشان تنها در سایه بیداری و پشتکار محقق خواهد شد. آزادی خواهی و پایداری در برابر ظلم، در اشعار وی بسامد بالایی دارد.

پیشینه تحقیق

با وجود جستجوی فراوان، هیچ پژوهشی در زمینه پیوند مضامین بیداری اسلامی با آثار رافعی پیدا نشد. اما در مورد شعر وی، مطالعاتی به شرح ذیل صورت گرفته است:

- (۱) «التناصر القرآنی فی شعر مصطفی صادق الرافعی». (شاملی و دیگران، ۱۳۹۱).
- در پژوهش فوق، بینامتنیت شعر رافعی با آیات قرآن، نیز بهره‌گیری از داستان‌ها و شخصیت‌های قرآنی، بررسی شده است.
- (۲) «مفهوم الشعر عند الرافعی والعقاد (دراسة تحليلية)». (صدقی و دیگران، ۱۴۳۴).
- در این پژوهش، نظریه‌پردازی‌های دو شاعر و منتقد بزرگ عرب در عرصه نظم و نثر مورد تحلیل و نقد قرار گرفته است.
- (۳) «نظره تحليلية للنهج الأدبي للأديب المصري مصطفى صادق الرافعي». (یزدان‌پرست و دیگران، ۱۴۴۰).
- این پژوهش مبین آن است که رافعی، تأثیر بسزایی در رویکرد انتقادی و ادبی مدرن داشته و در پیدایش رنسانس نقد ادبی و فکری در این عصر نقشی پیشرو داشته است.
- (۴) «الأثر الإسلامي فی شعر مصطفى صادق الرافعی». (شروع، أحمد جیاد، ۲۰۱۹).
- این پژوهش، بر اساس داده‌های نظریه انتقادی معاصر، ابعاد بینش اسلامی ارائه شده توسط شعر معاصر اسلامی را با خوانش انتقادی مشخص می‌کند. هم‌چنین می‌کوشد برتری بینش اسلامی بر سایر بینش‌ها مانند آگزیستانسیالیسم، مارکسیسم و غیره را به اثبات برساند.
- (۵) «تحليل استعاره‌های مفهومی حوزه عشق در کتاب «أوراق الورد» از مصطفى صادق الرافعی». (دهقان و دیگران، ۱۴۰۲).
- این مقاله سعی دارد با تکیه بر نظریه جورج لیکاف و مارک جانسون استعاره‌های مفهومی رمان «أوراق الورد» را تحلیل کند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که رافعی مفاهیم حوزه عشق را در قالب استعاره و در ساختاری زیبا بیان می‌کند. رافعی در واقع با استعاره‌های تخیلی و خلاق، معنای جدیدی به عشق بخشیده و در مفهوم‌سازی عشق، هدفی عرفانی را دنبال می‌کند.
- (۶) «جایگاه شعر و شاعری در اندیشه ادبی مصطفى صادق رافعی». (دادخواه و دیگران، ۱۳۹۰).
- نویسندگان پژوهش فوق معتقدند که رافعی نویسنده‌ای بزرگ در حوزه مقالات اسلامی است و در نقد ادبی نیز دستی توانا دارد. در این مقاله دیدگاه‌های رافعی پیرامون جایگاه شعر و شاعری مورد بررسی قرار گرفته است. این

بررسی نشان می‌دهد با توجه به دوران زیستِ رافعی و محدودیت‌های آن برهه، می‌توان وی را یکی از پیشگامان راه نو در ادب عربی به شمار آورد.

(۷) «گرایش دینی در آثار مصطفی صادق رافعی». (فقهی و دیگران، ۱۳۸۶). نویسندگان مقاله سعی کرده‌اند تا نحوهٔ تکوین شخصیت وی و میزان تأثیر محیط اجتماعی او بر افکارش را گزارش کنند. در این پژوهش، معرفی آثار عمدهٔ وی که بیش‌تر گرایش به دین دارند، نیز تبیین تأثیرپذیری وی از قرآن و مفاهیم دینی موردتوجه قرار گرفته است.

(۸) پایان‌نامهٔ «بررسی نظرات انتقادی مصطفی صادق الرافعی» (۱۳۹۰)، زکیه عبادی، دانشگاه شهید چمران. بر اساس یافته‌های این پایان‌نامه، رافعی، نویسنده و منتقدی است که نقش بارزی در جنبش ادبی و فکری این دوره داشته و دارای دیدگاه‌های حیرت‌انگیزی است که نمی‌توان از آن‌ها به سادگی گذشت؛ دیدگاه‌هایی که برآمده از افق پهناور نگاه اوست.

(۹) پایان‌نامهٔ «دراسة آراء طه حسین و مصطفی صادق الرافعی فی اللغة العربية» (۱۳۹۵)، فاطمه لامی، دانشگاه الزهراء. در این پژوهش، اندیشه‌های طه حسین و الرافعی دربارهٔ زبان عربی بررسی شده است. بر اساس این تحقیق، طه حسین، حفظ و بقای زبان عربی را مرسوم ایجاد تغییراتی در روش‌های آموزشی، آسان‌سازی قواعد دستوری و شکل نوشتاری و نگارشی زبان عربی می‌داند. رافعی نیز هرگونه تغییر در شکل و قالب زبان فصیح را خیانت به آن به شمار می‌آورد؛ زیرا زبان عربی فصیح را آینهٔ تمام‌نمای دین مبین می‌داند و معتقد است این زبان از همان قداستی برخوردار است که دین اسلام و قرآن کریم از آن برخوردارند.

مبانی نظری پژوهش

۱-۴- ادبیات بیداری اسلامی

تحولات مربوط به تجدید حیات فرهنگی مسلمانان که از اوایل قرن نوزدهم با تلاش برای سازگار کردن اسلام با تمدن جدید آغاز شد، تا زمان حاضر با طرح آراء گوناگون دربارهٔ رنسانس اسلامی و معرفی اسلام به‌عنوان عقیده‌ای جهان‌شمول و راهنمای عمل، با تبیین جایگاه اسلام در دنیای جدید ادامه دارد. براین اساس، طیف گسترده‌ای از اندیشه‌ها و نهضت‌ها در دنیای اسلام شکل گرفت و ریشهٔ همهٔ تحولات نظری و عملی در این عرصه را باید در بیداری اسلامی جست‌وجو کرد. امروز نخبگان علمی و فرهنگی کشورهای اسلامی به ثروت عظیم معرفتی و معنوی خود پی برده‌اند و لیبرالیسم، دیگر به‌عنوان مهم‌ترین ارمغان تمدن غرب، جلوه‌گری گذشته را ندارد و دموکراسی پول‌محور غربی زیر سؤال رفته است. در دنیای اسلام، جوانان، اندیشمندان، مردان علم و دین با مشاهدهٔ این وضعیّت، به دیدگاهی نو

درباره ثروت معرفتی خود دست یافته‌اند، این خودآگاهی اسلامی، پدیده‌ای شگرف در قلب دنیای اسلام آفریده است که قدرت‌های استکباری در برابر آن دچار مشکل شده‌اند. نام این پدیده، «بیداری اسلامی» است که در قالب ایمان و جهاد ظهور می‌کند. این روحیه خودباوری و اتکای به خداوند، پدیده شگفت‌انگیزی است که جهان استکبار را از حالت تهاجمی و عربده‌کشی به وضعی دفاع و انفعال کشانده و مشکلات سیاسی و امنیتی و اقتصادی فراوانی را بر آن تحمیل کرده است.

ادبیات بیداری، ادبیاتی متعهد و دارای رسالت است و ویژگی اصلی آن در «تعهد» نهفته است، شعری که درون‌مایه آن ارزش‌های اسلامی و دغدغه‌های واقعی نسبت به جامعه است، زیرا شاعری که حامل چنین رسالتی است، از حق جانب‌داری می‌کند و باطل را نمی‌پذیرد. این مدل از ادبیات، به‌عنوان یکی از شاخه‌های پربرادب اسلامی به شمار می‌رود (رحمانی، ۱۳۷۵: ۱) در واقع شاعر بیداری اسلامی، «شعر سرایی را برای تفنن و سرگرمی نمی‌خواهد، او متعهد است که ندای وجدان عصر خود را اجابت نماید، گفتار را با کردار همراه کند و با تزویر و نیرنگ به نبرد بپردازد. در شعر چنین شاعری، اندیشه موج می‌زند و برای آگاهی انسان‌ها تلاش می‌کند و می‌کوشد تا آنان را از ورطه نادانی رهایی بخشد» (علوی مقدم، ۱۳۸۳: ۱۴) ادبیات بیداری دارای کارکرد بصیرت‌افزایی و غفلت‌زدایی است و همین امر منجر به بیداری مسلمانان می‌شود، زیرا رهایی از استبداد و استعمار، دستیابی به کرامت انسانی، استقلال سیاسی و اقتصادی و فکری و پدیدار ساختن هویت اسلامی در تمامی عرصه‌های زندگی، بارزترین مصادیق بیداری اسلامی تلقی می‌شود (روحانی، بی‌تا: ۱/۱۹) بنابراین، ادبیات بیداری اسلامی مؤثرترین ابزاری است که موجب تداوم بیداری مبارزان حقیقت‌طلب در برابر استبداد و استکبار می‌شود. بیداری اسلامی «یکی از مفاهیم دوران پسااستعماری است. کشورهای مسلمان که تحت تأثیر عواملی گوناگون، دچار انحطاط شده بودند، با پایان یافتن دوران استعمار کهن، ضمن تفتن نسبت به بی‌خبری و عقب‌ماندگی خویش، با خیزشی مجدد، خواستار بازگشت به شکوه و عظمت دوران شکوفایی تمدن اسلامی شدند. در این میان، نحله‌های فکری و اجتماعی گوناگون، راهبردهای متفاوتی را برای طی این مسیر پیشنهاد کردند، اما فصل مشترک همه این گرایش‌ها، صبغه اسلامی، دعوت به وحدت، بازگشت به خویشتن، و استعمارستیزی بود که در آرای متفکران بزرگی، چون سید جمال‌الدین، محمد عبده، اقبال لاهوری، رشید رضا، حسن البنا و امام خمینی، دیده می‌شود (ولایتی، ۱۳۸۹: ۱۴)

۲-۴ - بیداری اسلامی در ادبیات مصر

مضامین مربوط به بیداری اسلامی و جنبش احیاء دینی از قرن نوزدهم در شعر شاعران عرب به‌طور عام و شاعران مصر به‌صورت خاص، نمود یافت و در قرن بیستم و بیست و یکم به راه خود ادامه داد و در طول این دو قرن، شاعران فراوانی از مکاتب مختلف ادبی در این

عرصه بروز کردند. این شعرا، به سرودن شعرهای ملی پرداختند و برای پایداری مردم در برابر اشغالگران از هرگونه ابزاری استفاده کردند و گرایش به قومیت و سرزمین، یکی از این ابزارها بود؛ آنان در اشعار خویش مردم را به اجتماع در زیر پرچم ملیت و سرزمین دعوت می‌کردند (بیدج، ۱۳۸۹: ۷۶-۷۸) زمینه‌های شکل‌گیری بیداری اسلامی در ادبیات مصر، معلول عواملی چون: اختناق و استبداد داخلی، سلب آزادی‌های فردی و اجتماعی؛ استعمار و استثمار؛ غصب قدرت و سرمایه‌های ملی؛ تجاوز به حریم ارزش‌های فردی، دینی و اجتماعی بود (خضر، ۱۹۶۸: ۴۵). مهم‌ترین مضامینی که در ادبیات بیداری اسلامی عربی و مصری بازتاب یافته است، عبارت‌اند از: تأکید بر گفتمان اسلامی، ستایش جهاد و شهادت، پایداری در مبارزه علیه استبداد و استعمار، دعوت به هم‌بستگی اسلامی، برخورداری از روحیه آزادی و عدالت‌خواهی، وطن‌دوستی، احیای هویت، عزت و کرامت مسلمانان، حضور فعال زنان مسلمان، مژده پیروزی و امیدواری و پرهیز از تفرقه. (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰۹). بر این اساس شاید کمتر شاعری در سرزمین مصر سر برآورده باشد و به محورهای فوق نپرداخته باشد؛ شاعرانی چون: محمود سامی بارودی، احمد شوقی، حافظ ابراهیم؛ احمد زکی ابو شادی و مصطفی صادق الرافعی.

۲. گذری بر زندگی‌نامه رافعی

«مصطفی صادق الرافعی» در سال ۱۲۹۷ هـ. ق. در روستای «بَهِتَم» از قلیوبیه مصر به دنیا آمد. پدرش ریاست محاکم قضائی بسیاری از نواحی مصر را بر عهده داشت (عریان، ۱۹۵۵: ۲۳-۲۷). مصطفی بر اثر ابتلا به حصبه، در سی‌سالگی شنوایی‌اش را از دست داد. رافعی در سال ۱۳۱۷ منشی دادگاه خانواده طخا ایاتی البارود و سپس طنطا شد و از آنجا به دادگاه محلی منتقل گردید و تا پایان عمر در این سمت باقی ماند. (ضیف، ۱۹۲۲: ۲۴۲). در ۲۴ سالگی با نفیسه برقوقی ازدواج کرد و از او صاحب فرزندان متعددی شد. (بدری، ۱۹۹۱: ۱۱۶). رافعی سرانجام در سال ۱۹۳۷ درگذشت (عریان، ۱۹۵۵: ۳۴۰). او از جوانی شعر می‌سرود. مقالات بسیاری از او در مجله الرسالة، المقتطف، و المشرق چاپ شده است (داغر، ۱۹۸۳: ۳۶۴/۲ - ۳۶۸). مجموعه شعر او بانام النظرات در سال ۱۳۲۶ منتشر شد. او در سال ۱۳۳۰ کتاب «تاریخ آداب العرب» را در دو جلد منتشر کرد. پس از آن، کتاب «اعجازالقرآن» را منتشر کرد. او در سال ۱۳۳۰ پس از سفر به لبنان و دلدادگی به «می زیاده»، بانوی شاعر و نویسنده لبنانی — فلسطینی، کتاب حدیث القمر را نگاشت. سپس در ۱۳۳۵ کتاب المساکین را منتشر کرد (سرکیس، ۱۹۲۸: ۱/۹۲۶).

او پس از انقلاب مصر در سال ۱۹۱۹، به نثر روی آورد. کتاب‌های رسائل الأحران، السحاب الأحمر، و أوراق الورد حاصل این دوره از نویسندگی اوست. (هیکل، ۱۹۹۴: ۳۷۲). با درگیری شدید میان نوگرایان و سنت‌گرایان، رافعی در صدر حامیان میراث کهن عربی قرار گرفت؛ کتاب او بانام تحت رایة القرآن، پاسخ به تردیدهای طه حسین در کتاب

فی الشعر الجاهلی بود. وی در مجله العصور، اشعار نوگرایان را نقد کرد. سپس احمد حسن زیات از او خواست به حلقه مقاله نویسان مجله اش الرسالة بپیوندند. بعدها رافعی عمده مقالات منتشرشده خود در این مجله را در مجموعه‌ای سه‌جلدی بانام وحی القلم به چاپ رساند (طبانه، ۱۹۸۶: ۵۷ — ۵۸). می‌توان رافعی را میراث دار ادبیات کهن عربی و نویسندگان بزرگی چون جاحظ، ابن مقفع، و ابوالفرج اصفهانی دانست (داغر، ۱۹۸۳: ۳۶۴/۲). مهم‌ترین آثار او عبارت‌اند از: «دیوان الرافعی»، «تاریخ آداب العرب»، «اعجاز القرآن»، «تحت رایة القرآن»، «وحی القلم»، «علی السفود»، «حدیث القمر»، «رسائل الأحزان»، «السحاب الأحمر»، «أوراق الورد» و کتاب «المساکین». (فاخوری، ۱۳۸۸: ۷۸۳)

۳. بازتاب بیداری اسلامی در اشعار مصطفی صادق رافعی

۶-۱- تربیت نسل جوان بر برخورداری از عزم و اراده

جوانان با ویژگی‌های خاص خود چون فعال و پرتحرک بودن، زمینه بر عهده گرفتن مسئولیت‌های بزرگ در جامعه دارند. دوره جوانی بانشاط‌ترین دوره زندگی است، فرصت جوانی فرصتی استثنائی برای حرکت به سوی کمال مطلوب است. امام علی (ع) بر اهمیت بهره‌برداری از آن تأکید نموده و می‌فرماید: «دو چیز است که ارزش آن‌ها را نمی‌داند مگر کسی که آن‌ها را از دست داده باشد؛ جوانی و تندرستی (آمدی، ۱۳۶۶: ۲۲۶) نیز رسول گرامی اسلام فرموده است: پنج چیز را قبل از پنج چیز غنیمت بشمار، جوانی‌ات را قبل از پیری و...» (النیسابوری، ۱۹۹۰ م: ۴/۳۴۱) و در قیامت اولین سؤال از جوانی است: «در روز قیامت هیچ بنده‌ای قدم بر نمی‌دارد مگر این‌که از او سؤال می‌شود که عمرش را در چه کاری فنا کرده و جوانی‌اش را در چه راهی صرف نموده است...» (البیهقی، بی‌تا: ۳۱۷). اهمیت دوره جوانی و جایگاه ویژه جوانان، ضرورت تربیت آنان را دوچندان کرده است. از نظر رافعی، یکی از صفات ارزنده‌ای که باید نسل جوان را بر آن تربیت نمود، برخورداری از عزم و اراده آهنین است. عزم به معنای قاطعیت و جدیت در عمل (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۶۵)، یکی از مهم‌ترین عناصر زندگی است که انسان بدون آن نمی‌تواند کاری را انجام دهد. به این معنا اگر شخصی با هزاران نفر مشورت کند و با بهره‌گیری از عقول مردم به بهترین اندیشه دست یابد، اما قدرت تصمیم‌گیری نداشته باشد، شکست می‌خورد؛ از این رو قرآن به پیامبر (ص) دستور می‌دهد که هرگاه با مؤمنان مشورت کردی، عزم کن و کاری را که در آن به یقین رسیدی به‌طور جدی پیگیری باش: ﴿فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ﴾ (آل عمران/۱۵۹). رافعی با درک این حقیقت، یکی از مشکلات حاد نسل جوان را در فقدان چنین اراده‌ای می‌بیند، به همین جهت، ضمن تشخیص نقطه ضعف جامعه خویش، درصدد رفع و چاره آن برمی‌آید:

لازینة المرء تلوهُ ولا المالُ
ولا يُشرفُهُ عمٌّ ولا خالُ
وإنما يتسامى للعلا رجلاً
(الرافعی، ۲۰۰۴: ۸۳)

۱- نه زیبایی انسان برای او باقی می ماند و نه ثروت و دارایی اش. نه عمویش او را مکرم می دارد و نه دایی اش. ۲- بلکه تنها کسی به مقام والا می رسد که عزم و اراده ای قاطع داشته باشد و هیچ وحشتی او را به زانو درنیآورد.

جوانان، سرمایه های عظیم هر ملت اند که می توانند نقش مهمی در پیشرفت یا انحطاط جامعه خویش ایفا نمایند و این امر بستگی به نوع تربیت آنان دارد. تربیت صحیح نیز در سایه شناخت همه جانبه ابعاد وجودی شان میسر خواهد بود. رافعی معتقد است که نسل جوان را طوری باید تربیت کرد که شایستگی های خویش را به اثبات برسانند و هنری از خود برجای بگذارند و شکوه پدران خود را احیا نمایند:

وما الفتی من رأی آباءه تُجبا
ولم یکن هوَ إن عدوه فی
وإن أولی الزری بالمجد کلُّ
من نفسه ومن الأمجاد فی
(همان: ۸۴)

۱- جوانمرد آن کس نیست که نیاکان خود را نجیب بداند، درحالی که خود در شمار تجبا درنیاید. ۲- همانا سزاوارترین مردمان به مجد و عظمت، جوانمردی است که خودش دارای مجد و عظمت باشد. نه این که به عظمت پدرانش فخر ورزد.

وَدَوْلَةُ السَّيْفِ لَا تَقْوَى
مَالٌ تَكُنْ حَالَفَتَهَا دَوْلَةٌ
وَمَنْ يَجِدْ يُجِدْ وَالنَّفْسُ إِنْ
فَرَبَّمَا رَاحَةً جَاءَتْ مِنَ الثَّعْبِ
وَيْلٌ لِمَنْ عَاشَ فِي لَهْوٍ وَفِي
(همان: ۸۴)

۱- قوام و دوام دولت شمشیر و قدرت اسلحه، همواره مستحکم نمی ماند، مگر این که نیروی کتاب [و اندیشه] با آن متحد شود. ۲- هر کس تلاش کند، پاداش تلاش خود را می یابد، و در پی خستگی و تحمل مشقت، آسایش و راحتی به دست می آید. ۳- وای بر آن کس که عمر خویش را به سرگرمی بگذراند، زیرا عزت و شکوه در میان سرگرمی و بازی می میرد.

رافعی در ابیات فوق، جوانان وطن را تشویق می کند که در کنار استفاده از تسلیحات نظامی و فنون جنگی، از مسلح شدن به سلاح علم و اندیشه نیز غافل نباشند و همواره در راه

رسیدن به هدف، تلاش کنند و از مشغول شدن به سرگرمی‌های پوچ و مضر خودداری نمایند و هرگز هدفِ خویش را گم نکنند.

تهذیب و تربیت نسل جوان و دفاع از ارزش‌های اسلامی و بنیاد نهادن ارکان جامعه بر این مبانی استوار، در خون و رگِ رافعی جاری بود. او با قلم و قَدَم و جان‌ودل برای رسیدن به این آرمان‌های والا تلاش کرد. از این رو، بسان استخوانی در گلوی دشمنان اسلام بود. به همین جهت، بسیاری از بدخواهان، در صدد کوچک شمردن مقام و شخصیت ادبی وی برآمدند، اما جز بر تکریم او در دل مردم نیافزودند. (الخطیب، ۱۳۵۶: ۳۰)

۶-۲- اعتماد به نفس و ایمان به خدا

اعتماد به نفس یعنی این که به توانایی‌های خود ایمان داشته باشیم و اجازه ندهیم شرایط بر ما چیره شود. شاعران متعهد همواره از اوضاع نابسامان جامعه خود انتقاد کرده و مردم را به مبارزه با استبداد تشویق نموده‌اند. رافعی جزو آن دسته از ادبای متعهد است که از حضور استعمارگران در مصر و سرزمین‌های عربی ناراضی است و از ستم حاکمان و اوضاع آشفته جامعه شکوه می‌کند. وی در راستای آزادسازی فکری مردم، ایستادگی در برابر سلطه‌جویان و حکام خودکامه و بازگشت به دوران شکوه، تلاش می‌کند تا مشعل مبارزه با استعمار و استبداد را روشن کند و روحیه امیدواری را در دل نسل جوان زنده نگه دارد. امید به آینده و انتظار بهبود اوضاع، یکی از مضامینی است که در اغلب آثار وی به چشم می‌خورد. اوضاع سیاسی و اجتماعی حاکم بر مصر سبب شده بود که جامعه دچار اندوه شود و اعتماد به نفس خود را از دست دهد. به همین جهت، رافعی هر عنصری را که باعث ناامیدی مردم شود، آسیب تلقی می‌کند. از این رو سعی می‌کند روحیه اعتماد به نفس و امید به آینده را در مخاطب ایجاد کند:

المرءُ یمنی بِالرَّجَا والیَّاسِ	ویضیعُ بینهما ضعیفُ البَّاسِ
فَإِذَا عَزَمْتَ فَلَا تَكُنْ مُتَرَدِّدًا	فَسَدَ الهَوَى بِتَرَدُّدِ الأَنْفَاسِ
النَّفْسُ قَوْسٌ والعَزِيمَةُ سَهْمُهَا	فَارِمِ الرَّجَا مِنْ هَذِهِ الأَقْوَاسِ
وَأُضْیءَ حَیَا تَكَ بِالْمَعَارِفِ	هِيَ فِي ظَلَامِ العُمَرِ كَالنَّبْرَاسِ
وَاجْعَلِ أَسَاسَ النَّفْسِ حُبَّ اللّهِ	لَا خَیْرَ فِي بَیْتِ بِلَا أُسَاسِ

(الرافعی، ۲۰۰۴: ۸۵)

۱- آدمی، با امید و یأس آزموده می‌شود، و آن‌کس که ضعیف باشد، میان این دو ضایع می‌گردد. ۲- هرگاه آهنگ انجام کاری کردی، تردید به خود راه مده، زیرا هوا و اکیسیژن نیز- که نماد پاکی است- اگرچند بار استنشاق شود، آلوده می‌گردد. ۳- نفس همانند کمان و اراده نیز چون تیر است، پس تیر امید را از چنین کمانی رها کن. ۴- زندگی‌ات را با علم و معرفت

روشن بگردان، چراکه علم و معرفت در تاریکی به مثابه چراغ فروزان است. ۵- عشق به خدا را بنیادِ نفس قرار بده، [و بدان که] خانه بدون بنیاد هیچ خیروبرکتی ندارد.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، رافعی به این حقیقت اشاره می‌کند که انسان‌های فاقد اعتماد به نفس، دچار تردید می‌شوند و اراده آنان تباہ می‌گردد. او آدمی را تشویق می‌کند که بسان جنگجویی شجاع، عزم و اراده خود برای رهایی از وضعیت موجود و رسیدن به شرایط مطلوب، بکار گیرد و زندگی خویش را در پرتو دانش و عشق به مبدأ هستی روشن نماید، زیرا آن‌کس که نور دانش و عشق به پروردگار را در دل داشته باشد، محال است که صحنه را ترک کند و سرنوشت خویش را به اما و اگر بسپارد.

۶-۳- تأکید بر جدیت و پشتکار

جدیت و پشتکار، شیوه مردان بزرگ است و صبر و شکیبایی که یک فضیلت عالی انسانی است نباید با "سستی و تبلی و دست روی دست گذاشتن و زیر بار تعدی و ستم رفتن" اشتباه شود. جدیت و پشتکار، ضامن سعادت و کامیابی می‌باشد و بی‌حالی و سستی، موجب تیره‌روزی و بدفرجامی است. رافعی با وقوف بر نتایج جدیت، و آگاهی از پیامدهای سهل‌انگاری، این حقیقت را به فرزندان میهن یادآوری می‌کند که برخورداری از آینده‌ای بهتر و داشتن کشوری آبادتر و رها از دست استعمارگران، در گرو جدیت و پشتکار است:

والذی یزرعُ التَّهَّؤُنَ فی الْأَشْـ	_____
لِیسَ یُجِدِی الْإِنْسَانَ أَنْ یَأْمَلَ	فَلاناً مِنْ قومه وفلانا
فَأَسَعَ فی الْأَرْضِ إِنَّ عِقْبَانَ هَذَا	الْجَوْ لا یَرْتَضِینَ مِنْهُ مَکانا
وَأَرْکَبِ الْجِدَّ فی الْأُمُورِ وَلا	سُبْنَ إِذا فَاتَ بعضُها أحياناً
إِنَّ هَذَا الْوَجُودَ کَالْحَرْبِ لا	رَمُ فی الْحَرْبِ مَنْ یَکُونُ جَباناً

(همان: ۸۷)

۱- آن‌کس که در هر کاری بذر سستی و سهل‌انگاری بکارد، چیزی جز خفت و خواری به دست نمی‌آورد. ۲- هیچ سودی عاید انسان نمی‌شود از این‌که به این‌وآن امید ببندد. ۳- در این زمین به سعی و تلاش پرداز، زیرا عقاب‌های این آسمان، در آن لانه نمی‌گزینند [بلکه آن‌ها آشیانه خود را بر بلندای کوه‌ها می‌سازند]. ۴- بر مرکب جدیت سوار شو [و در کارهایت جدی باش و] چنانچه در انجام پاره‌ای از امور موفق نشدی [دست از کوشش بردار]. ۵- دنیا به مانند صحنه جنگ است و کسی که ترسو باشد، در میدان نبرد مورد احترام واقع نمی‌شود.

ملاحظه می‌گردد که رافعی، علیه سهل‌انگاری شوریده است و به آدمی انگیزه می‌دهد که بلندپرواز باشد، و برای رسیدن به آرمان‌هایش بجنگد و یک لحظه از کار و تلاش دست

بر ندارد. او به آزاد مردانِ وطن خود یادآوری می‌کند که بزرگی، تنها در سایهٔ عزتمندی به دست می‌آید. وی معتقد است که در برابر استعمارگران، هیچ‌وقت نباید کوتاه آمد و با اراده‌ای محکم، زندگی سرشار از اعتبار و افتخار را طلب نمود. او بر خوررداری از مجد و عظمت را تنها در سایهٔ داشتن همتی والا و اراده‌ای پولادین می‌داند. رافعی در خطاب به جوانان، از آنان می‌خواهد که لباس تنبلی را از تن درآورند و سوار بر مرکب عزم و اراده، کتاب سرنوشت خویش را با مرکبِ جدیت و پشتکار بنویسند.

او در قصیدهٔ «الاجتهاد» نیز ضمن تأکید بر کوششِ مضاعف، متذکر می‌شود: کسانی که جدی نیستند، تمامی امیدها را بر باد می‌دهند و چیزی جز خسارت و سرافکندگی در انتظارشان نیست. او سپس می‌گوید: موجودیت انسان در گرو پشتکارِ او ست و جز تلاش و کوشش چیزی به فریاد وی نمی‌رسد. وی هم‌چنین توصیه می‌کند که آدمی باید به بهترین صورت ممکن از فرصت استفاده کند و آن را از دست ندهد:

لَقَدْ كَذَّبَ الْأُمَلَّاءُ مَنْ كَانِ	وَأَجْدَرُ بِالْأَحْلَامِ مَنْ بَاتَ
ك... أه	م... ه
وَمَنْ لَمْ يُعَانِي الْجِدَّ فِي كُلِّ	رَأَى كُلَّ أَمْرٍ فِي الْعَوَاقِبِ
أه	ه
وَمَا الْمَرْءُ إِلَّا جِدَّهُ وَاجْتِهَادُهُ	وَلَيْسَ سِوَى هَذَيْنِ لِلْمَرْءِ
ه	ه
فَمَنْ كَانَ مِقْدَامًا فَقَدْ فَازَ جِدَّهُ	وَبَاءَ بِكُلِّ الْوَيْلِ مَنْ ظَلَّ حَيْرَانًا
ه	ه
فَلَا تَتَقَاعَدُ إِنْ تَلَّحَ لَكَ فُرْصَةٌ	وَلَا تَرْتَدِرِي الشَّيْءَ الْحَقِيرَ وَإِنْ
ه	ه

(همان: ۸۸)

۱- آدم تنبل، تمامی امیدها را نابود می‌کند و کسی که خواب‌آلود است [فقط] سزاوار [دیدن] خواب و خیال است. ۲- هر کس که در کارهایش جدی نباشد، پایان تمامی کارهایش ننگ و سرافکندگی است. ۳- آدمی یعنی جدیت و تلاش، و به‌جز این دو، یاریگری ندارد. ۴- هر کس که جسور و بی‌باک باشد، [حتماً] تلاشِ وی به نتیجه می‌رسد، ولی کسی که سرگردان [و بی‌انگیزه باشد] بدبخت خواهد شد. ۵- پس، چنانچه فرصتی برایت پیش آمد، [بی‌تفاوت] منشین و هیچ فرصت اندکی را کم‌ارزش مشمار ۶-۴- وجوب دانش‌افزایی و خدمت به میهن

پیامبر خدا (ص) در یکی از فرمایشات خود، در رابطه با ضرورت کسب علم و دانش می‌فرماید: (طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ) (الأصبهانی، ۱۹۹۲ م: ۴۴) بر این اساس، علم‌آموزی بر هر مسلمانی واجب است و هیچ‌کسی از آن استثنا نیست. مفاد آیات کریمه نیز علاوه بر بلندی جایگاه علم و علم‌آموزی، گویای آن است که تعلیم دانش بر انبیا و آموختن علم بر امت‌هایشان واجب است. در آیاتی که تعلیم را هدف بعثت بر شمرده‌اند، قید کتاب و حکمت آمده است: ﴿وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾ (بقره/۱۲۹) بنابراین معنای وجوب

طلب علم بر زن و مرد و پیر و جوان، آموختن چیزی نیست که بشر علم نامیده، بلکه مقصود علمی است که سعادت انسان و پیشرفت میهن درگرو آنها است. رافعی نیز بمانند سایر مصلحان بزرگ اسلامی، بر نقش علم، در رشد فکری مسلمانان و رهایی از زنجیر استعمار تأکید می‌نماید. اصرار بر فراگیری دانش، یکی از اساسی‌ترین موضوعاتی است که رافعی در شعر خود به آن پرداخته و جوانان را به یک نهضت علمی و خدمتگزاری به میهن فرامی‌خواند:

إِنَّ الْمَعَارِفَ لِلْمَعَالِي سُلَّمٌ
وَالْعِلْمُ زِينَةٌ أَهْلِهِ بَيْنَ الْوَرَى
لَا فَخْرَ فِي نَسَبٍ لِمَنْ لَمْ يَفْتَخِرْ
وَالْخَامِلُونَ إِذَا عَدَوْتَ تَلْوَمُهُمْ
وَأُولُوا الْمَعَارِفِ يَجْهَدُونَ
سَيِّئَانِ فِيهِ أَخُو الْغِنَى وَالْمُعْدِمِ
بِالْعِلْمِ، لَوْلَا النَّابُ ذَلَّ الضَّيِّعُ
حَسْبُوكَ فِي أَسْمَاعِهِمْ تَتَرَنَّمُ
صَدَمَ الْجَهَالَةَ بِالْمَعَارِفِ أَحْزَمُ
وَإِنَّ الْبِلَادَ بِأَهْلِهَا تَتَقَدَّمُ

(الرافعی، ۲۰۰۴: ۸۷)

۱- دانش و معارف، نردبان صعود و تعالی است و صاحبان علم و معرفت زحمت می‌کشند تا به آسایش و سعادت برسند. ۲- علم و دانش، زینت آدمی در میان مردمان است، و ثروتمند و فقیر در آن برابرند. ۳- آن‌کس که علم و دانشی نداشته باشد که به آن فخر ورزد، حسَب و نَسَبِش برای وی هیچ افتخاری به حساب نمی‌آید، و اگر شیر، دندان نیش نداشته باشد، خوار و ذلیل می‌گردد. ۴- و چنانچه آدم‌های سست‌عنصر را [به خاطر کوتاهی آنان در علم‌آموزی] سرزنش کنی [باکی به خود راه نمی‌دهند و] گمان می‌برند که ترانه در گوش هایشان زمزمه می‌کنی [و این عمل شما هیچ تحوُّلی در آنان ایجاد نمی‌کند]. ۵- پس با دانش خود با نادانی آنان برخورد کن، زیرا انسان دوراندیش با سلاح علم و دانش به جنگ با نادانی می‌رود. ۶- به کشوری خدمت کن که تو فرزند آنی، زیرا هر کشوری با [همت و اراده] فرزندانش پیشرفت می‌کند.

در قرون گذشته، مسلمانان در علوم مختلف، پیشرو بودند و در عرصه فرهنگ و تمدن، بر دیگران تقدم داشتند و الگوی سایر ملل بودند؛ به‌گونه‌ای که می‌توان ادعا نمود پیشرفت امروزه غرب، چیزی نیست جز همان تمدن اسلامی که با کوشش اروپاییان، ابعاد مختلف آن شکوفا و بر غنای آن افزوده شده است. رافعی در ابیات فوق، ضمن تشویق فرزندان میهن برای معرفت‌افزایی، از علم و دانش به‌عنوان نردبان ترقی یاد می‌کند و آن را زینتگر انسان‌ها می‌داند. او در فرازی دیگر از ابیات فوق ضمن مذمت انسان‌های بی‌انگیزه و ضعیف، توصیه می‌کند که با اتصاف به صفت علم و دانش با این دسته از افراد برخورد شود.

وی در قسمت پایانی ابیات، خدمتگزاری واقعی به میهن را در آموختن علم و دانش می‌داند و یادآور می‌شود که کشور، زمانی شکوفا خواهد شد که فرزندان در زمینه علم و معرفت پیشرفت نمایند.

۶-۵- تلاش برای بیداری جامعه به‌ویژه زنان

منظور از بیداری، «بیداری فکر و عقل، بیداری اراده، همت و عزم، بیداری عمل و یک بیداری کامل و شامل است» (القرضاوی، ۱۹۹۷: ۱۰). بیداری، آغاز حرکت و روانه شدن به سوی فعالیت و موفقیت است و ادبیات به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های بارز آگاهی‌بخشی اجتماعی، نقش مهمی در آگاه ساختن توده‌ها دارد. غفلت ستیزی یکی از شاخصه‌های مهم شعر رافعی است. مخاطب او در این پیکار، بیشتر زنان هستند، او در پی شکست و ناکامی‌های ملت خویش، از این‌که زنان در خواب غفلت به سر می‌برند، خشمگین است و با عصبانیت بر سرشان فریاد می‌زند و در تلاش برای آگاه‌سازی آنان می‌گوید:

أَتَىٰ عَلِيكَ وَإِن لَّمْ تَشْعُرِي،	وَأَنْتِ أَنْتِ، مَضَىٰ أَمْسٌ وَحَلَّ
الأم	عَجِبْتُ لِأَمْرَأَةٍ هَانَتْ وَمَا
ء	تَاللَّهِ لَوْ كَانَ مِنْ عِلْمٍ وَتَرْبِيَةٍ
إِذَا لَمَّا سَخِرَتْ مِنْ بِنْتِ	مَنْ يَوْمَهَا السَّبْتُ أَوْ مَنْ يَوْمَهَا
فَهَلْ أَرَىٰ رَجُلًا فِينَا أَوْ امْرَأَةً	بَعْدَ الْخُمُودِ وَطُولِ الذَّلِّ يَتَّقِدُ

(الرافعی، ۲۰۰۴: ۲۵۶-۲۵۵)

۱- [ای زن مصری!]، زمانهات به سررسیده [و تاریخ مصرف تو تمام شده] است، هرچند که خودت [این مصیبت بزرگ را] احساس نکرده‌ای. [روزگار تغییر کرده است اما] توهمانی که هستی! دیروز گذشت و فردایی دیگر فرارسیده است. ۲- در شگفتم از زنی که خوارگشته است اما درس عبرت نمی‌گیرد. و [شگفت‌زده‌ام] از مردانی که زنان را خفیف گردانده و [هنوز] متوجه [قبح کار خویش] نشده‌اند. ۳- قسم به خدا! اگر مقدار اندکی از صبر و استقامت با تعلیم و تربیت آمیخته می‌شد... ۴- هرگز زنان و دختران یهودی و مسیحی، زنان و دختران مسلمان را مورد تمسخر قرار نمی‌دادند! ۵- آیا [روزی فرامی‌رسد که] زنان و مردان مسلمان را پس از دوره‌ای طولانی از غفلت و ذلت، هوشیار و بیدار ببینم؟!]

۱- «بنت جمعه» توره از زن مسلمان، «مَنْ يَوْمَهَا السَّبْتُ» توره از زن یهودی و «مَنْ يَوْمَهَا الْأَحَدُ» توره از زن مسیحی است.

رافعی معتقد است که آحاد جامعه به‌ویژه زنان، باید از نظر فکری و علمی، نیرومند باشند. یکی از بزرگ‌ترین دغدغه‌های رافعی بیدار کردن لایه‌های جامعه، به‌ویژه زنان است. او ضمن ابراز تعجب از اهانت‌پذیری زنان و اهانتگری مردان، قَسَم می‌خورد که اگر زنان در جامعه اسلامی، از علم و تربیت برخوردار باشند و در این مسیر، استقامت ورزند، هرگز مورد تمسخر صهیونیست‌ها و صلیبی‌ها قرار نمی‌گیرند.

رافعی هم‌چنین، اصالتِ زنِ عربی را به او گوشزد می‌کند و ضمن برحذر داشتن وی از تقلید کورکورانه از زنِ اروپایی، بهترین کار را برای او در آن می‌بیند که سرشت زنانه خود را گم نکند و خانه‌ای امن و سرشار از عشق را برای شوهرش فراهم سازد (حافظ، ۱۴۰۴: ۶۵۱)، زیرا در آن محفل است که می‌تواند به تربیت فرزندان و پرورش معنویات خود بپردازد. وی در تشبیهی زیبا، خانه را برایش آسمانی می‌داند که خود، ماه آن است و دیگر نیازی به خورشید و ماه ندارد:

فَطالِعِي كَيْفَ شِئْتِ بَدْرًا
وَصَباحًا مادامَ فِينَا الضياءُ
مَهِشَ
كُلُّ بَدْرِ لَه سَماءٌ وَلَا يَعـُ
رَفُّ لِّلْحُسْنِ كَالْبَيْوتِ، سماءُ
إِنما ضَمِعَ البلادَ وأهليـم
—ها قديماً نساؤنا الضعفاءُ

(الرافعی، ۲۰۰۴: ۲۵۸)

۱- [ای زن مصری!] مادامی‌که روشنی در میان ما وجود دارد هر طور که دوست داری خود را بنما؛ همانند ماه یا خورشید و یا سپیده صبح! [شاعر معتقد است مادامی‌که جامعه از نور هدایت برخوردار باشد و راه پیشرفت را گم نکنند، زن در چنین جامعه‌ای همواره زیباست، زیبا چون ماه و خورشید و سپیده صبح]. ۲- هر ماهی، آسمانی دارد و آسمان زیارویان جز خانه چیزی نیست. ۳- از قدیم‌الایام تا کنون، آنچه سبب نابودی کشور و هم‌وطنان شده، زنان ضعیف و ناتوان بوده است.

۶-۶- یادآوری مجدد و عظمت گذشته

علل پیشرفت مسلمانان در گذشته چه بوده و دلایل عقب‌ماندگی کنونی آن‌ها چیست؟ چرا روزی مسلمانان بر اکثریت مردم زمین حکومت می‌کردند ولی امروزه دنباله‌رو ملل جهان شده‌اند؟! پاسخ به این سؤال چندان آسان نیست و باید کتاب‌هایی پیرامون آن نوشته شود. در حقیقت، علت اساسی آن پیشرفت و این عقب‌گرد، چیزی جز انحراف از تعالیم اسلام نیست. مسلمانان در صدر اسلام در تمام شئون زندگی از تعالیم اسلام الهام می‌گرفتند ولی امروزه در غالب مسائل، از راه اسلام منحرف گردیده‌اند. بر این اساس، شاعر، بسیار اندوهناک است از این‌که غرب در زمینه‌های مختلف از شرق پیشی گرفته است، به همین جهت، رافعی همواره مردم مشرق زمین را به کوشش علمی فرامی‌خواند تا عظمت خود را بدست آورند. به همین

خاطر اشعار زیادی در دیوان وی یافت می‌شود که عظمت گذشته مسلمانان را به آنان یادآوری می‌کند. از جمله ابیات ذیل که در آن از آیه ﴿وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَن فِي الْقُبُورِ﴾ (فاطر/۲۲) مدد جسته است:

إِذَا صَحَّتْ فِي شَرْقِنَا صَيِّحَةً
وَقُلْتَ: أَرَى الْعَرَبَ مِنَّا اقْتَرَبَ
فَمَا أَنْتَ مُسْمِعٌ مَن فِي الْقُبُورِ
وَلَا أَنْتَ مُفْعِزٌ مَن فِي السُّحُبِ

(الرافعی، ۲۰۰۴: ۹۶)

۱- «آنگاه که در میان مردم مشرق زمین فریاد برآوردی و بگویی: غرب دارد از ما پیشی می‌گیرد... ۲- نمی‌توانی سخن خود را به گوش آنان که در قبر خفته‌اند برسانی و نمی‌توانی کسانی را برترسانی که [از فرط خوش خیالی انگار] در میان ابرها هستند.

شاعر، مردم شرق را به خاطر عقب ماندگی و عدم تلاش برای پیشرفت، مورد نکوهش قرار می‌دهد و از بی تفاوتی روشنفکران برای احیای عظمت گذشته خویش، گلایه نموده و آنان را به مردگان قبرستان تشبیه می‌کند که هیچ چیزی را نمی‌شوند. از دیگر ابیاتی که رافعی در آن، شرقی‌ها را به خاطر مجدد و عظمت ازدست‌رفته خود مورد عتاب قرار می‌دهد، این ابیات است:

بني الشرقِ أين الذی بیننا
وبین رجالِ العُلا من نَسب؟
لقد غابَتِ الشمسُ عن أرضِکم
إلی حیثُ لو شِئتم لم تَغِب
إلی الغربِ حیثُ أولاءِ الرجالِ
وتیک العلمُ وتلكِ الکُتب
فإن کانَ هذا بِحکمِ الزمانِ
فتبَّتَ یدا ذَا الزمانِ وتَب

(همان: ۹۳-۹۲)

۱- ای فرزندان مشرق زمین! کجاست آن نَسَب و نسبتی که بین ما و بزرگ‌مردان گذشته ما وجود داشت؟ ۲- به راستی که خورشید [علم و معرفت] از سرزمینتان غروب کرده و در جایی طلوع نموده است که اگر اراده می‌کردید، این اتفاق نمی‌افتاد. ۳- [خورشید] از سرزمینتان به سمت غرب متمایل شد، آنجا که دانشمندان برجسته و علوم فراوان و کتاب‌های آن‌چنانی وجود دارد. اگر این اتفاق به دستور زمانه انجام شده است، پس بریده باد دستان آن زمانه! بریده باد!

تقریباً تمام جریان‌های بیداری اسلامی، در موضوع بازگشت به خویشتن امت اسلامی، اتفاق نظر دارند. رافعی نیز در جای‌جای شعر خویش، با اشاره به عظمت دوران شکوفایی تمدن اسلامی و یادکرد آن دوره تأثیرگذار تاریخی، می‌کوشد مسلمانان را بر بازسازی عظمت گذشته تحریک کند. برای این مضمون، شواهد فراوانی را در دیوان رافعی می‌توان یافت. در

ابیات فوق، شاعر، مردمان مشرق زمین را سرزنش می‌کند که چرا با وجود پیشرفت‌های علمی زیاد و دانشمندان بسیاری که در گذشته داشتند، غرب از آن‌ها پیشی گرفته است؟!

۶-۷ - توکل به خدا و امید به پیروزی

یکی از ویژگی‌های ادبیات بیداری، زنده نگه داشتن روحیه امید به پیروزی در دل مردم است. ادیب متعهد در این عرصه می‌کوشد تا با زنده نگه داشتن روحیه امید به پیروزی و توکل بر خدا، از بروز سستی در میان جوانان و مبارزان جلوگیری کند. رافعی معتقد است زمانی که انسان به مصیبتی مبتلا می‌شود، نباید ناامید گردد و دست از تلاش و تکاپو بردارد، چه بسا این مصیبت، مقدمه‌ای برای خیر و صلاح انسان باشد. از این رو، به او سفارش می‌کند که صبور باشد و به کار و تلاش ادامه دهد و به خدا توکل کند و به پیروزی امیدوار باشد، زیرا خداوندی که انسان را به سختی و مشقت انداخته است، حتماً قادر است که آن را بزدايد و راحتی و آسایش را جایگزین نماید:

رَبِّمَا دَهَا	فِيهِ رَاحَةٌ
~	
وَاللَّذِي	قَادِرٌ عَلٰى
ةَ	ةَ
(همان: ۹۶)	

۱- چه بسا اندوهی، آدمی را فراگیرد، اما چون نیک در آن نظر کند آرامش جان در آن است. ۲- آن کس که غم و اندوه و گرفتاری از جانب اوست، قادر است که آن را بزدايد و فرج و گشایش را جایگزین آن کند.

محتوا و مضمون بیت اول برگرفته از آیات: ﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا. إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾ (ان‌شراح/۵-۶) است: «به یقین همراه هر سختی، آسانی ست. مسلماً با هر سختی، آسانی ست». رافعی، فرارسیدن روزهای خوش پیروزی و رهایی را نوید می‌دهد و مردمانش را از یأس بر حذر می‌دارد. وی ایمان دارد که بامداد پیروزی در پشت تاریکی آرمیده است و به زودی دمیده می‌شود و عاقبت، سیاهی‌ها را در هم می‌کوبد و آسانی و شادی، جایگزین سختی‌ها می‌شود. او در این راستا می‌گوید:

فَرِّمًا دَلَّ عَلٰى ضِدِّهِ	إِنْ ضِيقَ بِالْعُسْرِ فَلَا تَبْتَسْ
وَقَدْ يَكُونُ الْغَيْثُ مِنْ بَعْدِهِ	كَالْبَرْقِ يَخْكِي فِي سَنَاهُ اللَّطِي
فَكُلُّ مَا مَسَّكَ مِنْ عِنْدِهِ	فَكُلُّ إِلَى اللَّهِ وَبِتِ رَاضِيًا

(الرافعی، ۲۰۰۴: ۹۶)

۱- اگر روزی مشکلات، تو را به تنگ آورد، نومید مشو، چه بسا که این سختی، نشانی از آسانی در خود دارد. ۲- به مانند رعدوبرقی که زبانه آتش از آن می‌جهد ولی در پی آن، امید

به بارش باران وجود دارد. ۳- به خداوند توکل کن و به تقدیرش راضی باش، چرا که هر آنچه به تو می‌رسد از جانب اوست.

۶-۸- تعقل و بصیرت و دوراندیشی

عقل، باارزش‌ترین موهبت الهی است، و کسانی که از این موهبت استفاده نمی‌کنند، بدترین مخلوقات هستند^۱. جهالت و خرد گریزی همان چیزی است که طاغوت را به وجود می‌آورد و زمینه مناسبی را برای تداوم آن فراهم می‌کند. بنابراین، طاغوت‌ها، همواره تلاش می‌کنند تا مردم را در جهل نگاه‌دارند، اما اگر ملت بیدار شود و حقوق خود را مطالبه کند، هیچ نیرویی نمی‌تواند در مقابل آن بایستد. رافعی، خرد و دانش را لازمه رستگاری در امور دنیوی و اخروی می‌داند و عالمان را از زمره کسانی به حساب می‌آورد که از تاریکی‌های جهالت جسته و به روشنایی‌های خرد پیوسته‌اند. ولی گاهی اوقات از عالمانی یاد می‌کند که هدف راستین خود را فراموش کرده و با جاهلان همراه گشته‌اند که اینان از جاهلان بسی بدترند:

مَشَى الْجُهَالُ فِي طِينٍ وَلَكِنْ	أَكْفَهُمْ عَلَى حَجَرٍ صَالِدٍ
وَكَمْ مِنْ عَالِمٍ أَخَى ذِكَايَ	يَجْرُ بِهِ الذِّكَايُ إِلَى الْجُحُودِ
أَرَى لِلْعَقْلِ حَدًّا فِي التَّسَامِي	كَمَرَمَى الْبَاصِرَاتِ إِلَى حُدُودِ
وَأَنَّ السَّيْفَ إِنْ لَمْ يُلَفَّ غِمْدًا	كِسَاهُ مِنَ الصِّدَا شِبَهُ الْعُمُودِ
وَكُلُّ تَطَرَّفِ الْعُلَمَاءِ جَهْلٌ	وَيَعْضُ الْجَهْلِ بِالْعُلَمَاءِ يُوَدِي
إِذَا انْحَرَفَ الْقَطَارُ بِرَأْكِبِهِ	فَقَدْ وَجَدُوا «الْمَحَطَّةَ» فِي

(الرافعی، ۲۰۰۴: ۲۴۲)

۱- جاهلان، در گِل راه می‌روند اما آنان به سنگی سخت و خارا چنگ زده‌اند [و نتیجه‌ای به دست نمی‌آورند، همان‌گونه که آدمی نمی‌تواند با دستان خود، سنگ خارا را بشکند] ۲- چه بسیار عالمانی که بسی باهوش هستند اما زکاوتشان آنان را به ناسپاسی و انکار می‌کشاند. ۳- خردورزی، سبب بلندمرتبی و بصیرت می‌شود، همان‌گونه که زنان عرب در فاصله‌ای به مسافت سه روز، اشیاء را می‌دیدند. [این بخش از مصراع دوم: «کمرمی الباصرات... اشاره است به ضرب‌المثل مشهور عرب: أَبْصَرُ مِنْ زَرْقَاءِ الْيَمَامَةِ: بینا تر از زرقاء یمامة، که کنایه از دوراندیشی و بصیرت و آگاهی به امور و آینده‌نگری است»] (رازی،

۱- انفال/۲۲.

۱۹۹۹: ۳۴۹). ۴- اگر شمشیر را در غلاف نگذارند، زنگاری چون غلاف، آن را می‌پوشاند. ۵- همه افراط‌گرایی‌های عالمان، ناشی از جهل و بی‌خردی است و بعضی مواقع، بی‌خردی علما منجر به هلاکت [خودشان و انحراف جامعه] می‌شود. ۶- هنگامی که قطار به همراه مسافران از مسیر منحرف شود؛ ایستگاه را در میان گورستان می‌یابند.

از نظر رافعی، جهالت به مانند گیرافتادن در یک زمین باتلاقی است که خروج از آن بسی دشوار است. او خرد را بارزترین ویژگی برای دوران‌دیشی می‌داند که اگر عالم از آن برخوردار نباشد، دانش وی راهگشا نخواهد بود، همان‌گونه که شمشیر زنگار زده، کارایی خود را از دست می‌دهد. او همچنین پرهیز از افراط‌گرایی را نیز برای اندیشمند مسلمان ضروری می‌داند. از نظر رافعی، تندروی، عین نادانی است و افراد و جوامع را از راه راست منحرف می‌نماید.

۴. نتیجه‌گیری

مصطفی صادق الرافعی، شاعر نامدار معاصر مصر، از جمله شعرای متعهد این کشور است که در عرصه تحولات جهان اسلام، با سلاح شعر، مشعل امید را در جامعه برافروخت و با تکیه بر عنصر آزادی‌خواهی و عزت‌طلبی و با استمداد از اندیشه‌های بیدارگرایانه، همه مسلمانان را به همبستگی فراخواند. او که شاعری آزادخواه و اندیشمندی سیاسی بود، با نقش مثبتی که در راه بیداری اسلامی در مصر و جهان عرب ایفا نمود، توانست با سلاح بیان و روشنگری، شعله‌های ظلم‌ستیزی را در روح جوانان برافروزد و با اندیشه‌های والای خویش، استبداد داخلی و استعمار خارجی را به چالش بکشاند. او که یک روشنفکر دینی بود، با درک درست از واقعیت‌های کشور، و به‌رغم رویارویی با مشکلات فراوان، شعر را در راه پیشبرد آرمان‌های متعالی جامعه به کار گرفت و به‌عنوان یک مصلح سیاسی-اجتماعی، موجی از بیداری را در مصر به وجود آورد. نتایجی که در این مقاله می‌توان به آن دست‌یافت، در موارد زیر خلاصه می‌گردد:

۱. اهتمام به تهذیب و تربیت نسل جوان، تقویت روحیه اعتماد به نفس و خودباوری و ایمان به خدا، تأکید بر جدیت و پشتکار، وجوب دانش‌افزایی و خدمت به هم‌وطن، تأکید بر عمل‌گرایی، تلاش برای بیداری جامعه به‌ویژه زنان و نسل جوان، یادآوری مجد و عظمت گذشته، توکل به خدا و امید به پیروزی، تعقل و بصیرت و دوران‌دیشی و آینده‌نگری، از مهم‌ترین مضامین بیداری اسلامی در شعر رافعی است که به اشکال گوناگونی بر آن تأکید می‌کند. او در استکبارستیزی، عزم و اراده را برنده‌تر از شمشیر می‌داند و در واقع تنها سلاح مبارزه رافعی در این میدان، عزم و اراده است.
۲. رافعی طرفدار اسلام سیاسی است و برای نیل به این هدف، مبارزه‌ای بی‌امان راه انداخته است. در نگاه او، آزادی حقیقی و استقلال واقعی کشور و رهایی از سلطه

استعمارگران، از رهگذر بیداری اسلامی، نوسازی سیاسی-اجتماعی جوامع اسلامی و تکیه بر نهضت علمی جوانان میسر است.

۳. شعر رافعی، از لحاظ فنی استادانه و از لحاظ محتوا جامع و جهت دهنده می‌باشد. رافعی همگام با دیگر شاعران بیداری، می‌کوشد با شیوه‌های گوناگون، حس بیداری و وحدت را در میان مردم برانگیزد. در نگاه رافعی، ارزش واقعی انسان، زمانی است که در کنار ملت خود قرار بگیرد و درد و رنج آنان را احساس نماید. اشعار اجتماعی رافعی، در بردارنده رنج و سختی‌های طبقات پایین جامعه است که با زبانی ساده، آن را به تصویر می‌کشد. رافعی، جنبش بیداری اسلامی را نیازمند برخورداری از ذخیره انسانی متعهد می‌داند که باید در کنار پایبندی به ارزش‌ها، متهورانه در برابر هرگونه ستمی بایستد. او معتقد است که عزت و کرامت و آینده درخشان تنها در سایه بیداری و تلاش و پشتکار محقق خواهد شد. آزادی‌خواهی و پایداری در برابر ظلم، در اشعار وی بسامد بالایی دارد؛ او از یک سو امید به آینده درخشان را در مردم تقویت می‌کند و از سوی دیگر، آنان را از بی‌تفاوتی بر حذر می‌دارد.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه

اسماعیلی، حسین (۱۳۹۸). بیداری اسلامی در مصر و تأثیرپذیری آن از انقلاب اسلامی ایران، مجله پژوهش‌های انقلاب اسلامی، سال ۸، شماره ۳۱، صص ۷-۲۲.

الأصبهانی، أبي الشيخ (۱۹۹۲). الفوائد، تحقیق: علی بن حسن، الطبعة ۱، دارالصمیعی للنشر.

آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶). غررالحکم و درر الکلم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

بدری، مصطفی نعمان (۱۹۹۱). الرافعی الکاتب بین المحافظة والتجديد، بیروت، دار الجیل.

بیدج، موسی (۱۳۸۹). مقاومت و پایداری در شعر عرب از آغاز تا امروز، ج ۱، تهران، نشر ارزش‌های دفاع مقدس.

البیهقی، أحمد بن الحسین (بی‌تا). المدخل إلى السنن الكبرى، المحقق: محمد ضیاء الرحمن، الکویت، دارالخلفاء للکتاب الإسلامی.

البیومی غانم، ابراهیم (۲۰۱۳). الفكر السياسي للإمام حسن البنا، تقديم: طارق البشری، الطبعة ۱، مرکز مدارات للأبحاث والنشر.

- الجزائری، أبوبکر (۲۰۰۱). نداءات الرحمن لأهل الإيمان، الطبعة ۳، المدينة المنورة، مكتبة العلوم والحكم.
- حافظ، أحمد مصطفى (۱۴۰۴). مصطفى صادق الرافعي؛ نفاحة من عبقريته، مجلة الأزهر، سال ۵۶، شماره ۴، صص ۶۵۰-۶۵۷.
- خضر، عباس (۱۹۶۸). أدب المقاومة، القاهرة، دارالكتاب العربي.
- الخطيب، محب الدين (۱۳۶۵). مصطفى صادق الرافعي، مجلة الفتح، العدد ۵۴۹، صص ۳۰-۴۰.
- دادخواه، حسن؛ عبادي، زكيه؛ سليمي، فاطمه (۱۳۹۰). جاينگاه شعر و شاعري در انديشه ادبي مصطفى صادق رافعي، مجلة: نقد ادب معاصر عربي، شماره ۱، صص ۲۷-۵۸.
- داغر، يوسف اسعد (۱۹۸۳). مصادر الدراسة الادبية، بيروت، منشورات أهل القلم.
- دهقان، فاطمه؛ رسولی، حجت؛ رضایی، ابوالفضل (۱۴۰۲). تحليل استعاره‌های مفهومی حوزه عشق در كتاب «اوراق الورد» از مصطفى صادق الرافعي، فصلنامه ادب عربي، دوره ۱۵، شماره ۱، صص ۱۰۷-۱۲۸.
- رازی، محمد بن أبي بكر (۱۹۹۹). مختار الصحاح، المحقق: يوسف الشيخ، الطبعة ۵، بيروت، المكتبة العصرية.
- راغب اصفهانی، حسين (۱۴۱۲). المفردات في غريب القرآن، تحقيق: صفوان عدنان، چاپ ۱، بيروت، دارالقلم.
- رافعي، مصطفى صادق (۲۰۰۴). ديوان، تحقيق: الدكتور ياسين الأيوبي، بيروت-صيدا، المكتبة العصرية.
- رجايی، فرهنگ (۱۳۸۱). انديشه سياسي معاصر در جهان عرب، تهران، مركز پژوهشهای علمی و مطالعات استراتژیک خاورميانه.
- رحماني، صادق (۱۳۷۵). شعر و شرع و شيعه، نشریه پاسدار اسلام، شماره ۱۸۰، صص از ۱۹ تا ۲۳ و ۳۴.
- روحانی، حميد (بی تا). نهضت امام خمینی، تهران، مركز اسناد انقلاب اسلامی.
- سرکيس، يوسف (۱۹۲۸). معجم المطبوعات العربية والمعربة، القاهرة، چاپ افست قم.
- سيد، رضوان (۱۹۹۷). سياسيات الإسلام المعاصر، بيروت، دارالكتاب العربي.
- شاملي، نصرالله؛ زارع نجف آبادی، ساجد؛ امير عمرانی، ساردو (۱۳۹۱). التناص القرآني في شعر مصطفى صادق الرافعي، مجلة دراسات الأدب المعاصر، سال ۴، شماره ۱۴، صص ۵۵-۸۰.

- صدقی، حامد؛ فشی حامد (۱۴۳۴). مفهوم الشعر عند الرافعی والعهاد (دراسة تحليلية)، إضاءات نقدیه فی الأدبین العربی والفارسی، دوره ۳، شماره ۱۰، صص ۹-۴۱. دارالمعارف.
- طبانہ، بدوی (۱۹۸۶). التيارات المعاصرة فی النقد الادبی، القاهرة، الرياض، دارالمریخ.
- عریان، محمدسعید (۱۹۵۵). حياة الرافعی، الطبعة ۳، القاهرة، المكتبة التجارية الكبرى.
- علوی مقدم، مهیار (۱۳۸۳). شاعر متعهد کیست و شعر متعهد چیست؟، فصلنامه دانشگاه آزاد مشهد، شماره ۴ و ۳، صص ۱۶ تا ۱۹.
- عنایت، حمید (۱۳۸۴). اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه خرمشاهی، تهران، انتشارات خوارزمی.
- فاخوری، حنا (۱۳۸۸). الجامع فی تاریخ الأدب العربی القديم، قم، منشورات ذوی القربی، چاپ ۳.
- فقهی، عبدالحسین؛ عسگر، بابازاده اقدم (۱۳۸۶). گرایش دینی در آثار مصطفی صادق رافعی، پژوهشنامه قرآن و حدیث، شماره ۲، صص ۱۳۹-۱۵۴.
- القرضاوی، یوسف (۱۹۹۷). الصحوة الإسلامية وهموم الوطن العربی والإسلامی، الطبعة ۲، القاهرة، مكتبة وهبة.
- کلیفورد، مری لوئیس (۱۳۷۱). سرزمین و مردم افغانستان، ترجمه: مرتضی اسعدی، ج ۲، تهران، علمی و فرهنگی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الأنوار، بیروت، مؤسسة الوفاء.
- میرزایی، فرامرز، صدیقه زودرنج، زهرا کوچکی نیت (۱۳۹۳). بازتاب گفتمان انقلاب اسلامی ایران در شعر بیداری اسلامی بحرین، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال ۳، شماره ۱۰، صص ۹۵-۱۱۱.
- النیسابوری، محمد بن عبدالله (۱۹۹۰). المستدرک علی الصحیحین، تحقیق: مصطفی عبد القادر، بیروت، الطبعة ۱، دارالکتب العلمیة.
- هیکل، أحمد (۱۹۹۴). تطور الادب الحديث فی مصر: من أوائل القرن التاسع عشر إلى قیام الحرب الكبرى الثانية، الطبعة ۶، القاهرة، دارالمعارف.
- ولایتی، علی اکبر (۱۳۸۹). فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران، دفتر نشر معارف.
- یزدان پرست، میترا؛ اسماعیل غانمی، محمدجواد (۱۴۴۰). نظره تحليلية للنهج الأدبی للأدیب المصری مصطفی صادق الرافعی، مجلة الكلية الإسلامية، الجامعة الإسلامية، العراق، شماره ۵۳-جلد ۱، صص ۳۲۵-۳۴۳.

الگوی رفتاری جنبش‌های اسلامی شیعیان در عراق معاصر؛ همجوشی یا شکاف

- نیک صفت، محمدمین^۱ | دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
- حاجی ناصری، سعید^۲ | استادیار علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
- عرب، علی رضا^۳ | دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

تاریخ جنبش‌های اسلامی در عراق مسئله مهمی بوده است که پس از ورود استعمار غربی و نیروی‌های خارجی و بعدتر ظهور تروریست‌های سلفی و تکفیری علی‌الخصوص در سدهٔ اخیر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. نهضت سیاسی شیعیان عراق که از سال ۱۹۱۴ م. با اشغال فاو و بصره شکل گرفت اهدافی از جمله مبارزه با اشغالگران خارجی، دیکتاتورهای داخلی و تروریست‌های مصلحت‌طلب مردم عراق را سرلوحه قرار داده است؛ اما در تشکیل یک ساختار باثبات همواره ناتوان بوده و فراز و فرودهای زیادی را تجربه نموده است. (مسئله)؛ این مقاله تلاش دارد با روش کتابخانه‌ای و مراجعه به منابع موجود درباره این مقطع تاریخی و تحلیل اسنادی داده‌های مکتوب و با بهره‌گیری از نظریه تاریخ طبیعی انقلاب‌های کرین بریتون (روش)؛ به کشف الگوی رفتاری این جنبش‌ها در تاریخ عراق بپردازد. آنچنان که تحلیل وقایع تاریخی این دوره نشان می‌دهد، جنبش‌های مذکور در دوران وقوع بحران‌ها به یک اتحاد جمعی می‌رسند که با وام‌گیری از علم فیزیک به طور استعاری این پدیده همجوشی خوانده می‌شود و در دوران فائق آمدن بر بحران‌ها به جای ثبات، تحت تأثیر سلسله‌ای از عوامل، دچار اختلافات شدید شده و مبتلا به شکاف می‌شوند و مجدد چرخه‌ای از بحران در این کشور که به بی-ثباتی سیاسی می‌انجامد تکرار می‌گردد. (یافته‌ها)

کلیدواژه‌ها: جنبش‌های اسلامی، شیعیان عراق، الگوی رفتاری، شکاف، همجوشی.

دریافت: ۱۴۰۲-۰۱-۲۵

پذیرش: ۱۴۰۲-۰۳-۰۹

* نویسنده مسئول: amin1378.kartable@gmail.com

صفحات مقاله: ۱۳۳-۱۱۵

مقدمه

وقایع رخ داده در تاریخ عراق معاصر، علی‌الخصوص اتفاقات چند دهه اخیر، همواره آن را به بستری مناسب برای پژوهش از زوایای گوناگون تبدیل نموده است. صفت بی‌ثباتی، به‌ویژه در عرصه سیاسی، صفتی است که توسط صاحب‌نظران و محققان مختلف در رابطه با سرزمین عراق به کار برده می‌شود. نبود شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مناسب، در کنار شکنندگی دولت و ناکارآمدی آن از جمله مهم‌ترین دلایلی است که می‌توان در بیان چرایی بی‌ثباتی سیاسی در عراق به کار برد (ستوده و بدرآبادی، ۱۳۹۸). از دل بی‌ثباتی‌ها و همچنین رخداد‌های متفاوتی چون مواجهه با استعمار و اشغال این سرزمین توسط نیروهای خارجی و بیگانه، بستری مناسب برای شکل‌گیری نهضت‌ها و جنبش‌های اسلامی و به‌طور خاص جنبش شیعیان در این کشور فراهم آمده است که هر کدام برای مقابله با وضعیت نامطلوب موجود در زمان خود و تلاش برای ایجاد اوضاع مطلوب شکل گرفته، به مبارزه پرداخته و ناکامی‌ها و کامروایی‌هایی را تجربه نموده‌اند.

از لحاظ تاریخی با تأسیس حکومت عثمانی در اواخر سده سیزدهم و اوایل سده چهاردهم میلادی در آسیای صغیر، عراق نیز تحت سیطره آن‌ها قرار گرفت. با آغاز دوران ضعف این حکومت و همچنین ورود آن به جنگ جهانی اول، جرقه‌های نخستین نهضت‌های سیاسی شیعی در عراق در سال ۱۹۱۴ م. زده شد. از این پس عراق شاهد دوره‌های مختلفی از حضور جنبش‌های سیاسی گوناگون در درون خود بوده است که با اهداف متفاوتی شکل گرفته‌اند. از مقابله با استعمار انگلستان در اوایل قرن بیستم گرفته، تا گسترش کمونیسم در بین اعضای جامعه عراق خصوصاً جوانان، سیاست‌های متعارض با سنت موجود در این کشور توسط دولت‌های نظامی نظیر دولت عبدالسلام عارف، سرکوب، فشار و دیکتاتوری نظامی صدام حسین و سقوط حکومت وی در پی اشغال این کشور به وسیله نیروهای خارجی، ناکارآمدی‌های دولت‌ها در زمینه‌های مختلف و ظهور گروه‌های تکفیری و تروریستی، همگی بزنگاه‌هایی بوده‌اند که بستری مناسب برای شکل‌گیری جنبش‌های سیاسی شیعی در عراق، فراهم آورده‌اند.

با توجه به تعدد تشکیل این جنبش‌ها در یک صد سال اخیر در مقاطع گوناگون، به نظر می‌رسد یکی از راه‌های مناسب برای تحلیل اتفاقات عراق در گذشته، حال و آینده منوط به شناخت تاریخ آن و توجه به الگوهایی از رفتار بازیگران مختلف در این بستر است. با این اوصاف سؤال اصلی این مقاله آن است که جنبش‌های سیاسی شیعیان در عراق معاصر به مثابه یکی از بازیگران مهم این کشور در عرصه سیاست از چه الگوی رفتاری‌ای تبعیت می‌کنند؟ برای پاسخ به این سؤال تلاش گردیده است تا با وام‌گیری از دو فرمول در علم فیزیک، یک مدل تحلیلی-استعاری به‌منظور تبیین الگوی رفتاری جنبش‌های سیاسی شیعی ترسیم گردد. از این‌رو از دو مفهوم شکاف و همجوشی هسته‌ای که هر یک از فرمولی خاص برخوردارند،

استفاده شده است. بر این مبنا فرضیه اصلی تحقیق آن است که جنبش‌های سیاسی شیعیان در عراق معاصر در وضعیت طبیعی و ثبات دچار حالت شکاف بوده و از الگوی رفتاری فیزنی تبعیت می‌کنند و بالعکس در حالت وقوع بحران و در صورت فراهم بودن عواملی چون فشار داخلی یا خارجی، الگوی رفتاری ایشان به حالت فیزنی یا همجوشی تغییر می‌یابد. قرارگرفتن در هر یک از دو وضعیت مذکور، قادر است که سرانجام این جنبش‌ها را در توفیق یا عدم توفیق در نیل به اهداف خود نشان دهد. به‌منظور دست‌یافتن به این اهداف ابتدا تلاش می‌گردد با بیان تاریخچه‌ای از جنبش‌های سیاسی شیعیان در عراق ضمن آشنایی با فرایند شکل‌گیری، روند و سرانجام هر یک، سیمایی کلی از آن‌ها ارائه گردد. سپس با کشف همسانی‌های وقایع در بستر تاریخ با بررسی موردبه‌مورد وقایع ترسیم الگویی تحلیلی- استعاری برای نشان‌دادن الگوی رفتاری این جنبش‌ها در دستور کار قرار می‌گیرد. این الگوی رفتاری کمک شایانی به پیش‌بینی‌پذیری و تحلیل وقایع کشور عراق نموده و می‌تواند مسیر روشنی برای بازیگران اصلی این جنبش‌ها در کنش سیاسی خود برای دستیابی به وضع مطلوب با درس گرفتن از گذشته، ترسیم نماید.

روش تحقیق

اوکشات بیان می‌دارد که: «روش، نهادی سنتی یا کلاسیک دارای سه ویژگی توصیفی-استقرایی، رسمی-قانونی و تاریخی-مقایسه‌ای است» (Oakeshott, 1967:302). در این پژوهش به‌طور خاص به‌واسطه موضوع مورد بررسی ویژگی تاریخی-مقایسه‌ای روش جلوه بیشتری می‌نماید.

برای جمع‌آوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای بهره گرفته شده است. در این روش با مراجعه به اسناد و منابع دسته اول سعی می‌گردد داده‌های مورد نیاز پیرامون یک موضوع جمع‌آوری شده و سپس با شیوه تحلیل اسنادی داده‌ها با توجه به هدف پژوهش نسبت به پالایش و تحلیل آن‌ها اقدام گردد.

چارچوب نظری؛ نظریه تاریخ طبیعی انقلاب‌های برینتون

برای ترسیم یک الگوی رفتاری و تطبیق آن با رفتار جنبش‌های سیاسی از چارچوب نظری تاریخ طبیعی انقلاب‌های کرین برینتون در کتاب *کالبدشکافی چهار انقلاب* (۱۳۹۰) استفاده شده است. وی از نوعی آزمایش علمی که در روش بالینی استفاده می‌شود، برای تهیه مدل تحلیلی خود پیرامون نشان‌دادن مراحل مختلف انقلاب‌های سیاسی در چهار کشور انگلستان، فرانسه، آمریکا و روسیه بهره می‌برد. از دید برینتون می‌توان چنین برداشت نمود که: ۱. پیش از وقوع جنبش‌ها و انقلاب‌ها روشنفکران و پیشوایان فکری جامعه بیعت خود را از نظم موجود برداشته و از آن جدا و خواستار اصلاح وضع موجود می‌شوند. ۲. کارگزاران نظم موجود اقدام به انجام اصلاحات، پیش از رسیدن بحران به مرحله انفجار می‌کنند. ۳.

اصلاحات کارگزاران نظم حاضر، معمولاً در فرونشاندن اعتراضات و مخالفت‌ها ناتوان بوده و این مسئله تبدیل به یک بحران سیاسی می‌گردد. این ناتوانی معمولاً در ابعاد گوناگون اقتصادی، سیاسی و نظامی خود را نشان می‌دهد و سقوط نظم موجود را تسهیل می‌نماید؛ بنابراین سقوط نظم فعلی و آغاز انقلاب از ضعف و یا شکست کامل دولت یا نظم مرکزی ناشی می‌شود. ۴. با سقوط نظم پیشین دوره‌ای از سرخوشی به نام ماه‌عسل انقلابیون در پی انسجامی که برای عبور از وضع نامطلوب وجود داشت، بوجود می‌آید. ۵. گروهی از میانه‌روها بر سر کار آمده و زمام امور را برای اصلاحات در دست می‌گیرند. ۶. این اصلاحات و سرعت آن اکثر گروه‌های انقلابی، علی‌الخصوص آن گروه‌هایی که جنبهٔ رادیکالی بیشتری دارند را به واکنش و مخالفت وامی‌دارد. ۷. دولت و کارگزاران میانه‌روی نظم جدید سقوط کرده و بر سر کسب قدرت میان گروه‌های مختلف تعارض و منازعات جدی بوجود می‌آید که خود را معمولاً در قالب کودتا، جنگ داخلی و ایجاد ائتلاف‌های متعارض نشان می‌دهد. ۸. سازمان‌یافته‌ترین گروه در بین گروه‌های انقلابی پیروز شده و عصر تندروی و وحشت که به عصر ترور نیز مشهور است بوجود می‌آید. ۹. دورهٔ تندروها باعث فرسودگی جامعه شده و پس از ناتوانی ایشان در دستیابی به آرمان‌ها و اهداف خویش دوره‌ای از استحاله و پرهیز تندروی توسط افراد عمل‌گرا و ضد رادیکالیسم موسوم به ترمیدور تشکیل می‌شود که ممکن است در صورت عدم موفقیت آن‌ها وضعیت به دوران نظم پیشین بازگردد (برینتون، ۱۳۹۰؛ گلدستون، ۱۳۹۲).

به نظر می‌رسد جنبش‌های اسلامی شیعیان در عراق نیز با پیروی از چارچوب بالا به وضعیت‌هایی از شکاف و همجوشی دست می‌یابند و خصوصاً در مرحله ابتدایی، عواملی باعث نارضایتی و اتحاد آن‌ها جهت تغییر وضع موجود و در مرحلهٔ چهارم با مشکلاتی جدی و شکاف و افتراق در دستیابی به یک نظم مطلوب و جدید مواجه می‌گردند. با توجه به این چارچوب و مدل تحلیلی، تلاش شده با بررسی موردبه‌مورد وقایع تاریخی از سال ۱۹۱۴ م. تا عصر حاضر، همسانی‌های وقایع در طی تاریخ کشف شده و یک مدل تحلیلی-استعاری با کمک دو پدیدهٔ شکاف هسته‌ای^۱ و همجوشی هسته‌ای^۲ در علم فیزیک برای دستیابی به الگوی رفتاری جنبش‌های سیاسی شیعیان در عراق معاصر ترسیم گردد، تا بدین وسیله علاوه بر تحلیل وقایع رخ داده در گذشته، بتوان از آن برای پیش‌بینی وقایع احتمالی که در آینده که امکان وقوع آن‌ها وجود دارد استفاده نمود.

¹ Nuclear fission

² Nuclear fusion

ادبیات پژوهشی

اصولاً عراق به دلیل آشفتگی‌های مستمر سیاسی همواره مورد توجه پژوهشگران قرار داشته است. با مراجعه به منابع موجود در کتابخانه‌ها و پایگاه‌های علمی به تعدادی از مهمترین منابعی که همواره مورد استناد محققان در باب این موضوع قرار گرفته است تلاش گردید که برای دستیابی به اهداف پژوهش حاضر از آن‌ها استفاده گردد. محمد صادقی تهرانی در کتاب *انقلاب اسلامی ۱۹۲۰ م. عراق و نقش علمای مجاهد در آن* (۱۳۵۸) و عبدالله فهید نفیسی در کتاب *نهضت شیعیان در انقلاب اسلامی عراق* (۱۳۶۴) واقعه تاریخی مهمی را که به «ثوره العشرتین» یا انقلاب ۱۹۲۰ م. نجف شهرت دارد به تصویر کشیده‌اند.

جویس آن. ویلی در کتاب *نهضت سیاسی شیعیان در عراق* (۱۳۷۲) با ذکر تاریخ عراق از فروپاشی عثمانی تا دهه پایانی حکومت صدام حسین، تلاش داشته تا روند نهضت‌های سیاسی شیعیان و ریشه‌های شکل‌گیری آن را نشان دهد و نیز تاریخچه‌ای از چگونگی شکل‌گیری «حزب الدعوه الاسلامیه» در عراق را تشریح می‌کند.

عبدالحلیم الرهیمی نیز در کتاب *تاریخ حرکت اسلامی در عراق* (۱۳۷۵) وقایع تاریخی عراق از سال ۱۹۰۰ تا ۱۹۲۴ م. را که در آن عراق با اشغالگری انگلیسی‌ها روبه‌رو شد، نشان می‌دهد. وی با بیان اتفاقاتی که در عراق در پی سیاست‌های دولت عثمانی رخ داد و مواجهه با استعمار انگلستان، تلاش می‌کند آن روند تاریخی‌ای را که به انقلاب ۱۹۲۰ م. نجف منجر شد به تصویر بکشد. همچنین صفاءالدین تبرائیان در مقاله‌ای تحت عنوان *قیام نجف علیه انگلیس* (۱۳۳۶ ه.ق / ۱۹۱۸ م.) و *تکوین «جمعیت نهضت اسلامی»* (۱۳۷۶) این موضوع را مورد توجه قرار داده است.

ولید حلّی نیز در مقاله *روزشمار انتفاضه شعبانیه* (۱۳۹۳) این واقعه مهم را که در سال ۱۹۹۰ م. علیه رژیم صدام اتفاق افتاد مورد بررسی قرار داده و ضمن نشان دادن نقش مهم آیت‌الله خوئی در آن، به ذکر عواملی که منجر به شکست این قیام گردید پرداخته است.

تورج افشون نیز در مقاله *حزب الدعوه و آمریکا: تعامل یا تقابل* (۱۳۹۵) به تاریخ حزب الدعوه پس از سقوط صدام در سال ۲۰۰۳ م. و شکل‌گیری جمهوری عراق و روند دموکراتیک تشکیل دولت پرداخته و چالش‌ها و وقایع رخ داده در زمان تصدی نوری المالکی بر مقام نخست‌وزیری را نشان می‌دهد و کیفیت رابطه دولت عراق و حزب الدعوه و افراد حاضر در آن را با ایالات متحده آمریکا شرح می‌دهد.

حاجی یوسفی و حسین زاده نیز در مقاله *شکندگی دولت و نابسامانی جامعه در عراق؛ بستری برای بحران امنیتی ظهور و گسترش داعش* (۱۳۹۷) تلاش نموده‌اند ریشه‌های اجتماعی و سیاسی‌ای را که از دل نظریه دولت‌شکننده استخراج شده و منجر به ظهور و قدرت‌گیری داعش در منطقه موصل گردیده است نشان دهند. عطاالله مقدم‌فر نیز در مقاله

بررسی دلایل ایجاد و تداوم بحران در عراق با تأکید بر پیشینه ظهور داعش (۱۳۹۷) با بررسی روندهای امنیتی در عراق کنونی و متغیرهایی چون سوابق تاریخی و تعارضات هویتی نظیر اختلافات میان اقوام، مذاهب و بافت‌های اجتماعی عراق در پی یافتن علل تداوم بحران‌ها و ناامنی‌ها در عراق کنونی است.

تاریخ جنبش‌های سیاسی شیعیان در عراق

عراق و جنگ جهانی اول:

آغاز جنگ جهانی اول را شاید بتواند نقطه آغاز حرکت سیاسی جنبش‌های سیاسی شیعی در عراق دانست. جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ م. با ترور نایب‌السلطنه اتریش-مجارستان و همسرش در سارایوو آغاز گردید و نتایجی چون نابودی نخبگان، امپراتوری‌ها و شیوه‌های سنتی زندگی را در پی داشت (تیلور، ۱۳۹۹؛ آرمستو؛ ۱۴۰۰). منطقه جنوب غرب آسیا نیز به دلایل مختلفی از جمله دخیل شدن امپراتوری عثمانی در قوای متحدین به یکی از میادین اصلی جنگ تبدیل شد. وضعیت این منطقه طی سال‌های قرن نوزدهم و بعدتر در قرن بیستم در رقابت با قدرت‌های غربی وضعیت مساعدی نبود (فرامکین، ۱۳۹۹: ۲۹-۳۱).

یکی از مناطقی که در خاورمیانه وقایع زیادی را در جریان جنگ جهانی اول پشت سرگذاشت عراق بود. پس از تسلط عثمانی بر عراق، به دلیل مسائلی چون نژاد عرب مردمان و وجود تعداد زیادی از شیعیان در آن، این سرزمین همواره از کمترین خدمات دولت عثمانی بی‌بهره بود. آغاز عصر تنظیمات و اصلاحاتی که در نیمه دوم قرن نوزدهم توسط مدحت پاشا در عثمانی و کمی بعدتر در عراق رخ داد موجی از نارضایتی‌ها را در این منطقه بوجود آورد و ارتباطات عراقی‌ها با ترکان عثمانی را که بیشتر رنگ مذهبی داشت رفته‌رفته کم‌رنگ ساخت (ویلی، ۱۳۷۲: ۲۹-۳۱).

قیام ۱۹۱۴ م. و انقلاب ۱۹۲۰ م. نجف

«در ششم نوامبر ۱۹۱۴ م. یک گردان از لشکر شانزدهم به فرماندهی ژنرال دلامین وارد بندر فاو شد و طی چند دقیقه پرچم انگلستان به جای پرچم عثمانی در نقاط مختلف آن به اهتزاز درآمد. این عمل نشانه صدور فرمان شروع عملیات نظامی در عراق بود. در بیست و سومین روز از ماه نوامبر انگلیسی‌ها بصره را نیز به اشغال خود در آوردند» (نفیسی، ۱۳۶۴: ۷۱). اشغال بصره احساسات و غرور عراقی‌ها را جریحه‌دار ساخت و به شکل‌گیری تحرکات و جنبش‌هایی در اقصی نقاط آن منجر شد. شکل‌گیری گروه‌هایی نظیر «حرس الاستقلال» در بصره که گروهی شیعی-سنی به حساب می‌آمدند و امثال سید محمد حسن الصدر از علمای مشهور در کاظمین و علی البازرگان از سنی‌های عثمانی عضو آن بودند نمونه‌ای از این خروش علیه انگلیسی‌ها به شمار می‌رفت. این مسئله با فتوای علمایی چون

آیت‌الله محمدتقی شیرازی نیز همراه شد و در آن به این موضوع اشاره گردید که هیچ‌کس جز مسلمانان حق ندارد بر مسلمانان حکومت کند (ویلی، ۱۳۷۲: ۳۳-۳۴).

افرادی نظیر مهدی الحیدری و آیت‌الله محمد سعید الحویبی و شیخ مهدی الخالصی جبهه‌هایی متشکل از مجاهدین بسیار را به‌دور خود گردآورده و اقدام به مقابله با قوای اشغالگر انگلیس به همراه ارتش عثمانی کردند، اما عدم آمادگی ترکان عثمانی در مقابله با انگلیسی‌ها موجب شکست عراقی‌ها در برابر آن‌ها در منطقه شعیبه شد که این موضوع با شکستن هیمنه شکست‌ناپذیری ارتش عثمانی همراه گردید و به اذعان نفیسی (۱۳۶۴) شرایط تمرد و عصیان و گریز از اقتدار دولت مرکزی عثمانی را در عراق پدید آورد. از سوی دیگر اجرای قانون خدمت اجباری سربازی و سخت‌گیری در اجرای آن، افزایش مالیات‌ها و بی‌حرمتی به مرقد مطهر حضرت علی (ع) در نجف، موجی عمیق از نارضایتی‌ها نسبت به دولت عثمانی را به وجود آورد و همین مسئله موجب قیام در نجف و سایر شهرهای شیعه‌نشین نظیر کربلا، کوفه و حلّه گردید که واحدهای نظامی و ادارات دولتی ترک از این شهرها اخراج شدند. حرکت شیعیان به اینجا محدود نشد و در قالب حملات غافلگیرانه به قوای اشغالگر انگلیس ادامه یافت. در این زمان انگلیسی‌ها که در پی تسخیر کامل عراق را در بودند، به بغداد حمله کردند و در سال ۱۹۱۶ م. آنجا را به تصرف خویش در آوردند. آن‌ها با ایجاد تفرقه در شهر نجف و دمیدن در آتش اختلافات کهنه عشیره‌ای مثل درگیری میان دو عشیره رقرت و شمرد و ایجاد چنددستگی‌ها، قیام مذکور را سرکوب کرده و فردی به نام حمید خان که از نوادگان آقاخان اسماعیلی از هند بود را روی کار آوردند. همچنین برای برقراری نظم از افراد قبیله‌ای سنی به نام شبانه استفاده کردند که رفتارهای این مأمورین، نارضایتی‌های زیادی را پدید آورد. تلاش‌های انگلیسی‌ها برای استقرار یک دولت تحت‌الحمایه به‌وسیله برگزاری رفراندوم در عراق در سال ۱۹۱۹ م. به صورت غیرمنتظره‌ای، با مقاومت شدید علمای شیعی نظیر آیت‌الله محمدتقی شیرازی مواجه شد و زمینه‌های ثوره العشرتین یا انقلاب ۱۹۲۰ م. نجف را در عراق فراهم نمود (تبرائیان، ۱۳۷۶؛ ویلی، ۱۳۷۲؛ نفیسی، ۱۳۶۴).

در رمضان ۱۳۳۸ ه.ق. (ژوئن ۱۹۲۰ م.) آیت‌الله شیرازی بیانیه‌ای کلی خطاب به عراقیان صادر نمود و خواستار استقلال عراق و برقراری حکومت اسلامی گردید (صادقی، ۱۳۵۸: ۵۴-۵۵). در پی صدور این پیام در شهرهای کربلا و حلّه مواجهه خونینی با نیروهای اشغالگر شکل گرفت و همین روند در کربلا تشدید یافت و اهالی مناطق مختلف عراق از جمله مناطق فرات توسط علما به ادای فریضه دفاع از حوزه دین و قیام علیه اشغالگران به واسطه نمایندگان علما دعوت شدند. همچنین علمای سایر شهرهای مذهبی نظیر کاظمین و بغداد نیز با این مسئله همراهی کرده و حرکات وحدت‌آمیزی بین شیعه و سنی، به تشویق مراجع شیعی به راه افتاد. پس از صدور فتوای آیت‌الله شیرازی بر وجوب مطالبه حقوق بر همه عراقی‌ها در ۲۹ ژوئن ۱۹۲۰ م. در منطقه المشخاب شروع انقلاب

اعلام گردید و سوم ژوئیه به عنوان تاریخ آغاز انقلاب در الرمیته مقرر شد. با شروع قیام در الرمیته خسارات زیادی به تجهیزات انگلیسی‌ها از جمله خطوط ارتباطی و راه‌آهن وارد گردید و افسران رابط انگلیس از بیشتر قصبات و روستاها اخراج شدند و به تدریج این حرکت کلیه شهرهای فرات مرکزی را در بر گرفت. در اوت ۱۹۲۰ م. آیت‌الله شیرازی وفات یافت و آیت‌الله شیخ‌الشریعه اصفهانی به جای وی اداره امور انقلاب را بر عهده گرفت. در اواخر اوت که انقلاب در اوج اقتدار بود از سوی انگلیسی‌ها نامه‌ای با محتوای پیشنهاد مذاکره ارسال شد که همین موجب دودستگی شدید میان انقلابیون گردید. دسته اول از جمله آیت‌الله شیخ‌الشریعه مخالف مذاکره اما امثال الجزیری و جواهری موافق آن بودند که جریان اول توفیق یافت. در نهایت فشار همه‌جانبه انگلستان و بهره‌گرفتن از کمک‌های هند و نیروی هوایی برای شناسایی، نجف محاصره شد و این محاصره در نهایت به یک آتش‌بس در ۲۰ نوامبر ۱۹۲۰ م. انجامید و بدین ترتیب به پایان ثوره العشرتین یا انقلاب ۱۹۲۰ م. نجف منجر شد (الرهمی، ۱۳۷۵: ۲۱۵-۲۲۱).

نهضت اسلامی شیعیان بعد از انقلاب ۱۹۲۰ م. نجف تا کودتای بعثی‌ها

ملک فیصل اول با کمک انگلیسی‌ها در ۱۹۲۱ م. به قدرت رسید. انگلیسی‌ها مقرر داشته بودند که تمامی اعضای کابینه باید با تأیید آن‌ها بر سر کار آیند. کابینه وی عاری از اعضای شیعی بود و ملک فیصل هاشمی می‌دانست که بدون شیعیان قادر به اداره امور نیست، از این رو شخصی به نام سید باقر احمد الحسنی را در جامعه شیعی برای حفظ ارتباط با ایشان تعیین کرد. از سوی قانون خدمت اجباری سربازی برای دستیابی به ارتش قوی هم نارضایتی شیعیان را در پی داشت. اما چیزی که در این برهه وجود داشت، کناره‌گیری علمای بزرگ نظیر آیت‌الله ابوالحسن اصفهانی از سیاست بود. اکثر علما به تدریس در حوزه‌های علمیه پرداخته و مشغول به حمایت از فقرا برای افزایش رفاه ایشان شدند. همچنین موج نوسازی وارد حوزه آموزش شد و استقبال مردم عراق را از مدارس نوین در پی داشت. گسترش سوادآموزی، فاصله‌گرفتن علما و جامعه از یکدیگر را در پی آورد و این، فرصت خوبی را برای احزاب کمونیست و ناسیونالیست‌های عرب پدید آورد که نسبت به جذب طرفدار برای خود اقدام نمایند. در این هنگام رابطه شیعیان و دولت عراق نیز نامساعد و اقدام دولت برای روی کار آوردن نخست‌وزیری شیعی برای جلب حمایت شیعیان موفقیت‌آمیز نبود. همچنین ناتوانی دولت هاشمی بر سر قضیه فلسطین، وجهه آن را بیش از پیش خدشه‌دار کرد. با درگذشت آیت‌الله اصفهانی در اواخر دهه ۱۹۴۰ م. و تبدیل شدن آیت‌الله بروجرودی به مرجعیت اعلای شیعیان در قم طی کنفرانسی که در قم ترتیب داده شد، بر مسئله عدم دخالت روحانیون در سیاست در آن زمان تأکید گردید (ویلی، ۱۳۷۲).

گسترش روزافزون کمونیسم علی‌الخصوص در مدارس و دانشگاه‌های نوین، علما و همین‌طور انگلیسی‌ها را به فکر انداخت و آن‌ها را به تقلا و ادار ساخت، به‌طوری‌که شیخ

محمد الخالصی که در پی انقلاب نجف توسط انگلیسی‌ها تبعید شده بود، به دلیل مواضع ضد کمونیستی‌ای که داشت، به نجف بازگردانده شد. از اواخر دهه ۱۹۵۰ م. با کودتاهای متعدد و روی کار آمدن نظامیان سوسیالیست و ناصریست روبه‌رو هستیم. ابتدا کودتای ۱۹۵۸ م. عبدالکریم قاسم و بعد سرکوب خشونت‌بار وی با کودتای ۱۹۶۳ م. عبدالسلام عارف رخ داد. در ۱۹۶۶ م. عارف در حادثه‌ای هوایی کشته شد و برادرش عبدالرحمن عارف روی کار آمد که وی نیز در ۱۹۶۸ م. در طی کودتای بعثی‌ها به‌وسیله حسن البکر و صدام حسین التکریتی سرنگون گردید. دولت عارف که سیاست‌های سوسیالیستی را در پی گرفته بود، پایگاهی میان شیعیان نداشت. گسترش کمونیسم طی دو دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ م. موجب شد آیت‌الله محمدباقر صدر برای مقابله با اشاعه آن، اقداماتی از قبیل تأسیس مدارس جدید، همچنین نفوذ در دانشگاه‌های عراق را انجام و گفتمان سیاسی اسلامی را در برابر گفتمان چپ سامان دهد. از سویی دولت عارف سیاست اصلاحات ارضی را پی گرفت که می‌توانست ضربه‌سختی بر بیکره جامعه شیعیان وارد آورد. سیاست‌هایی چون برابری زنان و مردان و ارث‌بردن زنان که مخالف سنت‌های رایج در عراق بود، خود موجی از مخالفت‌ها را در پی داشت و زمینه‌های شکل‌گیری «حزب الدعوه الاسلامیه» را پدید آورد. آیت‌الله صدر در مصاحبه‌ای اعلام کرد که «الدعوه» یعنی دعوت به اسلام و بازگشت روح اسلامی به حیات عراقی‌ها. تشکیل این حزب با مخالفت دولت روبه‌رو شد و در همین زمان آیت‌الله حکیم هم در جهت مقابله با چپ‌ها وارد شد و به مخالفت با سیاست‌های دولت پرداخت. در ۱۹۶۰ م. آیت‌الله بروجردی نیز با سیاست اصلاحات ارضی محمدرضا پهلوی به مخالفت برخاست و آن را مصداق بارز نقض مالکیت خصوصی افراد دانست که با اسلام منافات دارد. آیت‌الله بهبهانی نیز با این جریان هم صدا شد و همین بر حمایت بیشتر شیعیان از حزب الدعوه انجامید. همچنین تأکید علما بر مقوله عدالت اجتماعی به مثابه رکنی مهم در اسلام خود بر جذب اقشار جوان جامعه، اثرات مثبتی داشت. احزابی چون اخوان المسلمین و التحریر الاسلامی عراق نیز با نهضت الدعوه همراه شدند و اتحادی به نام حزب اسلامی در آوریل ۱۹۶۰ م. شکل گرفت. صدور فتوایی توسط شیخ مرتضی آل یاسین دایی محمدباقر صدر و میرزا مهدی شیرازی علیه کمونیسم، نظیر ارتداد و ممنوعیت معامله با آن‌ها، فشارهای زیادی بر دولت عارف وارد آورد که منجر به تسلیم وی در برابر خواسته‌های ایشان گردید.

در اینجا نیز مجدد شاهد بروز اختلافاتی بین علمای نجف هستیم که برخی از آن‌ها با اندیشه‌های محمدباقر صدر به مخالفت برخاستند. همچنین بر سر لزوم ادامه حضور علما در سیاست نیز تعارضات زیادی وجود داشت و برخی از علما قائل به کناره‌گیری بودند که منجر به بروز چنددستگی‌هایی در بین نهضت شیعیان گردید. از سویی اعلام غیرقانونی بودن حزب اسلامی توسط دولت در پی خواسته‌ها و فشارهای حزب بر دولت، انشعاباتی در آن پدید آورد. شاید همین مسئله را بتوان عامل مهمی دانست که بعثی‌ها در مقابله با دولت عارف نسبت به جریانات شیعی دست بالاتر را داشته باشند و موفق به سرنگونی آن در ۱۹۶۸ م.

گردند (ویلی، ۱۳۷۲؛ الرهیمی، ۱۳۷۵). در اینجا نیز شاهد حضور یک عامل خارج از مذهب یعنی کمونیسم هستیم که نقش مهمی در حضور علما در جریان‌های سیاسی ایفا نموده و نیروی لازم برای اتحاد میان گروه‌های شیعی و همجواری ایشان را پدید آورد. بلافاصله پس از توفیق در عقب‌نشاندن دولت عارف در اجرای سیاست‌هایش، شاهد بروز اختلاف میان مراجع در سیاست هستیم که به شکاف در نهضت منجر شد.

انتفاضه شعبانیه، سرنگونی صدام و روی کار آمدن دولت شیعی و ظهور داعش

با روی کار آمدن حسن البکر در ۱۹۶۸ م. دور جدیدی از فشارها علیه نهضت‌های سیاسی شیعی آغاز شد. در این دوره صدام حسین معاون رئیس‌جمهور و نفر اول دولت بود. همچنین به دلیل اختلافات عراق و ایران بر سر اروندرود، حسن البکر تلاش کرد تا علمایی چون آیت‌الله حکیم را به‌منظور بسیج افکار عمومی علیه شاه و دولت ایران با خود همراه کند، اما آیت‌الله حکیم با آن مخالفت کرد. فشارهای دولت بر شیعیان تشدید یافت. هم دانشگاه نجف بسته شد و هم محدودیت‌های شدیدی به‌منظور ورود زوار ایرانی اعمال شد. همین مسئله منجر به برگزاری یک راهپیمایی به‌وسیله اتومبیل از نجف به بغداد توسط آیت‌الله حکیم گردید. انتفاضه‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۹ ه.ق. (۱۹۷۷ م. و ۱۹۷۹ م.) توسط دولت سرکوب گردید. در ۱۹۷۹ م. آیت‌الله محمدباقر صدر به همراه خواهرش بنت‌الهدی صدر دستگیر شدند و هر دو در مارس ۱۹۷۹ م. اعدام گردیدند. در همین ایام بود که حسن البکر زندانی و مجبور به استعفا گردید و صدام قدرت را دست‌گرفت (ویلی، ۱۳۷۲).

حمله به ایران در دهه ۱۹۸۰ م. و بعدتر حمله به کویت در اوت ۱۹۹۰ م. به‌منظور دستیابی به ثروت عظیم کویت توسط صدام صورت گرفت. با این حال جامعه بین‌المللی نسبت به حمله به کویت واکنش نشان داده و نیروهای آمریکایی به نیروهای عراقی در کویت حمله نموده و آن‌ها را از مرزهای کویت عقب‌رانند. همین مسئله و فشار اقتصادی به عراق و نابودی زیرساخت‌های این کشور طی دو جنگ طولانی، نارضایتی عمومی را در برداشت. از این رو در مارس ۱۹۹۱ م. با شلیک یک توپ تانک توسط ارتشیان ناراضی ملحق شده به مردم، به تصویر صدام حسین در بصره، انتفاضه شعبانیه آغاز گردید و به تدریج شهرهای شیعه‌نشین بصره، ناصریه، کربلا، نجف و عماره را در برگرفت و کنترل آن به دست انقلابیون افتاد. کردها نیز از شمال قیام و کنترل این منطقه را از دست صدام خارج نمودند. ممنوعیت پرواز نیروهای عراقی طی آتش‌بس با آمریکایی‌ها نقش زیادی در توفیق انتفاضه در مراحل اولیه داشت. با این حال نقش عمده آیت‌الله خویی در این انتفاضه غیرقابل‌انکار بوده و عملاً ایشان رهبری این جنبش را به دست گرفتند، اما نیروهای صدام پس توافق با آمریکایی‌ها توانستند از برتری هوایی خود استفاده کنند و به سرکوب شدید انقلابیون بپردازند. در بیست و یکم شعبان با دستگیری آیت‌الله خویی عملاً انتفاضه شکست خورد. (قزوینی حائری، ۱۳۹۰: ۶۱-۵۰). ترس و وحشت مردم، نبود برنامه‌ریزی در انتفاضه، تخریب زیرساخت‌ها، کمک دولت‌ها به صدام و خیانت برخی گروه‌های سیاسی، مهم‌ترین عوامل شکست انتفاضه

شعبانیه تلقی می‌گردد. ایجاد چنددستگی‌ها به وسیله دستگاه‌های اطلاعاتی رژیم بعث هم نقش مهمی در سرکوب قیام داشت (حلی، ۱۳۹۳: ۱۱۷-۱۳۰).

فشار و سرکوب رژیم صدام علیه جنبش‌های شیعی تا زمان سرنگونی در سال ۲۰۰۳ م. در پی حمله آمریکایی‌ها به وی ادامه یافت. این حمله برق‌آسا که بدون موافقت شورای امنیت سازمان ملل و با همکاری انگلستان توسط آمریکایی‌ها صورت گرفت منجر به بروز تحولات زیادی در منطقه خاورمیانه و آینده کشور عراق از جمله ورود ساز و کارهای دموکراتیک در انتخاب مقامات کشوری و موج جدیدی از سلفی‌گری و ظهور گروه‌های تروریستی در این کشور گردید (بهمنش، ۱۳۹۷).

در سال ۲۰۰۵ م. و برگزاری انتخابات در عراق همه شاخه‌های حزب الدعوه در ائتلاف ملی و متحد عراق شرکت کرده و ابراهیم الجعفری به نخست‌وزیری رسید. برکناری رژیم صدام منجر به اتحاد گروه‌های عراقی در همان ابتدای کار گردید؛ اما پس از آنکه دولت شیعی قدرت را در دست گرفت، رفته‌رفته اختلافات بر سر مسائل مختلف آغاز گردید. در سال ۲۰۰۷ م. «حزب الدعوه-مقرالعالم» کنگره‌ای عمومی برگزار کرد و اساسنامه خود را تغییر داد و سیستم دبیرکلی جایگزین حالت شورایی شده و نوری المالکی دبیرکل حزب گردید که با مخالفت الجعفری روبه‌رو و به استعفای وی انجامید. از آن سوی گروه‌های دیگری نظیر مجلس اعلای عراق توسط خاندان حکیم و جریان صدر به رهبری مقتدی صدر شکل گرفت که هریک در انتخابات‌های مختلف شرکت داشتند و با یکدیگر ائتلافاتی را تشکیل می‌دادند، اما این ائتلاف‌ها پایدار نبود. نخست‌وزیری مالکی و برخی سیاست‌هایش، ناتوانی وی در مواجهه با آمریکایی‌ها و همچنین عدم توانایی در مقابله با تروریست‌ها، موجی از مخالفت‌ها را علیه وی برانگیخت. همچنین دولت مالکی، از همراه ساختن کردها و سنی‌های عراق با خود ناکام ماند. این مسائل موجب شد که با خروج تدریجی نیروهای آمریکایی از عراق در سال ۲۰۱۱ م.، دولت عراق نتواند استیلای تام و حاکمیت تمام بر سرزمین خود را حفظ نماید و ظهور داعش از سال ۲۰۱۴ م. قدرت دولت را نابود نماید (افشون، ۱۳۹۵: ۷۳-۱۱۴؛ حاجی‌یوسفی و حسین‌زاده، ۱۳۹۷: ۳۵-۶۷).

«داعش را می‌توان مولود نامبارک تهاجم نظامی ارتش آمریکا و انگلیس به عراق نامید که با شکار مبارزه با آمریکا تلاش کرد بـا دامن زدن به تبلیغات دروغیـن مذهبی و مظلوم‌نمایی، به عنوان جایگزین نیروهای اشغالگر آمریکایی در عراق به آمل خود مشروعیت و تأسیس دولت به اصطلاح اسلامی شام و عراق را رسمیت بخشد» (مرادی حقیقی و ملکوتیان، ۱۳۹۸). در همان ابتدا داعش به سرعت توانست مناطق وسیعی از شمال عراق از جمله سامرا، نینوا و موصل را به تسخیر خویش در آورد. دولت عراق نیز در این مواجهه با یک سردرگمی روبه‌رو گردید تا اینکه در جلسه‌ای دولت عراق لزوم تشکیل نیروی بسیج مردمی یا حشدالشعبی را اعلام کرد و در پی آن در خرداد ۱۳۹۳ ه.ش. (۱۳ ژوئن ۲۰۱۴) فتوای آیت‌الله سیستانی مرجعیت اعلای عراق در مبارزه با داعش و واجب کفایی بودن این

مبارزه صادر شد. همچنین سایر نیروهای عراقی نظیر جنبش النجباء، اصائب اهل الحق، سرايا السلام وابسته به جریان صدر، سپاه بدر و... همگی در جهت مبارزه با داعش بسیج شدند. در اینجا مجدد نقش نیروی خارجی داعش و همین‌طور ورود مرجعیت اعلا در مواجهه با این بحران موجب اتحاد گروه‌ها و جنبش‌های مختلف شیعی گردید. پس از مهار خطر داعش در اتحاد گروه‌های مختلف شیعی با کمک ایران، و روی کار آمدن دولت عادل عبدالمهدی مجدد زمینه‌های بروز شکاف بین گروه‌های مختلف عراقی پدید آمد. اعتراضات در اکتبر ۲۰۱۹ م. آغاز گردید. مهم‌ترین محورهای اعتراضات فساد گسترده و ناکارآمدی دولت اعلام گردید، همچنین ادعای مداخله ایران در عراق نیز مطرح شد. این حرکت که در قالب اعتراضات، اعتصابات، تحصن و... ادامه یافت و سرانجام پس از زد و خورد میان نیروهای امنیتی عراق و معترضان و کشته شدن ۴۴ نفر با استعفای عادل عبدالمهدی خاتمه یافت. جنبش مذکور به «ثوره التشرین» مشهور گشت. با استعفای عادل عبدالمهدی، هادی الکاظمی روی کار آمد. نقش جریان صدر به رهبری مقتدی صدر در این ماجرا بسیار پررنگ بود. همچنین دعوت به آرامش مردم عراق و لزوم پاسخ‌گویی دولت به مردم که توسط آیت‌الله سیستانی مطرح گردید در حل این بحران نقشی عظیمی ایفا کرد.

مدل تحلیلی الگوی رفتاری جنبش‌های سیاسی شیعیان در عراق

برای درک بهتر الگوی رفتاری جنبش‌های سیاسی شیعی در عراق بهتر است به مفهوم «Other» یا دیگری و نقش مهم آن در الگو و شیوه رفتاری این کنشگران اشاره نمود. بسیاری از صاحب‌نظران عرصه علوم اجتماعی نظیر ماکیاولی و مونتسکیو، به ضرورت وجود دشمن یا عاملی خارجی در جهت وحدت و انسجام ملی و درونی توجه نموده‌اند. آن‌چنان‌که احمدی (۱۳۹۳) اشاره می‌کند، نهضت‌های اسلامی در دوران معاصر «دیگری» خود را نه در میان حکام و امرای محلی بلکه در جهان غرب و عوامل وابسته به آن جست‌وجو می‌کنند. (احمدی، ۱۳۹۳: ۲۶) به نظر می‌رسد کشور عراق و جنبش‌های سیاسی شیعی در عراق از این قاعده مستثنی نیستند. برای تبیین بهتر موضوع تلاش می‌گردد با وام‌گرفتن مفاهیم فرایند شکاف (فیژن^۱) و فرایند همجوشی (فیوژن^۲) از علم فیزیک با عنایت به سیر تاریخی و کنش‌ها و واکنش‌های بازیگران جنبش‌های سیاسی شیعی در عراق به یک مدل استعاری برای ترسیم الگوی رفتاری این کنشگران در عصر حاضر دست‌یافت.

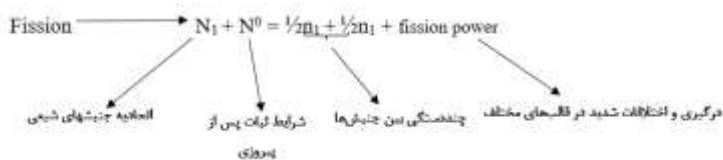
شکافت هسته‌ای یا فیژن هنگامی اتفاق می‌افتد که نوترون با هسته برخی از اتم‌های سنگین برخورد می‌کند. این فرایند باعث می‌شود که هسته اصلی به دو یا چند عنصر نامساوی تقسیم شود. بیشتر انرژی شکاف به انرژی جنبشی تبدیل می‌گردد. وقتی هسته‌ای با عدد اتمی

¹ Fission

² Fusion

زیاد شکافته شود، بر پایه فرمول انیشتین، مقداری از جرم آن به شکل انرژی جنبشی آزاد می‌گردد. در مقابل شکاف فرایند همجوشی یا فیوژن قرار دارد. این موضوع به این دلیل است که جرم هسته تولیدی کمتر از جرم دو هسته‌ای است که باهم ترکیب شده‌اند؛ به این معنا که بخشی از جرم به انرژی تبدیل شده است. انرژی تولید شده ناشی از هم‌جوشی بسیار زیاد بوده به نحوی که آن را در قالب پلاسما کنترل می‌کنند. در فرایند هم‌جوشی هسته‌ای، هسته‌های سبک مانند هیدروژن، دوتریوم و تریتیوم با یکدیگر جوش داده می‌شوند و هسته‌های سنگین‌تر و مقداری انرژی تولید می‌شود.

در حالت شکاف متغیر کنشگران یا اتحادیه جنبش‌های سیاسی شیعی (N₁) در شرایط ترکیب با متغیر شرایط ثبات حاصله پس از پیروزی (N⁰) دچار چنددستگی شده و ساختار وحدت‌آمیز نهضت سیاسی شیعیان از بین رفته (1/2n₁ + 1/2n₁) و درگیری و اختلافات شدیدی (fission power) میان این جنبش‌های سیاسی ایجاد می‌گردد؛ بنابراین همان‌طور که گفته شده جنبش‌های سیاسی شیعی در عراق در حالت طبیعی در وضعیت فیژنی یا شکاف قرار دارند.



*فرمول الگوی رفتاری جنبش‌های سیاسی شیعیان عراق در حالت فیژنی یا

اما این تنها حالت پایدار الگوی رفتاری این جنبش‌ها نیست. به نظر می‌رسد حالت دومی نیز در برابر وضعیت شکاف یا فیژنی وجود دارد که همانا حالت همجوشی یا فیوژنی است. هم‌جوشی هسته‌ای فرایند ترکیب دو هسته سبک‌تر به یک هسته پایدار و سنگین‌تر است. در این حالت مقدار زیادی انرژی نیز آزاد می‌شود. انرژی تولید شده ناشی از هم‌جوشی بسیار زیاد است. در فرایند هم‌جوشی هسته‌ای، هسته‌های سبک مانند هیدروژن، دوتریوم و تریتیوم با یکدیگر جوش داده می‌شوند و هسته‌های سنگین‌تر و مقداری انرژی تولید می‌شود. فرآیندهای همجوشی به سوخت و یک محیط با دمای مشخص، فشار و ابعاد کافی نیاز دارند تا بتوانند پلاسمایی ایجاد کنند که در آن همجوشی انجام شود. به نظر می‌رسد مدل رفتاری جنبش‌های اسلامی شیعی در عراق (N₁, N₂, ...) که در حالت طبیعی از هم گسسته بوده و در حالت فیژنی یا شکاف به سر می‌برند، در وضعیتی که شرایط لازم یا متغیرهای مداخله‌گری چون فشار عامل خارج از دایره مذهب تشیع و پیروان آن و فشارهای داخلی ناشی از اجرای قوانین سخت‌گیرانه نسبت به خدمت اجباری، سختی معیشتی و عواملی از این دست

(SFC)¹، در کنار نقش آفرینی مرجعیت اعلای شیعیان وجود داشته باشد (FP)، نیروی لازم را به منظور همجواری گروه‌ها و جنبش‌های مختلف برای مبارزه به منظور تغییر وضع موجود فراهم می‌آورد.



***فرمول الگوی رفتاری جنبش‌های سیاسی شیعیان عراق در حالت**

چنان‌که پیش‌تر در ذکر تاریخ نهضت سیاسی شیعیان در عراق از ۱۹۱۴ م. تا عصر حاضر اشاره گردید، حضور عامل خارجی و تهدید آن علیه حاکمیت عراق همواره موجب خروش جنبش‌های شیعی در این کشور گردیده است. در سال ۱۹۱۴ م. اشغال بصره توسط انگلیسی‌ها و تلاش برای تسخیر تمامی خاک عراق نخستین نهضت‌های سیاسی را در این کشور بوجود آورد. جنبش‌هایی همچون «حرس الاستقلال» که به بحث لزوم مقابله با حکومت غیرمسلمانان بر مسلمانان تأکید داشتند نمونه‌ای از آن به شما می‌رود. از سوی دیگر با توجه به ساختار فرقه‌ای و گروهی عراقی‌ها و حضور عشیره‌ها و قبایل مختلف در ساخت اجتماعی آن، مذهب شیعه ظرفیت مهمی در اتحاد ایشان به شمار می‌رود؛ اما باز هم فرقه‌گرایی حاکمه بر ساخت اجتماعی عراق امکان اتحاد در ذیل بیرق مذهب را ناممکن می‌ساخت. از این رو نقش آفرینی مرجعیت اعلای شیعیان در حوادث مختلف و مقابله با بحران‌های سیاسی انکارناپذیر است. حضور مهدی الحیدری و ورود آیت‌الله محمد سعید الحبوبی در سال ۱۹۱۴ م. در شکل‌گیری جبهه مجاهدین علیه اشغالگران غیرقابل انکار است. همان‌طور که ویلی (۱۳۷۲) اشاره کرده است آیت‌الله الحبوبی به هر شهری که سفر می‌کرد عده زیادی به حرکت وی برای مقابله با انگلیسی‌ها ملحق می‌شدند. همین موضوع باعث شکل‌گیری سه جبهه مختلف به منظور مقابله با اشغالگران توسط آیت‌الله الحیدری، الحبوبی و شیخ محمد الخالصبی گردید. از سوی دیگر در همین برهه زمانی فشارهای وارده از سوی دولت عثمانی و اجرای قوانینی چون خدمت اجباری سربازی و افزایش مالیات‌ها که رفاه عراقی‌ها را تحت الشعاع قرار می‌داد موجب ورود علما و شکل‌گیری حرکتی برای بیرون‌راندن عاملان حکومت عثمانی از شهرهای مختلفی چون کربلا، حله و نجف گردید؛ بنابراین شرایط محیطی متأثر از فشار نیروی خارجی انگلستان یا فشار داخلی نیروهای داخلی موجب اتحاد گروه‌های مختلف شیعی در کنار هم گردید و وضعیت رفتاری آن‌ها را طبق

¹ Suitable environmental conditions

الگوی مذکور در حالت فیوژنی یا همجوشی قرار داد. در جریان انقلاب ۱۹۲۰ م. نجف انگلستان که پس از تسخیر بغداد کنترل تمامی عراق را در دست گرفته بود و ابتدا با وعده حکومت موقت خویش توانسته بود شیعیان و علما را راضی نماید، با برگزاری رفراندوم ۱۹۱۹ م. و آشکار شدن نیاتش مبنی بر تسلط کامل بر عراق با مخالفت علما و شیعیان در عراق روبه‌رو گردید. از سویی ورود آیت‌الله محمدتقی شیرازی باعث اتحاد گروه‌های مختلف شیعیان شده که در نهایت در سال ۱۹۲۰ م. به انقلاب نجف یا ثورة العشرتین انجامید. فتوای آیت‌الله شیرازی مبنی بر وجوب جهاد علیه اشغالگران عامل مهمی جهت بسیج مردم عراق علیه انگلیسی‌ها بود و علمای دیگری چون آیت‌الله کاشانی و حکیم را با خود به‌منظور مقابله با دشمنان و جهاد، با این حرکت انقلابی متحد و همراه ساخت و حالت همجوشی را بوجود آورد. پس از ۱۹۲۰ م. و روی کار آمدن ملک فیصل اول و کودتاهای مختلف در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ م. و کناره‌گیری علما از سیاست در کنار آموزش نوین و تلاش برای جایگزینی آن به جای آموزش سنتی و حوزوی شاهد گسترش و نفوذ کمونیسم و ناسیونالیسم عرب در اقصای مختلف عراقی خصوصاً جوانان و دانشگاهیان هستیم که موج جدیدی از مبارزات شیعیان علیه وضع نامطلوب موجود در عراق بوجود آورد. ورود امثال آیت‌الله محمدباقر صدر و سایر علمای برجسته به این موضوع در دهه ۱۹۶۰ با اتحاد مجدد شیعیان و گروه‌های مختلف همراه شد و موجب وارد آمدن فشارهای بسیار بر دولت عبدالسلام عارف گردیده و وی را در انجام اصلاحاتش متوقف ساخت و مرحله جدیدی در تاریخ این نهضت‌های سیاسی بوجود آورد.

در جریان انتفاضة شعبانیه و پیش از آن در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ م. علیه دولت بعثی و حکومت دیکتاتوری صدام حسین که فشارها و سرکوب شدید شیعیان در کنار فراهم آمدن شرایط محیطی مناسب مانند ضعف دولت بعثی در پی شکست در جریان حمله به کویت، وضعیت بد معیشتی عراقی‌ها در پی جنگ‌های متعدد و ضعف زیرساختی، بار دیگر شاهد اتحاد و همجوشی گروه‌های متحد شیعی با ورود علمای شیعی و مرجعیت اعلی یعنی آیت‌الله خوئی به ماجرا هستیم که حرکت انتفاضة شعبانیه به راه افتاد. در جریان شکل‌گیری گروه تروریستی-تکفیری داعش و گسترش قدرت آن به شهرهایی چون سامرا و نینوا و موصل، این عامل خارج از مذهب شیعه، به اتحاد احزاب و گروه‌های مختلف شیعیان با یکدیگر منجر شد و با ورود مرجعیت اعلای عراق یعنی آیت‌الله سیستانی به ماجرا و صدور فتوای ایشان مبنی بر جهاد علیه داعش به شکل‌گیری «الحشد الشعبی» و بسیج مردمی عراق انجامید و در نهایت در کنار سایر عوامل، موجب توفیق یافتن آن‌ها بر بحران داعش شد که این دوره اوج همجوشی و رفتار فیوژنی نهضت‌های سیاسی شیعیان در عراق به حساب می‌آید. از سوی دیگر در دوره‌های ثبات و پساپیروزی، عوامل زیادی، همجوشی و اتحاد این جنبش‌ها را از بین برده و رفتار آن‌ها را در حالت شکاف یا فیژنی قرار می‌دهد. مهم‌ترین نیروهایی که منجر به این شکاف می‌شوند را می‌توان اختلافات عشیره‌ای، اختلاف نظرهای

سیاسی، در خطر قرار گرفتن معیشت و رفاه عمومی ذکر کرد. ماهیت فرقه‌گرایانه ساخت اجتماعی عراق همواره تعدد گروه‌های سیاسی در این کشور را در برداشته و باعث عدم استمرار نهضت سیاسی شیعیان در عراق گردیده است و وضعیت طبیعی‌ای را شکل داده که در آن همواره، جنبش‌های سیاسی در حالت شکاف یا رفتار فیژنی قرار گیرند. در جریان‌ات سال ۱۹۱۴ م. و قیام علیه اشغالگران که با در دست گرفتن حکومت شهرهای مذهبی همراه شد اختلافات شدید میان چند تن از عشیره‌های ساکن در شهر به درگیری‌های خونینی انجامید که باعث کشته‌شدن تعداد زیادی در جریان این اختلافات گردید. همچنین کم‌رنگ شدن نقش علمای اعلا، در سیاست پس از پیروزی و هم‌زمان با آن محاصره شهر نجف منجر به سخت شدن اوضاع معیشت مردم گردیده و در نهایت با شکاف‌های شکل گرفته میان اقشار مختلف مردم این حرکت از هم فروپاشید. پس از تسلط انقلابیون و مجاهدین شیعی در انقلاب ۱۹۲۰ م. نجف تا زمان وفات آیت‌الله محمدتقی شیرازی شاهد همجوشی اقشار مختلف شیعی در این حرکت هستیم؛ اما پس از وفات وی اختلافاتی بین علمای شیعی بوجود آمد که مهم‌ترین آن‌ها مذاکره یا عدم مذاکره با انگلیسی‌ها بود که همین دودستگی در کنار محاصره مجدد نجف توسط نیروهای انگلیسی و حملات سنگین با ابزارهای پیشرفته‌تر نظامی، در جهت فروپاشی اتحاد و شکاف و در نهایت تسلیم مجاهدین در مقابل انگلیسی‌ها پس از پنج ماه، نقش مهمی را به همراه داشت. در جریان مقابله با کمونیست‌ها و ناسیونالیست‌های عرب و سیاست‌های سوسیالیستی و سنت شکنانه دولت عبدالسلام عارف در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ م.، دوری گزیدن علما از سیاست اثر مهمی در شکاف و واگرایی جنبش‌های سیاسی شیعی گذارد که در نهایت گسترش عقاید مذکور را در سطح جامعه عراق به همراه داشت. کمی بعد از حرکت آیت‌الله محمدباقر صدر برای مقابله با این جریان‌ات، وی توسط برخی علمای نجف به داشتن عقاید مشرکانه متهم گردید که اختلافات زیادی را بین گروه‌های مختلف شیعی بوجود آورد و الگوی رفتاری ایشان را در حالت شکاف مجدد یا فیژن قرار داد. در انتفاضة شعبانیه در ۱۹۹۱ م. نیز پس از توفیق مجاهدین در به دست گرفتن کنترل شهرهای عراق سرکوب شدید نظامی و استفاده ارتش بعثی از نیروی هوایی و همچنین بروز اختلافات و چنددستگی میان علما و دست‌اندرکاران این جنبش، شکاف را در میان ایشان بوجود آورد و حرکت به شکست انجامید. پس از ظهور داعش در عراق و شکل‌گیری بحران این گروه تروریستی اختلافات شدید عراقی‌ها بر سر دولت نوری المالکی، و ناتوانی ایشان در برقراری امنیت، فساد و ناکارآمدی بسیار، در کنار عدم نقش‌آفرینی مرجعیت اعلا عراق در سیاست و جریان‌ات مخالف دولت نظیر جریان مقتدی صدر، شاهد عمق شکاف بین گروه‌ها و احزاب سیاسی شیعی در عراق هستیم که این رفتار فیژنی یا شکاف‌آلود منجر به ضعف اقتدار دولت مرکزی شده و بحران داعش آسیب‌های فراوانی را به عراق وارد آورد. پس از سرنگونی حکومت داعش و بازگشت ثبات به عراق، مجدد اختلافات و شکاف‌هایی که با ظهور داعش و مقابله با آن تبدیل به همجوشی شده بود

سر باز کرد و در جریانات سال ۲۰۱۹ م. که در اعتراض به فساد و ناکارآمدی دولت از یک سوی و همچنین اعتراض به مداخلات کشورهای خارجی در عراق از سوی دیگر شکل گرفته بود، منجر به ورود آیت‌الله سیستانی به مسئله و استعفای دولت عادل عبدالمهدی گردد. بنابراین، الگوی رفتاری نهضت سیاسی شیعیان در عراق را می‌توان آمیخته‌ای از وضعیت فیژنی یا شکاف در حالت طبیعی و ثبات در برابر وضعیت فیژنی یا همجوشی برای مقابله با بحران‌های مختلف تلقی نمود.

نتیجه‌گیری

پس از وقوع جنگ جهانی اول و شکل‌گیری اولین حرکات گروه‌ها و جنبش‌های سیاسی شیعی در عراق، شاهد بروز دوره‌های مختلفی از بحران در این کشور هستیم که یا دارای ریشه‌های بیرونی مانند استعمار انگلستان بوده و یا ریشه‌های داخلی مانند دیکتاتوری صدام داشته‌اند. جنبش‌های سیاسی شیعی در مواجهه با این بحران‌ها همواره از الگوی رفتاری خاصی پیروی کرده‌اند.

پس از وقوع جنگ جهانی اول و شکل‌گیری اولین حرکات گروه‌ها و جنبش‌های سیاسی شیعی در عراق، شاهد بروز دوره‌های مختلفی از بحران در این کشور هستیم که یا دارای ریشه‌های بیرونی مانند استعمار انگلستان بوده و یا ریشه‌های داخلی مانند دیکتاتوری صدام داشته‌اند. جنبش‌های سیاسی شیعی در مواجهه با این بحران‌ها همواره از الگوی رفتاری خاصی پیروی کرده‌اند.

در این مقاله با مراجعه به تاریخ این جنبش‌ها تلاش گردید تا همسانی‌های رفتاری آن‌ها در برهه‌های مختلف تاریخی کشف گردیده و الگویی از رفتار آن‌ها ارائه گردد. در وضعیت ثبات و در حالت طبیعی این جنبش‌ها در حالت عدم یکپارچگی و شکاف قرار داشته که در کنار عواملی همچون کناره‌گیری علما از سیاست، اختلافات عشیره‌ای و فرقه‌ای، مسائل مربوط به رفاه اقتصادی و معیشت عمومی این جنبش‌ها را در حالت واگرایی از یکدیگر قرار داده و الگوی رفتار فیژنی یا شکاف را در بین آن‌ها برقرار ساخته است. بالعکس در حالت مواجهه با بحران خارجی یا داخلی و با ورود مرجعیت اعلای شیعیان به ماجرا در جهت حل بحران و مقابله با تهدیدات، الگوی رفتاری این جنبش‌ها در حالت فیژنی یا همجوشی قرار می‌گیرد که نقش مهمی در توفیق آن‌ها، جهت مقابله با بحران‌ها ایفا می‌کند؛ بنابراین چرخه‌ای از الگوی رفتاری فیژنی یا شکاف و الگوی رفتاری فیژنی یا همجوشی در این جنبش‌ها به چشم می‌خورد که با خود، عدم به‌ثمر رسیدن نهضت اسلامی شیعیان در عراق، بی‌ثباتی سیاسی دائمی و ظهور و بروز بحران‌های دائمی در این کشور را در پی دارد. در نتیجه پیروی از چنین الگویی همواره ترکیبی از جنگ داخلی، بی‌ثباتی، شکست دولت و ضعف نیروهای مدنی در عراق وجود داشته که مانع دستیابی این کشور به اهداف بالاتری نظیر توسعه، حکمرانی خوبی، رفاه و بهروزی عمومی و... شده است. آن چه که برای

استمرار و جلوگیری از نابودی این جنبش‌ها وجود دارد، لزوم اتحاد حول محور رهبری واحد با هدفی مشخص و بلندمدت است. این درحالی است که در اکثر جنبش‌های اسلامی شیعیان عراق شاهد وجود چنین مواردی نیستیم و عمر این جنبش‌ها بلافاصله پس از نابودی وضع نامطلوب ناشی حضور عامل خارجی نظیر نیروهای بیگانه، گروه‌های تروریستی-تکفیری و نظم پیشین به پایان می‌رسد و عملاً برنامه‌ای توسط آن‌ها برای شکل دادن به نظم جدید ارائه نمی‌گردد. پس اتحاد این جنبش‌ها برای تغییر و وجود آمدن نوعی انسجام در عراق نیازمند رهبری واحدی است که می‌تواند یک شخص یا یک شورا باشد. عدم کناره‌گیری علمای شیعی و پیشوایان فکری جنبش پس از پیروزی، سازمان‌یافتگی بیشتر جنبش‌ها در میان اقشار مختلف جامعه عراق، وجود برنامه‌ای مدون و مورد توافق و ترسیم اهداف بلندمدت و از همه مهمتر تدوین میثاق‌نامه‌ای پیش از شروع حرکت و ترسیم روابط قدرت در دوران موفقیت در حل بحران، مجموعه عواملی هستند که می‌توانند مانع از فروپاشی سریع جنبش پس از پیروزی و ماه عسل انقلابی شوند و بر تداوم آن بیفزایند. همچنین عوامل خارجی که از آن‌ها نام برده شد می‌تواند به انسجام و اتحاد هر چه بیشتر جنبش‌ها و ملت عراق کمک نماید و توانایی آن‌ها را در مقابله با این عوامل خارجی افزایش دهد.

منابع

- آرمستو، فیلیپه فرناندس (۱۴۰۰). تاریخ جهان، ترجمه: شهریانو منصوری، تهران: نشر ققنوس.
- احمدی، حمید (۱۳۹۳). سیر تحول جنبش‌های اسلامی از نهضت سلفیه سید جمال تا بیداری اسلامی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- افشون، تورج (۱۳۹۵). حزب الدعوه و آمریکا؛ تعامل یا تقابل. مجله مطالعات راهبردی جهان اسلام، ۶۸ (۱۷)، صص: ۷۳-۱۱۴.
- برینتون، کرین (۱۳۹۰). کالبدشکافی چهار انقلاب، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر زریاب.
- بهمنش، حسین (۱۳۹۷). بررسی زمینه‌های جامعه‌شناختی شکل‌گیری و قدرت‌یابی گروه سلفی-تکفیری داعش در عراق (۲۰۱۴-۲۰۰۳)، فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، ۱۴ (۷)، صص: ۶۱-۸۳.
- تبرائیان، صفالدین (۱۳۷۶). قیام نجف علیه انگلیس (۱۳۳۶ ه.ق. ۱۹۱۸ م.) و تکوین «جمعیت نهضت اسلامی». تاریخ معاصر ایران، ۱ (۱)، صص: ۹-۴۹.
- تیلور، آلن جان پرسبیوال (۱۳۹۹). جنگ جهانی اول، ترجمه: بهرام فرداد امینی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

- حاجی حسینی، امیرمحمد، حسین‌زاده، علیرضا (۱۳۹۷). شکنندگی دولت و نابسامانی جامعه در عراق؛ بستری برای بحران امنیتی ظهور و گسترش داعش. مجله آفاق امنیت، ۳۸ (۱۱)، صص: ۳۵-۶۷.
- حائری قزوینی، سید یاسر (۱۳۹۰). نجف و انتفاضة شعبانیه ۱۹۹۱ میلادی. مجله فرهنگ زیارت، ۶ (۳)، صص: ۵۰-۶۱.
- حلی، ولید (۱۳۹۳). روزشمار انتفاضة شعبانیه، ترجمه: محمد حسین خوشنویس، فرهنگ زیارت، ۲۱ (۵)، صص: ۱۱۷-۱۳۰.
- الرهیمی، عبدالحلم (۱۳۷۵). تاریخ حرکت اسلامی در عراق، ترجمه: محمد نبی ابراهیمی، تهران: حوزه هنری تبلیغات اسلامی.
- ستوده، محمد، بدرآبادی، همت (۱۳۹۷). بررسی ابعاد بی‌ثباتی سیاسی در عراق جدید: نقش گروه‌های خصوصی و عمومی در خشونت‌های قومی-مذهبی. مجله علوم سیاسی (باقرالعلوم)، ۸۴ (۲۱)، صص: ۶۴-۹۲.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۳۵۸). انقلاب اسلامی ۱۹۲۰ م. عراق و نقش علمای مجاهد در آن، قم: انتشارات دارالفکر.
- عوض‌زاده، مجید (۱۴۰۱). همجوشی هسته‌ای به زبان ساده، پایگاه فرادرس، <https://blog.faradars.org>.
- فرامکین، دیوید (۱۳۹۹). صلحی که همه صلح‌ها را بر باد داد، ترجمه: حسن افشار، تهران: نشر ماهی.
- گلدستون، جک (۱۳۹۲). مطالعات نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها، ترجمه: محمدتقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر.
- مرادی حقیقی، فائزه، ملکوتیان، مصطفی (۱۳۹۸). «نقش آمریکا در شکل‌گیری گروه تکفیری دولت اسلامی عراق و شام (داعش)». فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، ۱۶، صص: ۷-۳۶، <https://www.doi.org/20.1001.1.23225645.1398.8.2.1.9>.
- مقدم‌فر، عطالله (۱۳۹۷). بررسی دلایل ایجاد و تداوم بحران در عراق با تأکید بر پیشینه ظهور داعش. مجله سیاست دفاعی، ۱۰۲ (۲۶)، صص: ۱۳۹-۱۶۷.
- نفیس، عبدالله فهد (۱۳۶۴). نهضت شیعیان در انقلاب اسلامی عراق عراق، ترجمه: کاظم چایچیان، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
- ویلی، جوئیس آن (۱۳۷۲). نهضت سیاسی شیعیان در عراق، ترجمه: مهوش غلامی، تهران: انتشارات اطلاعات.

Oakeshott, M. (1967). Rationalism in politics and other essays, London: Methuen.